UNIVERSAL
LIBRARY
OU_228308
UNIVERSAL
LIBRARY

(عـدد) کتبخانه (عـدد)
۱۷ ۱۷

تاریخ مختصر افغانستان

۱۹۰۴ — ۱۹۰۵

جلد پنجم

مترجمش بزبان فارسی

محمود طرزی

این کتاب غیر ازینکه وقوعات حربیه را که از آغاز اعلان حرب تا بوقت امضا شدن معاهدهٔ صلح با تفصیلات تمام جامع میباشد احوال جغرافیه و تاریخیه و ایسنا تستیکیه و سیاسیهٔ هر دو دولت محاربه را نیز باتمام تفصیلاتش بیان میکند.

در دارالسلطنهٔ کابل در مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت بزیور طبع آراسته گردید

سنه ۱۳۳۶

CHECKED 1956

دستهٔ کشتیهای جنگی دوم روس در بحر محیط

در ختام سنهٔ ۱۹۰۳ وابتدای سنهٔ ۱۹۰۴ ، حکومت روس برای محافظهٔ موازنت قوای بحریهٔ خود در اقصای شرق (اوسلی یاپیا) ، و (اورورا)، و (ویمتر ی دونسقوی) نام کشتیهای زرهپوش خودرا باچند کشتئی مخرب طوربیدو در زیر قوماندائی قونترامیرال (ویره نیوس) سپرده ازبحر (بالتیك) بسوی اقصای شرق روانه کرده بود.

امیرال (ویره نیوس) به بسیار سنگینی و آرامی که گویاسستی وکاهلئی قوهٔ بحریهٔ روس را برهمه مردمان زیاده تر اثبات نماید بسیروسیاحت آغازنهاد ، و از نتیجهٔ این سستی وکاهلئی خود ، دوکرو وازوری که دولت ژاپان از دولت ایتالیا خریداری کرده، وبواسطهٔ طایفه‌های انگلیز بسوی ژاپونیاسوق شده بود از پیش روی خودفرصت گذشتن راباداد ، وبه اینسبب خطای بسیار بزرگی ارتکاب ورزید .

لزوم ، واهمیت واصل شدن این لوی غند بحریهٔ روس در بحر محیط کبیر پیشتر ازرسیدن این دوکروواوزورژاپانی یك امرظاهرو آشکاری بود. وخیلی ضرور بود که امیرال (ویره نیوس) نمیگذاشت که کروواوزورهای مذکوراز پیش او سلامت درگذرد . ومیبایست که طوربیدوها، وزرهپوش (دونسقوی) را عقب گذاشته تنها با کشتیهای (اوسلی یاپیا)، و (اورورا) بسرعت بسیار بزرگی برفتار خود دوام میورزید . حالا آنکه امیرال روس این قوت وجسارت را مالك نبود .

و بامیرلهای کوتاه کوتاه ، وقدمهای آهسته آهسته بر رفتار خود افزوده در (۱۶) فبروری به (جیبوتی) واصل شده . ودر نجا به اواز (پترسبورگ) امر رسیده که بازپس به بحر (بالتیك) عودت کنند .

این قوهٔ بحریه وقتیکه به بندرگاه (قرونشتاد) برگشت ، تخم فرستادن یك دسته کشتی جنگی دیگری را به بحر محیط سبز نموده . چونکه لازم بودن فرستاده شدن قوای امدادیه بدار الحرب روز بروز تشدد میکرد . وهم بسرعت وزودئی که ممکن باشد این قوهٔ امدادیه باید فرستاده شود . زیرا ژاپانها بنا گهان بر (پورآرتور) هجوم برده قوهٔ بحریهٔ روس را دوچار خسارت نموده ، ودر تماس اول یك نتیجهٔ مسعودهٔ حاصل نکرده بود . پس لازم وضرور است که حکومت روس سراز نو قوهٔ امدادیه بفرستد ، و در بحر یك حاکمیت متفوقی بدست آرد ، وجبیرهٔ مافات نماید .

حالا آنکه رجال بحریهٔ روس در خصوص تشکیل دادن یك دسته کشتیهای جدید از حد زیاده بمشکلات دوچار آمدند . کشتیهای که در دستگاههای کشتی سازئی خود داشتند یا بسیار پیر و فرسوده بودند ، یا بسیار طفل نارسیده . چهار قطعه زرهپوشی که طرز ساخت آنها به پروگرام بحریهٔ ژاپان موافقت میکرد هنوز حاضر نشده بودند . چونکه در روسیه یك چیزی که به بسیار سستی و آرامی اجرا می شود آنهم امور بحریه است . غیر ازین چار زرهپوش ، سه زرهپوش دیگر که محتاج تعمیرات وانشاآت مخصوصه بودند ، ویکچند کروازور ، وبقدر ده مخرب طوربیدو بدست موجود بود .

یك بحریه که در سال (۳۰۰،۰۰۰) ملیون (بودجه) - یعنی میزان دخل وخرج - را مالك باشد اینقدر موجودات نسبت به آن حقیقتاً خیلی جزویست . این بی اقتدارئی روسیه در عدد کشتیها ازین بود که قسم اعظم وچه بحریهٔ شان در راه احتیاجات

حقیقیهٔ قوهٔ بحریه صرف نمیشد بلکه در راه بعضی احتمالات واهیه استعمال میگردید.

دولت روس در قوای بحریهٔ خود اصول (تقسیم عمل) را مانند دولت فرانسه تطبیق کرده بود که به این صورت بسی کشتیها را مالك بود. مثلا یك دسته (کشتی بحر آزاد) یك دسته (کشتی مدافعهٔ بحر بالتیك)، یك دسته (کشتی بحر سیاه) بدست داشتند. هیچ کمبودی نداشتند. تنها همین یك کمبودی را داشتند که مالك چنان یك دسته کشتی نبودند که در هر جائیکه بخواهند اثبات وجود و لیاقت بتوانند!!!

(کشتی مدافعهٔ بالتیك) بقدر (۱۱) قطعه زرهپوش را مالك بود که با آنها یك خرمن سفاین طوربیدو نیز موجود بود. این طوربیدوها برای سفرهای دور و دراز هیچ یك شرایطی را حایز نبودند.

دولت روس با وجودیکه از ژاپانها دو بار زیاده تر طوربیدو را مالك بودند باز هم (۱۱) مخرب طوربیدو کشیده توانسته بودند که از این (۱۱) عدد تنها (۹) عدد آن به بحر محیط کبیر واصل شده بود.

تا به تمام شدن زرهپوشهای نوبتاخیر حرکت کشتی دوم بحر محیط کبیر مجبوریت دیده شد. و تا این زرهپوشها تمام میشدد را قصای شرق (پورآرتور) را ژاپانها براً و بحراً در زیر محاصره گرفته بودند. محصورین قلعه بسببی که تول غندهای بری روس که در (مانچوری) بودند از مغلوبیت بمغلوبیت گرفتار می آمدند امید امداد معاونت بجز از طرف بحر از دیگر طرف نداشتند. اما چه چاره که این امید محصورین بیچاره نیز بیهوده و رایگان میرفت. زیرا هر نقطه بحریکه بر (پورآرتور) محیط بود عطف نظر استمداد میکردند بغیر از کشتیهای «ظفر دولت» «شمس طالع» بدیگر چیزی تصادف نمیکردند!

مسئلهٔ متنازع فیها که عبارت از بردن یك دستهٔ کشتی بزرگی را از بحر

(بالتیك) به بحر (محیط کبیر) بود جداً بمشکلات عظیمهٔ معروض گردیده بود . .

به این مأموریت مهم امیرال (روژه ست وه نسکی) مقرر شده بود . امیرال مذکور برین راه وسفر دور ودراز که عبارت از (۱۲۰۰۰) میل است هیچ یك اس الحرکات را مالك نبود . ودر اثنای انچنین یك سیاحت عظیم ، هم با دشمن و هم با دولتهای بیطرف بدست و گریبان شدن مجبور بود که به این سبب علی الاکثر در سواحل آزاد و باز لنگر انداخته می توانست .

غیر ازین به تنظیم دادن حرکات یك قافلهٔ بزرگی که از واپورهای داك مرکب بود و برای رسانیدن ارزاق و زغال کشتی ها مأمور بودند نیز مجبور بود . موانع درین راه آنقدر بسیار بود که اکثر مردمان گمان میکردند که این دستهٔ کشتی دوم اصلا حرکت کرده نخواهد توانست . مع هذا بر خلاف همه گمانها این دستهٔ کشتی بزرگ در — (۱۳) اوکتوبر از میان آوازهٔ تحسینها و شاباشهای یك جم غفیری بسوی انصای شرق از بندرگاه (قرو نشتاد) تحریك چرخ عزیمت نمود .

صورت ترکیب دستهٔ کشتی دران زمان از قرار ذیل بود :

(۷) قطعه زرهپوش .

(۲) قطعه کروواز و رزرهپوش .

(٤) قطعه کروواز و ز محفظه دار .

(۷) قطعه مخرب طورپیدو .

ویکچند سفینهٔ نقلیه که ترتیبات کشتی سازی را حائز بود .

در اثنای راه به این کشتی یك سفینهٔ خسته خانه ، و کروواز و رهای معاون واز داوطلب بعضی واپورها التحاق نمود .

کروواز و رهای محافظه دار (اوله غ) و (ایزومروت) بادو قطعه کروواز و ر معاون وپنج قطعه طورپیدو در (۱۵) نومبر از (لیباو) حرکت کرده توا

نستند که این مفرزه درروز (١٤)هم ماه فبروری در (ماداغشقار) به دستهٔ بزرگ کشتی ملاقی گردید . تنها (٣) طوربیدو به سببی که به بعضی خسارات در راه دوچارشده بودند دربحر سفید ماندند .

کشتی (روژه ست ونسکی) هشت روز بعداز حرکت خودبه واقعهٔ مؤلمهٔ (هول) تصادف نمود که اینواقعه چنان یك نزاکت واهمیتی راحائز بود که کمانده بود در مابین دولت (بریتانیای بزرگ) و(روسیهٔ بزرگ) یك حرب بزرگی را نتیجه بدهد . اما بدلالت خیرخواهانه ومنصفانهٔ حکومت (فرانسه) حادثهٔ مذکوره بسهولت برطرف گردید .

مع هذا ، وقعهٔ مذکوره چون دراول قدم حرکت کشتی بظهور آمد برای آیندهٔ بسیار تیره ومظلم دستهٔ بزرگ کشتی روس یك فال خیرو واقبالی شمرده نشد . علی الخصوص از یحادثهٔ غریب ومشئوم امیرال (روژه نست و نسکی) که ذاتاً خیلی عصبی المزاج بودبدرجهٔ متأثر گردیدکه بیمارشد .

بناءً علیه درحق صورت ظهور این حادثه ، وکیفیت رفع وازالهٔ آن تفصیلات ذیل را مینگاریم :

﴿ حادثهٔ (هول) ﴾

دستهٔ بزرگ کشتی روس که درزیر قوماندانئ امیرال (روژه نست ونسکی) در شب (٢٢) اوکتوبر سنهٔ ١٩٠٤ بندرگاه (شاکن) را ترك کرده بود در (بحر شمال) درموقعیکه به (دوکه ربانق) معروفست یك دسته کشتیهای ماهیگیری انکلیز که به بندرگاه (هول) منسوب بودتصادف نمود .

سفاین حربیهٔ روس برکشتی های ماهیگیری مذکور آتش کشاده یکی از انهارا غرق ، ودونفررا مجروح ، و(٢٠) آدم رامجروح ساخت .

بمجردیکه این حادثه به انگلتره عکس نمود، یك هیجان و شورش عظیمی بحصول آورد؛ مطبوعات و اهالی سریعاً یك تضمینات یعنی تاوان بسیار مهمی طلب نمودند. سفیر دولت روس قونت (بکندروف) که درلندن بود ازطرف یك قسم اهالی لندن علناً تحقیر کرده شد.

حکومت انگلتره در جهٔ شدت هیجان واقع را بنظر دقت گرفته، و یگانه خط حرکت خود را تابع حسیات عمومیه ساخته تهدید آمیز یك طوروو ضیعتی اتخاذ نمود.

در (۲۴) اوکتوبر لورد (لاندسوون) درنزد حکومت روسیه در بنباب تشبثات اجرا نمود، وفهمانید که موقع ایمسئله به تأخیر و امهال متحمل نیست.

جناب قرال (ادوارد) دریك تلگرافنامه ئیکه بمدیر بلدیهٔ (هول) نشیده بود این حادثه را باین عبارت که: (یك حرکتیست که معذرت قبول نمیکند.) توصیف کرده بود.

رئیس وکلا موسیو (بالفورد) در نطقی که درقارهٔ عوام برخواند بیان کرد که: (بعد ازچنین تجاوز بزرگ، امپراطوروس بی آنکه دوچار اندیشه بشود، وتو بیخ وتکدیر کرده شود، ومجازات به بیند احتمال دوام کردن سفر آنرا رد میکنم.)

جناب (زار روس) به قرال (ادوارد) تأسفات خودرا باتلگراف بیان نمود، ووعدهٔ کرد که بمجردیکه اسباب وشرایط حادثه معلوم شود مکمل وطما نیت بخش تضمینات عطا خواهد نمود. حالآنکه این تلگرافنامه حسیات نفرت وعداوتکارئی حریجویانهٔ که ازیکسر تادیگرسرهمه مملکت انگلستان را استیلا کرده بود تسکین نمود.

خلاصه درروز (۲۶) اوکتوبر دولت انگلیز به تدارکات جدیهٔ حربیه آغاز

نهاد، وبه عموم کشتی های خودکه در (بحرمانش) و (بحرسفید) و بحرهای دا خلی داشت برای حاضرئی سفر حرب اوامر قطعی فرستاد.

در (۲۷)م ماه درباب وقایعیکه درانثنای مرور کشتیها از بحرشمال جریان یافته بود ازطرف امیرال (روژه ستوونسکی) بجناب حشمتمآب (زار) یك راپوری به تلگراف رسید. امیرال مذکور درین راپورخود حادثه را چنین بیان کرده بود:

(قوهٔ بحریهٔ روس درانثنائیکه برراه خوددوام داشت، درشب تارکشتئی پیشدار کشتیهای جنگی دوچار تعرض دوطوربیدوی مجهولیکه چراغهایش خاموش بود گردید. لهذابرطوربیدوهای مذکوراسر آتش داده شد. هیچ کشتئی حرب درچنین حال ووضعیت اگرچه درزمان صلح هم باشد بجزهمین طرز حرکت ه کشتی روس کرده دیگرطورحرکت نمیتواند.»

این راپور امیرال روس که از (ویغو) کشیده شده بود ازطرف مطبوعات انگلیز قبول نگردید. موسیو (بالفور) اینسخن امیرال را به تعبیر (خلیای محض) توصیف نمود.

دولت (فرانس) که از آغاز این بحران سیاسی درمابین این دوطرف برای تسهیل ائتلاف از اظهار فعالیت خالی نبود توسط ومداخله نموده اختلاف واقع یکقدری سکونت پذیرشد، ونتایج وخیمهٔ ان راه وقوع آن خیلی محتمل بود تایکدرجه جلوگیری کرد.

جناب (زار) حواله شدن مسئلهٔ منازع فیهارا درداخل شرایطی که معاهده نامهٔ (لاهی) تعیین کرده است بیك (کومیسیون) تحقیقاتیکه بین الملل تشکیل بیاید تکلیف نمود.

دولت انکلستان این تکلیف را قبول کرد. بنابرین بحران مذکور درنهایت

اوکتوبر بتمامها سکونت پذیر گردید . قومیسیون یعنی (کمیشن) تحقیقات بین الملل در (۲۰)م دسمبر سنهٔ (۱۹۰۵) در (پاریس) اجتماع نمود .

مرخصهائیکه از طرف دولت (روس) درین قومیسیون مأمور شده ، معلم حقوق دار الفنون (پترسبورگ) بارون (طونه) ، وامیرال (قارنوقوف) ومستشار سفارتخانه پاریس اوقونت (نقلودوف) بودند . مرخصهای دولت (انگلیز) امیرال (بومون) وموسیو (اوبارنه) بود . از طرف دولت (امریکا) امیرال (داوی) ، و ز طرف دولت (فرانس) امیرال (فورنیه) مرخص شده اجتماع کردند .

در انعقاد نخستین رسمئی که در (۲۲)م ماه منعقد گردید بنابر فقرهٔ اول معاهده نامهٔ (صلح لاهی) این چار امیرال ، یك مرخص پنجمین دیگر نیز انتخاب باید میکردند . لهذا به اتحاد آرا از بحریهٔ دولت (اوستریا) امیرال (شپون) را قبول کردند .

ریاست قومیسیون را به امیرال (فورنیه) حواله کردند . مذاکرات علنی اجرا گردید . والحاصل بعد از قیل وقالهای بسیاری که اجرا گردید نتیجهٔ کار ، وقرار بر یك مسئلهٔ قطعی المفادی قرار نیافته بحصول یك نتیجهٔ که موجب ممنونیت هردو طرف باشد فیصله پذیر گردید .

اینست مسئلهٔ حادثهٔ (هول) که بیان گردید . حالا ما باز دستهٔ کشتی دوم بحر محیط روس عقب گیری کرده به بینیم که کجا میرود ، وچه میکند ؟

وقتیکه کشتی روس (طنجه) را ترك کرده براه افتاد بر دو قسم تقسیم گردید : (۵) قطعه زرهپوش نو ، وگرووازورهای زرهپوش بصورتیکه قطعهٔ (افریقا) را از دماغهٔ امید گردش کند راه غرب را پیش گرفت . (۲) قطعه زرهپوش کهنه وگرووازورهای محفظه دار ، وطورپیدوها برای گذشتن از (قنال سویس) راه

(بحر سفید) را گرفتند . این هردو قول در (۹)م جنوری در (نوسی به) باهم یکجا شدند .

امیرال (روژه ست ونسکی) در یکجا حوادث سقوط (پور آرتور) ومحو شدن دستهٔ کشتی نخستین بحر محیط را شنید . خبر فلاکت آور این مصیبت، وضعیت حرکت اورا سراسر تبدیل نمود .

(روژه ست ونسکی) اگر تنها بسر خود در مقابل دسته های کشتی (ژاپان) رود، هیچ شبهه نیست که بیك گردابی محقق زوال ره پیمای عدم شده میرود . اگر در (لیباو) بحاضری وتدارك یك دسته کشتی سوم بکمال کرمی وفعالیت پرداخته نمیشد این دسته کشتی دوم بهمه حال واپس خواسته میشد .

ذاتاً از بسیار وقتها مطبوعات روس از فرستاده شدن جمله سفاین حربیهٔ روس را به اقصای شرق بحنها میراندند . مطبوعات مذکوره بیان میکردند که برای پس بدست آوردن حاکمیت بحریه را در اقصای شرق باید از هیچگونه فداکاری روگردانی نشود .

اما افکار عمومیه به این نشریات واقعهٔ مطبوعات بتمامها اشتراك نمیورزید و میگفتند که دولت روس همهٔ قوای بحریهٔ خودرا به اقصای شرق فرستاده نمی تواند چونکه اگر چنین بکند بحر (بالتیك) خودرا خالی میکند . وممکنست که درچنین وقت عجز وضعف اودیگر یك دولت فرصت طلب اوروپائی او بعضی سواحل اورا بربابد .

والحاصل بهمه حال فرستادن یك دسته کشتی جنگی دیگر بمعاونت دستهٔ کشتی (روژه ست ونسکی) قرار گیر گردید . زیرا برای محافظه کردن خودرا از هجوم یك دشمن موهوم مخیل ، دیده ودانسته لکد کوب یك دشمن موجود مجسم شدن شایان حیرت یك حرکتی بود .

بناءً علیه نظارت بحریهٔ روس به جریان افکار عمومیه تابع شده تجهیز و تسلیح یك دستهٔ کشتی سومین را امر نموده امیرال (نه بوغانوف) با این دسته کشتی (۳) وم که مرکب از (۵) قطعه سفینه حربیه بوددر (۱۵) م فبروری از (لیباو) حرکت نمود.

حالا در باب حقوق جنگ کنندگان و بیطرفان یکقدری بحث راندن از فایده خالی نیست :

حقوق محاربین و بیطرفها

حرکت نول غند کشتی دوم بحر محیط بسوی آبهای اقصای شرق در مابین دولت های بیطرف موجب خیلی قیل و قال بزرگی گردیده بود بناءً علیه در یحا در باب محاربین یعنی با همدیگر جنگ کنندگان، و غیر محاربین یعنی بیطرفان یك چند سخن گفتن لازم می آید :

در زمانهای سابق، چون یکبار در مابین دو حکومت مخاصمات آغاز مینهاد طرفین محارب هرگونه قواعد حقوقیه و مدنیه را از حکم ساقط پنداشته بمقابل همدیگر خود بکمال شدت و وحشت حرکت میکردند. و در دار الحرب هیچ خصوصیت و حق را نمیشناختند. حالا آنکه در تمام دوام مدت حرب بسی حقوق و منافعی، و جود است که محاربین بر تجاوز کردن آن حق و صلاحیت ندارند.

حربهای این زمانرا از حربهای زمانهای پیش چیزیکه تفریق میکند همینست که به این حقوق و منافع رعایت میشود و تمایلات انسانیتپرورانه نشان داده میشود. مع هذا در سالهای اول این عصر بیستم میلادی این رعایت و تمایلات هنوز بدرجهٔ مطلوب نرسیده است.

قواعد مخصوصهٔ که در مابین حکومتهای متمدن در باب حقوق محاربین قبول شده است از یکدیگر کم و بیش فرق دارد. مثلا از طرف ارکان حربیه عمومیهٔ المانیا اثریکه در باب (حقوق محاربین در حرب بری) نشر شده است در اول

صفحهٔ آن این قواعد بنظر دقت بر میخورد :

« مقصد از حرب تنها این نیست که قوت های محاربهٔ دشمنرا ، و قلعه های آنرا محو نکنند ، نی بلکه بالجمله منابع مادی و معنوئی مملکت اورا تخریب و افنا کردنست . ملاحظات انسانیت پرورانه یعنی اشخاص و املاك و اموال ان اشخاص را غرضدار نشدن انوقت داخل حساب میشود که به طبیعت و مقصد حرب ایراث ضرر نکنند . »

مارشال (مولتکه) در حق این بحث چنین میگوید :

« حرب ، تنها عبارت از محو کردن قوای عسکریهٔ دشمن نی بلکه قوهٔ مالیه شمندوفرها ، و اسباب تعیش ، و همه منابع ثروت اورا حتی حیثیت ، و شرف ، و اعتبار حکومت دشمنرا نیز بمحو و افنا کردن جواز میدهد . »

اثری که ارکان حربیهٔ عمومیهٔ (برلین) نشر کرده است اساساً بر سه قسم جدا شده است :

قسم اول : معامله در حق تول غند دشمن ؛

قسم دوم : معامله در حق اهالی و ممالك دشمن ؛

قسم سوم : معامله با حکومتهای بیطرف .

کسانیکه بالفعل در ذیل محاربین داخلست اینها ست :

اولا : رئوسای حکومت و ناظرها ، که اگر برتبهٔ عسکری باشند یا نباشند ؛

ثانیا : تول غند موظف ؛

ثالثا : قطعات غیر منتظم — یعنی ابله جاری — ؛

والحاصل این اثر مکمل در باب معامله هریك ازین اقسام تفصیلات مکمله بیان میکند که همه مباحث انرا در ینجا ذکر و بیان کردن امکان گنجایش ندارد اما بعضی قواعد اساسیه را که تول غندهای المان برعایت کردن احکام ان مجبور

گرفته شده اند در نجا بدرج کردن آنرا اکتفا مینمائیم :

۱ — اسلحه وتشبثات غیرمشروعه :

در چشمه ها ، وچاهها ، وارزاق خوردنی ، وغیره زهر آمیختن ؛ به سرایت وتوسع دادن مرضهای سارى مدد کردن ؛ بلاسبب اهالی را کشتن ؛ کله هائیکه موجب محنت ها و مشقتها شود استعمال کردن ؛ اسیران ومجروحان را کشتن ؛ محاربینی که تسلیم شدن بخواهند آنهارا تلف کردن ؛ دردارالحرب های اورو پا از قطعات غیرمدنی استفاده کردن ، اینست که همهٔ اینگونه وسایط وحرکات درشمار اسلحهٔ غیر مشروعه وتشبثات خائنانه داخلست .

۲ — محاصره ها وبو مباردمانها :

اولا ، قلعه وموضعهای مستحکم درزیر محاصره گرفته شده بران بوم بار دمان اجرا میتوانند شد .

ثانیاً ، شهرهای غیر مستحکم ، وده ها ، وخانه های منفرد که ازطرف دشمن اشغال شده باشد ، ویاوقتیکه دشمن ازان استفاده بکند محاصره وبوم بار دمان میتواند شد ، هاجمین بی آنکه بدشمنی که درچنین محلها النجا برده باشند خبر بدهند یکسر برانها هجوم برده وآنهارا درزیر آتش طوپ گرفته میتوانند . وقتیکه بریك شهر مستحکم بومباردمان میشود هاجمین بلاتفریق بر استحکامها وابنیهٔ خصوصیه به آتش کردن صلاحیتدار هستند درچنین احوال هیچ جا مانند معابد دینیه مکتبها ، کتبخانه ها ، موزه خانه ها ، تیاترها وغیره ها جمین را از آتش کردن منع نمیتوانند . مع هذا اگر ازچنین اماکن مهمه و خصوصیه بدانند که یك ضرر وزیانی به اونمیرسد آنجاهارا درخارج دایرهٔ آتش خود داشتن هاجمین آزاداست . اهالیئیکه دریك قلعه باشند خواه از خود آن قلعه باشند وخواه بیگانه درحق همهٔ آنها یکسان معامله میشود .

۳— دسایس حربیه ومال گریزانیدن :

اونیفورمه ، یعنی لباس رسمی عسکر دشمنرا پوشیدن ، ودشمنرا به آن صورت بازی دادن یك حال غیرمشروع شمرده میشود . امافراد عسکریهٔ دشمنرا بخود مایل ساختن ، وبرای آنها تخواه وبخشش دادن ، وامثال خائنانه وفراری های شانرا قبول کردن جائزاست .

٤ — دراردوها مأمورین مطبوعات :

در وقت حاضر بنابر وظیفهٔ مهمه که عالم مطبوعات ایفامیکند . مأمورین مطبوعات را درداراالحربها قبول کردن جائزنیست . مع هذا درائنای محاربه مأمورین مطبوعات را بیك نظامنامهٔ عسکری تابع باید داشت . وبرای مخبرنی حرب آنچنان مرد مانی را قبول باید کرد که شرف وحیثیت ، وذکاودرایت ، وتربیه ونزاکت شان مسلم باشد .

این مخابرین مطبوعات خواه دوست ،وخواه بیگانه باشد، چون درقرارگاه عمومی قبول شوند برای رعایت کردن این پنج فقرهٔ ذیل بشرف وحیثیت شان سوگند داده میشود :

اولا : در باب قوت، ووضعیت ، وحرکات قطعات عسکریه هیچ چیزی شایع نکنند ، ودرباب بیتها ومقاصد سرقوماندان نیزحرف واحد نشرننمایند . امادربعضی اوقات به اذن واجازهٔ ارکان حربیهٔ تول غند. این ممنوعیت برای مخابرین مطبوعات رفع وزایل شدن جائزاست .

ثانیاً — چون بجواریك قطعهٔ عسکری برسند هماندم به نزد قوماندان آن قطعهٔ عسکری رفته در باب اقامت خود درانجا اذن واجازه طلب میکنند ، و اگربنابر بعضی اسباب عسکری اذن اقامت به اودرانجاداده نشودهماندم بلاتأخیربر میگردد .

ثالثاً : اوراق رسمیهٔ که به آن اثبات هویت خود شانرا بتوانند درنزد خود داشته میباشند . وبمجردیکه اثبات هویت‌شان مطلوب شود هماندم آن اوراق رابمامورین معاینه نشان میدهند .

رابعاً : دفتر مخابرات ، ومالزمهٔ سفریهٔ شان ، دایمابه قوماندانهای قطعهٔ که دران هستند معلوم باید بود .

خامساً : به اوامر واشعاراتی که ازطرف افسریکه درمابین قرارگاه عمومی ومخابرین مطبوعات مأموراست حرف بحرف اطاعت وپیروی مینمایند .

مخابرهای ملی ویااجنبی که درباب احوال وحرکات قول‌غند هرزه درایی کرده نشر حوادث نمایندهما ندم ازقرارگاه اخراج میشوند . واگر بیشتر ازان جرات ورزند بحضور یك دیوان حرب جلب ومحاکمه میشوند .

اخبارنگارانی که هیچ مساعدهٔ رسمیه استحصال نکرده باشند ، وبقطعات عسکریه رفاقت کنند ، واز هرگونه معاینهٔ عسکریه خارج مانده باشند ، آنها را بیك شدت بیرحمانه از قطعات عسکریه میرانند ، وبه آن گونه اشخاص به نظر اشخاص مهلکه ومضره دیده میشود .

آمدیم برحقوق ووظایف بیطرفها :

یك حکومت بیطرف بهیچگونه مالزمهٔ حربیه بیکی ازمخاصمین معاونت کرده نمیتواند . دیگر اینکه تا ازدستش بیاید تبعهٔ خودرا ازمیل ومحبت بیك طرف منع کردن نیز ازوظیفه های حکومت بیطرفست .

(مالزمهٔ حربیه) یك تعبیریست که بسیارچیزهارا دربرمیگیرد . لهذا این مسئله در اول امر موجب بسی اختلافات بزرگی شده است . مثلا پیسه الزم ترین عنصر مالزمهٔ حربیه را تشکیل میدهد آیا تبعه ورعایای یك حکومت بی

طرف را از اعانه یکی از محاربین چسان منع کردن ممکن میشود ؟

یك بانکری که تابع یکدولت بیطرفی باشد هرگاه بیك دولت محارب پسه قرض بدهد او را ازین آرزوی او که منع کرده میتواند؟ چونکه این یك حالیست که آنرا نه حقوق دول اصلاح و تعدیل میتوانند و نه از انسبب یك حکومت مسئول میشود .

اما اگر اینمسئله قرض دادن تبعهٔ آن دولت به تشویق و تحریك خود آن دولت بوقوع آید مسئول شدن آن لازمست

آمدیم بر دیگر مواد مالزمهٔ حربیه :

اولا اسلحهٔ حربیه مانند طوپ، تفنگ شمشیر، وجبه خانه وغیره

ثانیاً : مواد ابتدائیه که برای ساختن مالزمهٔ حربیه بکار است مانند (کوکرد ، شوره ، پوست وغیره غیره)

ثالثاً : اسپها ، وقاطرها ومانند ذالك .

رابعاً : ملبوسات، وتجهیزات ، مثلاهر جنس اونیفورمه ،موزه وبوط و آلات ، وادوات اردوگاه ، لوقوموتیفها یعنی انجنهای ریل، اوتوموبیلها، وه لوسیپیدها ، اسباب تلگراف و تلفون وغیره ازاسبابهای کریزئی حرب شمرده میشود .

اما این یك را نیز فراموش نکنیم که یك قسم مهم این مواد برای احتیاجات بیتیه وصلحیهٔ انسان نیز لازمست . لهذا از نظریات آن انحراف ورزیده در تطبیقات آن از قرار ذیل بحرکت کردن مجبوریت دیده میشود .

— اولا، حدوعطای ارزاق، وحیوانات جاندار، ومأکولات وغیره مخل بیطرفی شمرده میشود .

— ثانیاً ، ازطرف تبعه یك حکومت بیطرف هرگاه بقصد صرف تجارت یك مقدار جزوی کریزئی، مالزمهٔ حرب تدارك شود بازهم بیطرفی را خلل نمی

رساند. اما اگر مقدار بسیاری از مالزمهٔ حربیه تدارك شود در انوقت معلوم میشود که حکومت آن تبعه آن را حمایت میکند.

ارکان حربیهٔ (برلین) این را قبول میکنند که قافله های زخمیها و بیمارها از مما لك یك حکومت بیطرف بگذرد. اما گذشتن قافله های اسیرا را قبول نمیکنند.

این یك امر اشکاریست که یك حربی که در مابین دول معظمه بوقوع آید بمعاملات تجاریهٔ آن دولت خیلی ضررها میرساند. چونکه هرگاه شاخ یك درخت را ببریم دیگر شاخی که در پهلوی آنست هیچ یك المی حس نمیکند، و درخت به قرار سابق محافظه حیات خود را میکند چونکه رابطه و نسبت اجزای فردیه ئیکه در مابین نباتاتست خیلی محدود میباشد. اما اگر دست یك انسان را ببریم تنها نه اینکه اعضای دیگر آن یك عذاب الیمی حس بکنند احتمال تلف شدن همهٔ وجود هم موجود است. زیرا بسبب جملهٔ عصبیهٔ که حیوانات دارند در مابین اجزای فردیه شان یك ارتباط و مناسبت بسیار بزرگی موجود است. وچون بعضی از تجیرات بدنیهٔ آن مختل شود در دیگران نیز تأثیر مضرت آن دیده میشود.

لهذا بسبب ارتباطات و اتصالات مکملهٔ سریعه ئیکه در وقت حاضر مابین دولتها و مملکتهای متمدنه موجود است، و امنیت و اعتبار، و مناسبات و معاملاتی که در جمعیت انسانیه وسعت گرفته است مشابه حوادث و علایمیکه جملهٔ عصبیه اظهار میکنند بعضی احوالها بظهور میآورد.

پیش از ین هرگاه در یك حکومتی اغتشاشات محاربه ظهور میکرد بدیگران هیچ ضرری نمیرسانید؛ حالا آنکه در اینوقت چنین نیست. مثلا صد سال پیش از ین اگر یك حادثهٔ در ژاپونیا بوقوع میآمد بعد از هشت نه ماه در اوروپا شنیده میشد و آنهم بگوش بسیار کم مردمان میرسید، و کم مردمان از ان آگاه میشدند. حالا آنکه در امروزه روز یك حادثهٔ که در ژاپونیا بوقوع آید دو سه ساعت بعد از

شرق تاغرب خاص وعام هرکس آن رامیشنوند، وهمه عالم از ان باخبر میگردند.

یك پاریسی، باوجودیکه باژاپانها هیچ یك علاقه ومناسبتی نداشته باشند باز هم ازسبب بعضی اخذ وعطای تجارت کم وبیش متضررشدن شان بی اشتباه هست.

هرآنقدرکه وسایط نقلیهٔ واتصالیه، واعتبار تجارت وسعت وتزاید کیرد درمیان اقوام موجوده ارتباط ومناسبات نیز تزاید مینماید. این حقیقت بمجرد آغاز کردن (محاربهٔ روس وژاپان) بتمامها ظاهر گردید. چونکه بمجردیکه حوادث حرب شنیده شد در (بورسهٔ) لندن یك هیجان بزرگی بوقوع آمد. اسهام انگلیز بیك صورت بسیار مدهشی تنزل نمود. درروزهای بسیاربدترین جنگ (ترانسوال) نیز ایچنین تنزل وقوع نیافته بود. درظرف ۲۴ ساعت اهالی انگلیز بقدریکچندصد ملیون غایب کردند.

در (بورسهٔ پاریس) نیز همچنین حال هیجان بوقوع آمد. درظرف یك روز درواردات فرانسه (۸۷۵) ملیون زیان بوقوع آمد. چونکه فرانسویان تقریباً (۸) ملیارد فرانگ اسهام روس راحامل بودند. بسبب شکست خوردن روسها این اسهام از قیمت اصلیهٔ شان یکبار تنزل نمود. وتنها اینمسئله درپاریس ولندن منحصر نماند، بلکه هر مملکت نسبت بحال وشان خود ازان تأثیر عمومی حصه دار گردید.

پس دیده میشود که درین عصر حاضر درهرگوشهٔ دنیاکه یك بی انتظامی ظهور نماید نادیگر طرفهای دنیاباوجودیکه هیچ مناسبت درمابین شان نباشد سرایتها وتأثیرهای عجیب وغریبی پیدا میکنند.

درخصوص بیطرفی محاربات بحریه از محاربات بریه بیشتر اجرای تأثیر میکند. چونکه محل جریان حرکات بحریه دروقت صلح طریق مشترك تجارت

همهٔ حکومتهاست ، وبمجردیکه اعلان حرب بشود بحریکه دار الحرب است برای دو حکومت محارب مخصوص نماند . یعنی تنها همان دو حکومتی که باهمدیگر جنگ میکنند در منطقهٔ بحریهٔ دار الحرب حقوق مخصوصهٔ خودشان را تطبیق واجرا کرده میتوانند مثلا سفاین تجاریه را معاینه وتفتیش میکنند ؛ چراغهای دوار سواحل را خاموش میکنند ؛ بندرگاهها و خلیجها اباطیل وموانع سایره سدوبند مینمایند ؛ وماشابه ذالك .

بناءً علیه درهر محاربهٔ بحریه ؛ دولتهای بیطرفیکه علاقه دار هستند نظر بحقوق ومنافعشان بهمه حال یك طور معینی برای خود میگیرند . درینجا بهٔ روس وژاپان همهٔ دولتها بیطرفتی خودشانرا بصورت رسمی اعلان کرده بودند واکثر دولتها چگونگی استفاده کردن محاربین طرفین را از بندرگاهها وبندرگاههای خودشان که تاچه درجه ، وچه حد باشد بهردوطرف تبلیغ نمودند .

ازجمله حکومت انگلیز چنان قرار داده بود که سفاین حربیهٔ طرفین در بندرگاهها یعنی لنگرگاههای حکومت مشارالیها زیاده از (۲٤) ساعت توقف نکنند ؛ وبجز هامقدر زغالی که آنها را تا بیك لنگرگاهی که نزدیکترین لنگرگاهها باشد برساند بیشتر زغال نه بردارد .

حکومت فرانسه ، دراثنای اعلان حرب که دستهٔ کشتیهای جنگی (ویره نیوس) روس ، در (جیبوتی) بودنه درباب زمان توقف ، ونه برداشتن زغال وارزاق هیچیك وقت وحدی معین نکرده بود . وغیر از برداشتن اسلحه وجبه خانه برای دیگر هیچ چیزی بهیچگونه تقیداتی نه پرداخته بود .

حکومت ژاپان ، دراثنای اعلان حرب یك بیانناممهٔ نشر کرده باآن بیانناممه گریزیهای حرب راتعیین نمود :

۱ — اسلحه ، جبه خانه ، موادناریهٔ مخربه ، امتعهٔ خام و آلات وادواتی

که برای ساختن آنها بکار آید ، چمنتو ، اونیفورمه ، وسایط ولوازمی که برای اکمال نواقص اردو وکشتی جنگی بکار آید. لوحه های زره کشتی، مالزمه ئیکه برای انشاأت وتجهیزات کشتی سازی بکار آید؛ والحاصل دیگر همه گونه وسایطی که برای مقصد حرب نافع باشد. همه اینگونه چیزها اگر از مملکت دشمن بگذرد وبسوی مواقعیکه عسکر در کشتی جنگی دشمن باشد برده شود گریزئی حرب شمرده شده ضبط ومصادره میشود .

۲ — ارزاق ، مشروبات. ومأکولات، اسباب ویراق اسپ وطوپ کشی عرابه ، زغال ، چوب ، پیسه ، کلچه های طلاونقره ، تلگراف ، تلفون ، مالزمهٔ شمندوفر پلسازی، وغیره ؛ همه اینگونه چیزها که برای عسکر دشمن ، ویابسوی مواقعیکه عسکر دشمن در انجاست برده شود گریزئی حرب شمرده شده ضبط ومصادره میشود

بیاننامهٔ که درباب گریزئی حرب از طرف حکومت روس نشر شده بود نیز نزدیک به بیاننامهٔ ژاپان ها بود. تنها پیسه را داخل گریزئی حرب نکرده بودند. وبمقابل آن ، نفت، واسپریت، ودیگر مواد احتراقیه ، واسپ ، ومکتوب وتلگرافنامه ، وواپورهای نیم کاره ئیکه در راه ساخته شود اگرچه درزیر بیرق دیگر دولت هم باشد در میان گریزئی حرب داخل کرده بودند .

چیزیکه روسها را برای این تدابیر سوق کرده بود این بود که بخیال شان میرسید که ژاپانها هنوز در بندرگاهای خود شان واپورهای بزرگ ساخته نمیتوانند. واز انسبب ضبط ومصادرهٔ همهٔ کشتیهایی را که بطرف جزیره های ژاپان بروند اعلان کرده بودند .

دوام ورزیدن حرکت دستهٔ کشتیهای جنگی دوم بحر محیط روس

❁ یکسر بسوی شرق ❁

امیرال (روژه ست ونسکی) بعد از انکه بقدر دو نیم ماه در جوار (ماداغسقار)

اقامت نمود در (۱۶) ماه مارچ قطعیاً بسوی اقصای شرق رهسپار عزیمت گردید.
امیرال مذکور بعد از کمی بخیال آن بود که با سفینه های کشاف ژاپان تماس حاصل نماید. زیرا از چند وقت به اینطرف اینخبر شایع شده بود که بعضی گرووازور های ژاپان در جوار جزیره های (سوند) که در (بحر محیط هندی) واقعست کشت وگذار دارند.

این خبر از یك فکر بسیار ساده و بسیطی نشأت کرده بود. زیرا امیرال (توغو) برای بازی دادن دشمن را بحرکات سفاین حربیهٔ خود به نشر کردن این چنین حوادث ساخته گی آغاز نهاده بود. امادر حقیقت حال حکومت ژاپان بسوی جنوب محض از برای یك نمایش ساخته گی (قاراکی)، و (شیطوزه) نام (۲) گرووازور محفظه دار خود را، با (یاماناماروو)، و (امریکامارو) نام (۲) قطعه گرووازور معاون خود در زیر قوماندائی ویس امیرال (دهوا) فرستاده بود.

این فرقهٔ کوچك ژاپان در (۱۲) هم مارچ در ساحل جنوب (قوشه نشین) ودر (۱۵) هم ماه مذکور در (سنگاپور) نمایش اجرا کرده در (۱۸) هم ماه واپس بسوی شمال عودت کرده بود.

دستهٔ کشتی های جنگی روس باوجود این استخبارات بر کوتاه ترین راه ها از آب نای (سنگاپور) گذشته در (۸) م اپریل در جوار (آننام) مواصلت نمود.

امیرال (روژه ست ونسکی) در جوار سواحل (آننام) تا به رسیدن قدمهٔ دوم کشتی جنگی خرد که در زیر قوماندانی میرال (نه بوغانوف) در همان تاریخ از (جیبونی) حرکت کرده بود لنگر انداز اقامت گردیده بود.

بسبب استفاده کردن سفاین حربیهٔ روس از سواحل مستملکات فرانسه درمابین کابینه های (توکیو)، و (پاریس) اختلافات سیاسیهٔ بسیار شدیدی برپا گردیده بود که اگر (روژه نست ونسکی) یکقدری بیشتر ازین در سواحل (هند

چینی) اقامت میکرد مسئلهٔ سیاسیهٔ که درمابین (ژاپان) و(فرانس) بازشده بود از قلم صلح وصلاح بیرون برامده به نوك سر نیزه، وگله های طوپ محول میگردید.

نهایت الامر ملاقی شدن دسته کشتی های جنگی (نه بوغانوف) ودسته کشتی جنگی (روژه ست وه نسکی) در (۸) م ماه می بعد از انتظار بسیاری میسر گردید. درین اثنا این تول غند بحری روس ازین سفاین قرار ذیل مرکب شده بود:

کشتیهای زرهپوش	قینازسوا روف
	ایمپراطور الکساندر سوم
	بورودنیو
	اورمل
	اوسلی یابیا
	سیصویی وه لیکی
	ناوارین
	ایمپراطور نیکولا
کروواز ورهای زرهپوش	آدمیرال ناقیموف
	دیمتری دونسقوی
	ولادیمیر مونوماق
محافظهای ساحل	آدمیرال اوشاقوف
	آدمیرال سه نی یاوین
	جنرال آپراسقین
کروواز ورهای محفظه دار	اورورا
	اوله غ
	آلماز
	ژه مچوغ
	سوبیه تلاما
	ایزومرود

کرووا زور های معاون	قوبان
	اورال
	ته ره‌ك
	رییون
	دنیه په ر
مخربهای طور پیدو	بونیه یی
	براوی یی
	بله سیتاچی یی
	بیستره یی
	بودری یی
	به زوبره چنی یی
	بیه دودی یی
	غرومقی یی
	غروزنی یی
دستهٔ کشتی نقلیه های داوطلب	هیمالا
	پاروسلاوك
	تامبوف
	دورونه ژ
	ولادیمیر
	کی یه ف
	قوره آ

سفاین نقلیه	مالاقا
	مه رکوری یی
	قسه نیا
	ژوپیتر
	سترو غانوف
	کیتایی
	قورونیا
	غوروچاقه ف
	هر مانلرشه
کشتیهای خسته خانه	اوره ل
	قوستردما
کشتیهای تعمیر	قامی شقا
	اناد بر
کشتی آب بردار	مه نه اورا
کشتیهای ارزاق	ناجه دا
	دانوب
ره ۰ور کورها	روس
	سویه

اینست تول غند بحری روس که بسوی شمال بحر پیمای عزیمت شده میرود امیرال (روژه ست وه نسکی) پیش از انکه به اراضئی بحریهٔ دشمن داخل شود از یك قسم بزرگ قافلهٔ کشتیهای نقلیهٔ خود تخلیص گریبان نمود ۰

﴿ نشر حوادث پیش از محاربه ﴾

از دستهٔ کشتی ژاپان هیچ یك خبر راست قطعی گرفته نمیشود ۰ یا آنکه بسیار

خبرها گرفته میشود. مثلا یکبار یك حوادثی شایع شد که کشتی های ژاپان در جوار جزیرهٔ (فورموز) باهمهٔ سرعت خود بجولان بازی و بحرتازی دیده شده است. بازیکروزی این خبر منتشر گردید که بقدر (۸۵) قطعه سفینهٔ حربیهٔ ژاپان در جوار (پسقادور) جمع آمده است.

نهایت الامر بکمال موثوقیت این خبر شایع شد که یك گروواز ورژاپان که اسم آن غیر معین است به (هونغ قونغ) آمده باشرکت تخلیصیه — یعنی یك کمپنی که کشتیهای غرقشده را رهایی میدهد درباب رهایی دادن کشتئی زرهپوش (میقازا) که سوارئی امیرال (توغو) میباشد، ودرآبنای (باشی) به بد صورت درریگ بند مانده است بمذاکره کرده است.

حالآنکه در حقیقت امر امیرال (توعو) برای اکمال کردن تجمع عمومئی همهٔ قوای بحریهٔ خود مشغول تدارکات وحاضری های خود است. واینهمه حرکات وشایعات محض از برای آنست که دشمن خود را به این قانع سازد که دستهٔ کشتی ژاپان به ترتیبات یك مدافعهٔ متحرکه مشغول میباشد.

حال آنکه امیرال (توغو) لحظه بلحظه از همه حرکات وتشبثات دشمن خود معلومات صحیح ودرستی میگیرد. واکثراین معلومات رانیز از طرف نشریات هرزه درائی خود روسها بدست می ارد. پیش ازین نیز دیده بودیم که روسها درخصوص حرکات عسکرئی خودشان که پنهان داشتن آن خیلی اهم والزم بود پیش از وقت اشاعه میکردند. از جمله در (۲۳) وم جون پارسال چار روز پیش از حرکت خروجی که امیرال (ویت هفت) میخواست از (پورارتور) اجرا بکند از طرف نظارت بحریهٔ روس به اخبارها اعلان شده بود که خسارات دسته کشتی جنگی (پورارتور) برطرف شده، وضایعات آن اکمال گردیده ودرین روزها درزیر قوماندانئی امیرال (ویت هفت) بسوی (ولادیوستوق) بحرکت مهیا

می باشد .

نتیجهٔ این نشر حوادث چه شد ؟ همین شد که قوماندانهای ژاپان بمجرد یکه این را خبر شنیدند همهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی خود را در پیشگاه (پورآرتور) جمع آورده بخروج دستهٔ کشتیهای جنگی روس انتظار کشیدند .

جنرال (غریپه نبرغ) و دیگر قوماندانهای تول غند مانچوری روس نیز هم چنین بعضی حوادث و معلومات عسکریه را پیش از وقت نشر کردند و نتیجه های وخیم آنرا برای العین مشاهده نمودند . این کونه بیباکی و بی دقتی مطبوعات روس درباب نشر حوادثی که پنهان داشتن آن ضروری دیده میشد الحق که شایان حیرت است .

یکچند وقت محررهای روس این خطاهای خود شانرا دانسته فقره هائیکه برای دشمن فایده برساند ننوشتند . اما این تقیدات احتیاطکارانه شان بسیار دوام نورزید . مطبوعات ، ومأمورین روس باز در وقتی که جان مسئلهٔ حرب میبود از اول بدتر به نشر حوادث و معلومات پرداختند .

مثلا درین اوقات باز (روس) نام اخبار روس در نسخهٔ (۱۴۲) وم خود از یك ملاقاتی که باز ناظر بحریه کرده بود بحث رانده نشر نمود که : (سر قوماندان) دستهٔ کشتی جنگی روس امیرال (روژه ستوونسکی) بیمار است ، و پیش از انکه از (لیباو) حرکت کند مرض کرده دردی او خیلی شدت کرده بود ، و در اثنای این چنین یك سفر دور و دراز که او در پیش گرفته البته خیلی خسته و مانده خواهد که این حال یك نتیجهٔ وخیمی حاصل خواهد کرد .»

بعد از یك کمی باز همین اخبار از بیماری امیرال (فه لکرسام) که بعد از (روژه وه نسکی) جانشین اوست بیانات نشر نمود این امیرال (فه لکرسام) دستهٔ کشتی جنگی زرهپوش دوم روس را قوماندهٔ میکرد . پس این حوادث برای ژاپانها تا چه

درجه فایده‌مند شدن ان امرا شکار یست .

حال انکه اخبار روس تنها به اینهم اکتفا نورزیده اینرا هم علاوه مقال نمود که :«بسببی که دستهٔ کشتی های جنگی روس در آب های (ماداغسقار) یعنی در منطقهٔ حاره بسیار مدت اقامت کرده اند تنها امیرال (نه لکرسام) نی بلکه همه امرای عسکریه احوال شان مختل شده است .»

ازین بیانات اخبار روس معلوم میشود که احوال صحیهٔ دسته کشتیهای جنگی روس که برای زدوخورد امیرال (توغو) میرود سراسر مختل است . اخبار روسی هنوز بهتر ازین حوادث نیز نشر کردن گرفت : مثلا نوشت که اصل مقصد سر قوماندان روس و وظیفهٔ یگانهٔ او همینست که دستهٔ کشتی های جنگی را به (ولاد یووستوق) ببرد؛ و بعد از انکه به آن بندرگاه مواصلت کند (روژه نست وه نسکی) وظیفهٔ ماموریت خود را گویا تمام کرد . لهذا او پس برخدمت خود که ریاست ارکان حربیهٔ بحریه است عودت میکند .

(روژه ست وه نسکی) درینوقت تنها روح دستهٔ کشتیهای جنگی، بلکه روح امیدهای تمام ملت روس است . پس در چنین دورهٔ بحران آمیز محاربه ، مطبوعات روس دربات احوالات مهمهٔ او اینگونه نشر حوادث کردن حقیقتاً شایان حیرت است .

هرگاه مأمورین عسکریه ، ومحررین ملکیهٔ روس درباب دانستن اینکه این گونه نشر حوادث برای خود شان چقدر مضر و برای دشمن شان چقدر نافعست درفن حرب بحری لاعلی التعیین یک اثر و تألیف ارباب این فن را مطالعه میکردند برای شان خیلی بهتر میشد .

بعد از سواحل هند چینی ، (روژه ست وه نسکی) مجبور بود که حرکات خود را برای خدمتی که ازو منتظر است تنظیم نماید سر از ینجا مومی الیه به ایندو

صورت حرکت کرده میتوانست :

یکی آنکه یك قسمی از دستهٔ کشتی‌های جنگی خود را فدا کرده، و هرچه باداباد گفته براستقامت (ولادیووستوق) برای خود یك راهی کشادن ، و بعد از آنکه یکبار به این اس الحرکات بیاید در انجا به اجرا کردن بعضی حرکات بحریه نو نوی آغاز کردن .

دیگر اینکه پیش از آنکه به بندرگاه (ولادیووستوق) برسد بر دشمن پیش رفته . و با آن یك محاربهٔ قطعیه اجرا کردن .

در صورت اول ، بی آنکه بادشمن برابر بیاید اگرچه بفداکاری بسیار بزرگی هم باشد عبارت از یك تجربهٔ درباب رفتن (ولادیووستوق) شمرده میشد .

تشبث دوم بریك تفوق قوت موقوف بود . بهردو صورت مسئلهٔ زغال درینباب یك عنصر مهمی تشکیل مینمود که از وقایع جریان یافته بخوبی معلوم میشود که امیرال (روژه ست وه نسکی) بدرجهٔ کفایت زغالرا مالك بود .

ما حالا از ین صرف نظر کرده بسوی پلان و نقشه (توغو) به بینیم :

هیچ شبهه نیست که امیرال ژاپانی بر ین یك قرار داده است که به استقبال دستهٔ کشتی‌های جنگی روس نرود ، و اورا در اعیکه بگذرد انتظار بکشد .

برای رفتن (ولادیووستوق) از بهر گذشتن دستهٔ کشتی‌های جنگی روس سه گذرگاه موجود بود :

یکی آبنای (چوشیما) ؛

یکی آبنای (چوغارو) ؛

یکی آبنای (په روز)

این دو آبنای آخرین برای دستهٔ کشتی‌های جنگی روس کار آمدنی نبود، زیرا دستهٔ کشتیهای جنگی برای رسیدن تا به آنجا بصرف کردن مقدار بسیاری

از زغال خود مجبور میگردید. دیگر اینکه این دو آبنا برای ژاپانها نیز چندان خوب نبود. چونکه ژاپانها از بندرگاههای خودشان خیلی دور میانداخت. لهذا یگانه ند بیرامیرال (توغو) همین بود که در نزدیکی بندرگاههای عسکری خود با دشمن محاربه کنند. و از اینسبب آبنای (چوشیما) برای امیرال ژاپانی یك دار المصادمهٔ بسیار مکملی تشکیل مینمود.

امیرال (توغو) در طرفهای آبنای (چوغارو)، و (پهروز) دو کشتی که با آلات تلگراف بی سیم مجهز بود فرستاده بود که اگر خط حرکت دسته کشتیهای جنگی روس را به آنطرف ها ببینند هماندم سریعاً باو خبر بدهند. و در انوقت بسرعت تمام با همه قوت خود به آن آبناها رسیده بتواند.

جزیرهٔ (چوشیما) آبنایی را که بهمین نام موسوم است بر دو قسم غیر مساوی تقسیم کرده است. قسم شرقی آنرا که خیلی واسعتر است (آبنای قوره)، و قسم غربی آن را که تنکتر است (آبنای پروقتون) میگویند.

وقتیکه به (آبنای قوره) داخل شود، در مدخل این آبنا و بر ساحل جزیرهٔ (مینپون) به یکی از بندرگاهها یعنی لنگرگاههای مهم ژاپونیا تصادف میشود که آنهم عبارت از بندرگاه (ساسه بو) میباشد، و یکقدری بجهت جنوبی آن، بندر (ناغازاکی) واقعست. که این هر دو بندرگاه بسی حوضهای کشتی سازی و آلات وادوات تعمیرات کشتیها را مالك میباشند. در یك کنار دیگر این آبنا یك بندرگاه عسکری بزرگ دیگری موجود است که آن را (بندرگاه کوره) میگویند. در مخرج این آبنا (مه جورو) نام یك بندرگاه عسکری دیگری نیز موجود است.

آبنای (پروقتون) اگرچه بندرگاههای عسکری ندارد لکن در وقت حرب بندرگاههای (فوزان) و (موزامپو) را یك یك اس الحرکات برای خود میتوانند گرفت. ژاپانها این بندرگاهها را برای همین مقصد بدقت تمام ترتیب و تنظیم کر

ده اند. وچون هنوز برای ساختن حوضهای بزرك کشتی سازی در نجاها وقت وفرصت نیافته اند، ولی بازهم برای آنقدر تعمیراتی که کشتیهای بزرك خود را تابدیگر بندرگاههای بزرك رسانیده بتواند، وکشتیهای کوچك را نجا بخوبی تعمیر بشوند حوضهای کوچك بوجود آورده اند.

اینست که امیرال (توغو) بنابرین فوائد ومحسنات همین آبنارا برای دستهٔ کشتی جنگی خود کمینگاه اتخاذ کرده، وگذرگاه دستهٔ کشتیهای جنگی روس را نیز به آمد وکردانیهای که میدانست برهمین راه برابر کرده است.

مع هذا بسیار مردمان این فن، این بی حرکتی، وعدم تشبث طوربیدو های ژاپان را بنظر حیرت وتعجب میدیدند، ومیگفتند که: اگر این طور پیدو های خودرا امیرال (توغو) درفراخنای های جزیره های (فورموز) و (په سقادور) بحرکات بحری سوق میکرد نفتار وحرکات دستهٔ کشتی جنگی روس را خیلی سکته دار میتوانستند.

وبعضها این سکوت معنداته، ویااین قرار عالمانهٔ امیرال ژاپانی را چنین تفسیر کرده میگفتند که: سرقوماندان دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان برای آنکه تا وقت حملهٔ قطعی نرسد دشمن خودرا برموجودیت خود آگاهی نمی بخشد، و قوای حربیهٔ خود را مانده میکند لهذا از جزو نامهای خود هیچ یکی را به استقبال دشمن نفرستاده است.

فی الواقع که پلان امیرال (توغو) همین بود که محاربه را در دیگر جائی بلکه دریك محل معینی که تصور کرده است اجرا نماید. مشارالیه برین پلان خود موفق آمده، وازان فوائد عظیمی بدست آورده که بعد ازین به تفصیل ازان بیان می شود. اما قبل ازانکه به تفصیلات این محاربهٔ خون ریزانهٔ (چوشیما) آغاز کنیم یکقدری از احوال خصوصیهٔ محاربات بحریه، وفرق آن با محاربات بریه اگر بحث رانده شود از فایده خالی نخواهد بود.

فرق درمیان محاربات بریه وبحریه

اول یکبار این را باید دانست که تصادف دو دشمن در بحر، و پیدا کردن همدیگر خودرا خیلی مشکل یك کیفیتیست .

در خشکه انسان همیشه میداند که دشمن خودرا درکجا خواهد یافت ؛ حالآ نکه در بحر کار اینچنین نیست . اگرچه بوقوع آمدن محاربه که در فلان محل و فلان موقع خواهد بود کشف و استدلال میشود اما معنای حقیقی ان دایما در پردهٔ مجهولیت میماند . مثلا روسها به این یك میدانستند که ژاپنها محاربه را در نزدیکی بندرگاههای خودشان اجرا خواهند کرد . زیرا فایدهٔ شان در همینست . ولی به این نمیدانستند که محاربه آیا محاربهٔ در (۲۵) میل یا (۵۰) میل در شمال؛ ویا همین قدر مسافه در جهت جنوب این بندرگاهها بوقوع خواهد امد؟

اهمیت این هردو حال در نزد روسها یکی بود . اما چیزیکه انها از ان میترسیدند کیفیت اجرا شدن محاربه در یك ابنای تنگی بود . زیرا در بحرهای باز و آزاد موضعهای فایده مند وبیفایده موجود نیست . بلکه معنای صحیح (موضع) هم موجود نیست . چونکه دستهٔ کشتی های جنگی که در مقابل همدیگر هستند از حرکت کردن ، ومانوره نمودن یك آن خالی نیستند . واین مانوره ها نسبت به حرکات ومانوره های خشکه بسرعت وسهولت دریك مقیاس بزرگی اجرا میشود . مثلا اردوهای بری در حالتیکه در روزی از (۱۰ تا به ۳۰) فرسخ مسافه قطع میتوانند ، دستهٔ کشتی های جنگی بحری در روزی از (۳۰۰ تا به ۵۰۰) فرسخ قطع میکنند . وهم در راهیکه میان بحر می پیمایند هیچ اثر قدم خودرا هم نمیگذارند که دشمن بحرکت آن پی برده بتواند برای این کیفیت تاریخ حرب یمامثال های بسیاری نشان میدهد که یك دستهٔ کشتی جنگی در پئی دیگر دستهٔ کشتی جنگی افتاده ولی همدیگر خودرا نیافته اند .

مشهورترین مثالها دستهٔ کشتیهای جنگی فرانسه است که تولغند (ناپولیون بوناپارت) را یکعصر پیش ازین نقل میداد ، ودر حالتیکه بحر سفید را از یکسر تا بدیگر سر به پیمود دشمن به آن تصادف نتوانست نمود .

امیرال (نه لسون) انگلیزی از بسیار وقتها در فراخناهای لنگرگاه (طولون) خروج دستهٔ کشتیهای جنگی فرانسه را انتظار میکشید . اما این دستهٔ کشتیهای جنگی یك روز یکه طوفان بسیار شدیدی ظهور نموده بود و امیرال انگلیزی از بندرگاه بمجبوریت دور شده بود فرصت خروج را یافته بود .

بعد از چندروز (نه لسون) خبر گرفت که یکقطعه عسکری فرانس در جزیرهٔ (مالطه) بیرون برامده است ، و آنوقت خبر شد که (بوناپارت) ببحر سفید برامده است . بنابرین مومی الیه هماندم درعقب آن براه افتاده دستهٔ کشتیهای جنگی فرانسه را جستجو کردن گرفت ودر (۲۸) جولائی به (اسکندریه) رسید . زیرا میدانست که فکر استیلا جویانهٔ (ناپولیون) عبارت از گرفتن قطعه (مصر) است . ولی چون در انطرفها هیچ علامهٔ از دستهٔ کشتیهای جنگی فرانس نیافت دوچار تردد شده باز برای جستجوی آن به دریا برامد .

حال آنکه یك روز بعد از حرکت (نلسون) دستهٔ کشتیهای جنگی (ناپولیون) به (اسکندریه) رسیده بی پروا عسکر خود را بخشکه براورد . آیا این کار چه سان پیش آمد ؟ به اینصورت پیش آمد که دستهٔ کشتی جنگی فرانسه بسبی که بسیار سفاین نقلیه همراه داشت آهسته آهسته راه میرفت ، و (نلسون) چون آزاد بسرعت تمام قطع مسافه مینمود . حتی وقتیکه به اسکندریه می آمد از پهلوی دستهٔ کشتی های جنگی فرانس گذشته بود اما بسبب دمهٔ شدیدیکه به تصادف ظهور نموده بود همدیگر خودشان راندیدند .

مع هذا در نجاتنها کیفیت دمه مانع ندیدن دو دستهٔ کشتیهای جنگی بهمدیگر

شان نمیشود . بلکه تاریکشی شب نیز راههای مختلف برای دو دسته کشتی های جنگی پیدا میکند که همدیگر خود شان را دیده نتوانند .

دیگر اینکه درخشکه بسیار وقتها میشود که دو اردو ماهها به ترصد هم دیگر مشغول ماند . یك محاربهٔ عمومیه درمابین شان بوقوع نمیآید . حال آنکه در بحر بمجرد یکه مخاصمین باهمدیگر برابر آمدند هما نوقت با همدیگر بمحاربه آغاز میکنند .

در محاربهٔ بحریه یك خصوصیت دیگری هم هست که خیلی شایان دقتست و آن اینست که در محاربات بحریه سر امیرال و ارکان حربیهٔ او دایما به تهلکهٔ مردن و یا مجروح شدن معروض میباشند .

حالا آنکه در خشکه سر اسر کار دگر گونه است . چونکه در خشکه سر قوماندان هیچگاه بالذات به آتش دشمن معروض نمیشود . واگر در داخل دایرهٔ آتش دشمن در اید برای سر قوماندان یك قباحت بزرگی شمرده میشود .

در (تاریخ محاربات اقوام) به بسیار قوماندانهای تصادف میشود که نا به قطعات خط پیش داخل شده برایگان خودرا بقتل رسانیده اند . حالانکه این حرکت آن سر قوماندان ها یك فضیلت نی بلکه یك خطا و نقصان عظیمی برای شان بار اورده است .

در بن محاربهٔ اقصای شرق جنرال قونت (که للر) نام روسی تابه یك قطعهٔ تهلکه ناکی پیشرفته خودرا برایگان تلف ساخت که اینهم یك مثال نوی برای اینگونه قوماندا نهای بیمغز تشکیل میدهد .

آتشه میلیتر المانی که حرکات نول غندروس رادر (مانچوری) تعقیب میکرد جنرال (قوروپاتکین) رابسببی که قرارگاه عمومی خودرا نزدیك جبهه بیك وضعیتی وضع کرده بود شایان اعتراض و توبیخ دانسته بود . وبالعکس طرز حر

کت ماره شال (اویاما) را که قرارگاه عمومی خود را در بسیار عقب جبههٔ محاربه وضع کرده بود، و از روی راپورهائیکه از قوماندانها میامد مانند انکه شطرنج ببازد بر روی خریطه مانوره های محاربه را بواسطهٔ تلگراف و تلفون اجرا و اداره مینمود تحسین و افرین کرده است.

در حقیقت حال نیز همچنین است که یك سرافسر کل صورت حرکت و معاملهٔ او در میدان محاربه همین طور باید بوده.

دیگر اینکه در میدانهای محاربهٔ بریه جنرالها و قوماندانها نادراً و یا تصادفاً مقتول و یا مجروح میشوند. و سر قوماندان هرگاه قضاءً در محاربه کشته شود هماندم جانشین او موجود است، چونکه در معیت او یك هیئت ارکان حربیه بزرگی موجود است.

حال انکه در بحر حال و وضعیت سراسر دگرگونه است. زیرا سر امیرال با همهٔ هیئت ارکان حربیهٔ خود در یك کشتی بسوار شدن مجبور است که ضایع شدن این کشتی موجب ضیاع سر امیرال و همه ارکان حربیهٔ او میشود. چنانچه در (پورارتور) بر سر کشتئی (پتروپاولوفسق) امد.

سر امیرال در بحر دایما در زیر تهلکهٔ تاثیر آتش دشمن معروضست. حتی از همه طایفه های کشتی خود پیشتر در زیر تهلکه میباشد. زیرا طایفه ها را کثر شان در دایرهٔ ماشین و جاهای مستور تر میباشند. حالانکه امیرال برای قوماندهٔ دستهٔ کشتی جنگی دایما بر سر پل کشتی باید ایستاده باشد. بنابرین هرگاه در محاربات بحریه تلف شدن بسیاری از امیرالها دیده شود دوچار حیرت نباید شد. مثلا درین حرب بعد از کشته شدن امیران (ماقاروف) امیرال (ویت هفت) کشته شد که هیچ شایان تعجب نیست. در محاربات بحریه وقوعات دایما همچنین امده و رفته است. صورت تلف شدن امیرالهای مشهور دنیا مانند (رویتر)، و (نلسون)

نیز بهمینصورت بوقوع امده است .

افسران ارکان حربیهٔ بحریه نیزیادر (بلوقهاوز) ویابرسرپل قوماندائی کشتی هابا امیرال یکجامیباشندکه درتهلکهٔ دایمی معروض هستند . چنانچه در (۳) ومماه جولایی یك گلهٔ بزرگی که ازطرف دشمن برکشتئی (سه زار ویچ) کفید چنانچه امیرال (ویت هفت) مقتول شدهمه افسران ارکان حربیه را نیز مجروح نمود .

دیگراینکه چون امیرال کشته شود، قوماندانی را بدیگر قونترامیرالهائیکه در دیگر کشتی باشدحواله وتودیع کردن نیز خیلی مشکل یك کیفیتیست . زیرا این کیفیت تنهابیك اشارتی اجرا میشودکه علی الاکثر ان اشارت هم با گله های طوپ دشمن خراب شده میباشد . درروز (۱۰) هم اگست درو قتیکه برنس (اوختومسکی) قوماندانئی دستهٔ کشتی های جنگی روس رادرعهده میگرفت عین همین حال بوقوع امده بود . در تاریخ اسفار بحریه درخصوص بسی مثالها ذکر کرده میتوانیم .

دیگراینکه سر امیرال هر چیزی رابالذات بایدبه بیند ، وبداند ؛ ونظر به اوضاع مختلفهٔ محاربه که بیك سرعت بزرگی تبدل وانقلاب میورزد لحظه بلحظه بدادن اوامر متنوعه مجبور است . وبعضی وقتها میشودکه بااشارتهای مخصوصه کیفیت دادن اوامر ممکن نمیشود . پس درچنان اوقات امیرال میبایدکه بواسطهٔ حرکات کشتی خود امر های خود را بکشتیهای معیت خود بفهماند . لهذا کشتئی سوارئی امیرال همیشه درپیش روی همهٔ دستهٔ کشتی های جنگی باید رفتار نماید . واز ینسبب بایدسر امیرال بیرق خودرا بربهترین وقوتمندترین کشتیهای خود برافرازد . واز ینست که امیرال (توغو) بیرق خودرا برکشتئی (میقازا) که بهترین کشتیهای دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بود امیرال (روژه ست

وه نسکی) در بمحاربه بیرق خودرا بر کشتی (قیناز سواروف) که بهترین کشتی دستهٔ کشتیهای جنگی روس بود برافراشته بودند .

والحاصل در محاربهٔ بحریه ، سفینه امپرال دایمادر زیر تهلکهٔ عظیمی معرو ض است . و قسم اعظم گله هابران جمع و توحید میشود . تابحال در بمحاربه ها ژاپا بها بمحو کردن سفینه های امپرال روس موفق و کامیاب آمده اند . به بینیم که بعد ازین چه میشود . آیا نوبت فلاکت در بنبار بر سفینهٔ (میقازا) یا بر کشتی (قیناز سواروف) توجیه خواهد کرد ؟

خبرهای آخرینی که از اقصای شرق آمده چنان معلوم میشود که (روژه ست وه نسکی) بدر ازئی ساحل شرقی جزیرهٔ (چوشیما) به آبنای (قوره داخل) شده است این خبر چنان معلوم میشود که راست باشده زیرا بندر گاه (تاکاریکی) بسمبی که به آبنای (بروقتون) متوجه است اگر دستهٔ کشتیهای جنگی روس از نجا بگذرد از دو جهت باطور پیلهای تحت البحر ، و طور پیدوها تهدید میشود . امادر آبنای (قوره) از یکطرف به این تهلکه در زیر تهدید میماند .

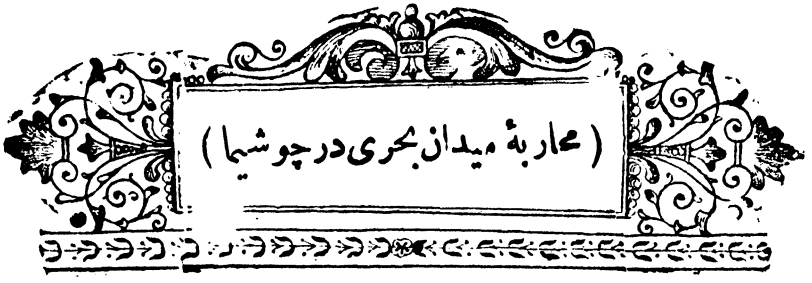

(محاربهٔ میدان بحری در چوشیما)

تلگرافهایی که از هرطرف می آید ؛ از آغاز یافتن محاربهٔ عظیمهٔ که از بسیار زمانها همه عالم به انتظار آن بودند خبر میدهد ! این محاربه در آبنای (قوره) بوقوع آمده است .

امیرال (توغو) پلان ونقشهٔ که در باب تاجهای مظفریت دستهٔ کشتی های جنگی خود ، وفلاکت و ادبار دستهٔ کشتیهای جنگی روس از بسیار وقتها کشیده ،وازما هاماهها بکمال صبر ومتانت به پنهان داشتن آن کامیاب آمده ، وعالم رابه این اعمال خود حیران ساخته ؛ اینست که درینوقت بکمال حشمت وجلال بمیدان میبراید .

دستهٔ کشتیهای جنگی روس بردوقول بسرعت ساعت (۱۰) میل راه پیمایی داشتند . قول راست که درزیر ادارهٔ خودامیرال (روژه ست وه نسکی) بود مرکب از (۷) قطعه زرهپوش ، و (۱) قطعه کروواز ور زرهپوش بود . زرهپوشها عبارت ازین کشتیها بود: (قیناز سواروف) سواری خودامیرال . (الکساندردوم) ؛ (بورودینو) ؛ (اوره ل) ؛ (اوسلی یابیا) ؛ (سصویی) (ناوارین)، قوماندان دسته های کشتی کروواز ورزرهپوش (امیرال ناقیموف) بود .

قول دوم عبارت ازین کشتیها بود: زرهپوش (نخستین نیکولا) سواری امیرال (نه بوغانوف) درپیش روی قول مذکور میرفت . درعقب آن (جنرال آپراقین) ، و (آدمیرال سه نیاوین) ، و (آدمیرال اوشاقوف) نام سه قطعه کشتیٔ محافظ ساحل ؛ و (اوله غ) ، و(او رورا) نام دو قطعه کرو

وازورهای محفظه دار ؛ و (دیمتری دونسقوی) ، و (ولادیمیر مونومواق) نام دوقطعه کروازورهای زرهپوش میآمدند .

درمابین این دوقول ویکقدری عقب تر :(انادیر)، و(ایریتش)، و(قامی تقا) ، و(قوره) ، و(روس) ، و(سویر) نام کروازور معاون حرکت میکردند . و (اورال) نام کروازور بزرگ نهایت قول را تشکیل میداد .

کروازور (سوبیه تلانا) ، و(ژه مچوغ) ، و(آلماز)، و(ایزدمرود) نام سفینه هابرای خدمت کشف در بغلهای قولهارفتارداشتند .

(مخرب طوربیدوها) نیزدر جوارزرهپوشهامیبودند .

درشب(۲۷)م ماه ؛ تلگراف های بی سیم بهدستهٔ کشتی های جنگی روس نزدیك بودن سفاین حربیهٔ ژاپان را خبرداد !

هنگامیکه شفق سرزدهواخیلی غبار آلود،ودمه داربود ، دیدن یکچند میل به آنطرف ممکن نمیشد ! باد ازسمت جنوب غربی بشدت وقوت تمام همیوزید . بحرخیلی مواج بود . زرهپوشهابسیارمی جنبید .

این طپش ولرزش، ازطپیدن ولرزیدن دلهای افراددوملت،مسلحه درین آن خبرمیداد! اصل نقطهٔ جانداراین محاربهٔ روس وژاپان درهمین جاست . دو دشمنی که ازماهها بملاقات خونریزی همدیگرخودمنتظر، وتابحال بهیچ صورت خودرا ملاقی نمیشدند اینست که درینوقت : « چه خوش باشدکه بعد از انتظاری « به امیدرسد امیدواری ! » گفته بامدهشترین اسلحهٔ کهقوهٔ اختراع بنی نوع بشربرای محووهلاك همدیگر خود درینعصرحاضر بروی کارآورده در میدان مبارزه برای خون ریزی مهیاشده اند . درین بحرمواج ازخون هائیکه بریزد موجهای سرخ آتشینی بحصول میآید ! امیدهای ظفر که از بسیار وقتها دردلهای متردد ومتهیج دوقوم بسیار بزرگ بطغیان

آمده باجدید ترین سلاحها و مد هشترین آتشهای مدنیت حاضره امروز آخر به یکی ازاین دونتیجه منجر میشود :

مظفریت ؛ مغلوبیت ! ...

ساعت (۷) بود که در استقامت طرف راست روس (ایزومی) نام سفینهٔ کشاف ژاپانی پدیدار شد. این کشتی بعداز انکه یکچندی دستهٔ کشتی های جنگی روس را بخوبی از نظر دقت گذرانید یکی یکبار درمیان دمه ها درافق از نظر نهان گردید

بساعت (۱۰) وقتیکه دستهٔ کشتیهای جنگی روس به برابر ئی (ایکیشما) رسید ؛ در پیش روی چپ آن یك لوی غند کروواز ورهای دشمن ظهور نمود؛ ودر طرف راست نیز یکچند سفینهٔ محافظ ساحل نمایان شد . این لوی غند های ژاپان را روسها باطمپ استقبال کرده ، وبا آن تماس خودرا دایما محافظه کرده یکسر براستقامت شمال شرقی بحرکت خوددوام ورزیدند .

امیرال (روژه ستوه نسکی) درانثنائیکه بقسم شرقی آبنای (قوره) داخل میشد زرهپوش (اوسلی یابیا) ودوزرهپوش دیگررا که درعقب آن بود بطرف سرقول چپ خود گذرانید. بهاینسبب تول غند بحرئی او بردوقول بسیار غیر مساوی ترتیب یافت . قول راست تنهااز چهار زرهپوش مرکب بود که یك فرقهٔ متجانسهٔ تشکیل میداد؛ قول چپ از (۱۱) قطعه سفاین حربیهٔ مختلفهٔ ترکیب یافته یك قول بسیار درازی تشکیل شده بود.

اینست که دستهٔ کشتی های جنگی روس بااین نظامیکه دانسته نمیشود که چسان نظامست بمحاربه پیش میرود. درین اثنادمه برطرف شد ،دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان را که بسرعت از طرف شمال پیش میآمد بمیدان براورد.

امیرال (توغو) برای آنکه حرکات دشمن خودرا روز بروز خبر بگیرد

درمابین ساحلهای (قوره) و(ژاپونیا)برای ترصدودیده بانی ازسفاین کروا زورهای معاون خود دوخط وضع وتشکیل داده بود .

در روز(۲۷) ماه می بوقت ساعت (٥) صبح(شیمانومارو) نام کروا زور معاون ، از اقسام خط خارجی ؛ پدیدار شدن دستهٔ کشتی های جنگی روس را اشارت داده . وهم فهمانید که دستهٔ کشتی های جنگی دشمن چنان معلوم میشود که ازقسم شرقی آبنای (قوره) براستقامت شرقی شمالی بگذرد . ساعت (۷) سفینه (ایجومی) که درجناح چپ خط دوم ترصد بود ؛ این خبر (شیمانومارو) را تصدیق وتاکید نمود .

دستهٔ کشتی های جنگی روس درین اثنا(۲٥)میل درشمال غربی (ایکیشیما) رسیده بود . لوی غندهای کروازور معاون ژاپان برای کشف وتحقیق کردن آن درحال به استقبال شان دویدند . امیرال (توغو) با زرهپوشها و کروازور های زرهپوش خود از اس الحرکات خویش که از بسیار زمانها دران پنهان نشسته بود بیرون برامد ، وازشمال(چوشیما) گذشت ، وهمه قوای حربیه خود را بخود جذب وجلب نموده درشمال جزیرهٔ (قوجو) کمین گرفت .

بحر خیلی مواج بود ، طوربیدو ها ، ومخربها بسیار زحمت میکشیدند امیرال (توغو) دانست که این هوا برای استعمال این سفینه های کوچك غیر مساعد است . لهذا برانها امر کرد که بخلیج (میورا) التجا ببرند ولی این امر بهمهٔ طور بیدوها واصل نشد . از اروبقدر دولوی غند طوربیدو با کروازورهائیکه به آن مربوط بودند رفاقت کردند . از ساعت یك(٤٥) دقیقه گذشته بود که امیرال ژاپان به دستهٔ کشتی های جنگی خود این اشارت را داد که : (سلامت ، ویافلاکت ایمپراطوری ئی ژاپان به نتیجهٔ این محاربه تابعست . لهذا هرکس ازهر وقت زیاده شدت ولیاقت خودرا درینوقت بمیدان باید براردا) بعدازین اشارت ؛ دستهٔ

کشتی های جنگی جسیم ژاپان مانند کوه های سیاری که بتأثیر زلزله بحرکت آید به یکباره گی جنبش نمود .

دستهٔ کشتی های جنگی (۱)م . و(۳)وم که در عقب همدیگر بر یك خط مرتب براستقامت جنوب شرقی بره پیمایی اغاز نهاد . دستهٔ کشتی های جنگی نخستین درزیر قوماندهٔ خود امیرال (توغو) ازین کشتیها مرکب بود: (میقازا ؛ شیکی شیما ؛ فوجی؛ اساهی) زرهپوش . (قازوغا؛ نیشین) کروازورهای زرهپوش .

دستهٔ کشتیهای جنگی سوم درزیر قوماندهٔ امیرال (قامیورا) ازین کروزورهای زرهپوش مرکب بود: (ایجومو ؛ ایواتا؛ یاقومو ؛ اچوما؛ ازاما؛ توکیوا) سفینهٔ امیرال ، یعنی (میقازا) سفاینی را که درعقب خود داشت درپی خود کشیده بصورتیکه پیش روی هردو قول دستهٔ کشتی های جنگی دشمن را بگیرد بسوی شرق تبدیل استقامت نمود . این دو دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان باینصورت قولهای روس رادرزیر اتش شدید طوپ گرفته ، وراه را بران سد کرده دستهٔ کشتی های جنگی روس را سراسیمه ومتحیر ساخت .

مانورهٔ (توغو) خیلی درخشان بود ! کشتی های زرهپوش (اوسلی یابیا) و (قیناسواروف) رابدرجهٔ مرگ زده وزخمی نمود که دوباره خود را جمع نتوانستند . تفصیل آن به اینصورتست که (اوسلی یابیا) بسببی که از قوماندان کل هیچ یك امری نگرفته بود یکسر از پیش روی دشمن به پیش روی خود دوام ورزیده ازمسافهٔ غیر معین برخصم خود آتش کشاد .

در اول امر ژاپانها به آتش او جواب ندادند . بعدازان از مسافهٔ (٦٠٠٠) متره برین سفینهٔ بدبخت یك آتش بسیار مهلکی کشادند . بنابرین این کشتیٔ روس در زیر یك طوفان اهن مذاب شده بطرف راست روی خود را دور

داد . این دو ربیك سوق طبیعی بوقوع آمده بود . چونکه همه ضربه های که به آن آماج شده بود از طرف چپ برومی آمد . و چون هرچه به آن طرف نزدیك شده میرفت به آن قول دیگر تقرب میورزید .

امیرال (توغو) سریعاً بر راهیکه داشت دوام ورزیده در حال به رابری قول دوم واصل شد . و دستهٔ کشتیهای جنگی نخستین آن آتش خود را بر کشتی زرهپوش امیرال (قیناز سواروف) جمع وتوحید نموده اینهم مانند رفیق خود (اوسلی یابیا) بطرف راست تبدیل جبهه کرد .

به اینصورت ؛ محاربین باهمدیگر بردو خط موازی برابر آمدند اما خط ژاپان در یك انتظام حقیقی ، و همه کشتی های آنها متحداً اجرای حرکت میکردند . خط روس از حالا یك بی انتظامی بزرگی نشان میدادند . از جملهٔ سفاین حربیه یکی دیگرشان را تعقیب نمیکردند . دیگر اینکه مسافهٔ که درمابین جزونامها اصولاً موجود بودن آن لازم می آمد خیلی تبدیل یافته بود .

در کم وقت این ابتری وبرهمی در میان دستهٔ کشتیهای جنگی روس تزاید وافزونی گرفت . زرهپوش (اوسلی یابیا) باهمه معنای حقیقی آن بحال یك غربالی درآمده بود . وبا این حال آتش بزرگی نیزدران شعله ور گردید . این کشتی هر قدرکه برای شتاب کردن برجای خودکوشش ورزید هیچ فایدهٔ نه بخشید . لهذا بالضروره به برامدن ازخط مجبور گردید .

در ین اثنا دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان کوشش میورزیدند که باز بسر قولهای خط روس که بسرعت بسوی راست افتاده بودند تقرب ورزند ، وباز آنها را درمابین آتش دوطرفه بگیرند .

به اینصورت دوخط محاربه که بفاصلهٔ (۳۰۰۰ تابه ۴۰۰۰) متره جدا جدا حرکت میکردند یك یك دایرهٔ قوسیهٔ متحدالمرکزی ترسیم میکرد که

این وضعیت برای ژاپانها موجب تفوق مهمی میگردید، وبسبب وسعت و امتداد خط روس، ژاپانها در اثنای ترسیم این قوس دایره بمقابل کشتیهای اول روس افتاده بودند.

بحقیقت که این کشتیهای اولین روس خیلی زحمت میکشیدند نهایت بعد از سه ربع ساعت که محاربه دوام یافت سفینهٔ (الکساندر سوم) بر بغل چپ خوابیدن گرفت - کشتیٔ (قیناز سواروف) نیز درمیان یك دود بسیار کثیف وغلیظی پیچیده شده بود. هماندم این دو کشتی بخارج خط حرب افتادند.

در دیگر سفینه های روس نیز حریقها طهور کرده بود. دودی که بادغربی آنرا همیراند میدان محاربه راسراسر سیاه گردانیده بود.

در جهت ژاپانها سفینهٔ (قاروغا) سه طوپ خود را ضایع کرده بود. کشتی (آزاما) نیز زخمهائیکه درخط آب خود برداشته، وخرابیهائی که در سکان آن هم رسیده بود از انسبب به ترك کردن موقع خود که درخط حرب داشت مجبور گردید. اما بعد از کم وقت کشتیبانان ماهر ژاپان به تعمیر آن موفق آمده باز بخط حرب داخل شد. دیگر سفینه ها نسبتاً کمتر دوچار خسار شده بودند.

در ظرف کمتر از یکساعت از کشتیهای قوتمندترین روس سه قطعه زرهپوش بیك حال خارج از محاربه مانده بود. دیگر سفینه ها چون از آمر خودشان که بر کشتئی (قیناز سواروف) بود محروم مانده بودند از طرف سفینهٔ زرهپوش (بورودنیو) سوق وادار میشدند.

بعد ازین دستهٔ کشتیهای جنگی روس بجز اینکه از نظر دشمن خود را پنهان کنند واز دایرهٔ تأثیر آن بخارج بروند دیگر مقصدی برای شان نمانده بود. ساعت (۳) بود که سر قولهای هر دو خط محاربهٔ قوسپاره بدرجهٔ که حس شود به جهت جنوب شرقی متوجه شده بودند.

درین اثنا یك طبقهٔ کثیف دمه میدان محاربه را فرا گرفته هردو مخاصم را از همدیگرشان سترنمود. (توغو) که درینبار مهمات وجبه خانهٔ خودرا به اداره وسرفه جویی صرف کردن میخواست در حال آتش خودرا قطع نمود. سفینهٔ (بورو دنیو) ازین فرصت استفاده کرده برای جمع کردن سه زرهپوش از خط خارج مانده، وبرای پیدا کردن امیرال خودیکی یکبار بسوی شمال برگشت. اماچون یکقدری دمه برطرف شده بود هماندم ازطرف ژاپانها دیده شد. (توغو) نیز در حال دستهٔ کشتیای جنگی خودرا بعقب تبدیل جبهه داده بیك وضعیت معکوسی دراورد. دستهٔ کشتیهای جنگی سوم ژاپان نیز انحرکت دستهٔ کشتیهای جنگی اول را تعقیب نمود.

قوت هردو دشمن باز سراز نو بردو خط موازی برابر آمدند سرقولهای ژاپانها بخط روس که تدریجاً بطرف چپ دور میخورد تقرب کردن میخواست.

از ساعت ۳ تا بساعت (٤) و (٤٥) دقیقه طرفین بسببی که در دیدن همدیگر بمشکلات برخوردند محاربه شدتیکه داشت تا یکدرجه ضایع کرده بود. درین اثنا زرهپوش (اوسلی یابیا) که از بند کردن رخنه‌ها وخاموش کردن حریق خود عاجز مانده بود بریك بغل خوابیده آهسته آهسته غرق میشد. این کشتی درانوقت منفرد مانده نود، وبرای معاونت او (راوایی) و (بونی ئی) نام دو مخرب طور پیدو گذاشته شده بود که مخرب های مذکور بقدر (٤٠٠) نفر مرتبات اورا رهائی داده توانسته بودند.

زرهپوش (قیناز سواروف) راشعله های حریق پچانیده بود. فرقهٔ طور پیدوی (هیروزه) ازین فرصت استفاده کرده برزرهپوش مذکور هجوم برد. ولی بهاین هجوم خود موفق نگردید. زیرا زرهلی مجروح بصورت نومیدانه خودرا مدافعه میکرد، ومخرب (شی حانوی) ژاپان رااز محاربه خارج نمود. بعداز یکساعت

لوی غند (سوزوکی) برزرهپوش مذکور هجوم نمود. وطوریکه از طرف مخرب (ازاشی یو) برو انداخته شدزرهپوش روس را درحال بیك بغل بخوا بانید، وسراسر بیکارساخت.

زرهپوش (الکساندرسوم) تایکدرجه به تعمیرات خود موفق آمده پس بخط حرب داخلشده توانسته بود اماچه فایده که درانوقت تول غند بحری روس برهم ودرهم شده، وازنظام اصلی خود بیرون برامده بود.

زرهپوش (بورودنیو) که خیلی دوچار خسارشده بود دستهٔ کشتی های جنگی را سوق واداره میکرد، ولی رفته رفته طرف سرش بغرق شدن آغاز نهاده بود، بازهم خودداری کرده، وازدمه ودودیکه دران اثناسطح دریارا احاطه کرده بود استفاده نموده برای رهایی یافتن از نظردشمن بسوی شرق به تبدیل استقامت کوشش ورزید.

دودستهٔ کشتی های جنگی ژاپان باز به اجرا کردن مانورهٔ اول خود آغاز نهادند، ودرحالتیکه کشتئی امیرال درپیش روی همه بودترتیبات طبیعیهٔ خودرا سر از نواحذنمود. زرهپوش (بورودینو) بطرف جنوب آمده. وخودرا از نظردشمن به پنهان کردن موفق گردید. امیرال (توغو) بی آنکه اورابه بیند (۸) میل مسافه قطع نموده. و برراه خود بقابلهٔ کروواز ورهای محفظه دار وکروواز ورهای معاون برخورده اهارا برآتش طوپ بگرفت. درین اثنا دانست که برراه غلط میرود. لهذا هماندم برای بجنگ آوردن شکار خودقوای موجودهٔ خودرا تقسیم نموده خودش بادستهٔ کشتی های جنگی اول بسوی شمال برگشت، و (قامیموزا) را با کروواز ورهای زرهپوش بسوی جنوب غربی سوق نمود.

در اثنائیکه دستهٔ کشتیهای جنگی (توغو) یکسر بسوی شمال بحر پیمای عز

یمت بود دفعتهً (اورال) نام کروازور معاون روس که بسبب دمه راه را غلط کرده بود در پیش رویش تصادف کرده در کم وقت آن را غربال آسا سوراخ سو راخ نمود ، و بعد از کمی در قعر بحر ناپدید ش ساخت .

این دستهٔ کشتیهای جنگی (توغو) در کم مدت باز بادستهٔ کشتیهای جنگی زرهپوش روس که بصورت درهم و برهم در حال فرار بودند تماس حاصل نمود . زرهپوشهای روس (٦) قطعه بودند . محاربه باز بشکل و نظام سابق آغاز نهاد از ساعت (٦) محاربهٔ طوپ در شمال شرقی آغاز نهاده تا بشب دوام ورزید . رفته رفته آتش طوپ های روس کسب ضعفیت مینمود . ژاپانها آتشهای خود شانرا برقو تمند ترین زرهپوشهای روس جمع و توحید کرده بودند . بعد از نیم ساعت زرهپوش (الکساندر سوم) که سراز نو بخط محاربه داخل شده بود باز زده و زخمی شده از خط حرب بیرون برامد ، و بعد از کمی در میان موجهای مدهش بحر غوطه خوار گرداب فنا گردید .

ساعت (٧) نوبت فلاکت به زرهپوش (بوردینو) رسید . و کمی نگذشته بود که باتاریکی شب باشعله های حریق خود در زیر دریا فرو رفت .

مرتبات این کشتی از طرف (قازوغا) نام کروازور ژاپان رهایی داده شدند در عین زمان زرهپوش (قیناز سواروف) که بیک پهلو در خارج خط در جهت جنوب غلطیده مانده بود ، (وقامچاتقا) نام کروازور معاون بمدد رسانئی بااو همراه بود از طرف کروازورهای ژاپان که طوربیدوها باآن بوددیده شده کشتئی (قامچاتقا) رابا گله طوپ ، و (قیناز سواروف) رابادودانهٔ طوربیل که از (خاروزامه) نام مخرب انداخته شد غرق و ناپدید ساختند .

امیرال (روژه ست ونسکی) که از ساعت چار به اینطرف از کشتی (قیناز

سواروف) به مخرب طوربیدوی (بوینی یی) سوار شده ، ودر حالتیکه مجروح شده بود درمیدان محاربه حیران وسراسیمه باین سو و آنسو گردش داشت .

بوقت شام شدت بادو به آرامی نهاده بود . درین اثنا کشتیهای طوربیدو های ژاپان که در خلیج (میورا) التجا برده بودند مانند زنبورهای که از زنبور خانه برایند برروی بحر منتشر شدند . امیرال (توغو) درینوقت میدان محاربه رابه آنها سپرده آتش خودرا منقطع نمود ، ویکسر بسوی شرق برفت . سفینهٔ کشاف (ناچوتا) نیز برای حاضر کردن موعد تلاقی برای اقسام مختلف دستهٔ کشتی های جنگی که فردادران جمع شوند به جزیرهٔ (ماچوشیما) برفت .

درانثنائیکه مابین زرهپوشها این وقایع بوقوع میآمد ، درانطرف دیگر کروازورهانیز با همدیگر بمحاربه دست و گریبان شده بودند .

امیرال (توغو) وقتیکه امر آغاز محاربه رابدادلوی غند های کروازورهای امیرال (دهوا) وامیرال (اوریو) که بریك خط ترتیب یافته بودند یکسر بسوی استقامت غرب پیش شدند .

لوی غند (ده وا) مرکب بوداز (قازاکی ، وشیطوزه) نام دو قطعه کروازور صنف دوم ، و (فوقاتا ، واوتاوا) نام دو قطعه کروازور صنف سوم .

لوی غند (اوریو) مرکب بوداز (تاینوا ، وتاقاچیحو) نام دو کروازور صنف دوم ، و (چوشیما) نام کروازور صنف سوم .

این لوی غندها از مسافهٔ بسیار بزرگی قول روس را از چپ احاطه کرده درعقب آنها بیامد ، ودرجهت راست آنها موضع گرفته آنهارا درزیر تهدید دراورد .

ظهور کردن این کروازورهای ژاپان درعقب نهایت قول روس که در زیر قوماندانئی امیرال (نه نکیست) بود هیچ موجب تهلکه واندیشهٔ نبود . زیرا

برای محاربه کردن با ناهبدست امیرال (نه نکیست) مهمتر و مقتدر تر وسایط حربیه موجود بود. درمیان کروازورهای ژاپان تنها دوسفینه تجهیزات مکمله را مالك بود که یکی کروازور (قازاکی) و دیگرش کروازور (شیطوزه) بود. حالانکه درداخل لوی غند کروازورهای روس دو کروازور زرهپوش و دو کروازور محفظه دار بزرك، و یك کروازور محفظه دار کوچکتر و بسی کروازورهای صنف سوم موجود بود. لهذا لوی غند (دهوا) رایا به قبول کردن محاربه یا به پس گشتن مجبور ساختن برای امیرال (نه نکیست) بسیار آسان بود. اما برای اجرای اینکار از خط جداشدن و بکمال ازادی به استقبال کروازورهای ژاپان رفتن لازم می آمد که امیرال (نه نکیست) اینچنین نکرد، واز ینسبب کروازورهای ژاپان در اطراف خط قول نهایت روس بدون مشکلات آزادانه گردش توانسته اند.

والحاصل بعداز انکه بقدر دوساعت یك محاربهٔ طوپ بوقوع امد در خط دمدار دستهٔ کشتی های جنگی روس یك بی انتظامئی بزرگی بوقوع امد، ودو سفینهٔ معاون روس که یکی (ایرچیق) ودیگری (روس) نام داشتند از خط جدا افتادند. لوی غند (اوریو) هماندم براین دو کشتی دویده اولا کشتئی (روس) را در ظرف یکچند دقیقه غرق ساخت، وکشتی (ایرچیق) را نیز به اندرجه دوچار خسار نمود که بعداز کمی در ساحل (چوشیما) رفته غرق و ناپدید گردید.

ساعت (٤ ونیم) بود که درین قسم میدان محاربه دستهٔ کشتی های جنگی امیرال (قاطوقا) مواصلت نمود. این دستهٔ کشتی های جنگی مرکب از کشتئی محافظ ساحل که به سیستم (حاشیدانه) بود، وکروازور (شیبودا) وچند کروازورهای کوچك مرکب بود.

بنابر تضییق این دو قوت کروازورهای روس از نهایت خطی که از ابتدای محاربه به آن مربوط بودند جدا شدند ، و سر راست بسوی جنوب بر جهیدند لوی غندهای ژاپان از مسافهٔ بزرگی حرکات تعقیبیهٔ خودرا اجرا میکردند که این هم اثبات میکرد که مقصد کروازورهای ژاپان محاربه کردن نی بلکه آنهارا مشغول ساختن ، واز میدان محاربه جدا کردن ، و بر سفاین معاونه هجوم بردن بود که باین مقصد خودشان بکمال موفقیت نایل شدند . خلاصه محاربه ئیکه در مابین کروازورها درگرفته بود بر قافلهٔ بی انتظام کشتیهای روس خیلی مهلك ومؤثر گردید ، ولی غیر از کشتی (سوبیه تلا) که محو ونابود گردید دیگر همه کروازورهای روس بفرار کردن موفق آمدند .

بساعت (۷) شام مخرب طور پیدوی (بوینی) به کروازورها تقرب کرده اشارت داد که امیرال (روژه ست وه نسکی) زخمی ودر اضطراب است و وظیفهٔ سر قوماندانی را بدیگری ترك کرده است . این اشارت برای سراسر محو ومنهزم شدن دستهٔ کشتی های جنگی روس یك علامت ماتم وفلاکتی بود !

کروازورهای (اولهغ) و (اورورا) و (روژه مچونغ) وکشتیهای معاون (انادیر) و (قوره آ) و (سوبر) براستقامت جنوب از نظر نهان شدند . سفاین (دیمتری دو نسقوی) و (ولادیمیر) و (سوبه تلانا) و (آلماز) برای پیدا کردن یك طریق نجات بسوی شمال جدا جدا رهسپار شدند .

وقتیکه ظلمت شب جهانرا فرا گرفت تقدر (۲۰) مخرب و (۶۰) طور پیدو در آبنای (قوره) مانند زنبورها منتشر شده بجستجوی انقاض پراکندهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی روس افتادند .

هجومهای نخستین این طور پیدو ها از ساعت (۸) یك ربع گذشته به

اطراف لوی غند امیرال (بوغاوف) که براستقامت شمال شرقی پویان بود گرد آمدند. این دستهٔ کشتی های جنگی دران اثنا از کشتیهای (نیکولای نخستین) و (اوره ل)، و (ناوارین) و (ناقیموف) و (سیصویی) و (ایزومرود) مرکب بود. بجز کشتیهای (سیصویی) و (اوره ل) که خیلی دوچار خسار شده بود دیگر یکی از انها بسیار زده نشده بود. لهذا در هجومهائیکه درینوقت بوقوع آمد سفاین مذکوره بکمال تهور و هیجان خود را مدافعه میکردند. این هجومها تا بساعت (۱۱) بلا فاصله یکی دیگر را تعقیب نمود. سفینه هائیکه برسر قول بودند، هجومهای طوربیدوی ژاپان را بکمال موفقیت رد کرده توانستند.

اما در سفینه هائیکه به تضییق اصلی معروض بودند حال اینچنین نبود. کشتی (ناقیموف) و (سیصویی) باطوربیل زخمی شدند. کشتیهای (اوشاقوف) و (ناوارین) غایب شدند. این دو سفینه بوقت صبح در جهت شمالی (چوشیما) به لوی غند مخرب طوربیدوی (یوزوکی) تصادف کردند. کشتی (اوشاقوف) بگریختن موفق شد. اما کشتی (ناوارین) باطوربیل اگرچه زخمی شد ولی بصورت یك بغله بررفتار خود دوام ورزید.

و الحاصل درنتیجهٔ این هجوم شبانهٔ طوربیدوها از طرف روسها یك زرهپوش غرق و ناپدید گردید؛ یك زرهپوش و یك کروواز و رزره پوش به بد صورت زخمی شد. در جهت ژاپانها نیز در اثنای این عربده سه قطعه طوربیدو ضایع گردیده بود. وغیر ازین بسی طوربیدوهای دیگر نیز کم و بیش دوچار خسار شده بودند.

* * *

فاجعه هنوز به انجام نرسیده بود. در روز (۲۸) م ماه می که خورشید جهان آرا برای دیدن حال فلاکت اشتمال دستهٔ کشتیهای جنگی روس طلوع

نمود ، امیرال (توغو) امرداد که همه اقسام دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان سر راست بسوی جزیرهٔ (ماچوشیما) توجیه حرکت نماید .

امیرال ژاپانی ازینحرکت مقصدش این بودکه دستهٔ کشتیهای جنگی خود رادرانجا ازشرق تابغرب انتشارداده کشتیهای روس را که بسوی (ولادیو وستوق) رفتن بخواهند یگان یگان توقیف بکنند . امابه اینهم حاجت نماند .

در وقت طلوع آفتاب روز (۲۸) م می درنزد امیرال (نه بوغانوف) تنها کشتیهای (نیکولای نخستین) که سواری خود او بود ، و (سه نیاوین) ، و (جنرال اوپراقسین) ، و (اوره ل) ، و (ایزومرود) باقی مانده بود . وبسوی سنگلاخهای (لیانقور) براستقامتی که لوی غندهای دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان آنرا تعقیب میکردند بصورت موازی بقطع مسافه آغاز نهادند .

لوی غند گرووازورژاپان که درزیر قوماندانئی امیرال (قاناوقا) بوددود های کشتیهای روس رادیده برای کشف وتدقیق آن برفت .

امیرال (توغو) درین اثنا بادستهٔ کشتیهای جنگی(۱) ودستهٔ کشتیهای جنگی «۳» در [۲۰] میل جنوبی (ماچوشیما) بود . بمجردیکه باتلگراف بی سیم از موجود بودن پنج قطعه کشتیهای روس دران جوار خبر گرفت هماندم قوای حربیهٔ خود را برسر آن سوق وتوجیه نمود ، ساعت پنج ونیم بود که امیرال (نه بوغاتوف) ازهرجهت احاطه شده بود . وبمجردیکه زرهپوشهای ژاپان برکشتیهای روس آتش کشادند سفینهٔ « نیکولای نخستین » که سواریٔ خود امیرال « نه بوغانوف » بود بیرق سفید تسلیم شدنرا برافراشت . سفینه های دیگر روس نیز پیروئی آنرا کردند . تنها کشتیٔ « ایزومرود » تسلیم نشده براستقامت شرق فرار نمود .

« شیطوزه » نام گرووازورژاپان که یك روز پیشتر با « قازاکی » نام سفینهٔ

زخمئی امیرال «دهوا» تابه خلیج «آبورایا» رفاقت کرده بود، درین اثنا باخود امیرال عودت میکرد. درراه باکشتی طوربیدوی «بهزودیروجنی» روس تصادف کرده انرا باکلهٔ طوپ غرق نمود.

لوی غند کرووازورهای امیرال (اوریو) که بسوی محل ملاقات میرفت در ساعت (۷) صبح در جهت غرب یك کشتی دشمن را دید. این کشتی (سوبیه تلاتا) نام سفینهٔ حرب روس بود. هماندم (فی طاقا) و (اوطو وا) نام دو کرووازورژاپان برای محاربهٔ کشتی مذکور از لوی غند جداشدند. کرووا زور روس یکسر بسوی غرب شمالی بگریختن آغاز نهاد. ولی کشتیهای ژاپان خود رابه آن رسانیده کشتی روس را بقبول کردن محاربه مجبورساختند. وبعداز انکه بقدریکساعت محاربه بوقوع آمد درنزدیکی خلیج (شیقو) غرق وناپدید گردید.

مخرب طوربیدوی (پیستری پی) نام روس که درحال فرار بود بعداز یکساعت پنج میل دورتر از ان ازطرف کرووازورهای ژاپان بعین همین فلاکت دوچار گردید.

• • •

برای جمع آوردن کسانیکه بدریا افتاده بودند وزنده مانده بودند کرووا زورهای معاون (شیمانو مارو) و (طانیان مارو) و (یاواطا مارو) و (صادومارو) ویکچند قطعه مخرب طوربیدومقرر شده بودند. درصبح (۲۸) م ماه کرووا زور (صادومارو) ومخرب طوربیدوی (شیرانووی) کرووازورهای زرهپوش (امیرال ناقیموف) و (ولادیمیرمونوماق) نام روس را که درشب گذشته باطور پیل زخمدارشده بودند، وازدیگر رفقای خود جدا مانده بودند دیدند. امابه نزدیکشدن آنها جسارت نکرده دراطراف آنها به پاسبانی ماندند.

ساعت (۱۰) بود که هردو گروه ازور روس در پئی همدیگر بغرقشدن رخ نهادند. کشتئی (صاوومارو) مرتبات آنهارا رهایی دادند. درین اثنا (غروبکی بی) نام مخرب طوربیدوی روس مشاهده شد، ودر حال بفرار آغازنهاد. اماطوربیدوی (شیرانووی) وطوربیدوی نمبر (۶۳) درپئی آن افتاده بعداز محاربهٔ بسیار شدیدی آرا اسیر کردند. ولی ازز خمهای کاری ئیکه برداشته بود بعداز کمی بقعر دریا سقوط نمود.

* * *

کشتی (سیصوده لیتی) روس که یکشب پیشتر باطوربیل زخمدارشده بود در (۳۰) میل شرقئی (چوشیما) درحالتیکه سکانش شکسته بود حیران حیران گردش میکرد. کشتیهای (شیمانومارو) و (طانیان مارو) و (یاواطامارو) آنرا دیده برو حمله آوردند. ولی حاجت بمحاربه نیفتاد زیرا کشتی روس دران اثنا غرقشدن گرفته بود. کشتیهای ژاپان درخوب وقت بسر وقت آن رسیده بقدر (۵۷۰) نفر مرتبات آنرا رهایی دادند.

* * *

گروواور (اوشاقوف) نام روس بعدازانکه ازدست طوربیدوهای ژاپان رهایی یافته بود یکسر بسوی بندرگاه (ولادیووستوق) بحرپیمای آغازنهاده بود. در (۲۸) م ماه بعداز پیشین بسوی شمال دودهای بسیاری مشاهده کرده بخیال آنکه دستهٔ کشتی های جنگی روس خواهد بود به آنطرف تقرب کردن گرفت. حال آنکه دودهای مذکور ازدستهٔ کشتی های جنگی ژاپان که دستهٔ کشتی های جنگی (نه بوغانوف) را اسیر کرده بود انتشار مییافت. کشتئی (اوشاقوف) ازین حال هیچ خبردار نبوده یکسر به آنطرف نزدیکشده میرفت.

دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان که نزدیکشدن کشتئی مذکوررا دید ، هماندم دودستهٔ کشتی خودرا برای کشف وتحقیق آن فرستاد . کشتئی (اوشاقوف) دانست که آنها کروواز ورهای زرهپوش ژاپانست . اما این آگاهی او خیلی نا وقت بوقوع آمد! بنابرین بتمام قوت وسرعت براستقامت جنوب بفرار شتاب نمود کروواز ورهای ژاپان نیز بشتاب تمام درعقب آن افتادند . وبساعت (٨) به اورسیده هماندم بهتسلیم شدنش اشارت کردند . کشتئی روس این اشارت را به اتش جواب داد ، لهذا کروواز ورهای ژاپان اتش شدیدی بروگشاده درکم مدت اورابقعر بحر نایاب غریق لجه فناساخت واز مرتبات ان تنها (٣٠٠) نفررا رهایی داده اسیر کردند .

*
* *

در وقت شام (٢٧)م می کروواز ور (دیمتری دونسقوی) نام روس بسبب سستئی رفتار خوداز دسته کشتی های جنگی کروواز ورها که درزیر قوماندانی امیرال (نه نکیمت) براستقامت جنوب ره پیمابودند عقب مانده دستهٔ کشتی های جنگی را از نظر غائب کرد لهذا راه خودرا تبدیل داده راه (ولادیووستوق) را پیش گرفت . بوقت صبح این کروواز ورزرهپوش روس ، مخرب های (بیه دوبی) ، و (غروزنی ئی) و (بونی ئی) روس را یافت درمخرب (بونی یی) بسیار مردم دیده میشد . : مگرامیرال (روژه ستوه نسکی) ورئیس ارکان حربیهٔ او ، ویك قسمی از مرتبات کروواز ورغرقشدهٔ (اوسلی یابیا) دران موجود بود .

کروواز وره دیمتری دونسقوی» فلاکتزدگان کشتی «اوسلی یابیا» رابا خود برداشت ، ومیخواست که به طوربیدوی «بونی یی» زغال بدهد که درین اثنا درافق دودهای کشتی های ژاپان نمایان شد . مخربها بفرار آغاز نهادند

اما بعد از کمی برجعت مجبور شدند . زیرا ماشین طورپیدوی «بونی پی» دوچار خسارشده برفتن مقتدر نشد .

امیرال «روژه ستوه نسکی» وارکان حربیهٔ اوازطورپیدوی «بونی پی» به طورپیدوی «بیه دودی ئی» سوارشدند . مرتبات «بونی ئی» را کرووازور «دیمتری دونسقوی» گرفت . بعدازکمی سفینهٔ «بونی پی غرق شد .

«بیه دودی پی» و «غروزنی پی» بسرعت ممکنهٔ خود بفرارشتافتند . امابساعت «۳» در «۴۰» میل جنوبی «ماچوشیما» از طرف «سازانامی» و «قاکه رو» نام مخربهای ژاپان کشف شده تعقیب شدند .

سفینهٔ «بیه دودی پی» احتمال فرارراافقودیافته بیرق تسلیم رابرافراشت . ویکشتئی «سازانامی» که به اونزدیکشده بود خودرا تسلیم نمود . سفینهٔ «غروز نی پی» بامخرب «قاکه رو» بجنگ اغازنهاد ، ومخرب مذکوررا سقط نموده به فرارموفق امد .

حالاارباب مطالعه تصور بفرمایندکه چون ژاپانهادرسفینهٔ «بیه دوودی پی» امیرال «روژه ستوه نسکی» وارکان حربیهٔ اورابدیدند تاچه درجه دوچار حیرت ومسرت شده باشند !

«دیمتری دونسقوی» براستقامت «ماچوشیما» برفتار خوددوام ورزید لکن قریب شام بودکه ازطرف کروازورهاوطورپیدوهای ژاپان احاطه گردید . وازدوطرف برانکله باری اغازکردند . مع هذا کشتئی روس تابه آخرپایداری ومقاومت کرده عارتسلیم شدن را قبول ننمود . درروز «۲۹» می سفینهٔ مذکوره درنزدیکئی «ماچوشیما» بود ، وباوجودیکه اقسام حیاتیه ان هنوزدرست بود کپتان ان برین قرارداد که کشتئی خودرابدست خوددربحرازادغرق نماید . لهذا مرتبات خودرا درجزیره بیرون براورده کشتئی خودرا دربحرفراخ

غرق نمود. مرتبات ان از طرف «قاز وغا» نام کروواز ورژاپان اسیر شدند.

در «ولادیووستوق» برای نتیجهٔ محاربه «چوشیما» بیك اندیشه وخامجان بسیار بزرگی انتظار میشد. ساعت «٦» روز «٢٩» م می بود که درافق پیش امدن کشتئی کشاف «الماز» مشاهده شد. اثار نشه وسروریکه ازظهور این کشتی بحصول امد بسیار کم مدت دوام ورزید. زیرا سفینهٔ مذکوره درروز «٢٧» م می در وقت تاریکئی شب ازدسته کشتیهای جنگی مفارقت کرده بود، وخبرهای که اورده بود هیچ یك امید مسرتی نمی بخشید. درکشتئی «الماز» «٥» مقتول و «١٠» مجروح بوقوع آمده بود.

بساعت «١١» روز «٣٠» م می مخرب طوربیدوی «غروزنی» مواصلت کرد. بعدازان مخرب (براوی) نیز آمد که درمیان این مخرب «١٧٥» نفر مرتبات کشتی مغروته (اوسلی یابیا) موجود بود. این مخرب در (٢٧) ماه بعد ازانکه دو چار خسار گردید بسرعت بسیار کوچك بره پیمایی آغاز نهاده واقسام چوبین خودرا سوختانده سوختانده وبه اینصورت خودرا تابه ایجار سانیده است.

سفینهٔ «ایزومرود» که در وقت اسیر شدن امیرال «نه بوغاتوف» برهایی دادن کریبان خود از اسارت کامیاب آمده بود در شب «٣٠» م ماه بمدخل خلیج «ولادیمیر» که بقدر «١٥٠» میل در طرف شمال «ولایووستوق» واقعست واصل شده بود. امادرانجا چون برخشکه نشست کپتان آن اورا برهوا کرد.

از همه پسترد و سفینهٔ معاون «قوره آه وسویر» نام نیز در «٣٠» ماه به (وونغ) مواصلت نمود.

*
* *

درباب کروواز ورهای امیرال (نه نکیست) هنوز هیچ یك حوادث کرفته نشده بود. ونیز از مخرب های «بودری یی» و (بله سیتاچی یی) وسفینهٔ نقلیهٔ (انا

دیر) هیچ خبری نبود .

در (٤)م جون یك تلگرافی رسید . به این تلگراف معلوم شد که امیرال «ئه نکیست» با کروواز ورهای (اوله غ) ، و (اوروزا) ، و «زه مجوغ» در (۳) وم ماه بساعت (۱۰) به (مانیلا) مواصلت کرده است . درانجا اسلحهٔ همهٔ این کشتیها را برداشته بنیطرفئی شان اعلان کردید .

اما اینمسئله معلوم نشده که آیا این سفاین حربیه درشام محاربه چرا دستهٔ کشتی های جنگی خودشان را ترك کرده بودند ، وبچه سبب به (مانیلا) آمده بودند؟

روز دیگر سرگذشت (بودری بی) ، و (بله سیتاچی بی) نیز معلوم گردید . این دو سفینه بعد از محاربهٔ (۲۷)م جولایی اولا قسم کلئی دستهٔ کشتی های جنگی را تعقیب کرده بودند ؛ و بعد از ان به استقامت جنوب غربی توجیه حرکت کرده درشب از کانال غربئی آبنای قوره گذر کردند . اما چه سفینهٔ (بودری بی) خیلی دو چار خسار شده بود در ساعت پنج صبح بقعر نایاب دریا سقوط نمود . سفینهٔ (بله سیتاچی بی) چار افسر و (۷۵) نفر باقی ماندهٔ آنرا جمع کرده یکسر بسوی (شانغهای) رهپیمایی آغاز نهاد .

این کشتی بعد از انکه همهٔ زغال خودرا سوختانده تمام نمود (۳) روز متمادیاً بر روی بحر بی حرکت بماند . نهایت الامر در (۷۰) میل شمالئی جزیره های (ساده ل) به (نو نه لینغ) نام یك واپور انگلیزی تصادف کرده واپور مذکور آنرا کشیده کشیده بچارم جون به لنگرگاه (شانغهای) برسانید .

کشتئی مقلیه (انادیر) از محاربه آنقدر رم خورده بود که مسافهٔ مابین (قوره) و (ماداغشقار) را بیك نفس قطع کرده در (۲۷)م ماه جون خودرا به (دیه غو سواره ز) رسانیده بود .

* * *

در بنبار هیچ گفتگو نماند ، محاربه را ژاپانها بیك نتیجهٔ بسیار درخشانی به

انجام رسانیدند. از (۳۶) قطعه کشتیهای جنگی روس که به بحر ژاپان داخل شده بودند تنها یك کروازور کشاف، ودو مخرب طوربیدو بهدف مقصود یعنی (ولادیووستوق) واصل شده توانسته بودند.

سه قطعه کروازور، ویك مخرب طوربیدو، ودو سفینهٔ نقلیه ببندرگاه های بیطرف التجا بردند. باقی ماندهٔ آنها یك قسمی غرق ویك قسمی بدست دشمن اسیر شدند.

از «۲۰۰، ۱۴» عسکر یکه دردستهٔ کشتی های جنگی روس موجود بودند «۶،۱۴۲» عدد آن اسیر، و«۵،۰۰۰» آن مقتول وغایب شده بودند. در طرف ژاپانها «۱۱۶»، مقتول، و«۵۳۸» مجروح بوقوع آمده بود.

*
* *

نتیجهٔ عاقبت محاربهٔ میدان «چوشیما» را تنها دودولت مخاصم نی بلکه همه جهان مدنیت بایك بیصبرئی بزرگی انتظار میکشیدند. هرکس به این یك میدانست که این دودستهٔ کشتی های جنگی تابوقتیکه سراسر محو بشوند باهم دیگر زدوخورد خواهند کرد. دردوساحل ابنای «چوشیما» یك هیجان عظیمی حکمفرما بود. درساحل شرقئی ان ممالك ژاپانیا بود که بقدرچهل ملیون نفوس بشر بشمشیر تیز «توغو» اعتماد کرده لرزان لرزان یك صدای ظفر را ازطرف «چوشیما» انتظار داشتند. درساحل غرب اراضئی «مانچوری» بود که یك تول غند بسیار بزرگی که ازماهها بحرب وجدال مشغول بودند بازهم بیك چند کلمه خبریکه ازطرف امیرالهای بزرگ شان برسد گوش به آواز تردد و اضطراب بودند.

اهالئی ژاپان بربزرگی شان، وعلو فطرت امیرال «توغو» که مقدمهٔ اقبال این محاربه را بیك مهارت و مهابت فوق العادهٔ وضع وتأسیس داده بود

قطعیاً امین بودند . مارشال « اویاما » نیز بزکای فطری، وشجاعت جبلّی رفیق خود بتمامها معتمد بود . اماباوجودانهم بسببیکه تبدل وتغیر دراحوال حرب ؛ مانند تبدلات احوال هوائیه اجرای حکم وتأثیر دارد ازان رو ازیك نتیجهٔ دکرکونی خوف واندیشه میشد ، واز ینسبب درهرطرف اندیشه های عظیمی برپابود .

نهایت الامر یکچند سطر راپوریکه ازقلم خونچکان امیرال « توغو » برامد بهمهٔ این ترددها ، وهیجانها ، وانتظارهاخاتمه کشید . زیرامشارالیه باا ن را پورخود بتمام همشهریها ، وجمله عالم مدنیت تبشیر مینمودکه شاهد ظفریت دربنبار نیزدرزیر بیرقهای طالع مند دولت شمس طالع جلوه کر کردیده است .

حالا پیش ازانکه بمحاکمات محاربهٔ میدان « چوشیما » درائیم میبایدراپورها ی مفصل امیرال هژبر مثالی را که درظرف یك روزیك دستهٔ کشتی های جنگی بسیار بزرك دشمن را زیروزبر نموده ، وبفضایل مخصوصهٔ عسکریهٔ خود از همه امیرالهای بزرك زمانهای سابق سبقت کرفته مطالعه بایدکنیم :

(راپورهای مفصل امیرال توغو)

در باب محاربهٔ میدان چوشیما

« بلطف وعنایت جناب حق دستهٔ کشتیهای جنگی مابادستهٔ کشتیهای جنگی دوم و سوم دشمن در روزهای (۲۷ و ۲۸) م ماه می محاربه کردند، و آنهارا سرمحو و خراب نمودند .

« هنگامیکه قسم نخستین دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن در بحرهای جنوب پدیدار گردید بادستهٔ کشتیهای جنگی ما بنابر تبعیت اوامر حضرت (میکادو) برای خودشان اینگونه خط حرکت اتخاذ کردند و ورود آنهارا انتظار بکشند ، و در آبهای خودما با آنها محاربه بکنند . بنابرین قوای بحریهٔ خودمانرا در آبنای (قوره) جمع و تحشید کردیم، و در انجا برای آمدن دشمن بسوی شمال منتظر شدیم .

« دشمن بعداز انکه یکمدتی در سواحل (اننام) توقف ورزیدیکسر براستقامت شمال به پیش آمدن اغاز نهاد، و چند روز پیش از تاریخیکه به آبهای ما رسیده بتواند بموجب پلان و نقشه ئیکه پیش ازین مقرر شده بود یك قسمی از سفینه های کشاف خودمانرا در سمتهای جنوب غربی برای ترصد انها مأمور کردم . دستهٔ کشتیهای جنگی ما که ازسفاین عسکریهٔ حربیه مرکب بودند — بیك صوریکه در نخستین اشارت فلك لنگر عزیمت بتوانند دراین الحرکات خودشان بمحاربه حاضر بودند .

« بعداز انکه این ترتیبات اجرا گردید، در (۲۷) م می بساعت (۵) سفینهٔ

(شینا نومارو) که درجنوب غربی خدمت قراول بزرگ را ایفامینمود باتلگراف بی‌سیم این خبررا بما داد :

دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن درخانهٔ راقم (۲۰۳) (۱) مشاهده شد، وچنان گمان میشود که یکسر بسوی ابنای شرق پیش می اید .)

« ثمرهٔ انتظار بسیار تلخی که از ماهها دوام میورزید بحاصل شدن ، یعنی با دشمن تماس کردن اغاز نهاده بود . بنابرین خبر سفینهٔ (شینانومارو) درهیئت عمومیهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی ماهرکس برسرکار خود دویدند . کشتیهای ماهاندم لنگر برداشتند . وهردستهٔ کشتیهای جنگی جداجدا اخرترین ترتیباتی را که برای استقبال دشمن لازم بود گرفته وبسوی موضعهای که پیش ازین به آنها نشان داده شده بود سرراست برفتار اغاز نهادند .

« درساعت (۷) سفینهٔ کشافیکه درجناح چپ خط ترصد داخلی بود این اشارت را داد :

« کشتیهای دشمن پدیدار گردید، درپنج دقیقه در (۲۵) میل بسوی شمال غربئی (اوکیشیما) واصل شده اند ، وبراستقامت شمال شرقی برفتار خود دوام دارند . »

لوی غند (مازامیشی) ولوی غند (دهوا)، ودستهٔ کشتیهای جنگی کروواز ورها که درزیر ادارهٔ ویس امیرال (فانوقا) بود از ساعت (۱۰) تابساعت «۱۱» در مابین جزیرهٔ « ایکیشیما » ، و (چوشیما) متعاقباً بادشمن تماس حاصل کردند . این لوی غند باوجودیکه درزیر اتش طوپ دشمن معروض میشدند باز هم تابجوار (او کینوشیما) باانها تماس خودشان را محافظه کردند ، وئی هم درحق موضع دشمن

«۱» برروی نقشه که ارکان حربیهٔ امیرال توغو کشیده بودند آن قسم بحررا بر بعضی خانه‌ها تقسیم، وهرخانه رابیك رقم هندسه توسیم کرده بودند .

باتلگراف معلومات قطعیه بما میفرستادند .

«اینست که باوجود دمهٔ بسیار کثیفی که پنج میل به انطرف دیدن ممکن نمیشد ما ازسی چهل میل دورتر موضع دشمن خودرا چنانچه بچشم خودبه بینیم بشنا ختن باینصورت موفق شدیم .

«ذاتاً ماخیلی پیشتر ازانکه دشمن رابه بینیم به این یك واقف بودیم که قوای عسکریهٔ دشمن ما ازدستهٔ کشتیهای جنگی دوم وسوم بحر محیط مرکب است، ودر رفاقت آن هفت سفینهٔ معاون موجوداست ، وبردوقول ترتیب یافته است وقوتمندترین کشتیهای شان درسر قول راست آنها میروند، وسفاین معاونه آنها را ازعقب تعقیب میکنند، وسرعت رفتارشان درساعتی (۱۲) میل میباشد ، و همهٔ دستهٔ کشتی های جنگی یکسر بسوی شمال شرقی پیش میشوند .

«پس باین معلومات کاملهٔ که برای من حاصلشده بودبرای من ممکن گردید که بساعت (۲) درجوار (اوکینوشیما) ترتیبات خودرا بیك صورتی بگیرم که بر طرف سرقول چپ دشمن هجوم بتوانم .

«تخمیناً ساعت یکنیم بودکه لوی غند (ده وا) ، ولوی غندکروواز ور هاولوی غندکپتان (توغوماز امیشی) که بادشمن تماس خودرا محافظه کرده بودند پی همدیگر مواصلات کرده باهمدیگر یکجاشدند .

«از یك (٤٥) دقیقه گذشته دشمن رانخستین بار بچشم خوددیدیم که از مابیك چند میل دور تربود . چنانچه از اول تصورکرده بودیم همچنان بود . یعنی قول راست از چار قطعه زرهپوشی که به طرز (بورودینو) بود تشکل کرده بود . قول چپ کشتیهای زرهپوش (اوسلی یابیا) ، و(سیصویی)، و (ناوارین) ، و (ناخیموف) رااحتوامیکرد . درپی اینها (نیکولای نخستین) باسه قطعه کروواز ورمحافظ ساحل می آمدند که اینهاجدا گانه یك

دستهٔ کشتیهای جنگی تشکیل کرده بودند . سقینه های (ژه مچونغ) و (ایزومرود) درمابین هردوقول به پیش رفتار داشتند که خدمت کشف را ایفامیکردند . عقب تر آنهادر میان دمه هاسفینه های (اوله غ)و (او رورا) رانیزخیال میال میدیدیم ، (دونسقوی) و (لادیمیر) بادیگرسفاین معاونه به امتداد بسیارمیلهادورتریك دیگر قولی بوجود آورده بودند .

« بنابرین بهمهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی خودامردادم که بکار آغاز کنند ، وبکشتیهائیکه درپیش چشم من بودند این اشارت رادادم که :

« اقبال وادبار حکومت مابه نتیجهٔ همین محاربه تابعست . هرکس هرغیرت وفعالیتی که ازدستش می آید قصورنکند . وامروز ازهروقت زیاده بکوشد . »

« بعدازکمی دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی مایکسر بسوی استقامت جنوب غربی دویدند ؛ و ازدونیجدقیقه گذشته یکی یکبار بسوی شرق برگشتند ، و بیك صورتیکه ازپیش روی سرقول دشمن مائلاً بگذرند ، وراه رابروبگیرند برفتار آغاز نهادند .

« لوی غندگرووازور های زرهپوش مادرعقب دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی مامی آمدند . ویك خط تشکیل کرده میرفتند . لوی غند های (ده وا) و (اوریو) ولوی غندگرووازورهای کپتان (توغوماز امیشی) چنانچه در نقشه به آنهانشان داده بود بیك صورتیکه ازپشت برقول دشمن هجوم برند بسوی جنوب رهسپارگردیدند . اینست که درابتدای محاربه وضعیات متناظرهٔ مخاصمین به همین صورت بود که بیان شد . »

﴿ راپوردرباب محاربهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی ﴾

هنگامیکه دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی ماتقرب ورزیددشمن سرقول خود

را بجهت راست تبدیل داد ، وازساعت (۲) هشت دقیقه گذشته بودکه آتش آغاز نهاد . تا یکمدتی ما به او جواب ندادیم ، اماچون بقدره ۶۰۰ متره به اونزدیکشدیم ما ندم به یك آتش بسیار شدیدی مقابله کردیم . واین آتش خود را بردو سفینهٔ بزرگ پیش روی دشمن جمع وتوحیدکردیم . درزیر این تضییق و فشارما ، دشمن حرکت خودرایکقدری بسوی جنوب برگردانید ، وهردوقول دشمن دریك آن راههای خودشانراتابشرق تبدیل داده باینصورت قولهای ماودشمن یك وضعیت مساوی وبرابری پیدا کرده

کشتی زرهپوش « اوسلی یابیا » که قول چپ راسوق و اداره میکرد بصورت بسیارناگواری دو چارخسار شده ، ویك حریق بزرگی دران بحصول آمده ما ندم از خط حرب بیرون برامد درینوقت همه کرووازورهای ما بیك صف ، دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی ما را پیروی میکرد . و متحداً اجرای حرکت وفعالیت میکردند .

هرانقدرکه مسافه کم میشد آتشهای هردودستهٔ کشتیهای جنگی مازیاده ترکسب شدت و غیرت میورزیدند ، درین اثنا کشتی زرهپوش (قینازسوا روف) روس که سرکردهٔ قول بود ، وزرهپوش (الکساندرسوم) درمیان شعله های آتش مانده خط محاربه راترك کردند .

رفته رفته ترتیبات عسکریهٔ دشمن ابترشدن گرفت ودرهرطرف آثار بی انتظامی پدیدارگردید ، غیرازین ، دیگرسفاین حربیهٔ روس درمیان بسی تهلکه هاپویان شد . دودها وشعله های آتشیکه باباد تندغربی همدم شده بود درآن واحد درمیدان محاربه منتشرشده ازیکسرتادیگرسرکشتیهای دشمن راآتش احاطه نموده . حالآنکه بااین ابرهای دود ، طبقات دمه نیزمنظم آمده کشتیهای ما آتش خودراقطع کردند

« در طرف ماهم کشتیهای جنگی کم و بیش زحمت کشیده بودند . کشتی جنگی (آساما) درنزدیکی خط آب خودار طرف دنبال باسه گلهٔ دشمن زخمدار شده ، وترتیبات سکانش برهم خورده ، وآب بسیاری بداخل کشتی درا مدن کرفته بود . به اینسبب کشتی آساما از خط حرب بیرون برامد . ولی در کم وقت بعداز یك تعمیرات مجمله بازبموقع خود که درخط حرب داشت درامد . اینست که درساعت (۲) و ۴۵ دقیقه وضعیت حربی قوای اصلیه که باهمدیکر در آویخته بودند عبارت ازهمین بود که بیان شد . اینراهم بکوئیم که هنوز از همین وقت بخت وطالع محاربه سرا سر قرار کرفته بود که چه میشود .

« بعد دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی ما دشمن را در استقامت جنوب به تضییق وفشار دادن دوام ورزید وهر کاه وناکاهی که کشتیهای دشمن از میان دمه هاودودها پدیدار میکردید دستهٔ کشتیهای جنگی ما آنهارا درزیر آتش شدیدی میکرفتند ، وبرافزونی قوت تضییق وفشار خود دقت واهتمام میورزیدند .

« بساعت ۳ بربك خطی که باخط دشمن موازی بود برابر آمدیم ویکسر براستقامت جنوب شرقی رفتار داشتیم . درین اثنا یکی یکبار دشمن بسوی شمال برکشت ، و از عقب خط مابسوی شمال توجه نمود . دستهٔ کشتیهای جنکی اصلی ما هماندم بقدر ۱۶ کرته بسوی چپ تبدیل استقامت ورزید ، وبصورتیکه زرهپوش (نیشین) درپیش خط بود بسوی شمال غربی برفتار آغاز نهادیم . کروازور های زرهپوش ما زرهپوشهای بزرك مارا پیروی میکردند ، وبه اینصورت کشتیهای دشمن بازه رزیر یك آتش مدهش مابسوی استقامت جنوب انداخته شدند . از ساعت ۳ هفت دقیقه کذشته بود که (ژه ، چونغ) نام کشتئی جنکی روس بخسارتهای مدهشی کرفتار آمده درعقب ماند .

« کشتئی (اوسلی یابیا) نام روس که پیش ازین از خط حرب بیرون افتاده

بود ۱۰ دقیقه از ۳ گذشته در میان امواج بحری نام و نشان گردید. (فیناز سوا روف) نام کشتی جنگی روس در این اثنا در یك حال بسیار بحران انگیزی تنها مانده بود. این کشتی اولا یك دگل خود را، و پس از آن هر دو دودکش خود را غایب نمود، و در میان شعله های آتش و دود های کثیف مستغرق گردید. نهایت سرا سر بیکو ضعیت ناامیدانه در آمد. امید حیات و نجات برای طایفه های آنهم نماند.

« دیگر سفاین دشمن که اکثر آن بسیار خسار زده شده بودند باز یك بار دیگر تبدیل استقامت نمودند و تا به استقامت شرق آمدند. بنابرین دستهٔ کشتی های جنگی اصلی مانیز بقدر ۱۶ کرته بسوی راست تبدیل استقامت نمود. و گاه به آتش بسیار شدید عمومی، و گاه به انداخت طوربیل کشتیهای رجعت کنندهٔ دشمن را از حرتها و آزار هاداده بعقب گیرئی شان دوام ورزید. تا از ساعت چار چهل و پنج دقیقه گذشته وضعیت حرب ثابت بماند. دشمن را دایما بجهت استقامت جنوب انداختیم و در زیر آتش بسیار شدیدی گرفتیم.

*
* *

« در بحا از طرز حرکت محاربهٔ لوی غند طوربیدوی مخرب (شیبایا). لوی غند (میروزه) که از ساعت سه چهل دقیقه گذشته تا بساعت ٤ و ٤٥ دقیقه اجرا کرده اند بصورت خصوصیه بیان کردن لازمست.

« این کشتیهای کوچك حربیه طوربیلهای خود را بصورت بسیار بهادرا نه رکشتئی (فیناز سوا روف) که کشتئی امیر الست انداختند. نتیجهٔ طوربیلهائیکه از لوی غند اول انداخته شد معلوم نگردید ولی یك طوربیلی که از طرف لوی غند دوم انداخته شد (فیناز سوا روف) را از بغل چپ بطرف دنبال گفته زد. و بعد از کمی کشتئی مذکور از تاثیر آن طوربیل بقدر ۱۰ درجه میل نمود. در اثنای این دو هجوم مخرب طوربیدوی (شیرانوی)، و طوربیدوی (آزاشیو) با کله

های که از کشتیهای دشمن از هرطرف بر انها میبارید زخمدار شدند، و تهلکه های بسیار بزرگی دیدند . اما هزار شکر که هردوی شان در یک مدت از ین وضعیت مخاطره ناك رهایی یافتند .

« از ساعت ٤ چهل دقیقه گذشته بود که دشمن از ین فکر خود که بسوی شمال یك راهی برای خود پیدا کند صرف نظر نمود . چونکه یکسر استقامت جنوب را گرفته بفرار کردن سعی وغیرت ورزیده . بنابرین دستهٔ کشتیهای جنگی اصلئی مابصورتیکه گرووازورهای زرهپوش در پیش بودند به تعقیب دشمن سرعت نمود . اما بسبب دمه ودودهای آتش تا یکمدتی دشمن از نظر نهان گردید

« بعد از انکه بقدر ٨ میل بسوی استقامت جنوب رفتار نموده بودیم در طرف راست خود یك گرووا زورصنف دوم ویکچند کشتی معاون دشمن را مشاهده کردیم ، وهماندم بر آنها آتش کشادیم در ساعت پنج ونیم دستهٔ کشتی های جنگی اصلئی مابرای پیدا کردن زرهپوشهای دشمن بسوی استقامت شمال برگشت . وگرووا زورهای زرهپوش را ی هجوم کردن بر گرووازورهای دشمن بر فتار استقامت جنوب غربئی خود دوام ورزیدند . سر ازینوقت تا بوقت شام که تاریکی شد هردو دستهٔ کشتی های جنگی ما بردوراه مختلف حرکت کرده همد یگر خود را از نظر غایب کردند .

*
* *

« از (٥) (٤٠) دقیقه گذشته دستهٔ کشتی های جنگی اصلئی ما بر (اورال) نام سفینهٔ معاون روس که از نزدیك ما میگذشت آتش کشاد ، وهماندم اورا غرق نمود ، وبرای جستجوی دشمن بر رفتار یکه داشت دوام ورزیده نهایت دستهٔ کشتیهای جنگی ما در جهت چپ خودش قطعه سفینهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی روس را مشاهده کرد که یکسر بسوی شمال شرقی روبفرار نهاده

بودند . ما ندم به آنها نزدیکشدیم ، و بیك راهی که موازی برراهیکه آنها گرفته بودند بود برابر آمدیم . درمابین مابازمحاربه درگرفت . چون رفته رفته مسافه کم شده میرفت دشمن از آتش شدید ناك مابسیار بسیار متأثر گردید . دشمن در اول امر به استقامت شمال شرقی پویان بود . اما آهسته آهسته راه خود رابسوی غرب برگردانید ونهایت دراستقامت شمال غربی بماند . این محاربه که بر دو خط موازی اجرا گردید از ساعت (٦) شام تابه شب دوام ورزید . دشمن آنقدر زده وزخمی شدکه آتش شان نیز خفت وسستی پیدا کرده .

« دستهٔ کشتیهای جنگی مابیك حال آزاده ومالکانهٔ مانده لحظه بلحظه کسب شدت مینمود . یك زرهپوش دشمن که به سیستم (الکساندرسوم) بود از خط برامدودرعقب بماند . یك سفینهٔ دیگردشمن نیزکه مانندزرهپوش (بوردینو) دیده میشد واین کشتی قول حرب را اداره میکرداز (٦)(٤٠) دقیقه گذشته آتش گرفت . واز (٧) (٢٣) دقیقه گذشته یکی یکباردرمیان دود های بسیار غلیظی مانده ، وگویا آتش بمخزن جبه خانهٔ آن سرایت کرده در یك آن واحدغرق وناپدیدگردید . کروزورهای زرهپوش ما که درجنوب دستهٔ کشتیهای جنگی کروزورهای دشمن را تعقیب میکردند ٧ دقیقه از ٧ گذشته بشکل کشتئی (بوردینو) یك زرهپوشی مشاهده کردندکه این سفینهٔ دشمن یك بغل بسیار میل کرده بحرکت مانده بود . درنزدیك این کشتی (نا خیموف) نام دیگر کشتئی روس نیز موجود بودکه هردوی شان دریك کم مدتی ترك سفینهٔ حیات کرده درقعر بحرمانند غوطه ور گردیدند . بعدتر ازین اززبان اسیرهای روسی که بچنگ افتاده بودند معلوم شدکه یکی ازینها (الکساندرسوم) ودیگر آن (بوردینو) بود .

« رفته رفته تاریکئ بسیار عمیقی جهانرا فرامیگرفت گویاطبیعت میخواست

که درپیشگاه دیده های امیدان هردو خصم جان همدیگر که ازصبح دم تابه این دم بفانی کردن همدیگر میکوشند یك پردهٔ سیاهی بیاویزد. اما این کشتیهارا، این قلعه های سیاررا، این کوههای آتشفشانرا که ازبسی زمانها برهمدیگرخود سلاح خونریزیرا برداشته اند کجا آرام میگیرند؟ هیچ شبهه نیست که دشمن خودرادر آغوش ظلمت شب درانداخته برای حیات باقیماندهٔ خود درباب تدارك کردن یك ملجا وماوایی میکوشد. امادستهٔ کشتیهای جنگی ما ازین شبی که روز آنرا بکمال شرف وشان بسر آورده نیز استفاده کردن میخواست وازاو پرده های کثیف، وطبقه های غلیظ تیره کنی شب را یکان یکان ازهمدریده گریبان دشمن خودرا که ازپیش تیغ مظفریتش درکرختن است بچنگی آوردن واورا سراسر محوو پریشان ساختن ازجملهٔ مقاصد مهمه اش بود.

« بناءً علیه باوجودیکه تیره کنی شب بسیار بودباز هم ترك مخاصمات نکردیم، واکرد شمن ازیکطرف میگریخت، درهمانطرف کشتیهای مابراوحمله می آورد، هرطرف که آتش بکشایدطرف مقابل اوراجواب میدهد. اکرکشتی های بزرك بایستد کشتیهای کوچك بکار زار آغاز میکنند. طوربیلها بغرش می آید!!

*
* *

« بواقعیکه لوی غندهای طوربیدو ومخرب طوربیدوهای مابعدازانکه همه تدارکات لازمهٔ خودشان را برای هجوم حاضر کردند دشمنرا درجهت شمال از طرف جنوب وشرق به احاطه کردن آغازنهادند، بنابرین دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی ما آهسته آهسته ازتضییق وفشاردادن دشمن به صرفنظر کردن آغازنهاد ومیدان حربرا برای این کشتیهای کوچك آتشین جولان خودواکذاشت.

(۲۸) دقیقه از (۷) کذشته بودیعنی هنگامیکه آفتاب جهانتاب شعاعات آخرین خودرا برموجهای حزین دریای ژاپان نشرمیکرد، درین ساحهٔ دریا

ئیکه افراد دو ملت بزرگ دران پهلوانیها کرده اندلوحه های بسیار عبرت انگیز الم آمیزی بوجود آمده بود . درینوقت بردستهٔ کشتیهای جنگی خود امر دادم که استقامت شمالرا بگیرند ، وموعد تلاقی را برای فرداصبح جزیره های (او لنونغ) راتعیین کردم .

محاربهٔ لوی غندهای (دهوا) و (اوریو) «وتوغو» ودستهٔ کشتی های جنگی گرووازورها

[این توغو غیراز امیرال توغوست]

« وقتیکه بساعت (۲) امر آتش کشادن داده شده بود لوی غندهای (دهوا) و (اوریو) و (توغو) ودستهٔ کشتی های جنگی گرووازورهای ما ازدستهٔ کشتی های جنگی اصلی جدا شدند . ودشمن را بجهت راست خود گرفته بسوی استقامت جنوب توجه کردند . وبموجب پلان ونقشهٔ سوق الجیشی که پیش ازین کشیده شده بود برای برهم کردن کشتیهای دشمن که دمدار تول غندبحری دشمن را تشکیل کرده بود ، وعبارت از سفینه های معاون (اولغ) و (اورورا) و (سوبیه تلانا) . و (الماز) ، و (دیمتری دونسقوی) ، و (ولادیمیر — موتوماق) بودند حرکت کردند .

« لوی غندهای (دهوا) و (اوریو) یکجاو بریك خط حرکت کرده بدستهٔ کشتیهای جنگی گرووازورهای دشمن نزدیکشدند ، ومقابل راهیکه آنها گرفته بودند یك راهی گرفته بمحاربه آغاز کردند .

« بسایهٔ سرعت افزونتری که این لوی غندهای ما داشتند دشمنرا گاهی از راست وگاهی از چپ بزیر آتش طوپ گرفته وضعیت آنهارا به آرزو ودلخواه خود تبدیل وتعدیل میدادند درمیان (۳۰) دقیقه دردمدار دشمن بی انتظامی ظهور

نمود سفینه های معاون، و کروواز وزها از همدیگر جدا شدند .

« یك کمی بعد از ساعت (۳) یك کشتی بطرز ساخت کشتئی جنگی (اوروزا) از دیگر کشتیها جدا شد، و بیکطرف نزدیك شد . لکن بتأثیر آتش سفینه های ما بصورت بسیار سنگینی زخمدار و دوچار خسارشده بازبه تبدیل دادن راه خود مجبور گر دید . (٤٠) دقیقه از (۳) گذشته بود که (۳) قطعه مخرب طوربیدوی دشمن برما هجوم کرد اما بی آنکه هیچ یك نتیجهٔ حاصل کنند به پس رانده شدند .

« از نتیجهٔ هجومهای مشترك لوی غندهای (ده وا) و (اوریو) بساعت (٤) درمیان لوی غندهای دمدار دشمن یك بی انتظامئی حقیقئی پدیدار آمد .

« در میان کشتیهای جنگئی این قسم میدان محاربه هیچ یك اثر ترتیب و نظامی باقی نماند . از ین کشتیها هر کدام جدا جدا دوچار خسار شده بودند و بعضیها بدرجهٔ که حرکت نتوانند رسیده بودند .

« ساعت چار را (۲۰) دقیقه گذشته بود که لوی غند (اوریو) یك کشتئی معاون سه دگلهٔ دودو دکش دار مشاهده کرد . هماندم بران آتش کشاده در یك کم مدتی آنرا بقعر دریا رهسپار ساخت .

و نیز همین لوی غند یك کشتئی دیگر چهار دگله و یك دودکش دار را نیز بزیر آتش شدید طوپ گرفته و آنرا نیز بدرجهٔ غرق رسانید . درهمین وقت دستهٔ کشتیهای جنگی کروواز وزرهای ما لوی غند توغو نیز بجای محاربه واصل شدند ، وقوتهای موجودهٔ خود را بر لوی غندهای اوریو، وده واضم والحاق کردند، و همهٔ این قوهٔ مجتمعه دست یك کرده بادستهٔ کشتیهای جنگی کروواز وزرهای دشمن وسفینه های معاون دشمن که بیك حال بسیار ابتر و برهمی بود بشدت تمام هجوم بردند و آنهارا خراب و پراضطراب ساختند .

« درین اثنائیکه این کارها میشد چار کشتئی جنگی دشمن که از طرف دستهٔ

کشتیهای جنگی اصلئی ما دفع و طرد شده بودند بر استقامت جنوب واپس رانده شده به دستهٔ کشتی های جنگی کروازورهای ما الحاق کردند . از نتیجهٔ این اتفاق چارزرهپوش با کروازورها این بعمل آمد که لوی غند (اوریو) ، و لوی غند کروازورهای ما با دشمن تا بسیار وقتها از مسافهٔ بسیار نزدیك بمحاربه کردن بسیار جدی و حقیقی در آویختند، و درین محاربه همه کشتی های ما کم و بیش زحمت کشیدند اما هزار شکر که خسارتهای ما بدرجهٔ که شایان اهمیت باشد نبود.

« سفینهٔ (قازاکی) نام لوی غند (دهوا) که بیرق خود امیرال (دهوا) را حامل بود در زیر خط آب خود از طرف چپ دوچار خسار شده بود . این کشتی برای اجرا کردن تعمیرات موقته بیکجایی که دریا آرام بود در کشید . (امیرال دهوا) کشتی (شیطوزه) را با کشتی قازاکی ترفیق نمود . و دیگر جزوهای نام لوی غند آن در زیر ادارهٔ قونترامیرال (اوریو) درآمد . بساعت (٦) سفینهٔ قازاکی به دریاچهٔ (ابورانیا) واصل شد و قونترامیرال (دهوا) بیرق خود را بر کشتئی (شیطوزه) برافراشته در شب باز در میدان محاربه بیامد . ولی کشتئی قازاکی چون تعمیرات خود را باروز دیگر نتوانست بسر برساند در تعقیب دشمن بروز دیگر اشتراك ننمود . در لوی غند (اوریو) نیز کشتئی (نانیوا) که سوارئی امیرال بود در زیر خط آب خود یك ضربهٔ اوبوس را بخورد . بنابرین او نیز برای اجرا کردن تعمیرات موقته به ترك کردن خط حرب مجبور شد .

« درینوقت هم در طرف شمال و هم در طرف جنوب همه دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن سراسر پرا کنده و پریشان شده بود . و بیك حالی که دل انسان بران میسوخت درآمده بود ، و ازینسبب بود که در ساعت پنج و نیم دستهٔ کشتی های جنگی کروازورهای زرهپوش ما از دستهٔ کشتی های جنگی اصلی جدا شده ، و برای هجوم بردن بر کروازورهای دشمن یکسر بسوی جنوب حر

کت نمود . درینوقت لوی غند (اوریو) ، ودسته کشتی های جنگی گرووازورها ولوی غند (نوغو) دشمن را درزیر تضییق و فشار آورده کشتیهای دشمن فوج فوج بسوی شمال بگریختن آغاز نهادند . لوی غندهای مادر اثنای تعقیبی که داشتند به کشتی زرهپوش (قینازسواروف) و (قامچاتقا) که برزفتار اقتدار نداشتند ودر عقب مانده بودند تصادف کردند ، وهماندم ترتیبات غرق کردن آنرا گرفتند . ده دقیقه از ۷ گذشته (قامچاتقا) راغرق کردند . بعدازان لوی غند طوربیدوی (فوژیموطو) که بهمراه دستهٔ کشتیهای جنگی گرووازورهای مابود بر زرهپوش (سواروف) تاختند . این سفینه تابه آخروقت بایك طوپ کوچکی که داشت درمدافعه دوام ورزید . امانهایت الامر باضربهٔ دوطوربیل بزیر دریا فرو رفت !

« ۲۰ دقیقه از ۷ گذشته بود : کشتیهای ما که درین قسم میدان محاربه بودند برای رفتن بموعد ملاقاتی که درجزیره های (اولنوتغ) تعین شده بود امر گرفتند ، وازینسبب از محاربه صرف نظر کردند ، وبسوی استقامت شمال شرق بره پیمایی آغاز کردند .

راپورت در باب محاربهٔ طوربیدوها

« محاربهٔ شب ۲۸ بمجردیکه محاربهٔ روز ۲۷ منقطع گردید آغاز نهاد اینمحاربه عبارت از جنگ وجدال بسیار شدید ومهلکی بود که لوی غندهای طوربیدوها ، ومخرب ها از جهتهای مختلف اجرا کرده بودند .

« باد بسیار شدیدی که از صبح به اینطرف دروزیدن بود دریا را خیلی پرجوش وخروش نموده بود . وبه اینسبب این سفینه های کوچك مابه بسیار مشکلات مانوره یعنی حرکات عسکریهٔ خودرا اجرا میتوانستند . بنابرین پیش ازانکه

محاربهٔ روز آغاز کند لوی غند طور پیدوهای را که در پیش من بودند در خلیج (می یورا) فرستادم . بوقت شام شدت باد یکقدری کمشد . اما دریا هنوز خیلی در طلاطم بود ، و به اینسبب وضعیت سفاین طور پیدوی ماهنوز برای مانوره کردن در شب مساعد و موافق نبود ، مع هذا لوی غندهای طور پیدو ، و مخربهای ما از بیم آنکه مبادا این فرصت یگانه از دست شان فوت شود باوجود طلاطم پر دهشت بحر پیش از غروب شمس خود را بمیدان رزمگاه در انداختند ، و در باب نزدیکشدن به دشمن جد وجهد نمودند .

« لوی غند مخرب (فوژیموطو) که از جهت شمال می آمد ، ولوی غند مخرب (باژینا) که از شمال شرقی می آمد ، ولوی غند طور پیدوی (قاوا زه) از سه طرف بر دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی دشمن بشدت هجوم بردند . در همین وقت لوی غند مخرب (یوشیژیما) ، ولوی غند مخرب (هیروزه) از جهت شرق ، و جهت شرق جنوبی بر آخر قول همین دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن اجرای صولت کردند .

« لوی غندهای طور پیدوی (فوکودا) ، (اوناکی) ، (اویاما) ، (قاوا دا) که از جهت جنوب میآمدند دستهٔ کشتیهای جنگی کروواز ورهای دشمن را که از دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی جدا افتاده بودند بشدت تمام عقب گیری نمودند . به اینصورت در وقتی که تاریکی شب جهاز افرا میگرفت این دستهٔ کشتی های جنگی کوچك ما دشمن را از سه طرف احاطه کرده بودند .

« پس معلوم شد که این وضعیت مهلکه دشمن را یك خوف وهراس فوق العادهٔ انداخته بود که بعد از غروب آفتاب از راهیکه براستقامت جنوب غربی گرفته بود صرف نظر کرده سر از نو باز بسوی استقامت شرق توجهٔ حرکت نمود . هجوم شبانهٔ لوی عند های طور پیدوی ما بساعت (۸) شب

اول از هجوم لوی غند مخرب (یازیما) که بطرف سردستهٔ کشتیهای جنگی دشمن اجرا کردند آغاز نهاد . و سر ازین ساعت همه لوی غند های طور پیدوی ما ازهراستقامت مانند شاهینهای تیز پروازی برین دستهٔ کشتیهای جنگی به پرواز آمدند ، و نابساعت (۱۱) شب اصلا از هجوم فارغ نشدند دشمن نیز همه پروژه کتورها ، وطوپهای خود را استعمال کرده ازمدافعه ومحاربهٔ ناامیدانه کوتاهی نکردند . و لی به این هجومهای متمادی حشرات البحر طور پیدوهای مامقاومت وتوانایی نتوانسته همه ترتیبات محاربهٔ شانرا کاملاً زیروزبر نمودند ، وهریك ازکشتیهابیك یك طرفی گردیده درهرجهت دستهٔ کشتی های جنگی یك بی انتظامی وپراکنده گی بزرگی حکمفرما گردید .

« طور پیدوهای مابعقب گیری آنها بشدت دوام ورزیدند میدان محاربه درهم وبرهم گردید . سه قطعه زرهپوش دشمن که یکی زرهپوش (سیصو یی وه لیتی)، ودیگرش گرووا زورزرهپوش (امیرال ناخیموف) ، وگرو وازور زرهپوش (ولادیمیرمونوماق) بودند باطوپهای طور پیدوی ما زخمهای کاری خورده از کاردرافتادند . از طرف ماطور پیدوهای نمبر (۶۹) ازلوی غند (فوکودا) ، ونمبر (۳۴) ازلوی غند (اویاما) ، ونمبر (۳۵) از لوی غند (قاوادا) بتأثیراوبوسهای دشمن غرق شدند . مخربهای (هارو زامه) ، و (آقاچوکی) ، و (ایقاچوکی) ، و (یوژیری)، وطور پیدوهای (صوژی) ونمبر ۶۸ ونمبر (۳۳) نیزازگله های اوبوس دشمن خوب متاثر شدند . و بصورت موقت از صف حرب بیرون برامدند . ضایعات مرتبات مادر لوی غند های (فوکودا) ، و (اویاما) ، و (قاوادا) نسبت بدیگران زیاده تربوقوع آمده بود . طایفه های سه طور پیدوی ماازطرف مخرب (قاری) وطور پیدوهای نمبر (۳۱) و (۶۱) رهایی یافتند .

« از قرار گفتهٔ اسیرهای روسی که بدست ما افتاده بودند چنان معلوم شدکه هجوم طوربیدو های ما که در شب اجرا کرده بودند خیلی مدهش شده بود . این کشتیهای کوچك مابه آنقدرسرعت هجوم میکردند ، وآنقدرنزدیك می آمدند که توقف دادن آنها غیرممکن دیده میشد ، وازانقدرنزدیك طوربیلهای خودرامی انداختند که نشان گرفتن آنهاغیرقابل مینمود .

« غیر ازین هجومهائیکه ذکرکردیم لوی غند مخرب (سوزوکی) ودیگر لوی غند های طوربیدوی مانیز ازاستقامتهای مختلف به عقب گیری ، و جستجوی دشمن افتاده بودند . بوقت صبح روز (۲۸) در (۲۷) میل شرق شمالی (قارازاکی) نام محل دوقطعه سفینهٔ حربیهٔ دشمن رادیده برا نها هجوم بردند ، وهمانده یکی ازانهارا غرق کردند نظربه گفتهٔ اسیرهائیکه بدست آمده بود این کشتی غرق شده سفینهٔ حربیهٔ (ناوارین) بود که از هردو طرف خود دو دوطوربیل خورده ودرظرف دودقیقه درقعربحرپو یان گردیده است . دیگرلوی غند های طوربیدوی ما اگرچه تمام شب بجستجوی دشمن درا ستقامتهای مختلف تك وتاز کردند ولی هیچ اثری از دشمن گریزپای خود نیافتند .

« اینست نتیجهٔ هجوم طوربیدو ها که درشب ۲۸ می اجرا گردید .

راپوردرباب محاربهٔ میدان ۲۸ می

« درروز (۲۸) می دستهٔ کشتیی که از ۲۴ ساعت به اینطرف جهانرافرا گرفته بود بتمامها برطرف شده بود . دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی مابادستهٔ کشتیهای جنگی کروازورهای زرهپوش ما تخمیناً در (۲۰) میل بجهت جنوبی جزیرهٔ (اولنونغ) موجود بودند . دیگرلوی غندهای ما ، ودستهٔ کشتیهای

جنگی طوربیدو های ما که به هجومهای دیشبهٔ خودشان کشتیهای دشمن را تارومار کرده بودند از راههای مختلف بموعد تلاقی یکسر پیش می آمدند.

« ساعت (۵) را (۲۰) دقیقه گذشته بود. در اثنایی که من برای سد کردن خط رجعت دشمن دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورهای زرهپوش خود را بطرز زنجیر کشف از شرق بسوی غرب ترتیب میدادم ازطرف دستهٔ کشتی های کرووازورهای ما که تخمیناً (۶۰) میل درعقب، وبراستقامت شمال برفتار بودند خبرداده شدکه دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن رادرجهت شرق دیده اند، که بسی ستونهای دود های آن به آسمان بلند میشود.

« بعداز کمی این دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورهای مابدشمن نزدیك شدند وبما اشارت کردندکه دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن عبارت از ٤ قطعه زرهپوش ودو کرووازور میباشد، ویکسر بسوی شمال دررفتاراست. هیچ شبهه برای ما نماند که این کشتیها عبارت از قسم اصلی ویران شدهٔ دستهٔ کشتی های جنگی دشمن خواهد بود. بنابرین دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی مابا دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورهای زرهپوش مابرای بستن راه رابر دشمن بطرف راست تبدیل حرکت کرده بر استقامت شرق رفتارنمودند. لوی غند های (توغو) و (اوریو) نیزبه دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازور ها التحاق کرده درعقب آنها موضع گرفتند. به اینصورت بساعت ده ونیم در (۱۸) میل جنوب (تاکه شیما) دشمن از هرجهت احاطه شده بود.

« این قوت دشمن عبارت بود از کشتیهای زرهپوش (اوره ل) و (نیکولای نخستین)، ومحافظهای ساحل (آپراقسین)، و(سه ن یاوین) وکرووازور (ایزمرود) که همهٔ آن پنج قطعه میباشد. درهمین وقت یك کرووازوردیگردشمن در استقامت جنوب از بسیاردور پدیدار گردید، و

لی خیلی زود باز از نظر پنهان شد .

« اینچند پاره کشتئی که مابقئی ویران شده کئی دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن بود به آندرجه خسارت زده شده بودند که باقوای فایقهٔ ما مجال محاربه کردنرا ندا شتند . وبعد ازانکه کرووازورهای زرهپوش مایك چندگله برانها اندا ختند قونترامیرال (نه بوغانوف) که قوماندان این کشتیها بود اشارت کشید که با همهٔ قوای حربیهٔ که در زیر ادارهٔ اوست آرزوی تسلیم شدن را دارد . من این اشارت اورا قبول کردم ، ویك خوبئی دیگر هم با آنها کردم که افسران شا ن را اجازهٔ محافظه کردن شمشیرهای خود شان را دادم . تنها کرووازور (ایزمرود) دشمن پیش ازکشیده شدن اشارت تسلیم باهمهٔ سرعتی که داشت یکسر بسوی جنوب فرار نموده از پیش لوی غند (توغو) در گذشت ، وبسوی شرق یك راهی برای خود پیدا کرده توانسته از نظر پنهان گردید . درین اثنا کشتئی (شیطوزه) با التحاق مینمود که از خلیج (آبورایا) عودت میکرد ، ودرراه یك مخرب طوربیدوی دشمن را غرق کرده بود .

« وقتیکه (شیطوزه) گریختن سفینهٔ (ایزومرود) را مشاهده کرد ، هماندم تبدیل استقامت نموده (ایزومرود) گریزپارا تعقیب نموده . امادشمن برهایی دا دن گریبان خود کامیاب آمده درجهت شمال به میان مسافات بعیدهٔ بحر از نظر نهان گردید .

« پیش ازین وقایع ، در وقتیکه لوی غند (اوریو) بسوی شمال پیش میرفت بساعت ۷ صبح درجهت غرب یك کشتئی دشمن را مشاهده نمود هماندم کشتیهای (اوناوا) ، و (نی ناقا) که درزیر قوماندانئی کپتان (آریما) بودبه تعقیب آن شتافتند . ساعت (۹) بود که به آن رسیدند ، وشناختند که کشتئی (سوییه تلانا) ست برفاقت این کشتئی دشمن یك مخرب طوربیدوهم بود . این دوکشتئی ما

چون یك کمی بدشمن نزدیکشدند آتش بسیار شدیدی کشادند . وبعد از یکساعت محاربهٔ کشتئی (سوبیه تلانا)ی دشمن را درنزدیکیهای خلیج (شی بوك پی یونغ) غرق کردند . سفینهٔ (نی تاقا) باضرب طوربیدوی (موراقومو) که نو بمددکارئی شان رسیده بود (بیستری) نام ضرب طوربیدوی دشمن را که با (سوبیه تلانا) بود عقب گیری نمودند از (۱۱) (۵۰) دقیقه گذشته بود که اورا به ساحل نزدیك کرده درزیر فشار گرفتند، ونهایت دریك خلیج بی نامی انرا غرق وناپدید ساختند . مرتبات این دوسفینه که زنده مانده بودند جملةً از طرف کشتی های معاون (امریکامارو) ، و(قازوغامارو) رهایی داده شدند .

«دراثنائیکه قسم اعظم دستهٔ کشتی های جنگی مرکب ما که دشمن را اسیر کرده بودند هنوز درمحل وقعهٔ اسیر شدن امیرال (نه بوغاتوف) بودند، وباچهار کشتئی جنگی اسیر شدهٔ دشمن مشغول بودند بناگهان ازدور کشتی امیرال (او شاقوف) مشاهده شده همانديك مفرزهٔ بحریه که از کشتیهای (ایواته) و(یاقومو) مرکب بودند براو بحمله آوری مقرر شد . یك کمی از ساعت ۸ گذشته بود که این دوکشتی مابه کشتئی دشمن رسیدند، وهماندم تسلیم شدن اورا تکلیف کردند . اما کشتئی روس به این تکلیف کشتیهای مابه آتش طوپ جواب دادند . بنابرین بجز اینکه بروهجوم برده شود دگر چارهٔ نماند . نهایت الامر کشتئی روس را غرق کردند ، و ۳۰۰ نفر مرتبات آنرا از میان موجهای فروبرندهٔ بحر محیط رهایی داده اسیر کردند .

«ساعت ۳ ونیم بود که (سازانامی) ، و(قازارو) نام ضرب طوربیدوهای مادو ضرب طوربیدوی دشمن را تخمیناً (۴۰) میل درغرب جنوبئی جزیره های (اولنونغ) مشاهده کردند که یکسر بسوی شرق درگریختن بودند . یکی ازین کشتیهای دشمن که درعقب مانده بود یك بیرق سفیدی برافراشته اشارت

تسلیم شدن خود را نمودار کرد. بنابرین طوربیدوی (شازانامی) نام مارفته انرا بدست تصرف خود در اورده. معلوم شد که این مخرب طوربیدوی دشمن (پی یه دودی) نام کشتئی روس است. ویس امیرال (روژستوه نسکی) با همه ارکان حربیهٔ خود درین کشتی بودند، و جملهٔ شان باطایفه های خود اسیر افتادند. طور پیدوی (فازه روی) مانا بساعت (٦) ونیم به تعقیب کشتئی دیگر روسی دوام ور زید، ولی بگرفتار آوردن آن موفق نشده کشتئی کوچك روس گریبان خود را رهایی داد.

« لوی غند های (اوریو) و (یازیما) بساعت (٥) شام گرووازورزرهپوش (دیمتری دونسقوی) دشمن را مشاهده کردند، وهماندم بعقب گیری آن شتافتند. درین اثنا کشتی های « اوناوا » ، و (نی ناقا) نام ماهمراه « آزاژیری) و (شیرافومو) ، و (فویوکی) نام مخرب طوربیدوها از خلیج (بی یونغ) برمی گشتند. بنابرین از جهت غرب به او تقرب کردند، وهماندم بر کشتئی مذکور آتش کشادند. وبه اینصورت کشتئی روس در میان آتشهای مقراصئی کشتیهای مادر افتادو تابوقت شام که تاریکئی شب جهان را فرا گرفت بشدت تمام بمحاربه دوام نمود. گرووازوردشمن به بدصورت زده وزخمی شد. اما بازهم بشناوری دوام مینمود. تا آنکه درتاریکئی شب از نظر نهان گردید. وگرووازورهای ما آتش خود را قطع نموده « فویوکی ». و (یازیما) نام مخرب طوربیدوهای ما براو حمله آوردند. اما نتیجه مشکوك وغیر معین بماند. روز دیگر بوقت صبح این کشتئی دشمن درنزدیکئی ساحل جزیره های (اولنونغ) دیده شده هماندم ازطرف کشتیهای ما بقعر دریا فرستاده شد. مرتبات آن که درجزیره ها برامده بودند ازطرف (قازوغا) ، و (قوبوکی) جمع آوری شدند.

« درانثنایی که قسم اعظم دستهٔ کشتی های جنگی مرکب ما درشمال به این

صورت حاصلات حرکات شدیدانهٔ جوانمردانهٔ خودرا بجمع کردن مشغول بودند ، درجهت جنوب نیز بسیاری از سفاین حربیهٔ دشمن اسیر میشدند . سفینه های معاون (شینانومارو) ، و (ته نان مارو) و (یاواتامارو) برای تحریات وتجسسات بوقت صبح (۲۸) می حرکت کرده بودند . این کشتیها بعد از یکمدتی در (۳۰) میل شمال شرقئی (قارازاکی) (سیصویی وه لیقی) نام کشتئی دشمن را مشاهده کردند که این زرهپوش دشمن یکشب پیشتر باطور پیلهای طور پیدوهای مازخمدار شده بودند . ودرین وقت که سفاین معاونهٔ مامیرسیدند ، درحالت غرق شدن بود . کشتیهای معاون ماهماندم بگرفتار کردن آن ، وخلاص کردن طایفهٔ آن حاضر شدند . اماساعت (۱۱) بود که این زرهپوش بسیار بزرگ دشمن نیزدر زیر دریا از نظرها نهان گردید .

« در دیگر طرف از ساعت (۵) (۲۰) دقیقه گذشته بود که مخرب طور پیدوی (شیرانووی) ، وسفینهٔ معاون « سادومارو » به کشتئی جنگئی « آمیرال ناخیمو ف » در « ۵ » میل شرقئی ساحلهای « چوشیما » تصادف کردند که کشتئی مذکور درمیان یك تهلکهٔ عظیمهٔ مانده بود . درعقب این تصادف « ولادیمیرمونوماق » نام کشتئی جنگئی دیگر دشمن را دیدند که این هردو کشتئی بحالت غرق شدن بودند . کشتئی « سادومارو » ی ماهماندم بتدارکات ضبط کردن آنها آغاز کردند . ولی کشتیهای دشمن آنقدر خسارت زده شده بودند که از هرطرف انهار خنه ها ی جسیمی پیداشده ابهابشدت دران هجوم مینمود . کشتی ماهمینقدر توانستند که مرتبات انهارا رهایی بدهند . بساعت « ۱۰ » هردوی انهادرزیر بحر پویان شدند . درهمین اثنابود که « غرومکی » نام مخرب طور پیدوی دشمن دران جوار پدیدارشد ودفعتهً بسوی شمال بره پیمائی آغازنهاد . (شیرانووی) همان دم اورا عقب گیری کرد ودرین اثنا طور پیدوی نمبر (۶۳) نیز رسیده هردوی شان

بر کشتی دشمن هجوم برده آن را ضبط و طایفه اش را اسیر کردند . اما سفینهٔ مذکو ره به آنقدر خسار دوچار آمده بود که از ساعت (۱۲) (٤٦) دقیقه گذشته بود که از سطح آب الوداع ابدی گفته در قعر بحر شتابان گردید .

بعد از محاربه دیگر اقسام دستهٔ کشتیهای جنگی ما و سفاین معاونهٔ ما هر هر طرف میدان محاربه ، و سواحل همجوار را بخوبی جستجو کرده بسیاری از مرتبات سفاین غرق شدهٔ دشمن را بدست آوردند . همهٔ اسیرانی که درین محاربه اسیر دست ما شدند بمعهٔ مرتباتی که در کشتیهای اسیر شده بودند به (٦٠٠٠) هزار آدم بالغ شدند .

« نتیجهٔ محاربهٔ که از روز (۲۷) می بعد از پیشین آغاز ، و در روز (۲۸) می بعد از پیشین به انجام رسید عبارت از همین بود که بیان گردید . بعد از محاربه یك قسمی از دستهٔ کشتیهای جنگی ما تا بسیار جاها بسوی جنوب برای جستجوی دشمن پویان شدند ، ولی دران جهتها هیچ یکی از سفاین دشمن دیده نشد . تقریباً (۳۸) قطعه کشتئی دشمن بداخل شدن دریای (ژاپان) تشبث ورزیده بودند . که ازین جمله تنها یکچند کروازور ، و مخرب طوربیدو ، و یکچند سفینهٔ معاون بی اهمیت از دم سلاح قهروتد میرما گریبان خود را رهایی داده توانسته اند . درین محاربه عظیمه که دو روز دوام نمود ضایعات ما تنها برسه طوربیدو منحصر مانده است . بعضی دیگر سفینه های ما نیز اگرچه کم و بیش دوچار خسار شده اند ، ولی هیچ یکی از انها بدرجهٔ که از خدمت خود پس بمانند زده وزخمی نشده اند . ضایعات نفوسی که در همه دستهٔ کشتی های جنگی ما بوقوع آمده از افسران و نفریها (۱٦۰) مقتول و (٥۳۸) مجروح میباشد .

« در مابین نفوذ واقتدار این دو قوت معارض یعنی دسته کشتی های جنگی ما و روس یك فرق بزرگی موجود نبود ، و این را هم اعتراف میکنم که افسران

و مرتبات دشمن به بسیار غیرت و شدت جنگ کردند، ولی باوجود آنهم دسته کشتی های جنگی ما، مظفر آمده نتایج مذکوره را حاصل کردند که اینهم اثر جسارت و دلاوری خودمانی بلکه از فضایل برگزیدهٔ حضرت ایمپراطور ما یك نشانهٔ علوی ایست. اینقدر کم بودن ضایعات ما نیز بجز تأثیر حمایهٔ ارواح اجدا دایمپراطوری بر دیگر هیچ چیزی عطف و اسناد کرده نمیشود. و همه افسران و افراد ما که بیك شدت و دلاوری مردانهٔ حقیقی محاربه کرده اند چون به سوی این نتیجهٔ مظفریت، و بی نسبتی ضایعات خود می بینند بجز اینکه آن را بر اثر شفقت و حمایهٔ ارواح منقدمین حمل نمایند دیگر چیزی گفته نمیتوانند.»

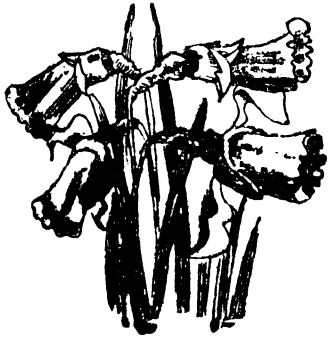

ملاحظات

درباب محاربهٔ میدان چوشیما

عاقبت الیمه — و طرز ساخت سفاین حربیهٔ روس

انجام الم انگیز کشتیهای جنگی روس از ینقرار است :

(۱) — کشتیهای زرهپوش روس (۸) قطعه بود (٦) قطعه آن غرق کرده شدکه اینهاست : (قینازسواروف ؛ الکساندردوم ؛ بوردینو ؛ اوسلی یابیا ؛ سیصویی وه لیقی ؛ ناوارین) دوقطعهٔ آن اسیرشدکه اینهاست : [اوره ل ؛ نیقولای نخستین]

(۲) — کروزورها (۹) عدد بود (٤) قطعهٔ آن غرق شدکه اینهاست : [امیرال ناخیموف ، سوییه تلا نا ، و لادیمیر ، ایزومرود] سه قطعهٔ آن به (مانیلا) فرارکردند ، ودرا نجامحبوس شدندکه اینهاست : [اوروزا ، اوله غ ، ژه مچوغ] یکی به بندرگاه (ولادیو وستوك) گریخت که نامش [آلماز] است .

(۳) — محافظهای ساحل (۳) عدد بود . دوعدد آن اسیرشد که [اپراقسین ، وذیگرش سه نیاوین] بودند . یك عدد آن غرق شدکه [امیرال اوشاقوف] بود .

(٤) — مخرب طوربیدوها (۹) عدد بود (٤) قطعهٔ آن غرق کرده شد

که اینها ست : [بوئی نی ، بیستری ، غروبکی ، وبکی دیگر] . یکی اسیر افتاد که نامش (پی یه دووی) بود . یکی در اثنای گریختن به [شانغهای] بسبب خسارانی که یافته بودغرق شد . نامش (بله ستیاجی) یکی به شانغهای گریخت ودرانجابجهیزاتش پرداخته شده محبوس ماندکه نامش [بودری] بود . یکی به ولادیوستوك فرار نمودکه نامش (بواوی) بود . آخری آن معلوم نشد که چه شد .

(۵) — گرووازورهای معاون یکدانه بودکه آنهم غرق کرده شد . نامش (اورال) بود .

(٦) — واپورهای معاون (٦) قطعه بود . (٤) قطعهٔ آن غرق کرده شد . نامهای شان [قامچاتکا ، ایرتیش ، آنادیر ، روس] بوده دو قطعهٔ آن به شانغهای فرار کرده درانجا حبس شدندکه نام شان [قوره آ ، و سیویر] بود .

(۷) — واپورهای خسته خانه دو قطعه بودکه هردوی آن اسیر شدند ، ویکی بعدازاسیرشدن آزادی داده شدکه نامش [قوستروما] بود ، ودیگرش که (اوره ل) نام داشت در غنایم بحریه داخل شد .

— ﴿ اجمال ﴾ —

کشتیهائیکه غرق شده	۲۰	قطعه
کشتیهائیکه اسیرشده	٦	قطعه
کشتیهائیکه گریخته اند وغرق شده	۲	قطعه
کشتیهائیکه ببندرگاههای بیطرف رفته وحبس شده	٦	قطعه
کشتیهائیکه اسیرشده ورهایی داده شده	۱	قطعه
کشتیهائیکه فرارکرده اند	۲	قطعه

در روسیه بملیونها نفوس به حوادثی که از آبنای (چوشیما) بیاید منتظر بودند . حتی این انتظار بتمام ساکنان کرهٔ زمین شامل بود .

آرزوی شدیدیکه در دلهای روسها برای غالبیت دستهٔ کشتیهای جنگی شان جایگیر شده بود اگر یگان یگان حساب میشد یك جمع بسیار بزرگ دهشتناکی از امید تشکیل مینمود ! قسم اعظم مردمان به تدقیق بعضی حسابها ورقمها مشغول بود . مثلا بعضی عدد سفاین حربیهٔ روس را ، و بعضی مقدار جنس وطوپهای سفاین حربیهٔ شانرا ، و بعضی شجاعت و دلیری تاریخیهٔ افسران و مرتبات شانرا حساب کرده دستهٔ کشتیهای جنگی امیرال (روژه ست وه نسکی) را از دستهٔ کشتیهای جنگی امیرال (توغو) قوتمندتر و مافوق تر تصور میدادند . ولی هزار افسوس که این تصورات منظره از قوه بفعل نیامد ! خبر حقیقت بسیار تلخی همهٔ این حسابها و تخمینها را زیر و زبر نموده اینهمه امیدها را باخاك یکسان نمود .

این یك امر طبیعیست که شاهد مظفریت بحری به تفوق عددی روی التفات ندارد ، بلکه در آغوش قوتمندتر ، و تجربه دیده تر ، و باتدارك تر یك دستهٔ کشتی های جنگی میاندازد که در یك دارالحربی که بخود او خوب معلوم باشد حرکت کرده بکمال سهولت و زودی نواقص خود را اکمال ، و احتیاجات خود را بر طرف بتواند . اینست که این محاربهٔ چوشیما این حقیقت تجربهٔ تاریخیه را بازبما بخوبی روشن و مبرهن نمود .

« روژه ست و . نسکی » هنگامیکه از (لیباو) بسوی اقصای شرق میرفت امید مشخص همهٔ دولت روس شده برفت ؛ اما در اول مصادمهٔ که با دشمن نمود یك نا امیدی مجسمی تشکیل داد ! و سنگ خوش عیار موفقیت و کامیابی را در پلهٔ میزان روسها توانست نهاد .

مع هذا همهٔ این قباحت عدم موفقیت را بر او انداختن گناه است !

در بخصوص یك محرر روسی اینچنین مطالعات بیان میکند :

« امیرال روژدست وه نسکی » چرا از ابنای های (په روز) یا (چوغارو) مرور نکرد و از ابنای (قوره) گذر کرد ، تا اینکه این فلاکت را بر خود بیاورد ؟ پس اگر چه اینگونه یك اعتراض معقول بر او وارد میشود ؛ اما اگر او بجواب بگوید که (برای طی کردن اینقدر مسافه بدرجهٔ کفایت زغال نداشتم) ، در آنوقت چه حق داریم که به او چیزی بتوانیم گفت .

« اما اینهم جای دقت و اندیشه است که آیا امیرال (روژه ست وه نسکی) بدر امدن ابنای قوره قطعیاً مجبور بود؟ آیا وقتی که آن دمهٔ کشیفه را دیده بود نمیتوانست که پیش رفتن خود را تا برطرف شدن دمه معطل بگذارد؟ آیا نمی توانست که در سواحل قوره یك خلیجی را برای خود اس الحرکات گرفته برای داخل شدن در ابنای مذکور موافقتریك زمانی را انتظار بکشد ؟ این است که این سوالها را خود (روژه ست وه نسکی) باید جواب بدهد!

جناب زار روس در عقب محاربهٔ (چوشیما) به امیرالهای خود به اینصورت بیان تبریکات کرده است :

§ صورت تلگراف §

در توکیو : به یاور حریم و پس امیرال روژدست وه نسکی

« بشما و دیگر همه افسران و مرتبانی که در دستهٔ کشتیهای جنگی شما بوده از صمیم قلب تشکر میکنم . در اثنای محاربه در خصوص بجا آوردن وظیفهٔ مقدسهٔ خودتان حرکات فداکارانهٔ که برای من و تمام روسیه اجرا کرده اید شایان تقدیر و ثناست . بموفقیت و کامیابی تشبث شما ارادهٔ الهیه شرف تعلق نمود . اما بمقابل آن شما آن امر عظیم را بجسارت و شجاعت فوق العادهٔ تان

تزئین واعلا گردید. روسیه دایما بوجود شما مغرور خواهد بود. در نزدیك وقت اعادهٔ عافیت کردن شمارا، وصبر ومتانت نشاندادن شمارا از جناب حق تمنی ونیاز میکنم. »

دیگر

درمانیلا: بدقونترامیرال نه نکیست

« قوماندانها، وافسران، ونفربهای کرووازورهای (اولغا، واورو را، وزه ،چوغ) بهمهٔ شماجداجدا تشکر میکنم، و خدمات برگزیدهٔ شما را که درائنای آن محاربهٔ دهشتناك بجاآورده اید تقدیروثنامیگویم. جناب حق بخاطراینکه وظایف مقدسهٔ خودتانرابخوبی بجاآورده اید بدلهای شما صبروتسلی احسان بفرماید. »

دیگر

دروﻻدیووستوك: به قوماندان (آلماز) یاور حرب (چاغین)

« بشما بکمال صمیمیت تشکر میکنم درائنای محاربهٔ بد بخت چوشیما از حرکات فداکارانهٔ که بجاآورده اند به قوماندان وافسران، ومرتبات سفینه های ایزومرود، آلماز، غروزنوی، و براوی ازطرف من بیان ممنونیت بکنید درمیان اینهمه الماوکدرهائیکه روسیه راازیکسرتادیگرسراستیلا کرده بیادآوریهای وظیفهٔ مقدسهٔ شماحسان فرمودن تسلی وقوت را بشما از جناب حق دعاونیاز میکنم. »

نتایج این محاربه از تصور بدبین ترین مردمان نیزوخیمتر ومؤلمتر گردید. طالع درین بار نیزبروی روسها خنده نکرد. هنوز دراول محاربه امیرال (روژه ست وه نسکی) زخمدار گردید. واگرچه مشار الیه ازسفینهٔ امیرال بکشتیٔ طوربیدوی (بوئی نی) نقل نموده توانست ولی اداره کردن دستهٔ

کشتیهای جنگی برای او ممکن نشد . تا آنکه این امیرال بدبخت آخر الامر باهمهٔ ارکان حربیهٔ خود بدست دشمن اسیر افتاده فلاکت خود را بکمال رسانید .

بعد ازو ، قدیمترین قوماندانها امیرال (فه لکرسام) بود که او نیز آنقدر ناجور و ضعیف بود که پیش از رسیدن دستهٔ کشتیهای جنگی روس به (چوشما) ترك سفینهٔ حیات نموده است . پس به اینصورت قوماندانئی دستهٔ کشتیهای جنگی بعد از روژه ست وه نسکی ، وفه لکرسام ، اول به امیرال (نه بوغانوف) وبعد هم به امیرال (نه نکیست) که معلوم نشد که چه شد انتقال می یافت امیرال (نه بوغانوف) مدهشترین رذالتها و نامردیهائیکه خیال بشر آنرا تصور نتواند قبول نمود . یعنی باچار کشتی جنگی زرهپوش ویك مخرب طوربیدو خود را بدشمن تسلیم کرد .

نقطهٔ مدهشترین این فلاکت نوی که بسر روسها آمد عبارت از همین عارا سارتیست که از طرف امیرال (نه بوغانوف) قبول گردید .

*
* *

در نظامنامهٔ بحری روسها درباب تسلیم شدن بدشمن این سطرها مندرجست :

« در اثنای محاربه شخصی که قوماندانست به افراد و افسرانی که بهمراه اوست دلاوری ، باید بدهد . وبکمال فداکاری وشجاعت تا به آخر درجه جنگ باید کند . اما اگر از این سه حال یکی پیش شود همه افسران بزرگ وخورد را در پیش خود جمع کرده وهمراه آنها مشورت کرده هرگاه رایهای همهٔ شان درباب قبول کردن اسارت قرار گرفت از بهر آنکه خونریزی بیهوده نشود کشتی خودرا بسبب حالات ذیل بدشمن تسلیم میتواند :

حال اول — : هرگاه گله های دشمن آنقدر شکافها و رخنه ها در کشتی

او پیدا کرده باشد که بستن آن ممکن نباشد ، و کشتی بغرقشدن آغاز نهد .

حال دوم — : هرگاه جبه خانه در کشتی هیچ نماند، وطوپ های کشتی بتأثیر گله های دشمن سراسر از کار بیفتد ، و الحاصل هنگامیکه از همه اسباب جنگ ودفع کردن دشمن محروم بماند ، ویادر مر تبات آنقدر ضایعات و کبودی ظهور کند که تاب آوری بیرون دایره امکان شود .

حال سیوم — : هرگاه در کشتی یك احتراق یعنی سوختنی که قابل گل کردن نباشد ظهور نماید .

«اما باوجود این سه حال باز هم اگر قوماندان دید که عسکر خودرا بواسطهٔ قایقها و کشتی های کوچك بهیچصورت رهایی داده نمیتواند وبهیچصورت کشتئی خودرا غرق کرده نمیتواند درانوقت قبول کردن عار اسارت برای او جائزاست . »

اینسخن و مقصد نظامنامهٔ بحرئی روس بسیار واضح وصریح است که یك افسر بحری از اینکه خون ریزئی بی فائده بکنند تسلیم شدنش اولتراست . اما کشتی خود رانی بلکه خودرا ونفری های بحرئی خودرا تسلیم کند ، وکشتئی خود را بهمه حال بدست دشمن نداده بهمه حال غرق باید کند . واگر از غرق کردن کشتئی خود سراسر محروم گردد وبهیچصورت نتواند که کشتئی خود را غرق کند درانوقت تسلیم میتواند نمود .

در پیشها که کشتیها از چوب ساخته میشد خراب کردن وغرق ساختن آنها حقیقتاً خیلی مشکل بود ، وبرای خراب کردن آنها لازم میشد که آنهارا برهوا کنند یعنی بپرانند . وپراندن آنها بموجود بودن باروت بسیار زیادی موقوف بود . حال آنکه دروقت آخرهای محاربه باروت بدرجهٔ کفایت در کشتی پیدا نمیشد . دیگر اینکه اگر کشتی را برهوا میکردند همهٔ طایفه های آن

نیز با آن کشتی محو و تلف میشدند که اینگونه یك فداکاری را هیچ یك قانون بشر امر و تعیین کرده نمیتواند. و اگر این چنین یك تشبثی بشود عبارت از یك حرکت قهرمانانهٔ فوق العادهٔ خواهد بود.

از دیگر چیزها صرف نظر، حالا اینرا بگوئیم که یك سفینهٔ چوبی را خراب کردن بسیار مشکل یك کاری بود. اما امروزه روزگه سفاین حربیه را از فولاد و آهن بساختن آغاز کرده ایم خراب کردن آنها در وقت ضرورت خیلی یك امر آسانی شده است. زیرا بمجرد یکه سرپوشهای متحرك فولادی که در قسم زیر آب واپور موجود است باز شود هماندم آبها در درون واپور هجوم نموده واپور را بقعر بحر میبرد که در آنوقت برای طرف غالب بجز اینکه برای رهایی دادن مرتبات کشتی غرق شده کوشش ورزند دیگر کاری نماند، زیرا کشتی را از غرق منع کردن غیر ممکن یك چیزیست. چونکه برای رهایی دادن کشتی را از غرق، اولا باید سرپوشهای (کنستون) را که نام همان سرپوشهاست — و در درون مخزنهای واپور پنهانست شناختن لازم است که آنرا نیز بجز خود صاحبان همان واپور دیگر کسی نمیشناسد. و گیرم که دشمن ترتیبات عمومیهٔ آن کشتئی سرپوش باز شده را مفصلاً بداند، در انحال نیز بند کردن آن از طرف غالب غیر ممکنست زیرا بمجرد یکه سرپوشهای مذکور باز شود هماندم آبهای بحر در مخزنهای مذکور از زیر هجوم کرده مخزنها را در آن واحد پر میکنند، و بستن آنرا محال میسازد.

مثلا قایمقام (ایوانوف) که در سفینهٔ (روریق) روس در (شه مولپو) بود بعد از مقاومت مردانهٔ که بمقابل دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان اجرا کرد، و کپتان اول و دوم کشتی تلف شده نوبت کپتانی بخود او رسید و از سلامت کشتئی خود مأیوس شد بفر و آوردن بیرق کشتی نیز تنزل نموده سرپوشهای (کنستون) کشتی زده و زخمئی خود را باز کرده در میان موجهای بحر ناپدید گردانید. برای

ژاپانها در انوقت بجز اینکه طایفه‌های بدر یافتادهٔ روسها را رهایی دهند دگر کاری باقی نماند .

(سته ره غوجی) نام کشتی طوپیدوی روس نیز بهمت دو نفر فدائی کشتی مذکور بهمین صورت غرقشده از اسارت دشمن رهایی یافت . در وقتیکه ژاپانها بکشتی مذکور رسیدند و بران تسلط یافتند همین دو نفر عسکر فداکار بحری بوجود خود شان سرپوشهای مذکور را از نظر دشمن پنهان ساخته و پیش از انکه ژاپانها به بند کردن انها کامیاب آیند انها را باز ، و با خود یکجا غرق نمودند ، و از عار اسارت دست دشمن طوپیدو را رهانیدند .

حالا مردانگی ، و نامردی ، و غیرت و بی غیرتی امیران (نه بوغانوف) را با این دو مثالی که بیان شد مقایسه نمائیم ! اما این مقایسه را در مابین کشتئی که امیرال (نه بوغانوف) و همراهان او سوار بود ، و کشتئی طوپیدوی (سته ره غوجی) که تا به آخرین نفرئی او تلف شده بود اجرا نمیکنیم . زیرا از ان کشتئی بزرگ امیرال که بصدها نفوس انسانی در ان موجود بود فداکارئی (سته ره غوجی) را طلب کردن جائز نیست لکن از جناب (نه بوغانوف) و همراهانش میپرسیم که چرا مانند قوماندان (روریق) حرکت ننمودند ؟ و بچه مجبوریت با چهار سفینهٔ زرهپوش عار تسلیم و اسارت را قبول کردند ؟

زیر اچیزیکه از همه بیشتر دلهای قوم روس را پاره پاره کرده و عوض اشك خون از دیدگانشان بارانیده همین مسئله شده است درین فاجعهٔ مدهشهٔ (چوشیما) که روسها محاربهٔ قطعیهٔ بحریه را سراسر بای دادند ، و امید های حاکم شدن بحری را یکقلم وداع ابدی گفتند باز هم از همهٔ این فلاکتها این عار اسارت (بوغانوف) بدتر بود .

آیا روسهای بیچاره بعد ازین نیز چگونه خبرهای فلاکت آوری خواهند

شنید ؟ آیا خواندن راپورهای شرمسارانهٔ سقوط (پورآرتور) که عدد طوپ های تیار وسالم آن را، ومقدار باروت های ناسوخته آن را دران خواندند کم نبود که برسر آن همه این راپور عار اسارت (نه بوغانوف) را نیز خواندند .

این خبرها بقوم روس بسیار تلخ میآید . زیرا یك ملتی که در وقت فرستادن دستهٔ کشتیهای جنگی خود را بسوی اقصای شرق بر مظفریت قطعیهٔ خود بنای فکر کرده باشند ، وبعوض مژده وبشارت خبر مغلوبیت واسارت را بشنو ند البته که دلخون وداغ درون خواهند شد !

آیا امیرال (نه بوغانوف) چارزر هپوش خود را در زیر کدام شرایط وچسان قواعد به اسارت تسلیم نمود ، وتا به بندرگاه های ممالك ژاپان بچه صورت رسیده توانست ؟

این یك معلوم است که در وقت اینگونه اسارتها در واپورهای اسیر کرده شده بیرق دشمن ، بربالای بیرق ملتئی خود آن واپور برافراشته میشود . آیا امیرال (نه بوغانوف) وارکان حربیهٔ او باینگونه معاملهٔ ناموس شکنانه چسان تحمل کرده توانستند؟ اینست که از همه پیشتر اینها را باید بدانیم که چه بود وچه شد؟

امیرال (نه بوغانوف) برای خراب کردن زره پوشهای خود که اسیر دست دشمن نشود بهیچ یکی از اصولهائیکه در زیر احوال وشرایطیکه یك قوماندان بقبول تسلیم واسارت به آن مأذون باشد تشبث واقدام نورزیده . حق نظر بقول ژاپانها زرهپوش های مذکور از جائیکه اسیر افتاده بودند یعنی از پیشگاههای جزیره های (اوکینوشیما) تا به لنگرگاههای (مه جورو) و (ساسه بو) بپای خود شان آورده توانسته شده اند . پس معلوم میشود که لوی غند امیرال (نه بوغانوف) بعد از انکه تسلیم شده اند چنان درست وتوانا بوده اند که (۳۵۰) فرسخ یك مسافهٔ را قطع کرده توانسته اند ! حیرت !!

پیش از تسلیم شدن مفرزهٔ (نه بوغاتوف) ضایعات وتلفیات مرتبات ان نیز آنقدر حائز اهمیت نبوده، زیرا بنابر قول ژاپانها عدد اسیرهائیکه بدست ژاپانها در ین کشتیها در افتاده اند عبارت از (۲۳۰۰) نفوس بودند .

پس چون حالا اینواقعهٔ اسارت (نه بوغاتوف) را با واقعهٔ سفینهٔ (روریق) که تفصیلات آن پیش ازین ذکر شده بود مقایسه نمائیم شایان حیرت یك فرق ومباینتی می یابیم. ومردانگی وبیغیرتی را در وجدان ودماغ اشخاص می یابیم نه درهمهٔ یك قوم و ملت !

در نظر افسرانی که دلهای‌شان بحسیات وطنیه ، وغیرت ملیه مملو باشد مرگ ومردن هزار بار شیرینتر وشرفدارتر است ازینکه پیش از صرف کردن همه قوت وقدرت خود بدشمن سرفرو آرند . الحق که برای جنس عسکر ازین بیشتر ذلت وحقارت تصور نمیشود که پیش از انکه حق سلاح خود را نداده، وهمه زور بازوی خود را صرف نکنند، وهمه آمال مقدسهٔ خود را بجوش و خروش نیارد بدشمن تسلیم نفس نماید !!

یکی از اخبارهائیکه در روس نشر میشد ونام آن اخبار (سن پترسبورغ) بود بنابر فلاکت (چوشیما) در یکی از صحایف خود این سطرها را درج کرده بود:

« امیرالهای ماچنان یك دلیری وشجاعتی نشان ندادند که مرگ را بر اسارت ترجیح کنند ! و از سرافسرکل گرفته همهٔ شان بدشمن اسیر شدند! این فلاکت عظیمهٔ روسیه همه گی از نتیجهٔ دنائت آنهاست . زیرا شاهد مظفریت را در آغوش کردن بحقیر شمردن مرگ موقوفست . »

اینسخن اخبار مذکور برای یك مغلوب مجروحی که در بستر دور بدست دشمن اسیر افتاده یك تحقیر بسیار بزرگیست . بلی ! ازین یك هیچ انکار نمیشود که امیرال (روژه ست وه نسکی) از نقطهٔ نظر ادارهٔ حرب بسی خطا

ها کرده است . اما این کونه خطا های اویك دلیل ذلت ودنائت اونمیشود . چونکه اگر یك قوماندان بر خلاف قواعد مخصوص حرب بصورت بی تدبیرانه حرکت کند ، دنائت وپست فطرتی اونی بلکه بی و قوفی وبی تد بیری اوثابت میشود .

بناءً علیه آن اخبار (سن پترسبورغ) که بیست وچارساعت پیش (رو ژه ست ونسکی) راباهمهٔ قوت وقدرت قلمیهٔ خود مدح وثنامیکفت حالایکی یکبارتبدیل لسان کرده آن بیچاره رابه دنائت متهم ساختن موافق انسانیت نیست

*
* *

اینست که محاربهٔ میدان (چوشیما) به اینصورت جریان کرده بود . حالا یکقدری درمابین این محاربه ، ومحاربهٔ بحری که در (۱۰) مآکست یعنی ده ماه پیش ازین بوقوع آمده بود ملاحظه و مطالعه نموده قیاسات اجرا نمائیم :

اولاچنان معلوم میشودکه نتیجه های این محاربهٔ خونریزانهٔ بزرك با نتیجه های محاربهٔ میدان (۱۰)آکست بعکس همدیکر بعمل آمده . در طرف ژاپانها این محاربه عیناً باهمان آدمها ،وهمان ما نوره ها ، وهمان آدمهای (۱۰) مآکست اجرا کرده شده بود . حالآنکه درنتیجه های این محاربه وآن محاربه چقدر فرق بزرکی پدیداراست ! زیرادرمحاربهٔ میدان (۱۰)م آکست روسها شکست فاحش خورده ازهم پاشیدندولی سراسر محونشدند . ولی درین محاربهٔ (۲۷) می یك دستهٔ کشتیهای جنکی بزرك یك دولت بزرك تابفردواحدسراسر محووبی نشان کردید .

در(۱۰) مآکست ژاپانها ازخودشان شبهه میکردند . چونکه هنوزقوت خودشان را تجربه نکرده بودند . موفقیت وکامیابی نخستینی که حاصل کرده

بودند عبارت از نتیجهٔ یك شبخونی بوده. وخودشانرا ازدرجهٔ که بودند کم قوت ترگمان میکردند، وروسهارا ازدرجهٔ شان افزونتر پرقوت میدانستند. وازین است که درانوقت امیرال (توغو) به احتیاط، وتأنی، وبصیرت زیادی حرکت می کرد. ودروقت شام آن محاربه ازین آسانی کامیابئ خود خودش نیز بحیرت افتاده، وبریدن خط رجعت روسهارا بخاطر وخیال خودهم نیاورده پس به اس الحرکات قدیم خود برگردید.

اما به بینید که بعدازده ماه سراز نو امیرال ژاپانی چه اصول های دیگر درمیدان محاربه تطبیق میکند، وچه نیرنگهای عجیب وغریب بروی کار می آورد زیرا خطاها ئیکه دراول بارازدستش سرزده بود دربنبار آنرا تصحیح، وایرادها ی اعتراض کنندگانی که برووارد آمده بودهمه را تصدیق واعتراف نموده.

بلی، دربنبار چنانچه درمحاربهٔ (۱۰)م آگست کرده بود درمسافه های دور ایستاده نشد. از (۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰) متردور تر آتش کشاد. وهروقتی که اندا خت خود را بیفایده دید آتش خود راقطع نموده جبه خانهٔ خودرا تصرف واداره کرده. ودمبدم مانندشاهینی که شکار خودرا درپیش بیند ازدشمن را تعقیب نمود.

بلی، دربنبار کار بسیارخوب اداره کرده شد، نتایج مانند صاعقه مهلك گردید! حالا آنکه محاربه دردا خل یك شکل بسیار بسیطی جریان یافته بود. گروواز وزرها برگروواز وزرها گله اندازی میکردند، زرهپوش ها برزرهپوشها هجوم میبردند. دراول امر بایك مانورهٔ بسیاردرخشانی بکار آغاز کرده میشد، بعد ازان درمابین دوخط موازی یك آتش بسیار شدید طوپ کشاده میشد.

اصل هنرومعرفت سرافسرژاپانی عبارت ازین بود که اول قوای حربیه

خود را بیکطرز بسیار معقول و پسندیدهٔ بردشمن هجوم میداد ، و به آنصورت برای خود یك فائدهٔ ابتدائیه واستقلالیهٔ بوجودمی آورد . و بعد ازانکه این شددرائنایی که طوفان دوام داشته باشد بعضی حرکات بی نظام اجرا کردن غیر جائز است . بلکه بغل خودرا بدشمن داده باین صورت کوشش ورزیدن لازم است .

چونکه یك محاربهٔ بسیط در یابی خوب شده میتواند . ولی اگر دریك آن صدرنگ حرکت اجرا کرده شود ازچنین محاربهٔ بحریه خیر نیست .

حوادثهای تلگرافیهٔ که فردای روز محاربهٔ عظیمهٔ (چوشیما) شنیده شد با حقیقت حال فنی حرب خیلی فرق ومباینت دارد . مثلا شنیده شد که دستهٔ کشتی های جنگی روس از سرو ، دنبال ، وپهلو احاطه شده است . حال آنکه این چنین یك مانورهٔ احاطه هیچ بوقوع نیامده بود . بلکه تنها به تجمع وتمرکز آتشها اکتفا کرده شده بود . سبب اینهم بسیار بسیطست ، یعنی در مسافه هائیکه درمابین (۳۰۰۰ و ۲۰۰۰) متر باشد مانوره های احاطه ممکن نمیشود . حالا اینمسئله را یکقدری واضح کنیم :

مثلا دو خطی را که از سفینه ها مرکب باشد بریکدیگر بپیچانید . ویکی ازبندو خطها را نسبت به آندیگر درسرعت وتیز رفتاری تایکدرجهٔ مهم یك تفوقی بدهید .

می بینید که خطاول برسر خطدیگر دور خورده به اینصورت دشمن را بیك وضعیت غیر مساعد دراورده میتواند .

حالا باز همچنین یك دوخط را از همدیگر (۳۵۰۰) متر دورتر تصور کنید . هرگاه ازین مسافه باز بهمین مانوره آغاز شود دوخط موازی بدو قوس دایرهٔ متحدالمرکز تحول میکنند .

خط روس بسیار عمیق یعنی تابسیار جاها پئی همدیگر بود . وخط ژاپانها نسبت به این خط یکقدری پیشتر بود که این حرکت دائره وئی دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان برای آنها مهم یك فایده میرسانید . اما امیرال (توغو) در راپوری که نوشته است از یك محاربهٔ که بردو خط موازی بوقوع آمده بحث میراند . و چون مشارالیه برای خود این رأ یك خط حرکت گرفته بود که از (۳۰۰۰) متر نزدیکتر نشود ازانرو همینقدر مانوره کرده میتوانست .

و قتیکه ازین سه محاربهٔ بحری روس وژاپان که یکی در (۱۰) م آگست سنهٔ ۱۹۰٤ و دیگری در (۱٤) م آگست سنهٔ مذکور ، و سومش همین محاربهٔ (۲۸) م می سنهٔ ۱۹۰۵ بوقوع آمده بحث وبیان میشود سبب یگانهٔ مظفریتهای ژاپانهارا از (تفوق سرعت) آن ها که موجب حاکم شدن مسافهٔ محاربه میباشد تخمین کرده اند .

اما ماحالا سرعت را بیکطرف بمانیم ، ودرجهٔ تأثیر آنرا بعدازین مطالعه کنیم ، بلکه اول امربا (مسافهٔ محاربه) مشغول شویم :

در اثنای جریان یك سفر حرب ازطرف کسانیکه بفن حرب آشنا نباشند بسی مطالعات غریبه نشر کرده میشود . اینحال اگرچه در هر مملکت در هروقت بوقوع می آید امابه ایندرجه که درین محاربهٔ اقصای شرق این مطالعات غریبه ، بسیار بوقوع آمده دردیگر جا نشده .

مثلا پیش از محاربهٔ بحری (چوشیما) به یکچند روز مخابر اخبار (تان) فرانسوی اینگونه یك فقرهٔ درجریدهٔ خود نشر کرده بود :

« بسببی که امیرال (روژه ست وه نسکی) طوپهای بزرگ چاپ بسیاری دارد از مسافه های نزدیك بمحاربه درامدنش ایجاب میکند . »

حالآنکه این مطالعهٔ اخبار فرانسوی خطاست . اگرچه در باب فایدهٔ

تقرب (روژه ست وه نسکی) بدشمن این گفتهٔ مخابر فرانسوی درست است بسبب اما این فوائد تقرب ، بسیاری طوپهای بزرگ نی بلکه سراسر دگر گونه سببهادارد . یك افسر بحری روسی در خصوص چنین میگوید :

« در یك محاربهٔ بحریه (فائده مندترین) یك قاعدهٔ بسیار آسانی تعیین وایضاح شده است: مثلا اگر فرض شود که درینجا بادشمن یك زد وخورد گله اندازی بعمل میآید، قاعدهٔ مذکور درینباب به اینصورت بیان کرده میشود:

« هر افزونی و برتری که بردشمن داشته باشید میباید که مسافهٔ انداخت شمارا بقدر لازمی آن افزونی دهد ، وهر نقصان شما بمقابل دشمن میباید که مسافهٔ مذکوره را کم کند .

« حالا این مسئله رابایك مثالی واضح سازیم :

« فرض بکنید که ماتنهامالك طوپهای بزرگ دوراندازی میباشیم . و دشمن بمقابل ما طوپهای نزدیك اندازولی سریع آتش رامالکست . پس در بحال هیچ شبهه نیست که ما مسافهٔ خود را بدرجهٔ که از تأثیر گله های سریع آتش دشمن متأثر نشویم دور کرده برای تأثیر گله های دوراندازخودکوشش ورزیم که دشمن نیز درانحال به کوچك کردن مسافه بعکس ماسعی وکوشش خواهد ورزید .

مع هذا، قصد ماازینسخن اینهم معلوم نشود که مسافهٔ خودرا بادشمن آنقدر بزرگ بکنیم که تأثیرآتش مانیز بردشمن کم شود . زیرا درانوقت بجز آنکه بیهوده جبه خانه صرف شود هیچ ثمرهٔ حاصل نمیشود .

« حالا برهمین مطالعه بفرضیات دوم بگذریم : این فرضیات از فرضیات اول یك کمی فرق دارد . چونکه درینبار چنان فرض میکنیم که طوپ های هردو جهت ازیك جنس ویکطرز است . اماطوپچیهای خودرا ازطوپچیهای دشمن

ماهرتر ، و نشان اندازتر ، وتجربه دیده‌تر فرض کنیم . در انحال نیز مسافه را باید چنان انتخاب کنیم که از مهارت و نشان اندازی طوپچیهای خود فایده برداریم . زیرا اگر مسافه را نزدیك کنیم دران وقت در مابین نشان اندازهای ماهر ، وطوپچی‌های غیر ماهر دشمن هیچ فرقی نمیماند .

« یك حال سوم که موجب جنگ کردن از مسافهٔ دور میشود اینستکه کشتی های ما از کشتیهای دشمن خوبتر زره دارتر باشد . یعنی زره های شان کلفت‌تر و متینتر باشد . در انحال اگرچه بایك رنگ و یك طرز طوپها مجهز هم باشند هرگاه از دور محاربه شود گله های کشتیهای خوب زره دارتر بر کشتی‌های که زرههای شان کمتر مکمل باشد خسارت‌های زیادی میرساند ، واگر بعکس آن باشد یعنی از نزدیك محاربه شود احتمال ضرر رسانیدن گله های دشمن بر کشتیهای ما بیشتر میشود .

« اما اینرا هم فراموش نکنیم که برای گرفتن و محافظه کردن مسافه های فایده ناك تفوق سرعت ما بهمه حال بر دشمن لازمست . مثلا در نجا دو سفینهٔ فرض کنیم که یکی زرهپوش و یکی بی زره باشد . پس هرگاه کشتئی بی زره بسبب کمبودی سرعت خود بیك حالی بماند که از محاربه احتراز کرده نتواند . بهمه حال میباید که تا میتواند خود را بدشمن نزدیك کند . زیرا اگر دیگر رنگ کند بی آنکه بدشمن هیچیك ضرری برساند خود را محو میسازد . امادر اینهم شبهه نیست که کشتئی زرهپوش نیز برای بی تأثیر ماندن این مانورهٔ کشتئی بی زره سعی میکنند ، ودر دور شدن از و کوشش میورزد .

« این مطالعاتی که در حق (تعبیهٔ بحریه) یعنی فن جنگ بحریه گفته شد در نظر مردمانیکه به (تعبیهٔ بریه) یعنی فن جنگ خشکه عادت گرفته اند خیلی غریب دیده میشود . چونکه آنها این عقب کشیدن زرهپوش را که برای نزدیك

نشدن دشمن را به خود اجرا میکنند مطلق معنای (رجعت) یعنی گریختن را میدهند . و هم در بنباب حق دارند ! زیرا در خشکه هر رفتاریکه به عقب اجرا کرده میشود نتیجهٔ آن موجب از دست برامدن یك قطعه اراضئی که برای رجعت کنند گان فائده مند و مستحکم بوده میگردد .

« حال آنکه در دریا این چنین نیست . چونکه در انجا نه پیش رفتاری و نه رجعت موجود است . بلکه هر چیزی عبارت از همین است که یك آن اولتر بر دشمن یك ضربهٔ قطعی فرو آورده شود و برای این کار هر رنگ مانوره ها و حرکت هائیکه لازم باشد جائز است .

« بناءً علیه چنانچه پیش ازین بیان کردیم که یك کشتی زرهپوش از پیش یك کشتئی زره اکر دوری گیرد البته که برای فایده و منفعت خود میگیرد . چنانچه اگر یك کشتئی کوچك طوربیدو نیز برا برشود باز مجبور است که به همین رنگ حرکت کند . زیرا کشتئی طوربیدو ایماسی میکند که برای انداختن طوربیل خود را بدرستی و صحت تامیتواند بدشمن نزدیك شود . حال آنکه کشتی زرهپوش بزرگ مجبور است برینکه این دشمن کوچك خود را انگذارد که به او نزدیك شود . بنابرین در پیش رفتن بر او هیچ فایدهٔ برای زرهپوش ملحوظ نیست ، و در دور شدن ازو ، و از دور اورا غرق کردن ، و یا اورا سرا سیمه ساختن سراسر خیر و منفعت است .

« حالا چون این قاعده های اساسئی بحری را آموختیم بما معلوم میشود که در محاربهٔ (چوشیما) بسببی که امیرال (روژه ست وه نسکی) چار قطعه زره پوش بسیار مکمل با طوپ های بزرگ چاپ دور انداز مجهزی بدست داشت لهذا برای او فایدهٔ کلی در همین بود که از مسافهٔ دور و بزرگ محاربه کند . و برای زرهپوشهای محافظ ساحل (نه بوغاتوف) نیز همچنین بود .

امابرای زرهپوشهای (نیقولای نخستین) و (ناوارین) وکرووازورزره پوش (ناخیموف) لازم بود که از نزدیك محاربه میکردند. زیرا طرز ساخت وزره، وتجهیزات کشتیهایی که ذکرشد بقرار قواعدی که تابحال ذکروبیان کردیم همچنین محاربه کردنهارا اقتضامیکرد.

« بنابرین (امیرال روسی) که ازمسافهٔ نزدیك بجنگ نشست وقیام نموده بلکه ازمختلف الجنس بودن کشتیهای او، ویاآنکه اجرا کردن محاربه را بصورت قطعی پیش آمده باشد.

«والحاصل هیچ کس این رابیش ازوقت تعیین کرده نمیتواندکه بگوید آیامسافهٔ درازلازم بودیا کوتاه؟ بلکه حل وفصل کردن این مسئلهٔ مهمه را درچنان آوان مدهش یك کاری بود که بخود امیرال روس عائدوراجع بود. ولکن هیهات! زیرا این مسئلهٔ انتخاب مسافه یك چیزی بود که بفکر وآرزوی (روژدست وه نسکی) نیز تابع نمیشد! چونکه دردستهٔ کشتیهای جنگی او بسی کشتیهای سست رفتار وتیزرفتار وغیره موجود بودکه حرکات دستهٔ کشتیهای جنگی را بمشکلات می انداخت ومطالعات روژدست وه نسکی رافشار میداد.

« حال آنکه دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بسببی که خیلی یکرنگ ویك طرز بوداميرال روسی را همیشه تابع حرکات خود میساخت. خلاصهٔ کلام دریك محاربهٔ میدان بحری چیزیکه ازهمه اول درانباب دقت وتدبرشود همین است که درداخل مسافهٔ فائده مندی محاربه کنند. واگردشمن خواهدکه نزدیك شود، وشمامیخواهیدکه دورشوید میبایدکه بریك استقامتیکه بعکس استقامتیکه اوگرفته عقب بکشید که درینباب نیزشمادایماازادید.

« حالا دیدیم ودانستیم که درمحاربات بحریه (مسافهٔ مفیده) چه چیز است پس دراینحال بازاینرابیاید بداریم که درین محاربهٔ (چوشیما) بسببیکه طوپهای

امیرال (روژه ست وه نسکی) هم بسیار، وهم از چاپ بزرگ بود از مسافه دور بمحاربه در امدنش فائده مند بود، و بسبب بسیار ئی طوپ های وسط چاپیکه امیرال (توغو) بدست داشت از نزدیك محاربه کردنش فائده مند بود.

« دیگر اینکه (روژه ست وه نسکی) به آزادئی حرکات خود مالك نبود چو نکه دایما میبایست که براستقامت راه (ولادیووستوك) به پیش برود. حالا نکه امیرال (توغو) بسببی که بر هیچیك استقامت معینه تابع نبود برای هر رنگ مانوره کردن سراسر آزاد بود.

« دیگر اینکه آفتاب، و باد نیز در محاربهٔ بحریه دخل و تعلق کلی دارد. مثلا وقتیکه جنگ میکنند آفتاب را در طرف پشت گذاشتن خیلی فواید دارد علی الخصوص در وقتهای صبح و شام که آفتاب به افق نزدیك باشد. چونکه در چنان وقت اگر پشت به آفتاب و رو بدشمن داده شود تابش آفتاب چشمهای طوپچئی دشمن را سوخته از نشان گرفتن درست محروم میسازد. و هم برای طرف مقابل کشتیهای دشمنرا خوب روشن ساخته هر چیز آنهارا بصورت نمایان و درخشانی بنظر نشان میدهد. پس معلوم شد که در محاربهٔ بحریه آفتاب از نقطه نظر فن انداخت تأثیر بسیار مهمی اجرا میکند. چنانچه در محاربهٔ (۱٤) آگست (سنه (۱۹۰٤) امیرال (ژه سن) روسی بسببی که امیرال (توغو) اورا به طرف تابش آفتاب، و خودرا پشت به آفتاب مانوره کرده، و امیرال (ژه سن) نیز به این کار موافقت کرده بود خطای عظیمی نموده بود.

باد نیز در محاربهٔ بحریه خیلی اهمیت زیادی دارد. چونکه از هر استقامتیکه یك باد بسیار شدیدی می آید نظر به استقامت آمدن باد موجهای بسیار بلند و بزرگی برروی آب پیدا میکند. پس در انحال اگر چنان یك وضعیتی گرفته شود که موجها از دنبال کشتئی ما خورده منکسر شوند، وجبههٔ کشتیهای دشمن را استیلا کرده پارچه های موجها طوپهای سر کشتی های دشمن را در استعمال

بمشکلات اندازد بسیار فائده دارد .

« دیگر اینکه اگر محارب در نزدیك یك ساحلی بوقوع آید ، وضع کرفتن مادر مابین دشمن وساحل فایده منداست . زیرا درانوقت طوپچیهای دشمن محیط کشتیهای مارا که باسواد ساحل آمیخته شده بخوبی نمی بینند ، وکشتیهای مابسبب خط افقی که محیط کشتیهای دشمنرا احاطه کرده خوب نشان کرفته می توانند .

« بناءً علیه فائده برداشتن ازین چیزهائیکه ذکرشد موقوف بر آزادئی حرکاتست . حالا آنکه درآبنای (چوشیما) امیرال (روژه ست وه نسکی) به ازادئی حرکات خود اصلا مالك نبود . وامیرال (توغو) بوجه دلخواه خود سراسر ازاد بود . »

این بود مطالعهٔ افسر روسی که درباب محاربهٔ (چوشیما) بیان کرده است . حال انکه افسر مذکور در بعضی جاها بسیار نظریات پرستانه ادارهٔ کلام کرده است .

اگرچه طرفکیران این دستور که : « در محاربه های بحری ، هرطرفیکه به ان طرف دیگر مسافهٔ محاربه را بجبر وزور قبول بکناند انطرف غالب میشود . » بسیار است . اما در اول امر این عبارت از یك (دستور) است وبس . ثانیاً این قاعدهٔ کلیه را اسرار میدان محاربه در میان یك شکل مبهمی احاطه میکند . دیکر اینکه دشمنرا به اینکونه یك اطاعت کردن انقدر اهمیت ناك یك چیزی نیست . خلاصهٔ کلام این یك علاجیست که هرکس انرا میداند . راست ترش اینکه این یك سفسطه ایست ، وهم یك سفسطهٔ تهلکه ناك !

مثلا دو کشتیٔ بهم مساوی را که درعدد ومکملیت تجهیزات هیچ فرقی از هم نداشته باشند بمقابل همدیکر بیاریدکه مسافهٔ مابین همدیکرشان نیز عیناً باهم مساوی باشد ، وبیکدیکرشان یکرنك فائده برسانند .

درین یك هیچ شبهه نیست که هرسفینه ئیکه نشان انداز های خوبترو ماهرتر راماك باشد برهدف مطلوب زیاده تر و بمقدار بیشتر گله ها میتواند انداخت . امامسافه هرقدرکه باشد باشد ؛ درستی وصحت انداخت سفینهٔ مذکورثابت میماند . و اینرامم اعتراف میکنیم که بمقابل این نتایج عملیه بدور شدن ازهمدیگر تبدل میکنند . بناءً علیه حالااین راجستجوبایدکنیم که برای طرفیکه مالك تفوق انداخت است آیادر کدام منزل مسافه این تفوق یك اعظم تأثیر نافع حاصل میکنند ؟ چون چنین است میگوئیم که این اعظم تأثیر در مسافه های کوچك حاصل شده میتواند .

سفینه ئیکه خوبتر انداخت میکنند درمنزلهای بزرگ ازگله های دشمنی که بدتر انداخت دارد محفوظ مانده یکان یکان گلهٔ بروخواهد خورد . اما بمقابل این ، عددگله های خود اونیز که برهدف مطلوب روانه میکند کمتر میشود . وغیرازین تأثیر انداخت تنهابعددگله ها ئیکه برهدف اصابت کنند تابع نیست . زیراوقتیکه بربدنهٔ کشتی گله هاما نند جاله پئی هم بریزدافسران ونفربهارا معطل میسازد ، وآنهارا کور میکنند ، و مانع انداخت ، وتعمیر خسارات ، وسکونت مانورهٔ شان میشود . واگرگله هایکان یکان بیفتد — که اینازمسافه های بسیار دوربوقوع میآید — افراد وافسران خودشانرا جمع آوری کرده میتوانند ، وهیچکس موازنت فکریهٔ خودرا گم نمیکند ، ورا همهای آبی که ازتأثیرگله های دشمن درکشتی بازشود بخاطرجمعی آنرامی بندند ، واگریك حریقی بظهوررسد بزودی چارهٔ اطفای آنرامیتوانند .

در استعمال منزلهای بزرگ استحصال فائده درانوقت ممکن میشود که دوسفینه به یکرنگ ویکطرزتجهیزات ورا مالك نباشند . مثلایك سفینه مانند کشتی (کینگ ادوارد هفتم) طوپهای چاپ بزرگ بسیاری راماك باشد . اینچنین

کشتی درمسافه های بزرگ از طوپهای وسط چاپ متأثر نمیشود . زیرا از طوپهای مذکور گله هائیکه انداخته میشود تا بوقتی که بهدف برسد هم قوت زندگی خودرا ضایع میکنند . حالآنکه گله های بزرگ چاپ دور انداز قوت خودرا از ان مسافه هنوز ضایع کرده نمیباشد . بناءً علیه از نقطهٔ نظر مدافعه مسافه های بزرگ فائده مندتر است . و برای تعرض درکم مدت بسیار گله اندا ختن جمع شرط است . پس اگر (کینگ ادوارد هفتم) از ین یك امین باشد که از دشمن خود خوبتر گله میاندازد درنزدیکشدن بدشمن فائده دارد .

درسه محاربهٔ بزرگ بحرئی (محاربهٔ روس وژاپان) که بوقوع امده نظریهٔ معقولهٔ (مسافهٔ محاربه) عبارت ازهمین قواعد یست که ذکرشد . درمحاربهٔ (۱۰) م آکست تفوق انداخت ژاپانها درابتدای محاربه به تحقیق رسیده بود که این را هیچکس انکار کرده نمیتواند . اما بسببی که از مسافهٔ (۵۰۰۰) و (۶۰۰۰) حتی (۷۰۰۰) متر آتش کرده بودند پیش از انکه یك کشتی دشمنرا غرق بکنند همه جبه خانهٔ شان خلاص شده بود . اگر دل قوماندان دستهٔ کشتی های جنگی روس بقدر زره کشتی (سه زارویچ) متین میبود این وضعیت ژاپانها برای خود ژاپانها خیلی خطرناك میشد . دیگر اینکه درمحاربهٔ (۱۰) م اکست اگرچه حریقهای بسیاری درکشتیهای روس بظهور امد ولی هیچ حریق ان نتیجهٔ های وخیمه حاصل نمود . بلکه درهر کشتی که حریق ظهور نمود به بسیار چابکی واسانی جلو گیری ان راتوانستند امادرین محاربهٔ (۲۷) م می کشتیهای روس درمیان شعله ها وعلوها مانده بودند که چار کشتی بسیار مهم ونامدار آنها درمیان همان شعله ها وعلوها غرق ونابود گردید . پس اگر گله هامانند جاله پی همدیگر باریدن نمیگرفت ، وافسران ومرتبات کشتی های روس را آنقدر سراسیمه وپریشان نمیساخت که از جلو گیری خاموش کردن کشتیهای خود عاجز میماندند احتمال که

هیچ یکی از انها به این حال تهلکه ناك نمیافتادند .

لهذا معلوم شد که به اینقدر جه تاثیر حاصلکر دن گله ها ، و به اینقدر جه سر عت و پئی همدیگر رسیدن خسارتها از (مسافهٔ مؤثر محاربه کردن) بظهور پیوسته است . سفاین ژاپان در بحار به به تهلکه زیاده تر معروض بودند . . مع هذا ضایعات و تلفات شان زیاده از محاربهٔ (۱۰) م آکست نبود . حتی یك کشتی خود را هم غایب نکرده بودند . در (۱۰) م اکست در کشتئی (میقازا) (۲۳ مقتول و ۸۸ مجروح بوقوع آمده بود . حالاً نکه درین محاربهٔ (۲۷) م می (۸ مقتول و ۵۵ مجروح) درین کشتی بعمل آمده بود .

پس ازین یك معلوم میشود که (توغو) دران محاربه که از مسافهٔ بزرگ محاربه نموده بود ؛ در خصوص سرعت خود سوء تطبیق بعمل آورده بود و باین صورت به اصول (تصرف قوا) رعایت نکرده بود . حال آنکه درین محاربهٔ (۲۷ م) می اکر در کمتر ازین مسافهٔ که استعمال کرده بود هم محاربه میکرد ضایعاتیکه در محاربهٔ سابق به آن دوچار شده بود بیشتر ضایعات نمیداد . زیرا خود را به آتش خود حمایه میکرد .

بناءً علیه در محاربهٔ میدان چوشیما موفقیت وکامیابی حقیقی از شدت و کثافت آتش بوجود آمده . این کثافت آتش که ازین چند عنصر مرکب است یکی (سرعت انداخت) ، دوم (قطعیت نشان کرفتن) ، سوم (تاثیر و نفوذ مرمیات) ، چارم (مانوره های تعبیه) از حمایهٔ که مسافه آن را بوجود آرد عالیترین حمایهٔ تشکیل میکنند . وهر انقدر که مسافه کمتر شود قیمت حقیقیهٔ آن جابکتر افزو نی میکیرد .

(سرعت) یعنی تیز رفتاری نیز یکی از عنصر های بسیار خوب و مهم (تعبیه) یعنی فن جنك است . سرعت ، معین قوتست . اما هیچ وقت بجای قوت قایم

نمیشود . سرعت را مانند یك سلاحی دانستن هم خطاست . سرعت بسیار خوب چیزاست اما جایش را دیده استعمال باید کرد .

آمدیم بر اینکه آیا کشتی های جنگی را چقدر سرعت باید داد ؟ این مسئله بقوهٔ مالیهٔ هر دولت منحصر است . مثلا دولت انگلیز که دعوای حاکمیت دریا ها را میکند و این ادعای خود را بقوت ثروت عظیمهٔ که دارد ثابت هم کرده میتواند ، هر قدر که دلش بخواهد حجم استیعابی کشتیهای خود را بزرگ کرده میتواند . اما مانند فرانس یکدولتی که به بودجهٔ (۳۰۰) ملیون بدشواری ادارهٔ موازنت میتواند کار دکر گونست .

یکدولت بحریه بمجردیکه در کشتی های جنگی خود خواه از جهت سرعت و خواه از جهت تجهیزات یك تجددی نشان بدهد همان دم دیگر دولتهای بحری پیروی اورا کرده روز بروز تبدلات بوقوع میآید . مثلا امروز می بینیم که دولت فرانس زرهپوش های (۲۰) میل سرعتی میسازد . هاندم دیدیم که ژاپان ، المان ، امریکا نیز هم چنان زره پوشها ساختند . وانگلیز آن را به (۲۱) میل سرعت بالا برآورد .

اما برای سرعت اعظمیهٔ یك دستهٔ کشتی های جنگی یك حد معینی موجود است که ان حد نیز لایتغیر نیست بلکه نسبت بدرجهٔ تحرك دستهٔ کشتی های جنگی تبدیل مییابد . مثلا دستهٔ کشتیهای جنگی که کشتیهای ان سریع گفته شود این چنین نیست که تیز رفتارتری ان منظور باشد . نی بلکه هر کس که از سرعت خود خوب فائده بردارد همانطرف سریعتر گفته میشود .

(ناپولیون بوناپارت) میگفت که : « من با گامهای پاهای عسکر خود حرب میکنم . » اینسخن بسیار راست است . اما این چنین نیست که پاهای عسکر ناپولیون از پاهای عسکر اوستریا درازتر بود ، نی بلکه عسکر فرانس نسبت به عسکر

اوستریاپای انداختن را خوبتر و بهتر میدانستند . و از انسبب ناپولیون باپای عسکر خود بر اوستریا غالب امد .

این حال عیناً در سفاین حربیه نیز قابل تطبیقست . بناءً علیه این چنین لازم نیست که سرعتهای سفاین حربیه جدا جدا بر سرعتهای سفاین دشمن جدا جدا فایق باشد . نی ، بلکه هر دستهٔ کشتی های جنگی که بهیئت عمومیهٔ خود از دیگر دستهٔ کشتی های جنگی چابکتر حرکت کند ، یعنی از سرعت خود بهتر فایده بردارد آن دستهٔ کشتیهای جنگی باسرعت تر و چابکتر شمرده میشود . زیرا این ممکن نیست که در یك دستهٔ کشتیهای جنگی همهٔ کشتیها یك طرز ویکرنگ سرعت را مالك باشند .

* * *

محاربهٔ میدان (چوشیما) منفعتی که از یك تعقیب شدتناکی حاصل میشود بمیدان بداهت و ثبوت رسانید . اگر راست بگوئیم این یك از بسیار وقتها یك کیفیت معلومی بوده که از تعقیب شدید نتیجه های بسیار درخشانی بحصول میاید . اما مثالهائیکه در ینباب موجود بود بدرجهٔ کهنه شده بود که نزدیك بفراموشی رسیده بود . وان محاربه آن را تازه کرد .

ژاپانها از بسیار وقت قدر و قیمت اهمیت حرکات تعقیب را نشناخته بودند . در حربی که همراه چین کرده بودند ، در محاربهٔ (یالو) زرهپوشهای چین از دستشان گریخته توانسته بودند . درین محاربه روس نیز در (۱۰) م آگست منع کردن دستهٔ کشتیهای جنگی روس را به (پورآرتور) بخیال و خاطر خود هم نیاورده بودند . لکن زده زده حرب آموخته میشود ؛ اینست که ژاپانها نیز همچنین حرکت کردند . اما آخر الامر استاد عالم شدند .

یك قوهٔ بحریهٔ که چاره را برخود منحصر دید سلامت خودرا درفرار می بیند . اما بسببی که در اول به بسیار تلفات وضایعات دوچار شده میباشند بمحافظهٔ ارتباط وانتظام جزو تامهای خود موفق شده نمیتوانند ، ودرکمدت انقاض قوای موجوده اش یکان یکان ازهم میپاشد . بنابرین درانحال چون تعقیب شود درپیش روی خود بجز بعضی سفاین منفرده ویابعضی غروپ های غیر مقتدره بدیگر چیزی تصادف نمیکنند . وچون دستهٔ کشتی های جنگی تعقیب کننده به آن برسد بسببی که برای آنها هیچ امید سلامت نمیباشد یا کشتیهای خودرا غرق میکنند — که اولزهمین است — یاتسلیم میشوند . این است که نتایج عظیمهٔ که از تعقیب انتظار میشود ازهمین انقلابی که درقوهٔ معنویه بحصول میاید وناامیدی های طرف گریزنده بحصول می آید .

بنابرین درانثنای تعقیب به تدبیرهای بسیار بزرگی نیزحاجت نیست . علی الخصوص بسبب نقصان مهمات نیز درتعقیب توقف نباید کرد ، ودایما تعقیب باید کرد . چونکه درین محاربهٔ چوشیما بجزکشتی (دیمتری دونسقوی) که بصورت بسیارسستی تعقیب شده بود دیگر هیچیکی ازکشتیهای روس که گرفتار آمده اند یك مقاومت وتوانائی جدی نشان نداده اند .

ازراپورامیرال (توغو) اگرچه چنان معلوم میشود که سفینه های (سو یبه تلا نا) و) (و امیرال اوشا قوف) بتأثیر گله ها غرق شده اند ، ولی احتمال داردکه اینهاهم مانندکشتی (مونوماق) خودرا خودغرق کرده باشد که اینهم ازنتیجهٔ تعقیب شدیداست . لهذابعد ازمحاربهٔ جهتی که غالب آمده باشدنباید که شکار بچنگ آوردهٔ خودرا سست بماند .

*
* *

مطالعاتی که نابدیخاذ کرشدبرتعبیهٔ ژاپانهاموسس بود . حالانیزیکقدری

تعبیهٔ روسها را تحلیل و تدقیق میکنیم :

این یك قاعده است که هرطرفیکه مغلوب باشد همه قباحتها را بر و انداخته میشود اما اینچنین حکم نباید کرد که همیشه خطا بر خطا بهمان طرف مغلوب باشد . چونکه گاهی میشود که در کشف و استدلال خود غلط میخورد ، ویا آنکه هرچه که از دستش بیاید میکند و همه جهد خود را صرف میکند ولی موفق نمیشود . حتی بعضی اوقات همه ترتیبات او از ترتیبات طرف غالب بهتر میباشد ، ولی یك حادثهٔ ناگهانی مثلا مانند یك خسارت عظیمهٔ که در خیال و خاطر نباشد، یایك غلط فهمیٔ که در اشارات واقع آید، یایك مانورهٔ غلط همهٔ پلانهای بسیار درست و منتظم را زیروزبر میتواند ساخت .

اما هزار افسوس که در جهت روسها از این گونه چیزها هیچ اثری موجود نبود . از همه اول یك چیز یکه هیچ معنی آنرا ندانستیم این است که در خدمت کشف چرا اینقدر بی اهمیتی و بی مبالاتی نشان دادند . در دنیا هیچ وقت هیچیك دستهٔ کشتیهای جنگی در باب حرکات دشمن خود به اندرجه بیقیدی نشان نداده است ! سفاین خفیفه بجای اینکه در سر قول یعنی سر قطار حرکت بکنند در نهایت قطار میرفتند . حیرت ! علی الخصوص که روسها هرانقدر که به آبنای (قوره) نزدیکشده میرفتند این عدم اهتمام و بیقیدئی شان بیشترشده میرفت . صدبار حیرت ! هزاربار حیرت !!

حالا از امیرال روسی میپرسیم که آیا جناب شما نمیدانستید که مانند (اورورا) و (ژه مچوغ) کشتی های کشاف برای چه مقصد ساخته شده ، و بهمراه دستهٔ کشتی های جنگی بچه مقصد رفاقت کرده ؟ هیچ شبهه نیست که اینگونه کشتیها باقوهٔ حربیهٔ خود به دستهٔ کشتی های جنگی خدمت و معاونت کرده نمیتوانند . بلکه اینها وظیفهٔ خصوصیهٔ دیگری داشتند که آنرا بجا بیارند . پس اگر جناب

امیرال به این نداند که وظیفهٔ اینگونه کشتیها بجز کشف کردن راه ، و بظاهر براوردن قوای عسکریهٔ دشمن دگرچیزی نیست چسان حیرت نباید کرد ! بنابرین نادانی امیرال دستهٔ کشتی‌های جنگی روس مانند یك قطار کورهای بی عصا به پیش میرفتند ، و باینصورت رفته رفته بخطهای ترصد دشمن تصادف نمودند .

کروازورهای متعدد ژاپان که از بسیار وقتها مانند شاهینهای گرسنهٔ منتظر شکار بر خط ترصد قابو کرده بودند ، همادم در اطراف این غلیوازهای کورسنگین پرواز ، به پرواز آمدند . دستهٔ کشتیهای جنگی روس برای دفع کردن آنها هیچ حرکت دست و پا نزدند ؛ بلکه برای تدقیق کردن خندان خندان (توغو) که عدد کشتیها ، و ترتیبات رفتار و دیگر احوال آنها را خوب بخود معلوم کند اجازه و مساعدهٔ کامله داد . زهی امیرال بی پروا !

اینستکه امیرال خوابرفته بهمینصورت بر رفتار خود دوام ورزید ؛ تا آنکه بعد از کمی زرهپوشهای امیرال بیدار پدیدار گردیده محاربه آغاز نمود . بنابرین سوالهای بسیار دیگری برای امیرال روسی پیدا شد !!

آیا دستهٔ کشتیهای جنگی چرا بردوقطار غیر مساوی حرکت میکرد ؟ آیا امیرال چرا کوچکترین استقامتها را گرفته بود ؟ آیا کروازور (ناخیموف) را که در نوع خود فرید و یکتا بود چرا درمیان دو زرهپوش تنگ گرفته بود ؟ آیا سفینه‌های (مونوماق) و (دیمتری دونسقوی) را چرا در عقب گذاشته بود ؟ آیا کروازورهای محافظه دار بازره پوشها چرا درداخل یك خط میپودند ؟ آیا این وضعیت آنها را به ضربه های مهلك دشمن معروض نمی نمود ؟ آیا بمجرد یکه دشمن پدیدار شده بود قافله را یعنی کشتیهای بیکار را از دستهٔ کشتیهای جنگی چرا جدا نساخت ؟

جناب امیرال برای همهٔ این سوالها هیچ یك جواب شافی پیدا نمیتواند .

پس چنان معلوم میشود که (روژه ست وه نسکی) بمجرد یکه ظهور نمودن دوازده کشتئی زرهپوش دشمنرا یکی یکبارد پیش روی خود بدید دست پاچه شده ندانست که چکند. تا بوقتیکه دروسط آبنای (قوره) میرسید بجز کروواز زور های صنف دوم ویکچند محافظ ساحل دشمن دیگر سفینهٔ ندیده بود. لهذا چنان گمان کرده بود که امیرال (توغو) باقسم کلئی خود درجهت شمال درکدام جایی اورا انتظار میکشد که اینهم برعدم کشفیات او دلیلست. اما چون چنین حکم کرده بود چرا نظام رفتار خودرا تبدیل نمود؟ وچرا بجای این، یاترتیبات نظام رفتار، ویاترتیبات نظام محاربه را قبول نمود؟

درانثنای محاربه نیز طرز حرکت روسها چنان چیزی نیست که دانسته شود. دایما میدان را بدشمن ترك کرده، وچون یك سکونت کمی حاصل شده باز بگر فتن استقامت (ولادیووستوق) کوشش ورزیده وبیك حال تدافعی وبیقیدی مانده اند. واز حرکات شان چنان معلوم میشود که همه آرزو ومقصد شان همین بوده که ازین وضعیت مشکله چسان رهایی یابند. هدف مقصد شان یکسر بولادیووستوق رسیدن بود، نه محاربه کردن، ودشمنرا مغلوب ساختن!

چنان گمان کرده بودند که مانند محاربهٔ میدان (۱۰) م اگست یکچند گله اندازی شده از آبنای کوریاخواهند گذشت. این چنین گمان و تخمین یك خطایی عظیمی بود. زیرا گذشتن از آبنای مذکور موقوف برظفر یافتن دشمن بود. وامید یگانهٔ ظفر یافتن نیز همین بود که بادشمن بشدت دست وگریبان شده جنگ فداکارانه نماید.

در آخر روز وضعیت محاربه آنقدر خراب شده بود که باقدرت بشریه چاره یافتن تعمیر آن خارج تصور بود. مع هذا کشتیهای طورپید ومیتوانستند که بیك تجربهٔ طالع تشبث ورزیده بتوانند.

از احوال مخصوصهٔ محاربهٔ میدان (چوشیما) یکی هم اینست که ژاپانها درحملهٔ نخستین بردشمن خود غالب آمده ترتیبات محاربهٔ خودشانرا تبدیل دادند. حالا آنکه روسهابرهمان ترتیبات پرخطاوسرا سرغلط خود تابه آخر مربوط مانده اند.

بعد ازیك تجربهٔ که نه باردران فاصله آمد، وبه بهای خونهای بزرگی حاصل شدبازهم روسهاتابه آخرمحاربه بکشف وتحقیق کردن حرکات دشمن سرفرونیاوردند. وهمان اعتقاد باطل خودشان که عبارت از جنگ اجتناب ورزیدن وبصورت معجزه به (ولادیووستوق) رسیدن بود ماندند. در آخرهمانروزمحاربهٔ کروواز وروهائیکه هریك بیك طرفی گریخته رهایی یافته بودند بازهم بهمانطورمانوره اجرا میکردند. طوریدوها نیز بیکصورتیکه هیچ معنی آن دانسته نمیشد سیروحرکت میکردند که به این کارهایك حیرت نی بلکه بصدها.. هزارهاحیرت!

مطالعهٔ یك افسر روسی

افسرروسی میگوید:

بیشترازهمه چیزیکه درمحاربهٔ میدان(چوشیما) نظردقت وحیرت انسانرا بخود میکشد این است که دستهٔ کشتیهای جنگی روس چنان حرکت کورکورانهٔ میکردندکه گویابه قوای کلیهٔ دشمن هیچگاه برنخواهند خورد، وبهمین اعتقاد بودندکه دفعتهً بهجوم دشمن معروض شدند. تنهاهمین وقمه دلیل واضحست برینکه (زوژمستوه نسکی) راهیراکه بران رفتنی بود هیچ استکشاف نکرده بود.

درین یك هیچ شبهه نیست که روسهانظربه ژاپانها کمترکروواز وروها

راما لك بودند . لکن (روژه ست وه نسکی) راواجب آن بود که بعداز انکه جزیره های (ساده ل) راترك نمود لوی غندگرو وازور های خود را از پیش برفتار می انداخت . لوی غند مذکوره به پیش رفته وکشفیات لازمهٔ خودرا اجرا کرده دروقت لزوم برقسم کلی دستهٔ کشتیهای جنگی برگشته میتوانست . وبه اینصورت سواحل غرب و شرق جزیرهٔ (چوشیما) را کشف وجستجو کرده بلکه از زرهپو شهای بزرگ (توغو) وقت تر خبر دارشده میتوانست .

اگرچه درینگونه مانوره کردن تهلکه ضایع شدن بعضی گرووازورهای روس موجود بود ، اما بمقابل آن فایدهٔ آموختن موضع حقیقیٔ دشمن استحصال کرده میشد .

دستهٔ کشتیهای جنگی روس وقتیکه به آبنای (قوره) داخل میشدلوی غندگرووازورها در جهت چپ اوبود ؛ که ازین یك معلوم میشود که زره پوشهاوگرووازورهادریك آن به دارالحرب واصل شده اند .

حالاً نکه یك خطای عظیمی درینباب از (روژه ست وه نسکی)بوقوع آمده . بلکه لازم آن بود که گرووازورهابسببی که اززرهپوشها سریع الحرکت ترهستند بواسطهٔ تلگراف بی سیم بالوی غندزرهپوشها ارتباط خودرا محافظه کرده برفتاریکروز پیشتر تقدم کرده میتوانستند . وازین لوی غند گرووازورهاها نهائیکه سریعتروقوتمند تربودند درسرلوی غند یك قطار تر تیب میکردند . ودرینباب ازهجوم طور پیدوهای دشمن هیچ اندیشه نباید کرد زیراطوپیدوهادر پیش طوپهای بزرگ چاپ بسیارکم به کامیابی نایل میشوند .

دیگراینکه هرگاه لوی غندگرووازورهایکروز پیشتر ازقسم کلی در آبنا ظهورمیکرد هیچ شبهه نیست که یك مفرزهٔ مهم دشمن رابخود جلب کرده

بامعلوم میشد که قسم کلی دشمن درنزدیکی (چوشیما) تجمع کرده است .

برای اینکه طرز حرکت (روژه ست وه نسکی) را تایکدرجه ذی حق نشان بدهیم این مطالعه را بیان میکنیم که (روژه ست وه نسکی) به این فکر بود که بردشمن خود یکی یکبار بخبر شبیخون زند ، وتاژاپانها خود را جمع آوری کنند آبنای رادر گذرد .

بلی اگر کار را ازین نقطهٔ نظر مطالعه کنیم لازم می آید که مومی الیه را درباب پیش نفرستادن گرووازورهایش معذور به بینیم . امامانند (توغو) یك نهنگ دریارا که بهمراهش بسی کشتیهای کشاف موجود است آسان آسان غافل ساختن و بشبیخون ازو درگذشتن یك کار آسانی گمان نباید کرد . حالآ نکه برای اینکار نیزاگر درمدخل آبنا توقف کرده برای گذشتن ازانجا یك فرصت مناسبی میجست واحوال دشمنرا بخود تایکدرجه معلوم میکرد بهتر میبود .

بااینهم بگوئیم که چون او برین قرار داده بود که بهمه حال آبنای را بنا گهانی بگذرد البته برای تحقیق کردن دشمن که درانجاهست یانیست لزوم باقی نماند . زیرا به اینصورت خودرا بدشمن نشان میداد ، ویك محاربهٔ را که وقوع آن بهمه حال محتمل بود بدست خود حاضروتعجیل مینمود . پس چون چنین بود آیا این اقتضا نمیکرد که اگرهیچ نباشد تابدرجهٔ ممکن برای حاصلکردن برابری موفقیت همهٔ تدابیروترتیبات لازمه راحاضرکند ؟

حالآ نکه ترتیبات محاربهٔ که امیرال (روژه ست وه نسکی) قبول نموده خیلی عجیب وغریب یك ترتیباتی بود که غیراز عجیبی وغریبی آن سبب بسی نتیجه های الم انگیزی نیز میشد .

حالااین یك رانیز بگوئیم که درتعبیهٔ بحریه یك قاعدهٔ اساسیهٔ موجود است که این قاعده نظربه بسی تجربه ها ، ونتیجهٔ بسی مانوره ها ، و تصدیق

بسی امیرالها بدرجهٔ که استثناقبول نکند قطعی وحکمی میباشد ، و آن قاعده اینست : « در آوان محاربه یك دستهٔ کشتی های جنگی دایما بر یك خط مرتب باید بود . »

بواقعی همچنینست زیرا یك نظام باهم بنیا میخته که از چند خط مرکب باشد در محاربه قابل تطبیق و استفاده نمیشود . درین قاعده هیچ یك چیزیکه دانسته نشود موجود نیست . مع هذا در وقتیکه امیرال روس به آبنای (قوره) داخل میشد آنقدر یك ترتیبات بدون موافقی برای محاربه گرفته بود که حد ونهایت نداشت . (۱)

(۱) — اگرچه درینباب دیگر مطالعات هم در اصل کتاب موجود است ولی چون آنها به بعضی نقشه ها ، واسبا بها موقوف بود و هم متعلق امور بحری بود که بدردما نمیخورد از ترجمهٔ آن صرف نظر شد فقط

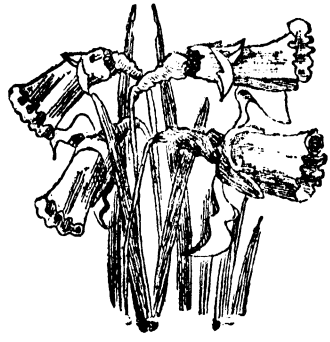

اجمال وقایع

از یك کتابیکه درباب (حاکمیت بحریه) بزبان فرانسوی نوشته شده گرفته شده است .

دولت روس هیچوقت یکدولت بزرك بحری شده نمیتواند . زیرا (جغرافیا) مانعست . در اول امر میان یك ولایتی که هر طرف آن باخشکه محاط بود این ملت (موسقوف) بزرك شده بزرك شده بدرجهٔ رسید که خودرا تابسوا حل بحر رسانیده . وباینصورت در اطراف سه بحر از همدیگر بسیار دور جایگیر شدند . اما چسان بحرها ! هریك مانند یك کوچهٔ که راه بدر رفت نداشته باشد ، ویابایك تالاب محصوری که راه آمیزش آن بابحر مفقود باشد ، واگر راه آمیزش بابحر محیط داشته هم باشد آن راهها در دست بعضی ملتهای هست که همه رقیب او هستند ! . . .

این وضعیت (سوق الجیشیهٔ) بحریه موجود داشتن سه دستهٔ کشتیهای جنگی را که نه بایکدیگر معاونت کرده بتوانند ، ونه باهمدیگر یکجاشده بتوانند اقتضا میکنند . مثلا راه دستهٔ کشتیهای جنگی (بحر سیاه) بامعاهدهٔ پاریس ابدیاً سد شده که معاهدهٔ مذکوره نیز از نتیجهٔ طبیعیهٔ جغرافیاست . آمدیم بردسته کشتی های جنگی (بحر بالتیك) و (بحر محیط کبیر) که آنها هم یکی درغرب ، ودیگری در شرق میباشند . یعنی در دونوك دنیا افتاده اند . واگر بخواهیم که درجهٔ مشکلات تقویت ومعاونت این دودستهٔ کشتی های جنگی را بیك دیگر نشان بدهیم بهتر ازین مثال وقیاسی نیست که دستهٔ کشتی های جنگی (بحر بالتیك) روس

که درزیر قوماندانی (روژه‌ست وه‌نسکی) بمعاونت دستهٔ کشتی‌های جنگی (بحر محیط) روانه شد بعداز (۱٤) ماه به آبخار سیده توانست. یك پولیتیك شناس دور اندیش بحری، در راه اقصای شرق میتوانست که بعضی نقطه‌های استناد یعنی تکیه گاهها تأسیس و بنیاد داده محذورها و علتهای این مسافهٔ بزرگ را تا یکدرجه کوتاه تر بتواند. بحقیقت که پیش از (۵۰) سال دولت روس میتوانست که در بین راه بعضی (اس الحرکات) هابدست آورده بتواند. اما حالا (آن قدح بشکست و آن ساقی نماند)! هیهات! زیرا همه آنها گرفته شد این چنین نظر دور بینانهٔ عاقبت اندیشانه که قدر و قیمت کوههای سخت و سیاه بیهودهٔ (جبل الطارق)، و زمینهای گرم پر وحشت (عدن)، و (هونقونغ) و امثال آنها را بشناسد که در آینده موجب چه فواید کثیرهٔ میشود همانا قوم انگلیز است و بس. انبساط و فراخنی قوم روس همیشه درخشکه‌ها بوقوع آمده است، و در امور بحری خیلی پس مانده‌اند.

چنانچه جغرافیای عمومی برضد منافع روس است، جغرافیای محلی و خصوصی نیز برای منافع او چندان خدمت نکرده است. بندرگاه شهر (ولادیووستوق) که بندرگاه یگانهٔ همهٔ ممالك (سیبریای) روس است در وسط بحر (ژاپان) واقعست که دران دریا نیز از سه درهٔ دریایی یعنی (آبنا) درامده میشود که یکی آبنای (په روز) دیگری آبنای (چوغارو) دیگری آبنای (قوره) است که هرسه آبنا از طرف سواحل (ژاپان) محکوم است. این راهها گذرگاههای حقیقی ایست که برای درامدن یا برامدن (ولادیووستوق) بهمه حال از ان گذشتن لازمست. محاربهٔ میدان (۱٤) آگست، و محو و زوال یافتن دستهٔ کشتی‌های جنگی (روژه‌ست وه‌نسکی)، و مصیبت کشتی (نوویق) همه در همین آبناها واقع شده.

دولت روس بامید آنکه از قید اسارت خلاص شود (پورآرتور) را ضبط نمود امادر ینحال نیز این دو اس الحرکات بحری او بار اضی ژاپان از یکدیگر جدا شده

بود که برای رفتن ازیکی بدیگر یاهمه سواحل دشمنرا ازیکسر تا دیگرسر قطع کردن، ویایك دور بسیار درازی اجرا کردن لازم می آمد. چنانچه بعد از محاربهٔ میدان (۱٤)م آگست سفینهٔ (نوویق) روسی همچنین حرکت دور ودرازی خواسته بود ولی باز بمانعت طبیعیهٔ جغرافیا تصادف کرده در آبنای (پهروز) غرق وناپدید گردید.

چنین گمان نشود که این حرب درمابین روس وژاپان بنا گهانی ویکی یکبار بازشده است. حکومت ژاپان از بسی سالها برای حرب بکمال شدت وتهالك خود را حاضر میکرد. پس دولت روس را نیز باید بمقابل یکچیزی که روزبروز احتمال وقوع آن کسب قوت وصحت میکرد باوجود اجتناب از جنگ باز هم اینقدر بیقیدانه وبی احتیاطانه حرکت نمیکرد.

حکومت ژاپان حساب وموازنهٔ خود را درینباب بصورت بسیار مدبرانه اجرا کرده بود، ودراثنای حرب معلوم شدکه هیچ حرکت او بی حساب وبی تدبیر واندیشهٔ سالها سالها نبود. حال آنکه نظر بهنواقص وخطاهائیکه در اثنای حرب از حکومت روس ظهور نمود بخوبی معلوم شدکه درخصوص تدقیق وضعیت وشرایط سوق الجیشیه خیلی بی دقتی وبی پروایی روا داشته.

حرب، بازیچهٔ اطفال نیست؛ بلکه یك امر عظیم ومشکلیست که موی موی آن را از هر نقطهٔ نظر سنجیده میزان دقت وامعان کردن لازمست. واگر این چنین نشود از قوای حاضره، ولوازمات حربیه هیچ استفاده نمیشود، واز فلاکت بفلاکت، واز مصیبت بمصیبت انسان را بویان بویان بسر میاندازد. خطای نخستینی که روسها ارتکاب کرده اندایناستکه اهمیت ابتدائی نتیجهٔ حرب بحری را بخوبی درك نکردندکه چه میشود. زیرا چنانچه برای ژاپانها بود، برای روسها نیز خط مواصلات یعنی راههای بهم رسیدن شان عبارت ازبحر بود. بنابرین

درین یك هیچ شبهه نبود که هرطرف حاکمیت بحری را بدست آرد، البته حاکم وضعیت حرب نیز همانطرف است. هرگاه روسها حاکم بحر میشدند ژاپانها به (قوره) عسکر براورده نمیتوانستند. بالعکس چون ژاپانها حاکم بحر شوند بسبب بسیارئی مردمیکه دارند، افراد عسکر احتیاط بی پایان و فراوانی از جای بسیار نزدیك بمیدان حرب میریزانند که روسها آیا مقابل اینگونه قوت از مسافهٔ هشت نه هزار کیلومتره بدرجهٔ کفایت چسان عسکر رسانیده خواهند توانست؟ اینستکه اینهمه از بی حسابی و بی پروایی و بی تدبیریست.

اگر حکومت روس تأثیر و اهمیت صاحب شدن قوهٔ بحریه را در تاریخ حرب بخوبی تدقیق میکرد البته که از معروض شدن به اینقدر هزیمتها و فلاکت ها و بی آبیها و بی غیرتیها که باشان و شرف دولت معظمه کی او هیچ متناسب نیست اجتناب میکرد.

پیش از محاربهٔ سلاح، یك حرب اقتصادی یعنی حرب مالی بوقوع آمده بود. درین مسئله همه فواید در جهت روسیه بود. منابع ژاپان بسیار کم و محدود بود. زیرا این ملت غیور و باغیرت همه قوهٔ مالیهٔ خودرا در مابین مصارف تول غندیری و قوهٔ بحرئی خود تقسیم کرده بودند. زیرا سخن آخرین شان همین بود که هم در دریا و هم در خشکه بر دشمن خود غالب بایدشوند.

هرگاه حکومت روس بر دریا حاکم میبود تنها بهمین واسطهٔ مالیه ژاپان را از مناسبات خارجیه سراسر تجرید کرده میتوانست. لهذا از همه الزم این بود که حکومت روس در اقصای شرق از ژاپانها زیاده تر یك قوهٔ بحریهٔ موجود میکردند. وچون خودرا طرفدار صلح میدانست آیا برای محافظه و ادامهٔ صلح بهتر از ینواسطه چه بود؟

اما آیا دولت روس این تفوق بحری را استحصال و محافظه کرده میتوا

نست ؟ هیچ شبهه نیست که اگر میکرد میتوانست . اگرچه این محقق است که در ظرف بیست وچارساعت یك قوهٔ بحریه بوجود آورده نمیشود . دولت ژاپان درین خصوص بسیارسالها متمادیاً سعی وغیرت کرده بمقصد خود رسیده بود . دریمدتی که اوسعی وغیرت دایمئی خود را محض برای مضمحل کردن روس صرف مینمود اگر روس نیز این احتمالات را در زیر نظر دقت گرفته سعی وکوشش میورزید بخوبصورت حاضر شده میتوانست . اینوقت واینمدت برای حاضرئی او نیز کفایت میکرد . وبسببی که بودجه یعنی دخل وخرج بحریهٔ روس از دخل وخرج بحریهٔ ژاپان بزرگتر وافزونتر بود زیاده ترکامیاب میشد .

برای اینکار روسیه را لازم بود که یك پولتیکی تعقیب میکرد که سواحل (با لتیك) خود را باز گذاشته میتوانست . لکن پولیتیك وحرب هردو یك چیز است . برای یك حرب بسیار خوب ، یك پولیتیك بسیار خوب لازم است . دیگر اینکه چون پیمانها بسی عساکر احتیاط را به بسیار زحمت ومشقت وشرایط غیر مساعد بدار الحرب فرستاده بود ، آیا اگر اینهارا پیش از آغاز شدن محاربه در انجا میفرستاد بهتر نمیشد ؟

حالا آنکه هیچ یکی از اینکارها ساخته نشد . اساس دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپانرا هشت کشتی زرهپوش که وقطعهٔ آن پیش از اعلان حرب از (ایتالیا) خریده شده بود ، وشش کروزور زرهپوش تشکیل داده بود . بمقابل این روسیه بعضی جزوتامهای غیر کافی که فیشن بعضی از انها نیز از گذشته ها بود موجود کرده بود .

در ظرف مدت مهلتی که برای اوداده شده بود باید که ترسانه یعنی کارگاههای کشتی سازی (ولادیووستوق) و(پورآرتور) خودرا بدرجه که زرهپوشها در حوضهای آنها برای تعمیر درامده میتوانستند توسیع وآماده میکردند .

حالاً نکه درانباب هم قصور ورزیدند حتی ترتیبات تدافعیهٔ ایندو موقع را نیز ناقص گذاشته بودند . بالعکس لنگرگاه تجارتی (دالنی) از حد زیاده تزئین و اعمار شده بود که همه منابع موجودهٔ را که در دست بود زینت و عمارت آن بلع نموده بود واین بدان میماند که یك گاو گادی را در پیش روی گاوها بگذارند !

قوای بحریهٔ روس در وقتیکه نخستین هجوم ژاپانها بوقوع آمد یعنی هجوم (۸) م فبروری سنه (۱۹۰٤) بردوقسم جدا شده بود . زره پوشها بایکچند کروازور در (پورآرتور) بود . ودر (ولادیووستوك) سه قطعه کروازور بسیار مهم که دایرهٔ کارگذاری شان خیلی بزرك بود باسفینهٔ (بوغاتیر) موجود بود . بسببی که حرب از بسیار وقتها بدرجهٔ آمد بود که همه کس میدانست که قابل اجتناب نیست باوجود آنهم منقسم ماندن قوای بحریه باینصورت بنابر یك مجبوریتی نبود . بلکه این انقسام بوجه مطلوب خود شان بود! آیا این درست یك تدبیری بود؟ نی ...

مقصد روسیه گویا این بود که اعلان حرب چون بشود ، وظیفهٔ لوی غند (ولادیووستوك) رفت وامدیکه درمابین (قوره) وژاپونیا بشود واین لوی غند آنرا منع وتضییق خواهد کرد ، ومالهای گرینی حربی که از (هونقونغ) و (شانغای) و (امریکا) بیاید آنهارا بچنگ خواهد آورد .

دستهٔ کشتیهای جنگی پورآرتور درمرکز منطقهٔ که حرکات عسکریه دران جریان میبابد خواهد بود . که وظیفهٔ آن نیز گویا عسکر ژاپان را از برامدن به (ما نچوری) و (قوره) منع کردن خواهد بود!

حالاً نکه پیش از ینهم گفته بودیم که این نتیجه بحاکمیت بحریه استحصال شده میتواند . روسها امید میکردند که اگر در (ولادیووستوك) یك لوی غند

کروواز ورهای بزرگ خودرا بگذارند هیچ نباشد از قوای عسکریهٔ ژاپان نیز همانقدر یك قوت را به انطرف بمقابل خود جمع جلب کرده باینصورت موازنهٔ قوت (پورارتور) خود را محافظه خواهد توانست • حالانکه این حساب ارکان حربیهٔ روس غلط و خطا بود . زیرا موجود بودن یك لوی غند کروواز ور روس که در (ولادیووستوق) باشد برای ژاپانها آنوقت تهلکه ناك شده میتوانست که تول غند های خودرا به (قوره) و (مانچوری) نقل میدادند وچون این آمدو شد منقطع میگردید تهلکهٔ که از طرف کروواز ورهای روس اجرا میشد یك چیز خیالئی میبود •

اگرچه برای ژاپانها اینمسئله موجب یك دلتنگی بزرگی میشد که گردش کشتی های روس را در پیشگاه سواحل بحر محیط به بینند، وضبط شدن واپور های داکی که ملزمهٔ حربیه را حامل باشند مشاهده کنند . اما این احوال نسبت بمقصد حقیقی که مغلوب کردن دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی و حاصلکردن حاکمیت بحریه است از احوال طبیعیهٔ عادی شمرده میشد که امیرال (توغو) ازین نقطهٔ نظر این چنین ترتیبات را اخذ و قبول نمود :

در مقابل لوی غند بحریهٔ (ولادیووستوق) تنها بعضی تدابیر تدافعیه گرفت • وقوای عسکریه خط نخستین خود را کاملاً در بحر اصفر جمع نمود، وبعد از شبخونی که در (۸)م فبروری بر (پورآرتور) برده دوزره پوش ، ویك کروواز ور روس را زخمدار و بیکار ساخت ، وبه آنصورت تفوق و برتری خودرا بردستهٔ کشتی های جنگی روس بدست آورد ، درانوقت امیرال (توغو) یك قسمی از کروواز ورهای بزرگ خودرا برای ترصد آبنای (قوره) جدا کرد اما باوجود آنهم بجای آنها لوی غند محافظهای ساحل خودرا که در (ژه نسان) عملیات عسکر براوردن بخشکه را حمایه میکرد قایم نمود اگرچه باینصورت

بدستهٔ کشتی های جنگی خود قوت های سست حرکت تر الحاق نمود لکن از روی عدد و اقتدار فایدهٔ تفوق و برتری خود را بر دشمن نمود

بعضی کسان بر ین اعتراض کردند که اینقدر قوت را در پیش (پور آرتور) جمعکردن زاید و بی لزوم بود . اما اینسخن درست نیست . زیرا در صبح شب شبخون یعنی روز (۹) م فبروری وقتیکه امیرال (شتارق) بادستهٔ کشتیهای جنگی خود ازمدخل (پور آرتور) برامد در پیش روی خود قوای کلی دشمن را یافته مجبور شد که یك خط حرکت تدافعی را قبول نماید . واز انوقت دستهٔ کشتیهای جنگی وس هم قوهٔ مادیه وهم قوهٔ معنویهٔ خود را غائب نمود .

آمدیم بر مسئلهٔ فن (سوق الجیش بحری) ژاپانها : در اینباب اگر هر قدر مدح وثنا شود سزاست . امیرال (توغو) بمیل طبیعی (انقسام قوت) گرویده نشد . و از اینکه نتیجهٔ یك مصادمه ، یعنی زد و خورد قوای کلی را که براثر عاقبت حرب تاثیرهای بزرگی اجرا میکند به تهلکه می انداخت ؛ بر غرق شدن ، و یا دست افتادن یکدو کشتی نقلیهٔ که در طرف شمال بدست دشمن بیفتد ترجیح نمود .

روسها چنانچه سفینه های بزرگ خود را بردو قسم تقسیم نموده بودند طور پیدو هاو مخرب طور پیدوهای خود را نیز بردو قسم جدا کرده بودند . روسها در اقصای شرق بقدر (۲۵) مخرب طور پیدو داشتند که ژاپانها مقابل آن از (۱۸ تا ۲۰) مخرب کشیده میتوانستند روسها پنج شش دانهٔ اینهارا بسبیکه به (ولادیوستوق) فرستاده بودند از انروفایده ئیکه در تفوق عددی داشتند ضایع کرده بودند . طور پیدوهای خود را نیز بر همین دو بندر گاه تقسیم کرده بودند که به اینصورت نسبت به ژاپانها که طور پیدوهای بسیاری را مالك بودند خیلی کم قوت تر و پست تر ماندند . چونکه ژاپانها طور پیدو

هاومخربهای خودرانیزمانندیگر سفینه های خوددر (بحر اصفر) جمع کردند.

و الحاصل روسهاسارالازم بود که تابوقتیکه یك مظفریت قطعیهٔ دربحر حاصل میکردند ویك قسمی ازقوتهای ژاپانرا محو وپریشان میساختندقوای بحریهٔ خود شانرامجتمع نگهمیداشتند.

و اینرانیزفراموش نکنیم که ژاپانها اصلااینرابخاطرخود نگرفته بودندکه تادستهٔ کشتیهای جنگی روس را سراسر معطل نکنندنه تول غندهای خود را بصورت منتظم بخشکه بریزند، ونه بر (پورآرتور) هجوم ببرند. پس چون چنین بود اگردستهٔ کشتیهای روس در (ولادیووستوق) ویادر (پورآرتور) میبود بهردوصورت دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان برهانطرف حمله میکرد. اماچون بندرگاه (پورارتور) انقدروسعت وامتدادنداشت که همه دستهٔ کشتی های جنگی روس دران جمع وتحشید کرده بتواند، وبندرگاه (ولادیووستوق) بهتروخوبتراین صفات را مالك بود بندرگاه (پورارتور) تنگ ومدخلش خیلی باز بودکه باین سبب یك اس الحرکاتی که اهمیت ان بدرجهٔ وسط شمرده میشد بود. حالانکه (ولادیووستوق) هم بیشترامین بود وهم محاصرهٔ ان مشکلتربود که باینسبب اگرروسها بندرگاه ولادیووستوق را (اس الحرکات) خود میکردند بهتر میبود.

*
* *

(پورارتور) انتخاب کرده شد ازین انتخاب هماندم درافکارسوق الجیشیهٔ روسها اثربی اهمیتی غریبی که درباب (اس الحرکات) هاداشتند بمیدان برامد.

بواقعیکه روسها درباب مدافعهٔ شهر (پورارتور) بسیاربی پروایانه حرکت کرده بودند، و طرزترتیبات تدافعیهٔ شان نیزغلط بود زیراهرگاه درجوار یك موقع مستحکم، یك موضع سوق الجیشی که برای دشمن فایده برساند

موجود باشد ان موضع را از اقسام ترتیبات تدافعیه ان موقع مستحکم شمرده، و برای منع کردن جایگیر شدن دشمن دران موضع ان را نیز بجای موضع پیش اعتبار کرده هرگونه ترتیبات تدافعیه را دران اجرا نمایند این قاعدهٔ اساسیه در ترتیبات مدافعهٔ بریه اقدر ضروری یك چیزیست که هیچ عتراض قبول نمیکند همچنان در مدافعه های بری نیز تطبیق کردن اینقاعده از لوازمات ضروریست .

لهذا روسها در باب منع کردن جایگیر شدن امیرال (توغو) در جزیرهٔ (الیوت) که در پیشگاه (پورارتور) بود هیچ تدبیری بکار نبرده بودند که این یك خطای بسیار بزرگی بود حالانکه حمایهٔ جزایر مذکوره بقدر (پورارتور) الزم واهم شمرده میشد .

حالا این سوال وارد میشود که آیا قلعهٔ (پورآرتور) بدون حمایهٔ دستهٔ کشتی های جنگی خودش خود حمایه میبایست کرد؟ یا آنکه دستهٔ کشتی های جنگی در راه حمایهٔ این قلعه فدامیبایست شد ؟ لهذا گفته میشود که اس الحر کات ما برای سفاین حربیه بوجود آورده شده اند . از اثر وعهده برای مدافعهٔ آنها بر ذمهٔ کشتیهاییست . دیگر اینکه روسها میبایست که تنها یك فکر، یك مقصد ، یك هدف میداشتند که انهم عبارت از بدست اوردن حاکمیت بحریه می بود . زیرا اگر حاکمیت بحریه نمیبود محض که یك روزی از روزها (پورارتور) میافتاد واز دست میرفت . واگر حاکمیت موجود بود ژاپانها در خشکه بمحاربه دوام ورزیده نمیتوانست . زیرا برای ان تول غنده هشتنا کی که به (مانچوری) ریخته بودند جاری کردن یك سیلابهٔ ارزاق ومهمات لازم بود .

چون چنینست (پورارتور) از کشتیها معاونت انتظار نمیبایست کرد . بلکه تا از دستش میامد در بحر جولان میکرد، ودرباب باز کردن راه دستهٔ کشتی

های جنگی که بامداد می‌آمد کوشش میورزید، و بدشمن شناور خود از هر طرف بدیها باید میرساند .

اگرچه درراه این سعیها و کوششها احتمال محو و تلف شدن دستهٔ کشتی های جنگی روس نیز موجود بود . اما اینکونه محو شدنش می‌ارزید . زیرا برای یك سبب و خدمت حقیقی بوقوع میامد . از اینکه مانند یك بار یگرهای بدبختی دریك گوشهٔ میخ شده میماند این بهتر بود که مانند قهرمانان شجاعت نشان در میدان کارزار فدای جان میکرد . حالانکه دولت روس بهوس انکه جان کندن (پورارتور) رایکچند روز دیگر نیز تأخیر کند دستهٔ کشتی های جنگی خود را برای ان فدا ساخت ، وباینصورت یك خطای بزرگی ارتکاب نمود .

قلعهٔ (پورارتور) یك هیکل نفوذ و عظمت روس در اقصای شرق بود و آرزو و هوس طفلانهٔ او همین بود که موجه های بیرق خود را یکچند وقت دیگر نیز بر استحکامهای نیم خراب ان مشاهده کند و در راه این آرزو و هوس دستهٔ کشتی های جنگی خود را فدا ساخت .

ان دستهٔ کشتیهای جنگی بی کار بی اقتدار طبعاً در زیر حکم و ادارهٔ قوماندان قلعه درامده بود . وقوماندان قلعه چون درباب تسلیم نکردن قلعه به حیثیت و ناموس خود عینا قسم خورده بود ، از هر چیزی پیشتر لازم بود که درباب ازدست نبرامدن قلعه سعی و کوشش ورزد . وچون سوق و ادارهٔ دستهٔ کشتی های جنگی خارج صنعت او بود ، البته که دستهٔ کشتیهای جنگی را فراموش کرده بود ، حتی در آخرکار آن کشتیهای بیچارهٔ وامانده را یکان یکان مانند رهزنان لخت کرده اسلحهٔ انهارا برای تجهیز و تقویهٔ استحکامهای خود برد .

اینست که باینصورت پنج زرهپوش و دو کروازور و بسیاری از طوربیدو هاو مخربهائیکه بی انکه بدشمنی یك ادنا ضرری برسانند یکان یکان هدف گله

های صدمنی طوپ های اوبوس جنرال (نوژی) شده بر حیات خودشان خا تمه کشید ند .

(روژه ست وه نسکی) بدبخت هنگامیکه بادستهٔ کشتیهای جنگی (بالتیك) به اقصای شرق میرسید درپیش روی خود یك قلعهٔ خرابی ۵ مزار پر حسر ت دستهٔ کشتی های جنگی روس بود ، ودر پیشگاه ان دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن خودرا بامهٔ قوت وسطه تش. حیات یافت .

حال انکه اگر همت میکردند وبجای انکه سلاحهای خودرا بدست (اشتوسل) تسلیم کرده بحسرت وبی غیرتی در بحر فرو میرفتند خه دشانرا بگله های طوپ دشمن غرق میکردند ، وهیچ نباشد یکدو کشتی امیرال (توغو) را نیزازخود پیشتر میکردند ایا بهتر نمیبود ؟

امیرال (وبرمن) چندبارا گرچه از (پورارتور) برای همین مقصد بیرون برامدن راآرزوکرد ولی قوماندان قلعه جناب (اشتوسل) پر کسل اورانگذا شت ! زیرا بهطوپ ها وجبه خانه ومرتبات آن احتیاج داشت .

پس آیا درزیراین احوال واین شرایط ازرسیدن دستهٔ کشتیهای جنگی بحر بالتیك چه فائده حاصل میشد ؟ نظر به این افکار وتصورات سوق الجیشیه هرگاه دستهٔ کشتیهای جنگی مذکور را دراو روپا میگذا شت ونمیفرستا دند خوبتر میبود .

* * *

روسها مغلوب شدند . این نتیجه نباید که موجب حیرت وتعجب ما بشود . زیرا بسیار بسیار خطاها کردند . ژاپانها خطا نکردند ؛ زیرا غالب آمدن آر زومیکردند . وبرای غالب آمدن هروا سطهٔ که لازم بودهمهٔ آن را استعمال کردند . زرهپوشها ، کرووازورها ، طورپیدو ها ، مخربها همه را درپیش

گاه (پورآرتور) جمع کردند . وبه‌اینصورت دشمن خود شان‌را که درباب مسئلهٔ حاکمیت بحریه رقیب شان بود تضییق ومحصور نمودند . که اینکار خیلی منطقی ومعقول یك کاری بود .

هر چیزیکه طرف غالب بکند آن را بحرت تحسین کردن درطبع بشر یك میل طبیعی مخصوصی موجود است . چونکه کامیابیها برای حرکات یك معیار کمال وعدالت شناخته میشود . حرب یك تیاترفاجعه انگیزیست که از بسی پرده‌ها مرتشکل است که پردهٔ اول آن همیشه ازفتوحات بحری متشکل است . بنابرین همهٔ قوای حربیه بحریه رادر صحنهٔ فعالیت وضع کردن لازمست . پردهٔ دوم به‌امتداد سواحل جریان می‌یابد . زیراطرف مغلوب عقب کشیده کشیده به بندرگاههای خودالتجا میکنند که درانوقت این بندرگاهها همه وسایط تدافعیه را استعمال کرده به نگهبانی خودکوشش میورزند .

خلاصه درحرب بحری بدودستهٔ کشتیهای جنگی ازهمدیگر فرق دار احتیاج نیست بلکه تنهایك دستهٔ کشتیهای جنگی کفایت میکنند . امابسیار قوتمند بودن آن شرط است . قوای بحریه هیچ وقت نباید که دوچارانقسام بشوند .

چونکه انقسام قوت ، موجب ضعف است . وظیفهٔ یگانهٔ قوای بحریه همین است که مجتمعاً برسردشمن حمله کنند ، ویااورابسوی خودکشیده ضرر آن را برطرف وازاله کنند .

والحاصل قوای حربیه‌را پیش‌ازوقت بیهوده پراکنده نباید کرد ، بلکه همهٔ وسایط ومساعی رابردستهٔ کشتیهای جنگی اصلی دشمن توجیه وتوحیدکردن لازم است . اینست اجمال نتایج سوق الجیشیهٔ که ازحرب بحری روس وژاپان استحصال شده است .

بعد ازخراب کردن دستهٔ کشتیهای جنگی نخستین بحرمحیط روس ، هنوز

وظیفهٔ بحریهٔ ژاپان تمام نشده بود . چونکه بعد از ضبط قلعهٔ (پورارتور) بچار ماه یك دستهٔ کشتیهای جنگی نوروس بقصد استحصال حاکمیت بحریه بسوی اقصای شرق می آمد . وضعیت بسیار مشکل بود . چونکه اذنا یك کامیابی روسها همه نتایج موفقیتهارا که تابه اندم بدست امده بود زیر وزبر کرده میتوانست .

اگرچه قوتیکه ازا امیرال (روژه ستوه نسکی) سوق میکرد از عناصر غیر متجانس ترکیب یافته بود ومرتبات انها اکثری بی تجربه ، وکم بها و بی اطاعت بودند ، ولی بخت وطالع حرب آنقدر یك چیز بیوفائیست که اگر بهمه اعتماد ، و تمام امید به ان دل بسته شود ازتهلکه خالی نیست . ازاژو ژاپانها ازین دستهٔ کشتیهای جنگی نوایندهٔ روس باز هم اندیشه خالی نبودند . وهم فکرشان از نتیجه که ازمصادمه حاصل شود بیشتر به این مشغول ومصروف بود که ایا مصادمه درکجا خواهد شد ؟

این وضعیت حربیهٔ این بار با وضعیت حربیهٔ ابتدای محاربه هیچ مشابهت نداشت . چونکه درینبار دستهٔ کشتیهای جنگی روس راتنها یك هدف مقصد بود که آنهم رسیدن به بندرگاه (ولادیووستوق) بود . وبعدازانکه درانجا برسد گرووازورها ، وطوربیدوها ، وتحت البحرها را جمع وتوحید کرده با همهٔ سفاین حربیهٔ خود به امید موفقیت وکامیابی بجنگ آغاز کند . وتابوقتیکه به آن اس الحرکات خود نرسد این دستهٔ کشتیهای جنگی آنقدر من عج و مهلك یك چیزی شمرده نمیشد . چونکه مشکلات دایمهٔ احتیاج زغال اورادرهر جابحال تدافعی محکوم میساخت . لهذا اصل کار همین بود که بر وبشرایط مساعد وموافق هجوم برده شود ، وایستاده کردن اورا در فلان جایافلان مأوا آنقدر اهمیتی نداشت .

مسئلهٔ که امیرال (توغو) به حل و فصل کردن آن مجبور بود انقدر

دشواریك چیزی نبود . زیرا چند صورت حل کردن آن ممکن مینمود .
قدمهٔ اول دستهٔ کشتیهای جنگی روس تقدریك ماه درجوار ممالك (آنام)
برای رسیدن قدمهٔ دوم خود توقف نموده بود . پس بخوبی ممکن بود که
پیش از انکه این قدمه بالوی غند (به بوغا نوف) که قدمهٔ دوم بود قوت بگیرد
رفته بر و هجوم کرده شود . دیگر اینکه دریکی از سه ابناهائیکه گذشتن دستهٔ
کشتیهای جنگی روس از ان متصور بودقابو گرفته دراثنای گذشتن بر وهجوم
کنند که امیرال (توغو) همین صورت حل اخری راقبول نمود .

این پلان یعنی نقشه بسیار خوب تفکر شده بود . وبسبب قبول کردن
سر امیرال ژاپانی همین نقشه را شایان بسی تقدیر و تحسین میباشد . هرانقدر
که دستهٔ کشتیهای جنگی روس به دورهٔ اخری سیاحت خودتقرب میکرد
درژاپونیا تردد وهیجان افزونی میگرفت . زیرا بیم واندیشهٔ اینکه مبادا بی
انکه دشمن دیده شود وجنگ باو شود به بندرگاه (ولادیووستوق) رسیده
بتواند همهٔ پی ها ورکهای ژاپانیانرا بحرکت میآورد . این حال دراکثراو
قات موجب گرفتن بعضی تدابیر غلط ومهلك هم میشود . مثلا بسیار قوماندا
نها بیصبری کرده از بیم انکه مبادا دشمنرا فرصت گریز بدهد تابدرجهٔ ممکن در
دورخاها برای پالیدن اومیرود . اگر امیرال (توغو) نیز باینگونه ملاحظه ها
واندیشه هاافتاده برای جستجوی (روژه ستوه نسکی) بسوی جنوب میر
فت بیکو ضعیت بسیار بدی میافتاد .

لهذا این امیرال باوقار جرار بعدازانکه برای هجوم بردن بردشمن برین
قرارداد که هروقتیکه دستهٔ کشتیهای جنگی روس داخل دریای ژاپان بشود
بر وهجوم کنند درانحال چنان لازم میامد که قوای حربیهٔ خود را چنان جمع
وتحشید کند که برای فرار اوامکان نگذارد . وقتیکه ازطرف جنوب آمده

بسوی شمال رفته شود ، برای رفتن (ولادیوو ستوق) کوتاه ترین راهها آبنای (قوره) است . راه رفتار دستهٔ کشتیهای جنگی روس نیز طبعاً همین راه بود بنا برین (توغو) باهمه قوای عسکری خود در همین اینجا یکیر شده بود . مشار الیه در یجا بحقیقت که خیلی در خشان یك موضع حاضری را مالك بود چونکه اگر (روژه ست وه نسکی) این راه را گذاشته ژاپونیارا از طرف شرق دور کر دن آرزو میکرد ، در انحال دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بر خطهای داخلئی مملکت حرکت کرده پیش از رسیدن او به بسیار وقت بشمال میبرامد و در آبناهای (چو غارو) و (په روز) رفته دستهٔ کشتی های جنگی روس را انتظار میکشید .

حال انکه (روژه ست وه نسکی) به این فریضهٔ سوق الجیشیه تبعیت نکرده واز آبنای قوره به (ولادیوو ستوق) رفتن را آرزو نمود ، و در درون آبنا دستهٔ کشتیهای جنگی خود را بحمله های دشمن محو و تلف ساخت . با این فاجعهٔ مدهشه حرب بحری روس و ژاپان به انجام رسید . و بعد از ان بحریهٔ روس در اقصای شرق موجود نماند .

از ابتدای محاربه حرکات حربیه از طرف ژاپانها بیك اعتدال دم و راستی و درستئی بسیار بزرگی سوق شده بود که سبب یگانهٔ این مظفریات در خشان آنها نیز همین مسئله شده است . اما چون در بن کارها بخوبی غور شود همانده این یك سوال وارد میشود : آیا بکدام یك بیشتر حیرت باید کرد ؟ بحکومت ژاپان که این چنین تدابیر معقولهٔ متینی در پیش گرفت که مدار اینهمه کامیابیهای در خشانی گر دید ؟ یا آنکه ملت ژاپان که این تدابیر حکومت خود را بدون قید و شرط قبول کرده به سعیها و کوششهای دلیرانهٔ خودشان در میان اقوام حاضرهٔ دنیا درجهٔ نخستین شرف و شان را حاصل کردند ؟

این یك (چیستان) است ! هر کس بفکر خود یك جواب میتواند بگوید والسلام !

حرکتهای آخرین محاربه در مانچوری

محاربهٔ میدان (موکدن) در جلد چارم این کتاب به کامیابی ژاپانها انجام رسیده بود. حالا باز در مانچوری رفته به بینیم که وضعیت حربیهٔ ایندو تول غند محارب در چه حال است؟

میدان محاربهٔ (چوشیما) قوای بحریهٔ روس را از میان برداشته بر حرب بحری یك خاتمهٔ بسیار درخشانی کشیده. در (مانچوری) از آخر ماه مارچ تا به ابتدای ماه دسمبر در وضعیت تول غندهای اصلی هیچ یك تبدلی بوقوع نیامد. ایندو رسکون و استراحت به افزونی دادن، و کامل کردن قوتهای هردو طرف گذران نموده. در اثنای دور مذکور تول غند روس با این قوتهای بزرگی که بیان میشود تقویه شده بود:

اولا: قول تول غند چارم اوروپا؛

ثانیاً: جزو تامهای نخستین قول تول غندهای (۱۹) م، و (۹) م و (۱۳) م.

ثالثاً: از غبر ك غندهای شکارئی اوروپا که بحال لوی غند ها وضع شده بود دو قول تول غند تشکیل یافته بود.

رابعاً: از قطعات جنرال (رهنه نقامف) نیز یك قول تول غند (۷) م سیبریا تشکیل یافته بود.

وغیر از بنها از (۱٤) طوپخانهٔ هوان، و (۲) طوپخانهٔ سیار شازده طوپخانه بوجود آمده بود. و نیز (۳) طوپخانهٔ سریع آتش (۷۵) سانتیمتره یی نیز به (مانچوری) فرستاده شده بود.

و نیز بایك لوی غند شکارئی سیبریا محافظین (ولادیووستوق) تقویه شده بود.
ویك غبرك غند قول تول غند (۱۹) م نیز به اراضئی (اوسوری) فرستاده شده بود.

*
* *

تول غند ژاپان نیز این قوای مهمهٔ امداد به را گرفته بود،

(۱۸) لوی غندی که تول غند مذکور را تشکیل داده بود همهٔ آن لوی غند ها بموجود سفرئی شان ابلاغ شده، وسراز نوغبرك غندهای کدام تشکیل داده شده بود. (اما این کدام کدام ارزاق مانند گندم وغیره گمان نشود بلکه خود عسکر را کدام کرده در وقت لزوم بجنگ سوق میکنند.)

در اثنای ترك مخاصمات قوت هریك از طرفین محاربین تخمیناً از (۵۰۰) هزار نفر عسکر که جمله گی (۱) ملیون شود ترکیب یافته بود. اما اگر اینقدر نباشد ولی از (۸۵۰) هزار کمتر بهیچصورت نبود.

در تقسیمات تول غندها نیز هیچ یك تبدل حقیقی بوقوع نیامده بود. باز بقرار سابق بمقابل سه تول غند (لینه ویچ) پنج تول غند (اویاما) موجود بود. از آخر ماه مارچ یعنی تقریباً — حمل — تا به ابتدای ماه دسمبر — یعنی تقریباً سنبله — حرکاتیکه در تول غند های طرفین اجرا شده عبارت از بعضی کار های قره غولهای پیش — یعنی چول پیره ماوگزمه های پیش — وخدمتهای کشف احوال یکدیگر مانده بود. مهمترین این حرکاتیکه اجرا شده جریان دوم — یعنی چاپول یا آنکه المان تازئی دوم — جنرال (میچه نقو) ست که در ماه می اجرا شده است. بناءً علیه ما هم در پنجا تنها به ذکر و بیان آن اکتفا میورزیم:

﴿ چاپول دوم جنرال میچه نقو ﴾

درین اثنا قوای عسکریهٔ روس در حالتیکه روی شان بسوی جناب متوجه

بود درینموقعها ئیکه بیان میشود موجود بودند :

در غرب ، به برابرئی (سیلیپه نقای) تول غند (۲)م درزیر ادارهٔ جنرال (قولباس) موجود بود .

در شرق ، تول غند(۱)م جنرال(قوروپاتکین)، ودرمرکز، وبرخط راه آهن تول غند(۳)م جنرال (بایلیوف)موجود بود .

قول تول غند (٤)م درعقب احتیاط عمده می‌را تشکیل داده بود . ودر (۱۰۰) کیلومتر بسمت چپ در موقع (هایلوچه نغ) قول جنرال(رمنه نقامف) موجود بود .

جناح راست تول غندرا مفرزهٔ جنرال (میچه نقو) ستر کرده بود . متباقی صنف سواری یعنی رساله در پیش روی تول غند بودند .

جنرال (لینه ویچ) برای دانستن قوتهای موجودهٔ ژاپانها ، وکشف کردن موضعهای آنها جنرال (میچه نقو) را امر کرد که برجناح چپ ، و عقب تول غند ژاپان پیش برود .

قطعه هائیکه درزیر قوماندهٔ جنرال (میچه نقو) داده شده بود عبارت ازینهاست :

لوی غند سواری (قافقاسیا) . لوی غند قزاق (اورال ترانسبایقال) .

از غند (۲) م (طاغستان) یك طرب رساله .

از غند(نهرك قوبان) یك طرب سواری .

(۲) طوپ خانه سواری .

جمع همه (۵) طرب سواری ، و(۱۲) طوپ .

جنرال (میچه نقو) در (۱٦) م می(مفرزهٔ خودرا درموقع(ووپیه نغ) جمع نمود . در (۱۷)م می از نهر (لیااوهو) گذر کرد، وجناح چپ لوی غند(۷)م

ژاپانرا گردش کرد . وشب رادرمابین (فالامینقون)و(قون می یان) گذشتا ند . در(۱۸)م می بعضی خرابیهای خورد وریزه اجرا کرده ویکچند اسیر بدست آورده در جوار(فاقومه ن)اردوگاه تأسیس نمود . در(۱۹)م ماه مذکور در(سن من تینغ) باآلای یعنی غند(۴۹)م ژاپان برخورد وبصورت بسیاردلا ورانه در زیرحمایهٔ طوپچئی خودبرانهاتعرض نمود . ودوبلوك پیادهٔ دشمنرا ازتیغ کشیده ، ودومترالیوز بدست آورده بپریشان کردن دشمن موفق شد .

بعد ازین اجراآت جنرال (میچه نقو) وظیفهٔ خودرا بانجام رسانیده پس از استقامت غرب بسوی شمال برگشت . ودر(۲۳)م ماه درحالتیکه(۲)افسر و(۳٤) نفرمقتول ، و(۹) افسر، و(۱٤۰) نفرمجروح داده بود و(۲)مترا لیوز ، و(۲۰) عرابه و(۲۰۰) حیوان بدست آورده بود درمنزلگاه قدیم خود برگشت .

(میچه نقو) دراثنای این الحان تازئی خودمحیط خارجئی دشمنرا کشف کرده ، ومو جودیت قطعه های تول غند (۳)م ژاپانرا اثبات نموده مقصدیکه ازوظیفهٔ اوانتظارمیشد بسررسانیده بود .

*
* *

بعد از محاربهٔ میدان (چوشیما) دولت روس بمصالحه میل نمود . اگرچه قوماندان های تول غند مانچوری روس برای جناب ایمپراطوراسترحامنامهٔ خود را تقدیم کردندکه مابشدت برحرب دوام میورزیم ، ولی بازهم درمابین تول غند های طرفین خودبخودیك (متارکه) حاصلشده بود . (متارکه، ترك کردن جنگ را میگویندکه برضای طرفین دوتول غندباهم جنگ کنندهترك قتل وقتال شود) ، وازین متارکه ژاپانهابیشتراستفاده کرده بودند . چونکه در اثنای این متارکه ومذاکرات صلحیه بعضی نقاط مهمهٔ دیگررا که برای

حصول مقصد شان خدمت میکرد نیز بدست آوردند . وبراجرای بعضی حرکات عسکریهٔ درجهٔ دوم تشبث کرده بودند . ازجمله حرکاتیکه درشمالی (قوره) بوقوع آمده ، و ضبط کردن جزیرهٔ (ساخالین) ازمهمترین این تشبثات است .

* * *

حرکاتیکه در «قورهٔ شمالی بوقوع آمده : وضبط شدن جزیرهٔ ساخالین

درائنائیکه یك تول غند (۶)م ژاپان که ازدولوی غند احتیاط ترکیب شده بود درزیر قوماندهٔ (هازه غاوا) ازمابین (ایالت ساحلیهٔ) روس ، و(نهر تومن) در جهت شمالی (قوره) برامده روسهارا سراسر ازاراضئی (قوره) اخراج میکردند ، ازطرف دیگر ؛ امیرال (قاتاوقا) در (۷)م ماه جولایی — یعنی نقریباً اسد — درجنوب جزیرهٔ (ساخالین) ، یعنی درجوار (قورساقوفسق) بایك قول تول غند دیگر بخشکه برامده شهر مذکوررا ضبط نمود . و مفرزه های روس را که جزیره رادرزیر استیلا داشتند جاروب کرده بسوی شمال میراندند .

در (۲۴) ماه مذکور امیرال (قاتاوقا) شهر (الکساندروفسق) را که در ساحل غرب جزیره است بزیر آتش طوپ گرفته ، و به (آلقودا) نام موقع قطعه های نوعسکری ریختن گرفت .

محافظ شهر که ازهر طرف باعساکر دشمن درزیر تضییق درامده بود آخر الامر به تسلیم سلاح مجبور شده بود . ودر (۳۱) م جولایی والئی جزیره نیز باسه هزار نفری که بااو مانده بوددره موقع (اوفور) بدشمن تسلیم شده بود .

در دیگر جهت یعنی در (مانچوری) قوهٔ معنویهٔ تول غند های روس روز بروز خراب شده میرفت. ودر وقتیکه معاهدهٔ صلحیه امضا میشد وضعیت تول غند ژاپان از هر وقت زیاده ترقوی ومتین بود.

* * *

متارکهٔ (۱۶) ستمبر، ووضعیت متقابلهٔ دو تول غند مخاصم

وقتیکه معاهدهٔ نامهٔ صلحیه امضاشد درمابین تول غندهای دودشمن که در (مانچوری) بودند یك (متارکه نیز عقد گردید. این متارکه برین چند اساس بنا یافته بود:

اولا: درمابین دو تول غند خواه در (مانچوری)، وخواه در جهت نهر (تو من) تأسیس وبنیادنهادن یکیك (منطقهٔ بیطرفی).

ثانیاً: بعد ازین منع کردن آوردن قوت‌های مدد رسان.

ثالثاً: نگذ شتن قطعه های عسکریهٔ روس از (خاربین) ونگذشتن قطعه های عسکریهٔ ژاپان از (موکدن).

بعد از انکه سرافسرهای کل تول غند های طرفین برین شرطها موافقت کردند، دو هیئت صلحیه درزیر ریاست جنرال (فوقوشیما)ی ژاپانی، وجنرال (اوغانوفسکئی) روسی برای تعیین کردن حدود بیطرفی، ودانستن متارکه را که از کدام روز بموقع تطبیق وضع شود، در (۱۴) م ستمبر در موقع (شاقاچو) بایکدیگر یکجا شدند. درانجا ابتدای متارکه را از (۱۶) م ماه قبول کردند.

درین اثنا وضعیت تول غندها از ینقرار بود:

در طرف روسها: تول غند (۲) م با قول تول غندهای (۸، و ۱۰، و ۱۶) وقول تول غند نخستین شکارئی اوروپا، وقول تول غند (۶) م سیبریا در غرب خط

راه آهن ، وقرارگاه شان در (فه نفهوزین) بود .

تول غند (۱) م باقول تول غند (۱،۲،۳،۴) م سیبریا وقول تول غند نخستین اوروپا درجهت شرق خط راه آهن ، وقرارگاه شان در (قورسو) بود . و قول تول غند (۷) م سیبریا نیز در جوار (حایلونغ چه نغ) بود .

تول غند (۳) م ، باقول تول غندهای (۹،۴، ۱۹۱۷) م ، وقول تول غند شکارئی «۲» م اوروپا ، وقول تول غند «۵» م سیبریا درجهت شرق خط راه آهن بطرف پش ونزدیکئی « قوچیاتین » بود .

قره غدلها یعنی پهره هائیکه از طرف سوارئی قازاق کشیده شده بودند . بدرازی خط (وویه نغ) و (مه نهوغای) تأسیس شده بودند . قرارگاه بزرگ عمومی دومابین « قوچیاتین ، وقونشولینغ » بود .

آمدیم برطرف ژاپانها : تول غند های ژاپان بریك جبههٔ که متجاوز از « ۲۰۰ » کیلومتر بودیك زنجیر آهنین بزرگی تشکیل داده بودند :

تول غند « ۳ » م که ازلوی غند های «۱،۲،۸،۹» ویك چند غند احتیاط» تشکیل یافته بود درمابین «چیاتون ، وفاقو،ه،ن» بود . رسالهٔ آن نیز درمقابل قازاقهای « ییچه نقو» پهلوی چپ شانرا ستروحمایه میکرد .

تول غند «۲» م ، که ازلوی غندهای «۳،۴،۵» وغندهای بسیار احتیاط» مرکب بود ، درطرفهای « چانغ طوقو» بود .

تول غند (۴) م درغرب جادهٔ (ماندارین) وبیك وضعیتی که برین جاده حاکم باشد بود .

تول غند (۱) م دروادئی (چین هو) بود .

تول غند (۵) م برخط (بولیانچا، واینقومه ن) بصورتیکه جبهه اش بسوی قول تول غند سوارئی (رمنه نقامف) متوجه بود افتاده بود .

وقتیکه مصالحه عقد شد تول غندهار ازیاده تریك منطقهٔ سکون واستراحت نشانداده شده هرکس درانجا برای برگشتن بسوی مملکت خود منتظر امر نشستند.

* * *

خالی کردن قطعهٔ (مانچوری) از طرف تون غندهای مخاصمین بر چهار دور تقسیم کرده شد.

دوراول : در (۳۱) م دسمبر سنه (۱۹۰۵).

دور دوم وسوم : در (۱) م جون ، و «۱» م آگست سنه «۱۹۰۶» .

دور چارم: در «۱۵» م اپریل سنه «۱۹۰۷» آغاز میکرد .

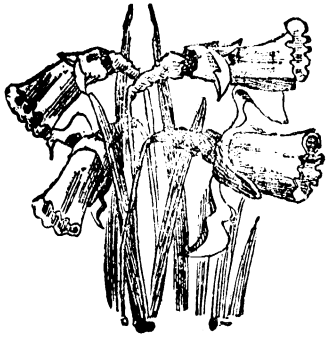

تفصیل مذاکرات صلحیه

از ماه جون تا به ماه ستمبر سنه ۱۹۰۵

بعد از شکستهای فاحش بزرگ آخر تی روسها، حوادثهای آغاز کردن مذاکرات صلحیه شایع شدن گرفت. در اواخر ماه مارچ بتحقیق پیوست که رئیس حکومت «امریکا» موسیو «روزوولت» برای بنیادنهادن مناسبات صلح وصلاح روس وژاپان واسطه ومیانجی خواهد شد. رفته رفته این شایعه ها رنگ حقیقت را گرفت.

روز «۸» م ماه جون — یعنی تقریباً سر طان — سفیر امریکا مقیم «پترسبورغ» که موسیو «مایر» نام دارد با جناب «زار» ملاقات کرده یك تلگرافنامهٔ موسیو «روزوولت» را عرض و تقدیم نمود که موسیو «روزوولت» درین تلگراف نامهٔ خود برای آغاز کردن بمذاکرات صلحیه ازطرف هردو دولت مخاصم تعیین کردن مرخص را تکلیف میکرد.

در (۱۰) م جون قونت (لامسدورف) بموسیو (مایر) زبانی تبلیغ نمود که دولت روس بامرخصهای ژاپان بمذاکرات راضی میباشد. وقتیکه این حوادث در (مانچوری) شایع شد سرافسر تول غندروس جنرال (لینه ویچ) که بعداز (قروپاتکین) سرافسر شده است یك مجلس حرب عقد نموده. واین پروتستو نامه را بجناب زار فرستاد:

صورت پرو تستونامه

« حشمتمآب ،

« چون شنیدم که بنابر حسن نیت و توسط موسیو (روزوه لت) ذات حشمت پناهی شما به آغاز شدن مذاکرات صلحیه راضی شده اند همهٔ قوماندا نهای تول غند را که در قرارگاه عمومی حاضر میباشند جمع کرده یك مجلس حرب تشکیل دادم .

بعد از انکه اسباب مصالحه و موضعهای متقابلهٔ طرفین را بخوبی تدقیق و مناقشه کردیم ، من و همه رفیقان من متحداً و شدیداً برین قرار دادیم که تابو قتیکه جناب حق قطعه های دلاورما را به کامیابی آخری نایل وسزاوار سازد برحرب دوام کنیم ، و بعرض کردن این قرارداد خود را به ذات حشمتپناهی شان کسب فخر و شرف میکنیم .

« بعد از محاربه های میدان (موکدهن) ، و (چوشیما) ، از صلح بحث کردن لایق نیست !

« دشمن ما بسبب غرور و نشهٔ که از کامیابیهای خود حاصلکرده بالطبع مغا یر شان و حیثیت دولت روس بعضی شرطهای سخت بیان خواهد کرد . اما ما ملکت ما بقبول کردن شرایط مذکوره هیچ مجبوریتی ندارد . چونکه ما هنوز به آن درجه تنزل نکرده ایم .

« فلاکت (چوشیما) بیشك که یك حادثهٔ الم انگیز یست . لکن آن حادثه را با تول غند دلاورما هیچ مناسبت و رابطهٔ نیست . زیرا تول غند روس که در (مانچوری) است درینوقت بیك وضعیت بسیار درخشانی میباشد ، و همهٔ افراد و افسران برای حاصلکردن کامیابی آخری بفکر انتقام گرفتن از دشمن بوده اوامر حشمتپناهی شانرا منتظر هستند .

« موضعهائیکه قطعه های ما بدست دارند بصورت بسیار مکمل تحکیم کرده شده است . موسمهای باران تا به اینده مانع تعرض من بردشمن شده بود . اما حالا اضافیات ما که در محاربهٔ میدان (موکدن) بوقوع آمده بود بتمامها کامل شد ، و تول غندهای ما باقول تول غندهائیکه از اوروپا رسید تقویت پیدا کرده . ازاینرو بکمال موفقیت به تعرضات خود بردشمن امنیت کامله دارم ، وخوب میدانم که این اقتدار در من موجود است . وامید میکنم که درهمین ماه بیك تعرضی که همه احوال حاضره را سراسر تبدیل بدهد آغاز بتوانم .

« باز عرض وتکرار میکنم : ذات حشمت پناهیشان برقوت واقتدار قطعه های ما اعتماد تام کرده میتوانند ، ودر وضعیت حاضرهٔ ما بودن هیچ یك جهت تهلکه باکی که مخل شرف وحیثیت یك مصالحه را قبول بکند امنیت کرده میتوانند .

از (غوچولین) فی ۱۰ جون سنه ۱۹۰۵ سرقوماندان
لینه ویچ »

*
* *

این پروتستوی (لینه ویچ) تأثیریکه ازان امید بود حاصل نتوانست کرده . زیرا جناب زار روس یکروز بعد از گرفتن این پروتستو نامه بموسیو (روزوه لت) از توسط اودرینباب تشکر کرده ممانعت نکردن خود را در باب اجتماع مر خصهای روس وژاپان اعلان نمود .

آخرد (۲) مماه جولایی ازطرف حکومت (واشینغتون) یك نوطهٔ رسمی به اینصورت نشر گردید :

« حکومتهای روس وژاپان بموسیو (روزوه لت) این سخن را خبر دادند

که بزودی مرخصهای شان اجتماع خواهند کرد.

« این مرخصها ، برای اجرا کردن مذاکرات صلح ، وعقد کردن یك معاهدهٔ قطعیهٔ که از جانب حکومتهای شان تصدیق گردده شود رخصت و صلاحیت نامه را حائز میباشند .

« از طرف روسها مرخصها : قونت (موراویف) وبارون (روزن) واز جهت ژاپانها موسیو (قومورا) ، وموسیو (ناکاهیرا) میباشند . اینهم ممکن است که هردولت در نزد این مرخصها یکی یادو سفیر داشته باشند . »

*
* *

« قونت (موراویف) که از طرف حکومت روس در (رومه) سفیر بود این خدمت مرخصی را که به او تکلیف شده بود قبول نکرد . لهذا بجای اوموسیو (ویته) مقرر گردید ، ودر (۱۳) م جولایی در سرای (پترهوف) در باب تعیین شدن او از طرف جناب زار امضا کرده شد .

« موسیو ویته » در اثنائیکه به (واشینغتون) میرفت در (۲۱) م جولائی (پاریس) رسید . روز ده م رسیدنش از طرف (روویه) وروز دیگر در سرای (ئه لیزه) از طرف رئیس حکومت قبول گردید در (۳۰) م اگست مرخصهای روس باکشتئی (فایزه رویلهلم در غروس) بنام المانی به (نیورك) واصل شدند .

در (۵) م اگست مرخصهای روس و ژاپان نخستین بار در (اویستربای) در کشتئی یاط مخصوص رئیس (روزوملت) که بنام آن کشتی (مای فلووه ر) بود با یکدیگر تصادف کردند ، ودر انجا رسماً بیکدیگر تقدیم و معرفی شدند .

بعد از ان موسیو (روزوملت) بمهمانهای خود ایستاده بایك نا شتا اکرام کرده واین نطق را ادا نمود :

« بشمایان یك ادارهٔ اقداح تکلیف میکنیم . و میخواهم که این قدحهای

خودتان را ایستاده پابامن یکجا بنوشید. به این نطق من از هیچیك طرف جواب داده نمیشود. من بشرف حکمدارها و اهالئی دو ملت بزرگی که مرخصهای شان امروز در «مای قلوور» بایکدیگر تصادف کرده اند باده نوش میشوم.

«شدتناکترین آرزوها، وسوزشناکترین تمنی و نیازهای من همین است که تنها برای منفعت همین دو دولت بزرگی که بامرخصهای آنها در بنوقت پهلو به پهلو ایستاده ام نی، بلکه برای منفعت همه عالم انسانیت بزودی یك مصالحهٔ حقیقی و مدیدی عقدو قرار گیرد.»

بعد ازان مرخصهای طرفین بشهر «پورتسموت» که قونفرانس صلح دران بوقوع می آید روانه شدند.

اجتماع نخستین در روز چهارشنبه «۹» آگست بوقوع آمدامروز تنها به تدقیق واخذو عطای اعتمادنامه های طرفین اشتغال ورزیده شد.

در «۱۰» م آگست این چنین یك نوطهٔ نشر کرده شد:

«در اجتماع «۱۰» م آگست مسئلهٔ صلاحیت نامه تنظیم کرده شد. به اینصورت که طرفین درین خصوص بعدازین بهیچ مشکلی تصادف نخواهند کرد. مرخصهای ژاپان بمرخصهای روس شرایط صلحیه را نوشته کرده تسلیم ونقدیم کردند. مرخصهای روس اینمسئله را مطالعه کرده تابقدر یکه ممکن باشد بزودی جواب نوشته خواهند کرد، وبرهمین قرارداد مجلس به انجام رسید. تابجواب دادن مرخصهای روس اعضای قونفرانس اجتماع نخواهند کرد.»

*
* *

درهمین وقت معلوم شد که مرخصهای ژاپان این شرایط را تکلیف و بیان کرده اند:

۱) — دادن مصارف حربیه «مقدار آن غیر معین»؛

۲) — ترك کردن جزیرهٔ «ساخالین»؛

۳) — انتقال دادن شبه جزیرهٔ (لیاتوئونغ) را با «دالنی»، و «پور آرتور» به ژاپان ؛

٤) — خالی کردن «مانچوری»، و پس دادن همه امتیازاتی را که در داخل این ولایت بدست آورده به (چین)، وقبول وتطبیق کردن اصول (دروازهٔ باز) ؛

۵) — ترك کردن راه آهن (چین شرقی) را که از (خاربین) تا به (پور آرتور) کشیده شده به ژاپان ؛

٦) — تصدیق شدن حمایهٔ ژاپان در «قوره» از طرف روس ؛

۷) — دادن حق صید ماهی را به ژاپان . از حد شمال «ولادیووستوق» تا به بحر «بهرنگ» در ساحل «سیبریا» ؛

۸) — ترك وتسلیم کردن همه کشتیهای جنگی روس که در جنگ گریخته وبه بندرگاه های بی طرف التجا کرده به ژاپان ؛

۹) — تحدید کردن روس قوای حربیهٔ خودرا در اقصای شرق .

*
* *

در اجتماع روز «۱٤» م آگست مرخصهای طرفین برین سه مسئله موافقت حاصل کردند :

اول : حاکمیت ژاپان بر «قوره» ؛

دوم : خالی کردن «مانچوری» ؛

سوم : ترك کردن راه آهن «شرقئی چین»

اما روسها ترك کردن جزیرهٔ «ساخالین»، ودادن تضمینات حربیه، و تسلیم کردن سفاین حربیه، وتحدید کردن قوای بحریهٔ خودرا در اقصای شرق قطعیاً رد کردند .

در «۱۷» آگست مرخصهای طرفین عدم امکان نتیجه یافتن شرایط صلحیه را دیده مسئله هائیکه دران اختلاف بود دریك ضبطنامه درج کردند .

در «۱۸» م ماه مرخصهای هردو طرف، تابوقتیکه از حکومتهای متبوعهٔ خود شان درباب مسایل متنازع فیها تعلیمات و اوامر بگیرند مذاکرات را تا بسه روز تعطیل نمودند .

در «۱۹» م ماه رئیس «روزوملت» ازین انقطاع مذاکرات بشبهه افتاده بموسیو «ویته» این تلگرافنامه را فرستاد :

«موسیو سرژویته !

«برای بردن یك مکتوب مرا برای شما همین دم فرستادن بارون «روزن» ویك معتمد دیگر خود را در پیش من بشدت رجا میکنم .»

اجتماعیکه در «۲۲» م ماه وقوع آن متصور بود تا به «۲۳» م تأخیر کرده شد . هیچ شبهه نیست که این تأخیر از سبب نیامدن اوامر و تعلیمات برای موسیو «ویته» بود که از «پترسبورغ» نیامده بود .

درین اثنا از طرف موسیو «روزوملت» یکی از معتمدان او با دیگر یك مکتوب نه زد بارون «روزن» و موسیو «ویته» آمده ملاقات دور و درازی درمابین شان بوقوع آمد .

نامه ایندفعه درباب صلح ، افکار عمومیه خیلی بدبینانه و مشکوکانه است .

در «۲۳» آگست بعد از امضا شدن مضبطنامه ها ، ژاپانها برای تنظیم نمودن مسائل متنازع فیه بموسیو «ویته» معتدل یك صورت حل و تسویه تقدیم نمودند .

این صورت حل و تسویه باینگونه بود که ژاپانها نصف جزیرهٔ «ساخالین» را که درینوقت بران حاکم میباشند بحکومت روس واگذار شوند و هم یکمقدار پیسهٔ که حکومت ژاپان تنها برای ادارهٔ حرب صرف کرده حکومت روس آن را عطا

کنند. این طرز تسویه که از نتیجهٔ تشویقات «وسیو» «روزوه‌لت» بود برای جناب «زار» نوشته شده در ینوقت بجواب آن انتظار کرده میشود.

در «۲۵»م آگست باز مذاکرات قونفرانس تعطیل گردید. نظر بیك روایت گویا مذاکرات در ینوقت راه براه بواسطهٔ قونت «لامسدورف»، و موسیو «ماینر» در مابین جناب «زار» و موسیو «روزوه‌لت» جریان میکند.

در «۲۷»م ماه چنان معلوم میشود که حکومت روس تکلیفات موسیو «روزوه‌لت» را قطعیاً رد نمود. تکلیفات آخری موسیو «روزوه‌لت» عام نشده. اما این یك معلوم شد که حکومت روس ادا کردن تضمینات حربیه را یکقلم رد نمود. مع هذا مذاکرات منقطع نشد؛ وچنان دیده میشود که ژاپانها مقدار تضمینات حربیهٔ را که پیش ازین طلب کرده بودند به تنزیل دادن قرارداده‌اند.

بعد ازین، مذاکرات دراز شدن گرفت. مرخصهای ژاپان که از (توکیو) برسیدن اوامر انتظار میکشیدند زود زود تأخیر مذاکرات را طلب میکردند. موسیو (تاقاهیرا) بالذات با موسیو (ویته) ملاقات نمود. باوجود آنهم در خصوص حاصل شدن موافقت آرا وافکار امیدها بسیار ضعیف است. در (توکیو) وکلا ووزرای دولت جمع آمده به تدقیقات واعتراضات مذاکرات «پورتسموت» آغاز نمودند.

ازشایعه هائیکه در تأخیر مذاکرات بوقوع میآید، وانقطاع بنی هم آن افکار عمومیه بسیار متردد ومتهیج است، وچنان گمان میشود که توافق افکار حاصل نشود، وبه بسیار زودی مذاکرات منقطع شود.

در اثنائیکه احوال وافکار درین مرکز بود یکی یکبار در «۲۹»م ماه از پشت پرده شیکه صحنهٔ مذاکرات «پورتسموت» راستر و مخفی داشت یکصدایی که مشابه بصر به های خبردادن پرده بالاشدن تیاترها بود شنیده شد. صلحی که پیشتر از یکروز

غیر ممکن شمرده میشد به صرفنظر کردن ژاپانها از اختلافات ومدعیات خود شان یك امر ممکن وراستی دیده شد .

این تبدیل افکار ژاپانها، یك قسمی از تضییق واصرار موسیو (روزوه لت)، ویك قسمی از پولیتیك انگلیز که درین صحنه یك بازئی عجیبی بروی کار آورد بظهور آمد .

نکول کردن ژاپانها از مطالبات سابقهٔ شان موسیو (ویته را) به بیان کردن اینگونه سخنان مغرورانه سوق نمود :

«این مصالحهٔ که عقد شد بسیار شرفداریك مصالحه ایست . دولت روس بهیچگونه یك تعهدیکه مغایر حیثیت ومنافع روس ها باشد ندر امده است . ژاپانها راه آهن (شرقئی چین) را تابه (خاربین) طلب کرده بودند . لکن من از نقطه (کوئن چه نس) که خوب بسوی جنوب واقع شده اصرار کردم ، وبمقصد خود کامیاب آمدم .

«ژاپانها تحدید کردن قوای بحریهٔ مارا در آب های اقصای شرق طلب کردند من رد کردم ؛ آنها نیز به این رد من موافقت کردند . وغیر از ین ژاپانها از مدعیاتی که درباب سفاین حربیه ماکه در بندرگاههای بیطرف اقصای شرق محصور مانده بودند نیز صرفنظر کردند .

«ژاپانها جزیرهٔ (ساخالین) را نیز از ما خواستند . من به ترك کردن نیم جزیرهٔ مذکور که در نزد ما آنقدر اهمیت نداشت راضی شدم . ودرین خصوص نیز کامیاب آمدم .

«نهایت ژاپانها تضمینات حربیه طلب کردند . من قطعاً رد کردم . بنا برین اگر هیچ نباشد تنها مصارف حربیهٔ خودشان را از ما خواستند . من این را هم قبول نکردم . بعد ازان بر فروختن یك قسم جزیرهٔ (ساخالین) را بقیمت

بسیار گران برما اصرار کردند. من بمقابل این اصرار و تکلیف شان گفتم که روسیه به ژاپان یك روبله نیز تضمینات نخواهد داد. در ینباب نیز کاباب آمدم. موسیو (روزوءلت)، فرانسه، انگلیز، امریکا والحاصل هرکس، حتی بسیار رفقای من که در روس بودند نیز پیسه دادن مرا به ژاپان توصیه کرده بودند. اما من در نخصوص بسیار عناد واصرار کردم. مع هذا من هیچ امید نمیکردم که ژاپانها ازین طلب وتکلیف خود شان فارغ شوند. وچون موسیو «کومورا» بمن گفت که «درباب این فقره نیز باشما متفق الافکاریم» درجهٔ حیرت ومسرت خودرا هیچ تعریف نمیتوانم.»

* * *

وقتیکه برموادصلحیه موافقت نامهٔ طرفین حاصلشد مرخصهای روس وژاپان ازحکومت متبوعهٔ خودشان عقد شدن یك متارکه رادرمابین دوتول غند مخاصم طلب کردند.

حوادث عقد صلح درهرگوشهٔ جهان مدنیت سرورهای بسیار بزرگی بوجود آورد. همهٔ عالم انسانیت، این نتیجهٔ قونفرانس «پورتسموت» رابه یك زبان شکران برموسیو (روزوءلت) که مشوق وناظم این قونفرانس شده است عطف میکنند.

بنابر قراریافتن مصالحه رئیس حکومت فرانس این تلگراف نامه رابه رئیس حکومت امریکا فرستاد:

«ذات عالیئی شمابجمعیت انسانیه یك وظیفهٔ بسیار عالی ونامداری را بجا آوردید. من این موفقیت شمارا باهمه صفوت قلبیهٔ خودتبریك میکنم. دولت فرانس نیز، بدولت امریکادرباب این واقعهٔ مهمهٔ تاریخیه که دولت مذکوره آن وظیفه را بجاآورده بیان فخرومسرت میکند.»

امضا

لوبه

غیر ازین ، رئیس « روزوءلت » از طرف قرال انگلستان (ادوارد هفتم) وامپراطور المان « گیلیوم » دوم نیز باتلگرافنامه های مخصوص تبریك شده است .

حتی مرخصهای روس نیز بموسیو (روزوءلت) بااین تلگراف نامه بیان شکر ومنت کرده اند :

« همت عالئی شمارا که درباب اجتماع قونفرانس (پورتسموت) وعقد مصالحهٔ شرفداری که در مابین دومملکت بوقوع آمد تاریخ بایك تحسین ، وقدرشناسئی بزرگی ایفا خواهد کرد . » امضا

ویته ، وروزون

* * *

در (۳۰) مآگست ، بنابر قرارگرفتن صلح موسیو (لوبه) بجناب زار روس این تلگرافنامه را فرستاد :

ازطرف رئیس حکومت فرانس بحضرت امپراطور روس .

« بنابر مصالحهٔ که مخفی از اثر فراست حشمتپناهی شان قرار گیرشد ذات حکمدارئی شانرا عن صمیم القلب تبریك میکنم .

« فرانسه ، که دوست ومتفق روسیه است نیز از نتیجه پذیرشدن اینچنین حربی که بوقایع دلیرانهٔ خود شهرتگیر عالم است به این چنین یك مصالحهٔ شرفداری بیان محفوظیت ومسعودیت میکند لوبه »

جناب زار نیز بااین تلگرافنامهٔ مختصر بموسیو (لوبه) مقابله کرده است :

« بجناب رئیس حکومت فرانس موسیو امیل لوبه : »

(ازحسیات صمیمهٔ شماکه باتلگرافنامهٔ دیروزئی خود بیان فرموده بودید بسیار متأثر شده مقابلهٔ بیان تشکر میکنم .) نیقولا

در (توکیو) قسم اعظم اهالی از شرایط صلحیه ممنون نشدند . در

(پورتسموت) نیز در چهره های مرخصهای ژاپان یك اثر حزن وحرمان دید میشود . درژاپو نیامهٔ مطبوعات ژاپان مأیوس ومنفعل است . ازهر طرف همین سوال وارد میشود که آیاطرف غالب چرااینقدر طرفدار صلح ، ومغلوب چرابرسخن خود اینقدر مصروسخت ایستاده شد ؟

در روسیه ، شرایط صلحیه بصورت عمومیه بمظهر قبول وتحسین گردید .

در (۳) م ستمبر جناب (زار) این بیاننامه رابرتول غند (مانچوری) خود نشروتعمیم نمود .

«تول غند محبوب من! که دایما بفدای جان حاضر هستند، به پیش رفتاری عدد فایق دشمن مقابله کرده تام نوزده ماه بهجومهای شدید تهاك آن سینه دادند .

« تول غند ما که بموجب امر های ماتشکیل یافته وباقطعه های نویکه از روسیه رفته تقویه وتکمیل شده امروز ازهر وقت زیاده ترقویست . وامروز ه روز به دو چار کردن هزیمت قطعیهٔ دشمن نیز حاضراست . من وهمه روسیه ازقوت واقتدارتول غند باشان خود امینیم ، ومهیابودن شانرابرای فدای نفس کردن درراه مدافعهٔ منافع ملك وملت میدانیم .

« مع هذا ، بنا بروظایفیکه بمقابل وجدان خود ، وملتی که جناب حق بدست ادارهٔ من آنرا بودیعت سپرده مکلف میباشم برای استرداد نصف یك جزیرهٔ بسیار دوریکه درسنهٔ (۱۸۷۵) ژاپانها آنرابما ترك کرده بودند هنوز تابسیاروقتهاعسکرمحبوب خودرابه احتیاجات سفریه گذاشتن مرامنع میکنند . بناءً علیه تکلیفاتی که درباب جزیرهٔ مذکورواقعشدردنکرده شرایط خصم خودرادرباب عقد مصالحه قبول کردم .

« قطعه های روس در اثنای این حرب خونریزانه خیلی برها نهائیکه قیمت عسکریهٔ شانرا ، وحس فداکاری شانرا اثبات نمایدنشان دادند .

« این مسئله را به تول غند محبوب من بدانانید وبگوئید که من وهمهٔ روسیه آثارفدا کاری ئیکه دراثنای این جنگ بسیارمشکل بعمل آوردند با تمام صمیمیت قلبیهٔ خود مان تقدیروتقدیس میکنیم .»

نیقولا

*
* *

درینوقت کا تبهای قونفرانس به پاك نویسی معاهده نامه که عبارت از (۱۷) فقره است مشغول هستند . معاهده نامه بزبانهای فرانسوی ، و انکلیزی نوشته شده است . بعد ازان که مسئلهٔ پاکنویسی به انجام رسیددر روز سه شنبه (٦)م ماه ستمبر بساعت (۳) دردالان دایرهٔ بحریهٔ (پورتسموت) از طرف دولت روس موسیو (ویته) وبارون (روزه ن) وازطرف دولت ژاپان بارون (کومورا) وموسیو (تاقاهیرا) امضا کرده شد . این معاهده در ظرف پنجاه روز ازطرف حکمدارهای دو دولت تصدیق کرده خواهد شد ؛ مع هذا سرازامروز مخاصمات این دودولت گویابه انجام رسیده است .

(متارکه)

در (۱۰) م ماه ستمبر ، در (ما نچوری) یك مأمور مکالمهٔ ژاپان ، در حالنیکه یك بیرق سفیددرپیش روی شان ، وپنجاه نفر برفاقت شان بود بمو قع (شه موفر) آمدند . وبه افسر روسی که به استقبال آنها آمده بودند ، مکتوب مارشال (أویاما) راکه برای جنرال (لینه ویچ) نوشته شده بود تسلیم کردند .

درین مکتوب خودمارشال (اویاما) از سبب قراریافتن مصالحه ، وختام یافتن محاربه جنرال (لینه ویچ)را مبارك بادی گفته بود ، وبعدازان برای حل

وتنظیم کردن (متارکه) که درمابین دوتول غندعقد کردن آن لازمست تعیین کردن یك مرخص روس را رجا کرده بود . ونیز فهمانیده بوده از طرف خود جنرال (فوکی شیما) رامرخص تعیین کرده وبرای محل اجتماع مرخصها استیشن (شاقه هازا) رامناسب دیده .

در (۱٤) م ستمبر درمابین تول غند های (مانچوری) مضبطهٔ متارکه نامه از طرف جنرال پرنس (فوکی شیما) وجنرال (اوره ووچ) امضا کرده شد . متارکه نامه بقرار ذیل از (٦) فقره مرکب بود :

۱) — درمابین تول غند های دو دولت که در (مانچوری)، وقطعات شان که درمنطقهٔ (تومن) هستند بنابر تنسیب طرفین یك مسافهٔ ترك کرده شود .

۲) — قوای بحریهٔ هیچ یك از مخاصمین، از اصئی که از طرف آندیگر ضبط شده باشد یا به آندیگر تعلق داشته باشد بزیر آتش گرفته نمیتواند .

۳) — بسبب عقد متارکه غنایم بحریه تعطیل کرده نمیشود، یعنی برگرفتار کردن غنیمت های بحریه دوام ورزیده میشود .

٤) — در اثنای امتداد متارکه قطعه های عسکریهٔ نوبدارا لحرب فرستاده نمیشود . وقطعه هائیکه دربنوقت درراه میباشند از طرف ژاپانها بشمال (موکدن) ، واز طرف روسها بجنوب (خاربین) فرستاده نمیشود .

٥) — قوماندانهای تول غندودستهٔ کشتی های جنگی هردو دولت، شرایط اساسیهٔ متارکه را درمابین خود شان بحاصلشدن اتفاق آرا تعیین وتحدید میکنند .

٦) — هردودولت ، هروقتیکه معاهدهٔ صلحیه امضا کردند برای اجرا وتطبیق (پروتوکول) این متارکه هماندم امرمیدهند .

درژاپونیادرباب معاهدهٔ صلحیهٔ (پورتسموت) عدم ممنونیت وناخشنودی

الآن دوام دارد . مع هذا چنان فهمیده میشود که بسایهٔ تدابیر حکیمانهٔ حکومت این حال یك نتیجهٔ بدی ندهد .

در (۱۸) م سپتمبر موسیو (ویته) که از امریکا برگشته بود به (شر بورغ) رسید .

در (۲۱) م سپتمبر ، در خلیج (قورنیلوف) در مابین امیرال روس (ژه سن) ، وامیرال ژاپان (شیمامورا) یك قونفرانس بوقوع آمد . ازین قونفرانس که پنج ساعت امتداد یافت مقصد این بود که شرایط متارکهٔ محاربه تعیین شود .

دو امیرال ، خطوط سیر سفاین را تحدید ، ومنطقهٔ بیطرفی را تعیین کردند و درباب ممنوعیت گریزئی حرب نیز متحداً قرارداد دند .

*
* *

جناب زار روس بسببی که ازموسیو (ویته) در باب معاهدهٔ صلحیه خیلی ممنون شده بود بمکافات خدمات برگزیدهٔ اوعنوان (قونتی) رابه او توجیه نمود . این توجیه ایمپراطوری درتاریخ (۱۰) م اوکتوبر در اخبار رسمئی دولت به اینصورت نشر واعلان کرده شد :

(قونت سرژ (ژولی یه ویچ) :

(چون آرزوی یگانهٔ من همین است که روسیه دایما از نعمت صلح وآسایش مستفید شده نایل ترقیات عظیمهٔ گردد . از انرو به امید آنکه برهمه فلاکتها ودهشت های این حربی که اکردوام میکرد برای هریك از طرفین متخاصمین موجب بسی فداکاری های نحملگدازی میشد یك خاتمهٔ کشیده شود بقبول کردن تکلیفات رئیس حکومت امریکا که درباب اجتماع مرخصهای روس وژاپان بوقوع آمد راضی شدم .

« بنابر توجه واعتمادیکه از بسیار وقتها برشما داشتم درباب عقد مصالحه

که اگر تکلیفات ژاپانها شایان قبول باشد شمارا بصفت مرخص درجهٔ اول برای اجرای مذاکرات بامرخصهای ژاپان مأذوناً ومأموراً بجماهیر منفقهٔ امریکا فرستادم . واینرا هم میدانستم که این خدمتی که بعهدهٔ درایت شما حواله شده تا بچه درجهٔ مهم ومشکل یك خدمتی میباشد . چونکه شما همه بدیهائیکه از چنین یك حرب بزرگی بوجود آید باقلم صلح بخاتمه کشیدن مأمور بودید .

در اثنای مأموریت خود وقتیکه شرایط مصالحه مذاکره میشد شرف وحیثیت روسیه رابکمال ثبات ومتانت مدافعه کردید ، وهر تکلیفی که حسیات وطنپرورانه ، ومنافع اساسیهٔ حیاتیهٔ روس راجریحه دار میکرد مخوبصورت رد کردید ، وبه اینصورت وظیفهٔ خودتان رابکمال درستی بجا آوردید . ودرباب ندادن تضمینات حربیه نیز غلبه کردید . وغیر ازین درخصوص نصف جنوبی جزیرهٔ (ساخالین) که ذاتاً مال خود آنها بود برای ماندن بدست خودشان را ضمی شدید .

« این است که به اینصورت ، باحسن تدبیر ، وکمال درایت ، وسیاست مسئلهٔ صلح وآسایش موافق منفعت عمومیه در اقصای شرق حل و تسویه کرده شد .

« لهذا بنابر مکافات علم ووقوف وتجربه واقتدار که برای آدم یکدولت موجود بودن آن لازم است ، وشما تماماً مالك آن فضایل میباشید ولیاقت واهلیتی که درراه خدمت وطن صرف کرده اید عنوان (قونتی) ایمپراطوری روسیه را بشما توجیه کردم . نیقولا »

*
* *

در (۱۴) م ماه اوکتوبر بارون (دوروزمن) وموسیو (تاقاهیرا) از حکومت های متبوعهٔ خودشان یکیك تلگرافنامهٔ کرفته خبر شدند که جناب (میکادو) وجناب (زار) یکیك نسخه معاهدهٔ صلحیه را دسخط کردند .

به‌این تلگراف، تصدیق معاهدهٔ صلحیه ثابت شده چنانچه مدت متارکه بدان نهایت یافت، همچنان این حرب جسیمی‌که درمابین دولت روسیه، و ژاپونیابازشده بود سراسرور سماً به انجام رسید.

در (۱۶)م اوکتوبر معاهدهٔ صلحیه ازهردوطرف رسماً تصدیق شده حکومتهای روس وژاپان یکیك نسخهٔ آنهارا بااخبارهای رسمی خود شان نشر واعلان کردند.

معاهدهٔ پورتسموت

ازیکطرف حضرت ایمپراطورژاپان، وازدیگرطرف حضرت ایمپراطور روس بنابر آرزوی آنکه رعیت ومملکت خودشان‌را ازنعمت صلح و آسایش مستفید گشتند بعقدکردن یك معاهدهٔ صلحیه قرارداده اند. وبرای اینکار این اشخاصی راکه اسامی‌شان‌قرارذیلست صلاحیت‌نامه داده ازطرف خودمی خص‌تعیین‌فرمودند:

از طرف جناب ایمپراطورژاپان: حامل‌نشان‌بزرگ‌ناظرخارجیه جناب بارون (قومورازوتاروزوزامنی)، وسفیرفوق‌العادهٔ شان‌درنزدجماهیرمتفقهٔ امریکاجناب موسیو(ناقاهیراقوغوروزوزامنی).

ازطرف جناب‌ایمپراطورروس‌رئیس‌نظارجناب‌موسیو(سرژویته)، و سفیرفوق‌العادهٔ شان‌درنزدحکومت‌امریکا جناب‌بارون(رومان‌دوروزمن).

ذوات مشارالیهم بعدازتدقیق ودادوستداعتمادنامه های خود شان این چندفقره معاهده نامه رادرمابین خودشان قراردادند:

فقرهٔ اول. — بعدازین درمابین حضرات‌ایمپراطورهای‌ژاپان وروس، ورعایای هردوطرف صلح ومودت حکمفرماست.

فقرهٔ دوم. — دولت روس، حق‌مالك بودن بعضی‌منافع‌فایقهٔ‌سیاسیه،

وعسکریه، ومالیهٔ دولت ژاپن را در داخل ممالک (قوره) تصدیق واعتراف میکند. ودرباب تدابیریکه دولت ژاپان در مملکت مذکور مانند قونترول، وحمایه، وحسن نصایح اجرا کند دولت روس درعهده میگیرد که در این خصوص با دولت ژاپان هیچ مخالفت نکند.

دیگر اینکه بارعایای روس که در (قوره) میباشند مانند رعایای دیگر دولتها که درانجاست معامله ورفتار میشود. یعنی بدرجهٔ افراد ملتی که زیاده ترمظاهر اعتبار باشند شمرده میشوند.

کذالك برای آنکه ازهرگونه غلط فهمیها اجتناب کرده شود، مأمورین عالیهٔ هردوطرف که عقد مقاوله کرده اند، درحدود روس وقوره از پیش گرفتن تدابیر عسکریه ئیکه اراضی روس یا قوره را تهدید بکند قطعیاً احتراز بکنند.

فقرهٔ سوم. — حکومتهای ژاپان وروس اینمسئله های ذیل رامتقابلاً درعهده میگیرند:

(۱) — غیراز (شبه جزیره لیائوتونغ) دیگر همه (مانچوری) راکاملاً دریکوقت خالی کردن.

(۲) — غیر از (شبه جزیرهٔ لیائوتونغ) که به اجاره داده شده دیگر همه اقسام مانچوری را که دروقت حاضردرزیراستیلاوترصدقطعات عسکریهٔ ژاپانست تماماً وکاملاً به ادارهٔ حکومت چین اعاده کردن.

وغیر ازین، حکومت معظمهٔ روس اینراهم اعلان میکند که درمانچوری هیچ استفادهٔ ملکیه ندارد، ومغایر بمنافع حکومت چین هیچیك امتیازرجحانیت وتفوق ندارد.

فقرهٔ چارم. — دولتهای ژاپان وروس، این راهم یکجا درعهده

میکیرند که در خصوص توسیع تجارت وصنایع که دولت چین در قطعهٔ (مانچوری) بادولتها ئیکه در انباب مناسبات پیدا کنند هیچیکی به تدابیر عمومیهٔ ترقیات او سکته نرساند .

فقرهٔ پنجم . — حکومت روس ، برضای دولت چین ، مقاوله نامهٔ اجاره شه به (پورآرتور) ، و (تالیه ن وان) وسواحل اراضی همجوار و آبهای آن عائداست باهمهٔ حقوق وامتیازات آن به حکومت ژاپان دور وتسلیم میکنند وغیر ازین حکومت روس همهٔ املاك وامور نافعه ئیکه بامقاوله نامهٔ مذکور در اراضی مزبور اجاره کرفته بدولت معظمهٔ ژاپان میسپارد ، وحاصلکردن رضای دولت چین را در باب این شرط مأمورین عالیهٔ طرفین عاقدین در عهده میکیرند .

وبمقابل این ، حکومت ژاپان نیز این رادرعهده میکیرد که درداخل اراضی مذکوره حقوق تصرفیهٔ رعایای روس را که براملاك خود دارند بتمامها محافظه نماید .

فقرهٔ ششم . — حکومت روس عهد میکند که راه آهنی که درمابین (شانغشونغ) و (پورآرتور) کشیده شده باهمهٔ شعبه هاوامتیازهای آن ، وهمهٔ املاك ، ومعدنهای زغال که دران منطقه موجود است همه را بدون بدل ، وبحسن رضای دولت چین بحکومت ژاپان ترك نماید .

ومأمورین عالیهٔ هردوعهد کننده کان حاصلکردن حسن رضای دولت چین رادرینباب جداکانه درعهده میکیرند .

فقرهٔ هفتم . — حکومتهای ژاپان وروس هردوی شان متقابلاً عهد میکنند که خطهای راه آهن (مانچوری) را بهیچصورت از نقطهٔ نظرسوق الجیش بکار نینداخته محض بمقصد تجارت وصنایع بکار بیندازند .

ودر بنباب نیز طرفین عهد کنندگان متفق الرأی اند که راههای آهن مذکور بخطهای راه آهن (شبه جزیرهٔ لیائوتونغ) که بااجاره ترك شده هیچ شمول وتعلق ندارد .

فقرهٔ هشتم . — حکومتهای ژاپان وروس برای تعمیم وتسهیل کردن مناسبات وتقلیات تجاریه راههایی را که در (مانچوری) بخودشان عائد وراجع است منتظماً ودایماً بکار میدارند ، ودر بنباب تادرجهٔ که ممکن باشد کم وقت درمابین خودشان یك مقاوله نامهٔ عقد میکنند .

فقرهٔ نهم . — حکومت روسیه نصف جنوبی (جزیرهٔ ساخالین) را ، و جزیره های کوچکی که دران قسم باشد ، و همه املاك وامور نافعهٔ که درانجا موجود است همه را مؤبداً بحکومت ژاپان ترك میکند .

دایرهٔ که از (۵۰) م درجهٔ عرض شمالی میگذرد برای حدود شمالی این اراضئی که ترك شده قبول کرده شده است .

مع هذا تحدید قطعی این اراضئی مترو که نظر به احکام ذیل فقرهٔ (۲) م معاهده نامه مؤخراً اجرا کرده خواهند شد .

وغیر ازین ، حکومتهای ژاپان وروس متقابلاً درعهده میگیرند که در جزیرهٔ (ساخالین) درقسمهائیکه بخودشان عائداست ویادر جزیره های کوچك اقسام مذکوره هیچ استحکام ویاامثال آنگونه آثار عسکریه بوجود نمی آورند .

کذالك هر دو حکومت عهد کننده این راهم متقابلاً درعهده میگیرند که در آبنا های (نارتاری) ، و (په روز) تدابیر عسکریهٔ که محل آزادئی سیر وسفر باشد اتخاذ نکنند .

فقرهٔ دهم . — تبعه ورعایای روس که دراراضئی که به ژاپان ترکشده ساکن هستند این حق را دارند که املاك واموال متصرفهٔ خود شان را

فرو خته بمملکت خودشان بر گردند، اما اگر ماندن خودرا در اراضی مترو کهٔ مذکوره ترجیح بدهند بموجب قوانین ژاپان با آنها معامله شده بکار و بار خود مشغول واز املاك خصوصیهٔ خودشان مستفید میشوند .

حکومت ژاپان این حق را دارد که اهالی روس را بسبب متهم شدنشان به (پولیتیقهٔ) دولتی، و یا ادارهٔ حکومت از حقوق مدنیه اسقاط کند، و یا نفی وطرد بکند. اما این را عهد میکند که به املاك خصوصیهٔ انها غرض در نشود .

فقرهٔ یازدهم . — حکومت روس این را عهد میکند که در خصوص اجرا کردن صید ماهی تبعهٔ ژاپان در سواحل روس که در بحرهای (ژاپان، واو قو چقه، و بهرنگ) واقعست با حکومت ژاپان راست می آید .

مع هذا با این تعهد حکومت روس، حقوقیکه در منطقهٔ مذکوره پیش ازین به تبعهٔ روس، یا دیگر تبعهٔ اجنبیه داده شده زایل نمیشود .

فقرهٔ دوازدهم . — معاهدهٔ تجارت وسیر سفاین که درمابین ژاپونیا و روسیه موجود بود بسبب حرب حاضر منفسخ گردید. ازان رو نا بوقتیکه یك معاهدهٔ تجارت وسیر سفاین نوی عقد شود، در مناسبات تجاریه، ومعاملات ادخالات واخراجات وگمرك ودیگر خصوصات درجهٔ معامله ئیکه بامعتبر ترین حکومتها میشود بهمانگونه معامله کردن را باهمدیگر خودشان عهد میکنند .

فقرهٔ سیزدهم . — بعد از انکه این معاهدهٔ صلحیه بموقع تطبیق واجرا وضع شود همهٔ اسرای حربیه متقابلاً بیکدیگر تسلیم واعاده خواهند شد .

وبرای تسلیم گرفتن اسیران، هریك از حکومتهای ژاپان وروس یکیك قو میسر خصوصئی تعیین کرده در هر بندرگاهی که پیش ازین قرارداده شده باشد اسیرهارا یگان یگان به اوشمرده تسلیم میکنند. واین محل تسلیم پیشتر به ذاتی که اسیرهارا قبول میکنند خبر داده میشود .

بمجردیکه معاملهٔ تسلیم اسیر های حربیه به انجام رسد، هریك از حکو

متهای روس وژاپان، در خصوص خوراک و پوشاک و مداوات اسیرها از روز یکه بدست دشمن درافتاده اند تا بوقتیکه وفات یا تسلیم شده اند یکماه یکن مبالغی که برانها صرف شده دفتر آنرا تقدیم میکنند .

حکومت روسیه تعهد میکند که بعد از تعاطی دفترهای مصارف مذکور هر قدر فرقیکه درمابین مصارف واقعهٔ ژاپان و روس در باب اسیرها پیدا شود آنمبلغ را هماندم بحکومت ژاپان تسلیم میکنند .

فقرهٔ چاردهم . — معاهدهٔ حاضره از طرف حضرات امپراطورهای روس و ژاپان تصدیق، واین مسئله تا بدرجه که ممکن باشد در کم مدت، یعنی کم از کم بعد از مدت پنجاه روز از تاریخ تبلیغ آن به (توکیو) و (پترسبورغ) اجرا کرده میشود .

واین معاهدهٔ صلحیه که در (پورتسموت) امضا شده سر از تاریخ اخیر تبلیغ آن به کابینه‌های هردو طرف بامهٔ مواد واقسام آن مرعی الاجکام میشود .

معاملهٔ دادن و گرفتن صورتهای مصدق معاهدهٔ صلحیه تا که ممکن باشد در کم وقت و در (واشینغتون) اجرا کرده میشود .

فقرهٔ پانزدهم . — هم نسخهٔ انگلیزی، وهم نسخهٔ فرانسوی معاهدهٔ حاضره امضا کرده میشود . ومواد مندرجهٔ نسخه‌های مذکور بتمامها عین یکدیگر شان میباشد . مع هذا هرگاه یك اعتراضی واقع شود برای حل مشکلات نسخهٔ فرانسوئی آن اساس گرفته میشود .

معاهدهٔ صلحیهٔ که در مابین ژاپون وروس منعقد شده ، مرخصهای طرفین واضع الامضا در فقره های (۳)م، و(۹)م معاهدهٔ مذکوره علاوه کردن اینچند مواد ذیلیه را درمابین خودشان قرارداده اند :

ذیل فقرهٔ (۳)

حکومتهای ژاپان، و روس این متقابلاً تعهد میکنند که چون معاهدهٔ صلحیه بموقع اجرا وضع شود قوای عسکریهٔ خودشان را که در قطعه (مانچوری) دارند دریك آن پس میکشند. اما عسکرهای ژاپان که در (شبهه جزیرهٔ لیائو تونغ) هستند مستثنا میباشند. و این تاریخ نهایت تا به هشتده ماه بعد تول غندهای هر دو طرف (از مانچوری) کاملاً بیرون میبرایند.

قطعات عسکریهٔ هر دو حکومت که مواضعهای نخستین را استیلا کرده اند نخستین بار پس میکشیدند. اما طرفین عاقدین برای حمایه کردن خطهای راه آهن خود شان این حق را دارند که در انجاها عسکر محافظ بگذارند. وعدد این محافظ ها بر هر کیلومتر از پانزده نفر زیاده نمیشود. اینست که این عدد را اساس گرفته قوماندانهای تول غند ژاپان و روس در مابین خودشان قرار میدهند که نسبت بدرازائی راههای آهن شان چقدر عسکر محافظ برای خودشان لازم دارند.

بعد از انکه قوماندانهای قوای عسکریهٔ روس و ژاپان در امور خالی کردن قطعهٔ (مانچوری) بایکدیگر شان موافقت افکار حاصل کردند در خصوص خالی کردن قطعهٔ مذکور تا ممکن باشد به تدابیر چابکی و سرعت کوشش میورزند، و بسیار دقت و اعتنا میکنند که از هشتده ماه بیشتر تال نخورد.

ذیل فقرهٔ «۹»

وقتیکه معاهدهٔ حاضره بموقع اجرا نهاده شد یك قومیسیون یعنی (کومیشن) تحدید حدود که از طرفین معاهده کنندگان بعدد مساوی اعضا داشته باشد تعیین میشود، و بجزیرهٔ (ساخالین) میرود، و در انجا در مابین اراضئی حکومتهای ژاپان و روس یك حدود قطعی وضع میکنند.

این کومیشن درنسبتی که احوال (طوپوغرافیه) مساعده بکنند دایرهٔ عرض شمالی را که از (۵۰)م درجه میگذرد خط حدود گرفته تعقیب میکنند ودرجاهائیکه ازین دایره جدا شدن لازم آید از طرفین بمعادل همدیگر قسمها ترك کرده تعیین حدود میکنند .

کومیشن تحدید حدود، درقسمیکه به ژاپان ترك شده هرقدر جزیره های کوچکی که موجود باشد یك سیاههٔ آنرا نیز تدارك و حاضر میسازد .

در آخر کار، کومیشن مذکور یك خریطه یعنی نقشهٔ مکمل اراضئی که به ژاپان ترك شده برداشته آنرا امضا میکنند .

هریك ازین دو مادهٔ ذیلیهٔ که بیان شدهاند که معاهدهٔ صلحیه تصدیق کرده شد اینها نیز تصدیق ، وبموقع اجرا وضع خواهد شد . (انتها)

فی روز (۵) م ماه (۹) م سال (مه یجی) در
(پورتسموت) و(۲۳)م ماه آگست رومی ،
و(۵)م دسمبر فرنگی
سنه ۱۹۰۵

*
**

اینست که باینصورت معاهدهٔ صلحیهٔ (پورتسموت) درمابین طرفین عقد کنندگان قرارداده شده بعدازانکه ازطرف مرخصها، هرگردیدیکیك بار امضا هم شده بانجام رسیده است .

(بیانامهٔ جناب میکادو)

بعدازانکه معاهدهٔ (پورتسموت) به انجام رسید جناب (میکادو) این بیا

ننامه را که جدآشایان حیرتست برتبعه ورعایای خودنشرواعلان نمود :

« قاعدهٔ اساسیهٔ بولیتیقهٔ خود ما نرا در بین الملل همین مسئله را دانسته ایم که رفاهیت واقبال ایمپراطورئی خودرادرزیرامنیت بداریم، ودراقصای شرق صلح و آسایش را محافظه نمائیم . وطرزحرکت ما دایما ازفکر پیروئی همین مقصدعلوی ظهور ونشئت کرده است . اماپارسال ، مجبوریت حقیقیهٔ که درباب امنیت موجودیت خود حس کردیم مارامع التأسف باهمسایهٔ ما روسیه بجنگ سوق نمود .

« ازابتدای حرب، خواه تول غندبرئی ما، وخواه دستهٔ کشتیهای جنگی بحرئی مامدافعهٔ داخلیهٔ مملکت مارابدرجهٔ مطلوب حقیقی تأمین نموده بسرر سانیدند . وبهمه شدایدواحتیاجات یك سفرحربی که درخاك مملکت بیگانه جر یان یافت سینه کشای صبروتحمل شدند . وبه اینصورت دربروبحرنایل فتوحات عظیمه شدند .

« مأمورین ملکیهٔ مابا ناظرهای ماهمدست وفاق و اتفاق شده موافق آرزوهای ماخدمت بجاآوردند .

« همهٔ تدابیریکه درباب تعقیب حرب ، وادارهٔ امور داخلیه ، و اجنبیه لازم دیده میشدبکاربرده شد . حال ووضعیت ماچنان اقتضا میکردکه ملت ماقناعتکارومدبربابدشوند . هرفردی ازتبعهٔ من ببارگران مصارف عظیمی که برای این حرب بزرگ لازم بودتحمل کرده بهرگونه تکلیفات بحسن رضای خودشان اطاعت، ودرراه شرف وشان محافظهٔ حکومت ما بصورت بسیارعا لیجنابانه اظهارآثارحمیت وجوانمردی نمودند .

« این نتیجهٔ ظفرهای درخشانرااول ازتأثیرروحانئی آباواجدادخودمان وبازبحرکتهای وطنپرورانه وفداکارانهٔ مأمورهای خود مان بدست آورده

توا نستیم .

« بعداز بیست ماه جنگ وقتال ، حال ووضعیت امپراطوری ما ، واقبال و سعادت مملکت ما از پیش زیاده ترقوت وسطوت پیدانمود . اماباوجود اینهم ، ما هیچوقت از آرزوی دوست داشتن صلح و مسالمت نکول نکرده ایم . بنابرین ملت خودرا بیشترازین بفلاکتهای حرب معروض گذاشتن رابیفایده دانسته تکلیف رئیس حکومات متحدهٔ امریکارا که بنام انسانیت ومسالمت عمومیه درباب عقد مصالحه حکومتهای ژاپان وروس بوقوع آمد حسن نیت مشارالیه راقدر شناسی کرده تکلیف واقع شان راادروقت تام ومناسب قبول کردیم ، وبرای مذاکره کردن بامرخصهای روس ، مرخصهای مأمور ومأذون خودرا تعیین نمودیم .

« مرخصهای هردودولت بسیاربارها باهم جمع آمده ، وبی هم بایکدیگر مذاکره کرده تاآنکه مرخصهای روس تکلیفات اساسیهٔ مرخصهای مارا که مقصد یگانه ازحرب همان بود ، ودوام ورجوع بصلح نیز به همان تأمین میشد قبول کردند ، وبه اینصورت آرزوی خالص خود شانرا که درباب مصالحه داشتند برهمه عالم انسانیت آشکار وهویدا ساختند .

« ماهم ، بعد ازانکه مواد صلحیه را که مرخصهای طرفین درمابین خود شان قرارداده بودند بخوبی تدقیق ومطالعه کردیم همهٔ آنهارا بتمامها بمطلوب خودموافق یافته قبول وتصدیق کردیم .

« پس به اینصورت هم صلح ، وهم شان وشرف حاصل کرده ، ارواح اجداد خود مانرا شاد ، وبسایهٔ نتایج عالئی که ازین حرب واین صلح بدست آوردیم بازآیندگان خود را ازتعرض اغیار بری وآزاد کردیم . لهذا خودمانرا مسعود وبختیار میشماریم .

« در ینوقت آرزوی بزرگ ما همین است که این شرف و شان حاصلشده را با تبعه و رعایای خود یکجا حصه و تقسیم کنیم ، و بسیار وقتها از نعمت صلح و مسالمت با همهٔ اقوام مشترکاً مستفید شویم . روسیه سر از نو باز دوست ژاپان شده به اینصورت ما هم صمیمی و پایدار شدن مناسبات همجواری را بکمال جدیت تمنی میکنیم .

« در عصر ما که عبارت از یك دور ترقی دایمی میباشد ، برای تعدیل و برابری امور ادارهٔ داخلی و خارجئی آن لازم و لابد آنست که یك ملت لاینقطع کوشش ورزند . از طرف دیگر ؛ واسطهٔ یگانه بقای ملك و دولت که آن را (تول غند) میگویند نیز لازمست که با همهٔ معانئی قوت خود حتی در وقت حضر نیز بخارج دهشت اندازئی تمام باید داشته باشد . یعنی دولت میباید که در حال صلح چارهٔ حاصلکردن سعادت و اقبال ، و محافظه و ترقئی ابدی الآمال ملت خود را بیندیشد ، و بیابد .

« در ینوقت ، امید یگانهٔ بزرگ ما از تبعهٔ صادقه ما همین است که از جای اینکه بیهوده مغرور ظفر شده در پیش روی عالم سرور و شادمانی کنند بچهار دست کارهای لازمئی خود چنگ زده با همهٔ قوت های خودشان در راه تحکیم اساس و بنیاد ایمپراطورئی ما غیرت و کوشش بکنند . » (انتها)

معاهده نامهٔ (پورتسموت) ، یکی از حرب های بسیار بزرگ ، و دراز این ازمنهٔ اخیره را به انجام رسانید . درین حرب عظیم روسها از (۵ تا ۶) ملیار ، و ژاپانها از (۳ تا ٤) ملیار فرانگ مصرف نموده اند .

« یك فرانگ نزدیك به یکروپیهٔ کابلی است که بحساب روپیهٔ کابلی مصارف این حرب از هر دو طرف این رقمها را تشکیل میکند :

« ۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ »

« این رقم هندسی را هر رنگی که به اصطلاح حساب رقوم فارسی میخوانند بخوانند . بفکر ناقص این عاجز بیاسنامه حضرت میکاد و علی الخصوص فقره های آخرئی آن بار بار از یمبلغ بیشتر قیمت دارد . زیرا قولیست بافعل ، بلکه فعلش قولش را تأیید نموده است . « القول بلاعمل کالشجر بلاثمر » والسلام

« لمترجم »

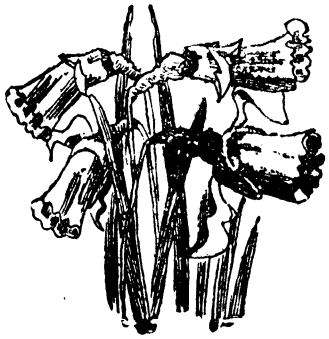

فصل مناقب

یعنی سرگذشتهای بعضی جنگاوران ژاپان درین حرب

اگرچه درباب جنگ آوری ژاپانیها بیان کردن مثل و برهان چیزی زائد شمرده میشود ، ولی چون (تاریخ محاربهٔ ژاپان وروس) مابه انجام رسید خاتمه آن رابرحکایات سرگذشت بعضی نفریها و فسران ژاپانی که به آن دسترس شده بود ختام دادیم .

(سرگذشت دو برادر)

درباب (چونی تارو) نام دوبرادر یك واقعهٔ بسیار پر تاثیری گذران یافته است :

برادر بزرگ ، بی آنکه راسمهٔ وداع رابابرادر کوچك خود بجا آرد بر حدود فرستاده شده بود . اما بسیار دیر نشد که نوبت عسکری برادر کوچك نیز درسیده بر حدود سوق گردید . این دوبرادر چون باهمدیگر وداع نا کرده جدا شده بودند بامید آنکه در (مانچوری) یعنی دران میدان شرف و شان باهم ملاقی شوند ، برادر بزرگ از شنیدن رسیدن نوبت عسکری برادر کوچك ، وبرادر کوچك ازامید ملاقات برادر بزرگ یك امنیت قلبیه حاصل کرده شادان شدند . این دوقلب که بیك امید ، ویك نوید متحسس بود هرروز درمیدان محاربه از همه پیشتر میدویدند . تاباشد که باهمدیگر درزیر بارانهای

آتش کلهٔ دشمن ملاقی شده قهرمانانه ،وجان فشانانه یکی از دیگر پیشتر خودرا فدای میکادو وطن وملت سازند . ولی بسیار روزها گذشت ، واین امید شان بسر نرسید .

تا آنکه در روز (٦)م ماه جولائی در میدان حرب بنا گهان این دو حسرتزده بایکدیگر خود ملاقی شدند . ملاقات بصورت بسیار صمیمانه ومؤثرانه بوقوع آمده بود . بعدازانکه همدیگر خود شان رادر آغوش کردند برادر کوچك اشك های مسرت ریختانده وسخنان وصیت ونصیحتی که والدهٔ شان اورا برتبلیغ کردن آن مأمور نموده بود به برادر خود گفت .

والدهٔ محترمه این عسکرهای دلاور قهرمان وصیتی که به اینها کرده بود اینبود :

« اولادهای من! وقتیکه در راه شرف میکادو وملکت خود بدلاوری و قهرمانی سینه تان رابدشمن سپر میسازید ، مرگ را برای خود تان شرف عظیم وبلکه زندگانی ابدی خوش شمیمی بشمارید . امیدیگانه والدهٔ عاجزهٔ تان همین است که خبر پشت دادن تان را بدشمن نشنود . »

وقتیکه زمان جدایی در رسید ، یعنی هریك باکندك خود بیکسو مأمور شده میرفتند ، این دو برادر باهمدیگر وعده کردند که یاهردوی ما دریك آن ویادریی یکدیگر ازینجهان فانی را وداع کرده وصیت والدهٔ خود رادر راه میکادو ووطن بجابیاریم . پس بنابرهمین عهدومیثاق ازهم جدا شدند .

(چونی تورو) بعدازدو روز در اثنائیکه در (قایپنیغ) بخراب کردن خطوط مدافعهٔ دشمن مشغول بود ،بایکپارهٔ گلهٔ شرنپل دشمن این دار فنارا وداع نمود . یکی ازرفقای اوخبروفات برادرش رابه (چونه تارو) رسانیدمومی الیه هماندم برای برداشتن جسد برادر خودکه پیشتراز وبه وفای وعد خودکامیاب گردیده

بوددوید . وقتیکه درپیش آن جسد بیروح واصل شد ، متأثرانه ومحزونانه ورشك آورانه بجسد مذکور خطاب کرده گفت :

— برادر! چقدر مسعود وبختیاری ؛ من چقدر بدبخت وکم سعادتم! ترا از خود بیشتر بدار نعیم میبینم ، حالآ نکه آرزوی من این بودکه دست بدست وپهلو به پهلو میرفتیم . امابخوبی بدان که منهم از عهد خود برنگشته ام! امروز یافردا بتو ملاقی خواهم شد! خاطرجمع باشی! مستریح شو برادر!

بعدازان بنابرعادت مذهبی خودشان جسد برادر خود را احراق بالنار نموده ، وخاکستر آن رادریك خریطه انداخته بگردن خود درآویخت . بعدازین واقعه جسارت ودلاورئی (چونه تارو) یك برهزار گردید . وازهمه افراد بلوکی که به آن منسوب بوددایما پیشروئی همه رااختیار میکرد . وبشدید ترین محاربه هاوتهلکه ها خودرا بیمحابا همی انداخت . لکن هزار افسوس که هنوز یك اندازخمی هم نه برداشته بود .

آخرالامر ، دریك شبی که ازیك محاربهٔ بسیار خونریزانهٔ برگشته بود وبهزارها فداکاریها وجانسپاریها تشبث نموده ، ومقصد خود نایل نشده بود دهن خریطهٔ ئیکه خاکستر برادرش دران بود بازکرده گفت :

— برادر! امروز هرقدرسعی کردم نمردم ، امابغم باش افردا بهمه حال باتو ملاقی میشوم !

روزدیگر بلوك (چونه تارو) برهجوم یکی ازاستحکامهای دشمن بهجوم مأمور گردید . ازبلوك بجزده نفرهیچ فردی باقی نماند ، وهمه طعمهٔ آتش جا نسوز دشمن گردید . (چونه تارو) برحال آنهارشك میبرد . دفعتهً تفنگ نفری ئیکه ببرق کوچك بلوك بران افراشته بود ، ونفرئی مذکورزخمی شده افتاده بود دربوده براستحکام مذکورهجوم نمود ، وبیك نفس خودرا درانجارسانیده

برق را بر دیوار استحکام برافراخت . ودر انجا بضرب سر نیزه وقونداق و تیغ و خنجر دشمن پاره پاره گردید . و بروعدهٔ که بار ادر خود کرده بود مو فق و کامیاب آمد .

یك نفر سپاهئی ژاپانی که بکمال صبر و متانت محاربه کرده

(سای جیرو) نام یك نفر عسکرئی ژاپان ، از سر خود ، و پشت گوش ، و گلوی خود زخمهای بسیار تهلکه ناکی برداشته بود ، و بسبب زخم سر نیزهٔ که از زیر بغل خورده بود حیاتش در تهلکه بود . زخمئی مذکور را در خسته خانهٔ (صلیب احمر) که در (هوری شیما) بود خوابانیده بودند . یکی از مخبرهای اخبار بعد از کمتر صحت با این نفر زخمی ملاقات کرده بود ، وسر گذشت اورا پرسیده بود ، از زبان نفرئی مذکور اینچنین حکایت میکنند :

« در (۲٤)م ماه می درشبه جزیره بخشکه برامدم . در روز (۳۰)م ماه مذکور به این حال افتادم . بسبب که با این زخمهای بسیار غلیظ بسیار زود معطل ماندم ، ودر راه پادشاه ووطن مقدس خود از کوشش باز ماندم به آخرد رجه متأثر و مکدرم . شما از سر گذشت من میپرسید ؛ حالا آنکه یك سر گذشت دلیرانه ندارم که بفخر و مباهات آنرا بیان کنم . و تا باز صحت نیابم ، و بجنگ عودت کرده ، ظفرانه ودلاورانه محاربه اشتراك نورزم و جدانم به این راضی نمیشود که از این زخمهای بی اهمیت خود بحث و بیان نمایم . ولی چون بسیار اصرار مینمائید سکوت کردن را خلاف آداب میدانم :

« اولا اینرا بگویم که از روزیکه به ایحال افتاده درین خسته خانه آمده ام آثار شفقت و مروتی که از طبیبان عسکریه ، و زنان خدمتکار خسته خانه دربارهٔ خود دیده ام تشکر آن را از وظایف انسانیت میشمارم .

« هنگامیکه در روز (۲۹) م می بعد از پیشین بر (پولانغ تی ین) پیش رفتیم ،

روسها هنوز بسیار دور بودند. اما روزدیگر بعد از زوال ماه آنها بخوبی نزد یکشده بودیم. در آخر محاربه عسکر های ما آنها در آمیختند کلو بگلو هم دست و گریبان شدیم. بعد از پنج دقیقه یك طرف سوارئی روس بر ما هجوم نمود. درین اثنا از طرف ما کم نفری باقی مانده بود. عدد دشمن پنج شش بار از ما فزو نتر بود، و زهر طرف مارا احاطه کرده بود. از رهایی دادن جان خود نومید شدیم. لهذا برین قرار دادیم که تامیتوانیم از روسها بسیار تلف ساخته خودرا نیز در همین جا تلف نمائیم.

ما چون از صنف سواری بودیم باشمشیر، و آنها با رچه و گله باهم جنگ میکردیم صداهای یك آهنگ پر تلگی که از بهم خوردن آهنهای سر نیزه و شمشیر برمیخواست با اوازهٔ مهیب جنگاوران منظم آمده گوشها را به اهتزاز میآورد. روسها که درپیش روبودند عقب کشیدند اما در بنبار روسهائیکه درعقب بودند بر ما هجوم نمودند. درین اثنا افسر طرب مارا یکچند نفری روس در میان گرفته بود. آن افسر دلاور بکمال خشم وشدت بر آنها تیغ اندازی داشت. بمجرد دیدن ایحال به امداد افسر خود دویدم. با کمال یاس ونومیدی شمشیر خودرا باینسو وآنسو میراندم. درین اثنا یکچند ضربهٔ بر چه برداشتم واز صبر و تاقت در افتادم، رکهاو پی هایم افسر ده شد، بدر جهٔ که بر اسپ خود را گرفته نمیتوانستم. اما به امید اینکه بلکه یك روس دیگر را نیز پیشتر از خود کنم به بسیار دشواری خودداری میکردم. تا بوقتیکه اسپم تغلطیده بود بر محاربه دوام ورزیدم. اما یك نفری دیو آسای روسی از زیر شکم اسپ من چنان یك ضربهٔ سر نیزه حواله نمود که حیوان بیچاره بدو پا میل کشیده بر پشت بغلطید، ولی هزار شکر که شمشیر من نیز همانده که او سر نیزه را حواله میکرد سر آن دشمن را از هم دوپاره نمود.

« در اثنای افتادن اسب از پشت اسب یکسره افتادم ، ولی پای راستم در زیری اسب مانده بود . اما بحرکت جانکندن اسب که خودرا بالا کرده زمین میدوپایم رهایی یافت . ولی هیچ تاب و توان در اعضایم نبود . و از خودئی خود بیخبر بودم و سراسر بیهوش افتاده بودم .

« با این حال نمیدانم چقدر مدت مانده‌ام که بناگهان بصدای کفیدن یك شرانپلی که بر ابرئی سرم بکفید بحال آمده برپاخواستم ؛ شمشیرم هنوز بدستم بود . در نزدیکئی خود یك نفرئی قزاق روس را دیدم که او هم بصدای کفیدن شرانپل بهوش آمده میخواست که برپاشود . هماندم بر او هجوم کردم ، و تامیخواست که تفنگ خود را برداشته بر من هجوم کند بشمشیر او را دو پاره کردم .

« اینحادثه را تقریبا بیست نفر عسکر روس در (۱۰۰) متری به آنطرف بودند مشاهده کردند . هماندم هر بیست آن بر من هجوم نمودند . یکچند دقیقه با آنها نبرد خورد کردم . لکن از تاثیر خنک آهنهائیکه بر سر و پشت و بغل خود حس کردم باز بیهوش شده بر زمین افتادم . بعد از ان هیچ نمیدانم که چه شده نخستین بار که بعد از ین بخودی بخود آمده‌ام خود را در خسته خانهٔ (هیروشیما) یافته‌ام . اما این یك را نمیدانم که مرا چسان از انجا به این خسته خانه آورده‌اند ، و تا بوقتی که بهوش آمده‌ام از دگر هیچگونه حالات حرب آگاهی ندارم که چشده و نشده

« چون چشمم در ین خسته خانه نخستین بار باز شد ، اول کسیکه بچشمم بر خورد افسر طبیب ما بود که دو چارپایی از من دور بر یك چارپایی افتاده بود ، و چشمهای خود را بیك نظر شفقت و مرحمت بر من دوخته بود .

« همهٔ افسران و آمران خود را دیدم که بنظر مرحمت و شفقت بسوی من نگرانند . این نظر مرحمت آنها را برای خود یك مکافات و تلطیفات بزرگی شمردم ، و در ینوقت آرزوی یگانهٔ من همین است که باز بزودی کسب صحت و عا

فیت نموده بازبدارالحرب شتاب نمایم . »

(سرگذشت یك مجروح دیگر)

« یك نفر سپاهی ژاپانی که درروز (۲۴) م آگست درائنای هجومی که به یکی از استحکامهای (پورآرتور) اجرا کرده میشد مجروح افتاده بود سر گذشت خودرا اینصورت بیان میکند :

« درروز (۲۴) م آگست بساعت پنج براستحکام دشمن هجوم کردیم . باور کنید که دهشتناکتر از هجوم بردن بریك استحکام هیچ چیزی تصور نمیشود ! اسلحهٔ ماشیندار استحکام از چار طرف برسر ما ژالهٔ گله همی بارانید . پیش ازانکه بمقصد بحصول انجامد بیشتر از نصف رفقای من تلف شدند . اما کسانیکه برحیات مانده بودیم برین یك قرارداده بودیم که استحکام را ازهر طرف در زیر تضییق و فشار آورده ضبط کنیم آخرالامر ظفرشدیم ، و استحکام راضبط کردیم ! .

« بعد ازانکه استحکام را بکمال متانت وجسارت استیلا کردیم ؛ طوپهای ماشیندار استحکامات چپ وراست ، وجبههٔ روس برما بلافاصله گله اندازی جاله آسا اجرا میکردند ، وعسکرهای مایکان یکان برخاك هلاك میافتادند . بسیارکم نفری مانده بودیم . قوت ما همان بتمام شدن رو نهاده بود . درین اثنا یك قوت عظیم روس بر استحکامی که ما آنرا استیلا کرده بودیم هجوم نمود . چون دانستیم که برمدافعهٔ استحکام مذکور موفق شده نمیتوانیم آن موقع متین و آهنین را که بهتر ازمشکلات بدست آورده بودیم به ترك کردن مجبور شدیم .

« در اثنای برگشتن به گلهٔ تفنگ ماشینداردشمن زخمی شدم ؛ درمنطقهٔ دامهای سیمی برزمین افتادم ، وبرجعت دوام کرده نتوانستم ، وخودرا به

ظهورات قضا وقدر تسلیم کردم . زخم خودرا بخوبی بسته ، وپیچانیدم . از بیم آنکه مبادا روسها مرا به بینند هیچ استراحت نداشتم . بقدر ده قدم به آن سویك چقورئی نظرم برخورد که از تاثیر یك کلهٔ بم پیدا شده بود ، غلطان غلطان خودرا تا به آن غار رسانیدم . تاثیر این کلهٔ بم ژاپانی عجب کارستانی کرده بود . زیرا بقدر هفت هشت جسد روس را به تاثیر پرتاب خود در ان غار مستحصلهٔ خود مدفون نموده بود . منهم درین مزار خزیدم !!

« بعد از سه چار ساعت از حد زیاده تشنه شدم . مطرهٔ که در کردن داشتم خالیشده بود . درهرطرف نظر انداختم ! از آب هیچ اثری نیافتم . امادر زیر جسدهای روسها یك حوضچه کنگ پر از خون بنظرم برخورد که خون بسیاری دران تراکم نموده بود . درینی غم رنگ ، وبو ، وطعم آن مایع مدهش نگشته هاندم لپ لپ خون کرفنه نوشیدم ، وبه اینصورت دفع تشنه کی نمودم . تابوقت شام از شدت درد زخمها ، وخوف واندیشهٔ کشف شدنم از طرف روسها ، وکرسنه کی وتشنه کی کاه بهوش وکاه بیهوشانه وقت کذرانیدم .

« رفته رفته دست بی امان کرسنه کی وجودم را به پیچ وتاب میانداخت ، و روحم را مضطرب ونالان میداشت ! اضطراب دردزخمهای من نیز غیر قابل تحمل بیك حالی آمده بود . برسر اینها خوف واندیشهٔ کشف شدنم از طرف روسها عذاب مرا زیاده تر میافزود . ازین میترسیدم که جنگ کرده جنگ کرده بمیرم ، ولی این چنین مرکی که هیچ حرکت نتوانم ، وبرقتل دشمن خود مقتدر نشوم . ودرین غار مانند یك مرغی از طرف دشمن به تیغ حلال شوم حقیقتاً مصیبت بسیار الم انگیزی میشمردم . زیرا در بنوقت مقصد من زنده کانی بود که جور شده بازپس بمیدان حرب درایم ، وکلوبکلو ، ونجه بانجه بادشمن زدوخورد نمایم . وبکشم وبکشندم نه اینکه به این حال بیدست وپای ما

نند آهوی دست وپا بسته سرم را از تن جدا کنند .

« تام مدت سه روز درین چقوری به اضطرابات گوناگون جانکندن بسر آوردم . در وقت شام روز چارم ، از نزدیك صداهای روسها بگوشم برخورد ازینواقعه بدهشت پرخود لرزیدم ! بدل خود تضرع ونیاز میکردم که مرا نادیده بگذرند . ولی این تضرعات من کارگر نیفتاد . چونکه روسها جسدهای ژاپانهارا برچه زده ، ونیم جانهای شان راسر بریده تابه پیش من نزدیکشدند ! .

« من روی خود را در خاك فرو برده مانند مرده افتاده بودم . یکی از روسها درپیش من ایستاد ، وبدقت بروی من نظر کرد ، ، ولی در من هیچ اثر حیات ندیده مرده پنداشت ازانرو جیبهای مرا پالیدن گرفت . پیسه ، وچانطه ، ولوازم طبیه ودیگر اشیای مرا سرقت کرد ! بعدازان باقونداق تفنگ بر پشتم بشدت زده ، وبابرچهٔ تفنگ در زیر استخوان قبورغه ام یك زخم دیگری حواله کرده ، ویکچند لکد دیگری هم زده درگذشت .

« بسبب تاثیر انجماد خون که دراطراف زخم پیدا شده بود سیلان دم منقطع شده بود ، وتاب وتوانم سراسر محو وزایل شده بود . حالم از حیات دور وبموت خیلی نزدیك بود . امادرخود هیچ اثر زنده گی نمیدیدم .

« روز پنجم باران بارید . بتأثیر آب وخامت احوال سراسر تزاید نمود . زخمهایم رفته رفته به تفسخ رونهاده بود . یك قسم سرم درمیان گلها فرورفته بود ! کرمها ودیگر حشرات مضره برسرورویم گردش میکردند . مجال اد تاحرکت رانداشتم . پیش از مرگ کرمهای قبر وجودم را استیلا کرده بود . والحاصل درعالم زنده گی تجربه های مرگ رامیگذرانیدم . تاآنکه سراسر بیهوش شده ازخودئی خود درگذشتم !!

« درعین بیهوشی بودم که صداهای ژاپانها بگوشم برخورد . بی اختیار

چشمهایم را کشادم : در روبروی خود قوماندان یك تولی ژاپانی را دیدم . بسوی من بنظر شفقت و مرحمت دیده و مدد فرستادن را بمن وعده داده عسکر خود را به پیش راند .

« بعد از کمتری دو نفری دولی بردار آمده مرا برداشتند و بخسته خانه آوردند . . . »

صورت وفات کرنیل (اویا)

« این کرنیل ، در محاربهٔ (منچوری) در راه شرف پادشاه و وطن خود بکمال شجاعت و دلاوری محاربه کرده کرده فدای جان نموده است . یکشب پیش از محاربه به کفتان (می یوشی) چنین گفته بود :

— روسها را بهمه جان منهزم ، و پریشان باید کنیم . در اینوقت اینرا گفته نمیتوانیم که چه وقت خواهیم مرد . مع هذا برای این نتیجه دایما حاضر و مهیا باید باشیم ! »

« و اینرا هم وصیت کرده بود که (اگر بمیرد بالاپوش تابستانی اورا برای یاد کار بردارد »

« یك کمی پیش از محاربهٔ که دران کشته میشد بر سر خود یك شیشه (لوانطه) یعنی عطر بریخت . حال آنکه در وقتیکه بخانهٔ خود بود هیچگاه لوانطه استعمال کردن اورا کسی بیاد ندارد . و نیز حمام کرده همه وجود خود را پاك بشست و زیر پیراهنی و زیر جامهٔ پاك و تازهٔ در بر کرد .

« اینست که این طرز حرکت از عادات مستحسنهٔ قدیم جنرالهای ژاپانست که هر وقت بجنگ میرفتند بهمین عزم میرفتند که بمیرند ولی پشت بدشمن ندهند ، و پیش از جنگ حمام کرده ، و لباسهای پاك پوشیده ، و لوانطهٔ بسیاری

برسروبرخود میپاشیدند . این عادت قدیم تابحال در اردوی ژاپان موجو داست وا کثرافسران ژاپانی همین عادت را درین جنگ (منچوری) رعایت کرده اند .

« اینست که کرنیل (اویا) نیزدرروزیکه کشته میشد بهمین طرز حرکت نمود ، ودراثنائیکه تولی خود را به پیش سوق مینمودیك نفرعسکرش پس مانده بود . بمجردیکه روی خودرا برای آوازدادن نفرئی مذکوردورداد یك گلهٔ دشمن بطرف چپ سرش برخورده ومغزهایش رابرافشانده هماندم برخاك هلاك درافتاد . درمکتوب یاور این کرنیل که به (توکیو) نوشته بود این معلومات ذیل مندرج بود :

« کرنیل (اویاما) شش بار درموقع های بسیارنازك حرب به تهلکهٔ مرگ در افتاده بودکه ازپنج آن رهایی ، ودرششمین آن بیك گلهٔ بی امان دشمن ترك دغدغهٔ حیات نموده است:

« اول در اثنای هجوم (کیه ن تی ین شانغ) بود . درزیر یك باران شدید گلهٔ تفنگ ، وشرپنل ، وبم ورون با تولی خودبه پیش حرکت کرده بود . کرنیل بعوض شمشیریك چوب بدست داشت ، ومیگفت : (برای مغلوب کردن دو سپاهمین چوب کافی و فی ست .) هرانقدرکه بدشمن نزدیك شده میرفتیم بارش گلهٔ دشمن افزونی میگرفت . عصاچوب کرنیل بگلهٔ دشمن دوباره گردید . اگرچه برای توقف کردنش یکدوبار رجا کردیم ، ولی اوهیچ التفات نکرده (ایلری! ایلری) یعنی (وراند! وراند) گفته به پیش حرکت میکرد ، وتاکامیابی حاصل میشد هیچیك دقیقه توقف نورزید .

« موقع مشکل تهلکهٔ دوم این بودکه برای یك کشف ، اسپ خودرا در زیر باران گله های بم وشرپنل دشمن بتاخت . بسیاربار دیدیم که کرنیل درمیان

دودها وغبارها ئیکه از اشتعال کفیدن بمها وشرپنلها حاصل میشد سراسر غایب کردید ، وهمهٔ ما از حیاتش یکقلم نومید شدیم . لکن از همهٔ آنها زنده وسلامت رهایی یافت . درین اثنا بمها وشراپنلهائیکه در دور و پیش کرنیل می افتاد بیشتر از (٦٥) عدد بود . اما این اشتعالها ، واین صداهای مهیب در نظر کرنیل از آواز موسیقی ، والوان رنگا رنگ جشنهای آتشبازی شیرینتر ورنگینتر می آمد .

« تهلکهٔ سوم رادر هجوم (شیانوچو) گذرانیده است . در اثنائیکه برای ترصد موقع دشمن برامد روسها اورا دیده یکی یکبار همه گی بر و آتش کردند اما همهٔ گله ها خالی رفته هیچیك تاثیری براو نکرد . زنده ماندن کرنیل در نجا یك حال فوق العادهٔ شمرده میشد .

تهلکهٔ چارم را در وقتیکه در موقع مذکور احوال ومواضع دشمنرا کشف کرده بسوی (وافانغ تی ین) جنوبی پیش شد در گذرانید . بحرکات پیشروئی این قوماندان شجاعت نشان که در زیر باران گله های بم وشرپنل ، وتفنگ ومترالیوز سینه داده پیش میرفت اگر فلك هم مانع میشد موفق نمیشد .

تهلکهٔ پنجم این بود : بعد از انکه (هیابی ین لینغ) را استیلا کردیم بسوی (فانغ شووی لینغ) حرکت کرده بودیم . دشمن این جارا بسیار تحکیم ومحکم بندی کرده بودند گله مانند باران همیریخت . ولی کرنیل موقع خودرا محافظه کرده از دادن اوامر وا نمی ایستاد . درین اثنا بمن گفت : (اگر مجروح بیفتم ، ویا تلف بشوم هماندم کلاه وموزه وعلامت های افسرئی مرا بردار تادل عسکر نیفتد .

ششم تهلکه همین بود که آن را گذشتانده نتوانست ، وگلهٔ ناگهان دشمن مغزهایش رابادباد نمود . »

(حرکت عالیجنابانهٔ یك نفری)

در پنجم ماه جولایی (هاشیموتو) نام یك نفرئی ژاپانی برای وظیفهٔ بهره بر یك تپهٔ مأمور شده بود . درین اثنا پیش آمدن (۱۵) نفر عسکر دشمن را (هاشیموتو) مشاهده نمود . همان دم بسوی تولی خود که درعقب به تأسیس و تشکیل وسایط مدافعه مشغول بودند اشارت کرده اخبار کیفیت نمود . ولی خودش باحواله دار خود برای تعیین کردن مقدار عدد دشمن در پشت یك سنگ بزرگی پنهان شدند . دیدند که درعقب آن (۱۵) نفر عسکر بقدر (۱۵۰) نفر عسکر قازاق روسی نیز در پیش آمدنست . وچنان معلوم میشد که این قوت دشمن برین تولی شان که درینجا بتأسیس اسباب مدافعه مشغولند یك حرکت دور دادن وعقب گرفتن اجرا کنند .

چون این معلومات را گرفتند (هاشیموتو) وحواله دارش برخواسته بسوی تولی خود روانه شدند . درین اثنا حواله دار رایك گلهٔ در رسیده بر خاك هلاك بیفتاد .

حواله دار در نفس واپسین خود به (هاشیموتو) این وصیت را کرده جان داد:

— غیرت کن ! بزودی افسر تولی را از حادثه آگهی ده .

(هاشیموتو) دلش بهیچصورت به این راضی نمیشد که جسد آمر خود را بدست دشمن تسلیم کند . لهذا جسد حواله دار را همراه تفنگش بر پشت خود برداشته از تپه فرو آمد . هنوز یکچند قدم فرو نیامده بود که در پیش رو پیش دو نفر عسکر دیوقامت روسی پدیدار گردید . چون وقت آتش کردن نبود هماندم نیك جهیدن لگداندازجمناستیکی یکی از انهارا بپایان لولان نمود و با آن دیگر بمجادله آغاز نهاد . این مجادله خیلی مدهش بود . درانثنای زدوخورد هردوی شان لولان شدند . گاه یکی بزیر و آندیگری ببالا و گاه بعکس آن تابه

نیم تپه غلطان غلطان رفتند . ولی (هاشیموتو) چابکدستی کرده کارد ژاپنی خودرا کشیده سینهٔ دشمن خودرا بشکافت . وباز پس برگشته جسد حواله دار را در زیر بوته‌ها و خاکها پنهان ساخت و به‌نزد تولی خود عودت نموده قوماندان تولی را از کیفیت حرکات روسها آگاهی داد .

قوماندان ، این حرکت عالیجنابانهٔ نفر را تحسین کرده بما فوق خود از کیفیت خبر داد .

مکتوب دختر کرنیل «می‌پوشی» به پدرش

هنگامیکه جنرال (قوروپاتکین) در سنهٔ ۱۹۰۳ بمقصد سیاحت به ژاپونیا آمده بود کرنیل (می‌پوش) نیز درمیان هیئت استقبالیه‌ئیکه از طرف دولت ژاپان مقرر شده بود مأمور بود . و از انسبب از رتبهٔ سوم یك نشان روسی به او داده شده بود .

کرنیل مذکور در ینبار پیش از انکه بجنگ مانچوری میآمد حیات خودرا بمبلغ (۱۵۰۰) مارق (سیگورت) یعنی (بیمه) نموده بود . این کرنیل به اسپ سواری و شکار خیلی هوسکار بود . محبوب یك زوج ، ومشفق یك پدر بود . همه اوقات بیکارئی خودرا به تربیهٔ اولاد خود صرف میکرد . دختر بزرگ اودر مکتب اناثیهٔ (کیوتو) تحصیل علم و عرفان مینمود . این دختر مکتبی که یازده ساله بود این مکتوب رابدار الحرب برای پدر خود فرستاده بود :

« پدر مهربان من !

« برای دانستن ، وخبر گرفتن احوال زنده بودن شما هر روز یك اخبار یکه روزانه چاپ و نشر میشود گرفته میخوانم . گمان میبرم که در بسی محاربه ها موجود بودید ، وبکمال قهرمانی و بهادری محاربه کردید انشاءالله بسلامت و

مظفریت می آئید، و بحکایات و مناقب برگزیدهٔ آن محاربه های باشان و شرف این دخترك عاجزه کمك تاراپرور شیاب فضل و عرفان میکنید .

« خیال شما شب و روز از نظرم دور نمیشود . و اینها را که وظیفهٔ خودتان را پیش از انکه لایق بجسارت و شجاعت خود بسر برسانید ازین عالم فانی وداع نکنید ؛ هیچ یکدقیقه از زبان خود کم نمیکنم ! »

نقشه هائیکه در ریگ پنهان شده بود

(آزاقا) نام یك دفه دار ژاپانی در روز (۹) م آگست با دو نفر دیگر در اثنائیکه برای تفتیش گردش میکردند یکبار از طرف یك مفرزهٔ روس که در انجاها کمین کرده بودند دو چار تعرض شدند . از آتش ناگهانی تفنگ روسها اسپ دفه دار بیچاره رم بد نمایی خورده (آزاقا) را به بدصورت بر زمین انداخت ، واز تاثیر این افتادن پایش بشکست . یکی دو نفری دیگری که هردو مجروح شده بودند باوجود مجروحی برای خبر دادن به طرب ، بعقب تاختند بعد از کمی یکمقدار قوهٔ معاونه گرفته باز بمحل واقعه بیامدند . ولی از دفه دار اثر نیافتند . معلوم شد که بدست روسها اسیر شده است .

حال آنکه در نزد (آزاقا) یکچند نقشهٔ بسیار مهمی موجود بود که از افتادن آن نقشه ها بدست روسها قوماندان طرب بسیار به اندیشه و تلاش افتاد دو هفته بعد یك قطعه عسکر کشاف ژاپانی که درهمان محل گشت و گذار میکردند درمیان ریگها یك کاغذپاره بنظرشان بر خورد . یکی از نفرها از اسپ فرو آمده وریگها را پس کرده یکچند ورق پاره ئیکه باخاك و خون آغشته شده بود از میان ریگها بیرون براورد .

چون خوب نظر کردند معلوم شد که این اوراق همان نقشه هایی بود که در پیش (آزاقا) بود . مگر بیچاره (آزاقا) در نفس آخرین خود بجز اینکه نقشه های مذکور

را در خاك پنهان سازد دگر چارهٔ نیافته بود . .

قوماندان طرب بر کار وایی وصداقت (آزاقا) تحسین هانموده حفظ کردن اوراق مذکوره را برای یادگار بموزه خانهٔ عسکری توصیه نمود .

(یك تار موی اسب یك رساله ئی)

یك طرب سوارئی ژاپان ، بعداز عقب گیرئی روسها برگشته در یك موقعی توقف کرده بودند . دران اثناء حرابهٔ داك واصل شده عسکرهاهمه کی دویده اطراف حرابه را گرفتند . افراد این طرب نیز دران میان بود .

داکی نامهای هرکس را به آواز بلند میخواند ، وهرکس پیش دویده پاکت خودرا میگرفت ، وبیك ذوق وتلاش پاکت را پاره کرده احوال خانه ومملکت خود را از زبان اقرباو تعلقات خودها میخواندند . زمین از پاکتهای پاره شده بیك قالیچهٔ سفیدی فرش شده بود .

بعضی از افراد به نظرهای متبسمانه مکتوب خودرا میخواند بعضی غمگینانه بعضی مدققانه ، بعضی متلاشیانه ، بعضی مستریحانه میخواندند که ازین وضع های مختلف الاطوار آنها تا یکدرجه مضامین مکاتیب مذکوره معلوم میگردید .

بعد از انکه مکتوبهای خودرا خواندند از طرف افسران بعسکر ماذونیت داده شدکه جواب مکتوب های خودرا بنویسند . ازان رو هرکس در یك گوشهٔ نشسته بجواب نوشتن آغاز نهادند . بعداز یکساعت جوابها تمام شده افراد مکتوبهای خود شان را بهیئت افسران تسلیم کردند .

افسران مذکور بقرار قاعدهٔ که در دارالحربها موجوداست مکتوبهای افراد را از بهر آنکه مبادا اسرار وحرکات عسکریه را افشا کرده باشند یکان یکان از نظر مطالعه گذرانیده ، وغلطیهای آنهارا اصلاح کرده ، وسرهای

مظفریت می آئید، و بحکایات و مناقب برگزیدهٔ آن محاربه های باشان و شرف این دخترك عاجزه کك تارا پرور شیاب فضل و عرفان میکنید .

«خیال شما شب و روز از نظرم دور نمیشود . و این دعارا که وظیفهٔ خودتان را پیش از انکه لایق بجسارت و شجاعت خود بسر برسانید ازین عالم فانی وداع نکنید ؛ هیچ یکدقیقه از زبان خود کم نمیکنم !»

نقشه هائیکه در ریگ پنهان شده بود

(آزاقا) نام یك دفه دار ژاپانی در روز (۹) م آگست با دو نفر دیگر در اثنائیکه برای تفتیش گردش میکردند یکی یکبار از طرف یك مفرزهٔ روس که در انجاها کمین کرده بودند دو چار تعرض شدند . از آتش ناگهانی تفنگ روسها اسپ دفه دار بیچاره رم بد نمایی خورده (آزاقا) را به بدصورت بر زمین انداخت ، واز تاثیر این افتادن پایش بشکست . یکی دو نفری دیگری که هر دو مجروح شده بودند باوجود مجروحی برای خبر دادن به طرب، بعقب تاختند بعد از کمی یکمقدار قوهٔ معاونه گرفته باز بمحل واقعه بیامدند. ولی از دفه دار اثر نیافتند. معلوم شد که بدست روسها اسیر شده است .

حال آنکه در نزد (آزاقا) یکچند نقشهٔ بسیار مهمی موجود بود که از افتادن آن نقشه ها بدست روسها قوماندان طرب بسیار به اندیشه و تلاش افتاد دو هفته بعد یك قطعه عسکر کشاف ژاپانی که در همان محل کشت و گذار میکردند در میان ریگها یك کاغذپاره بنظرشان برخورد . یکی از نفریها از اسپ فرو آمده و ریگهارا پس کرده یکچند ورق پاره ئیکه باخاك و خون آغشته شده بود از میان ریگها بیرون براورد .

چون خوب نظر کردند معلوم شد که این اوراق همان نقشه هایی بود که در پیش (آزاقا) بود . مگر بیچاره (آزاقا) در نفس آخرین خود بجز اینکه نقشه های مذکور

را در خاك پنهان سازد دگر چارهٔ نیافته بود . .

قوماندان طرب بر کار و ابی و صداقت (آزاقا) تحسین هانموده حفظ کردن اوراق مذکوره را برای یادگار بموزه خانهٔ عسکری توصیه نمود .

(یك تار موی اسب یك رساله ئی)

یك طرب سوارئی ژاپان ، بعداز عقب گیرئی روسها برگشته در یك موقعی توقف کرده بودند . دران اثناء عرابهٔ داك واصل شده عسکرهاهمه کی دویده اطراف عرابه را گرفتند . افراد این طرب نیز دران میان بود .

داکی نامهای هرکس را به آواز بلند میخواند ، وهرکس پیش دویده پاکت خودرا میگرفت ، وبیك ذوق وتلاش پاکت را پاره کرده احوال خانه ومملکت خود را از زبان اقرباو تعلقات خودهامیخواندند . زمین از پاکتهای پاره شده بیك قالیچهٔ سفیدی فرش شده بود .

بعضی از افراد به نظرهای متبسمانه مکتوب خودرا میخواند بعضی غمگینانه بعضی مدققانه ، بعضی متلاشیانه ، بعضی مستریحانه میخواندند که ازین وضع های مختلف الاطوار آنها تا یکدرجه مضامین مکاتیب مذکور معلوم میگردید .

بعد از انکه مکتوبهای خودرا خواندند از طرف افسران بعسکر مأذونیت داده شد که جواب مکتوب های خودرا بنویسند . ازان رو هرکس در یك گوشهٔ نشسته بجواب نوشتن آغاز نهادند . بعداز یکساعت جوابها تمام شده افراد مکتوبهای خود شان را بهیئت افسران تسلیم کردند .

افسران مذکور بقرار قاعدهٔ که در دارالحربها موجوداست مکتوبهای افراد را از بهر آنکه مبادا اسرار وحرکات عسکریه را افشا کرده باشند یکان یکان از نظر مطالعه گذرانیده ، وغلطیهای آنهارا اصلاح کرده ، وسرهای

پاکت هارا بسته ومهر لاك کرده به داك تسلیم میکردند .

یکی از مکتوب های مذکوررا یك افسر کوچك مطالعه میکرد یك تارموی ظهور نموده افسر مذکور به آواز بلند دیگر افسران راخطاباً گفت :

— درمیان این مکتوب یك تارموی ظهور نموده که عجب یك کیفیتی دارد . بشنوید که به آواز بلند بخوانم :

مکتوب مذکور از طرف یك نفر رساله بی برای پدرش به اینمضمون نوشته شده بود :

پدر مهربان من !

« امروز مکتوب شمارا گرفته خبر صحت وعافیت شمامرا ازحد زیاده ممنون ومسرور ساخت . منهم تا به اینده زنده ام . درماه گذشته برای رهانیدن یك قسمی از تول غند (قوروکی) از جناح چپ بر دشمن بهجوم مأمور شده بودیم . دشمنرا بحال فلاکت اشتمالی دراورده تارومار نمودیم . وتابوقتیکه (قودان شای) را ضبط واستیلا کردیم ازعقب گیری دشمن وانه ایستادیم . بعد ازان بردشمن که در (قائوتای لینغ) بود بهجوم آغاز نهادیم . طوریکه من به آن منسوب بودم ، درقطاری که جناح چپ دشمنرا تعقیب مینمود . وجود بود .

« مفرزهٔ دشمن که ازعسکر طوپچی ، وسواری مرکب بود درجوار قرار گاه تول غند خود شان بر دو تپهٔ کوچك چار قطعه طوپ سیار تعبیه کرده بودند . این چهار طوپ بر طرف رسالهٔ ماکه در میدان صاف به پیشرفتن مجبور بودند متحداً آتش کشادند . من برای ترصد بریکی از تپه ها مامور شدم . در اثنائیکه من ورفیقم (قوباتان) پیش میرفتیم در پیش روی ما در بسیار نزدیك یك گلهٔ بم دشمن بکفید . رفیق بیچاره ام راتلف واسپ مرا زخمی نمود .

« ازتلف شدن رفیق خود (قوباتان) محزون ، واز مشاهدهٔ حال جانکندن

اسپ خود دلخون شدم. الحق که مفارقت ابدی این حیوان صادق که از یکقدر مدتها بهمه محنتها و مشقتها با من رفیق و شریك بود خیلی یك حزن الیمی در دلم پیدا کرد بر اسپ رفیق خود سوار شدم، و در پی وظیفهٔ که بر آن مقرر شده بودم روانه شدم بعد از انکه وظیفه‌ام را بجا آورده پس گشتم حیوان بیچارهٔ خود را مرده یافتم. پارهٔ کاه بهم تمام بر جگرگاه آن حیوان بیچاره خورده بود.

«آیا بزرگتر از این مصیبت چه تصور شود که بر این حیوان صادق بی آنکه یك کار و خدمت بزرگی که نمونهٔ امتثال شجاعت، و نمونهٔ امثال عبرت شود از دستم بیاید آن بیچاره پیشتر از من رهسپار عدم گردد!

«موئی که درین مکتوب خود برای شما فرستاده‌ام یك یادکار قیمتدار یادآوری آن یار وفاشعار منست. این تار مو را در یك جای مناسب در خود مادفن کرده یك لوحه سنگی نیز بر آن نصب کنید، و بر آن لوحه سنگ نیز این عباره را بنویسید: «قبر (قوتا) نام اسپ یکنفر عسکری سواری میباشد» هرگاه زنده و سلامت به ده عودت کنم آنوقت یك صندوقهٔ قبر بسیار خوبی برای آن ساخته قدر شناسئی آن یار صادق خود را بجا خواهم آورد.»

تاکه خواندن این مکتوب به انجام میرسید همهٔ سامعین به نهایت درجه متأثر دیده میشدند، و از تأثیر قدرت پرورانهٔ این مکتوب همه افسران را یك سکونت و سکوتی فرا گرفته بود. بلی! بسبیکه در باب بزرگئی شفقت و رقت قلبیهٔ یك عسکر ژاپان یك نمونهٔ خوبی بدست آمده بود همه افسران بیك بحر سرور و نشاطی غوطه خوار حیرت شده بودند.

ملاقات یك افسر روسی با یك افسر ژاپانی

یك افسر اگرچه قدر شجیع و بهادر، و در بارهٔ دشمن سنگدل و بیرحم با

شد اما باز هم انسانست . گاهی میشود که چشمان اوبا شکابهٔ تأثر پر میشود . یك فرقی که درمابین او بادیگران هست همین است که درین چهره یك لمعهٔ شجاعت و یك بارقهٔ قهر و غضب میدرخشد .

دو آدم رفیق القلب که باهمدیگر روبرو آیند هرقدر اشك که بریزند و هر قدر حسیات مشفقانه که بیکدیگر نشان بدهند، دو افسر جنگی نیز بمقابل یکدیگر از درجه های عالیترین این تحسسات قلبیه نمونه ها نشان داده میتوانند .

یك افسر ژاپانی ، بایك افسر روسی که در اثنای نهایت کرمئی محاربه ، و هنگامهٔ رستخیز جنگ و مقابله یك دورهٔ صلح و صلاح موقتی برای خود حاصل کرده با همدیگر یکچند دقیقه ملاقات کنند ، و بمقابل همدیگر حسیات مودتکارانه بروی کار آورند آیا چقدر علوی یك منظره ، چقدر رقت انگیز یك صحنهٔ تشکیل میدهد ؟

هرگاه انسان بخواهد که صورت جریان این ملاقات را تحریر و تصویر نماید دل را یك سرور حزینی استیلا میکند ، قوهٔ متخیله مانند انوار شمس در آفاق علویه سیران و جولان میکند !

گاهی میشود که سما ابر آلود ، و زمین برف آمود باشد . . . اما تاثیر این عوارض طبیعیه ضیاء شمس و قمر را قطعیاً غایب کرده نمیتواند !

در یك روز ماه دسمبر سنهٔ (۱۹۰٤) از طرف یك افسر روسی یك مکتوب بیك افسر ژاپانی خطاباً نوشته شده بود یکی از چهره های نخستین خط حرب نواغندژاپان رسید .

آیا درین مکتوب چه نوشته شده بود؟ این مکتوب در باب حرب حاضر هیچ معلوماتی را محتوی نبود . بلکه تنها از آرزوی دست بدست مصافحه شدن یك افسر روسی بایك افسر ژاپانی حکایت میکرد . مکتوب مذکور

بسیار نازکانه وظریفانه نوشته شده بود . بعد از کمی به این مکتوب افسر روسی ازطرف افسر ژاپانی جواب نوشته شد ،ودرین جوابنامه قبول شدن آرزوی افسر روسی از طرف افسر ژاپانی تذکار گردید . درمکتوب خود افسر ژاپانی بعضی شرایط ملاقاترا اصلاح و تعدیل کرده به اینصورت شرایط بیان نمود :

«درزیر احکام این شرایط ذیل باشماملاقات کرده میتوانم ، و بعرض آن کسب شرف ومباهات میکنم :

۱) — جائیکه ازطرف شمابرای ملاقات تعیین شده ، من آنجا را چندان موافق نمیشمارم . لهذا یکقدری بطرف شرق یك موعد ملاقات تعیین باید شود .

۲) — روز (۳۱)م دسمبردر وقت زوال ملاقات اجرا کرده خواهدشد .

۳) درا ثنای رفتن و آمدن همهٔ آتش منقطع باید شود ، وچنانچه من درینباب به تول غند خود معلومات میدهم ، شما را هم لازمست که همچنین حرکت باید بکنید .

٤) — مدّت ملاقات عبارت از (۳۰) دقیقه باید بود .

٥) — درا ثنای ملاقات ازطرف مایك بیرق سرخ برافراشته میشود .

اینستکه اگر این شرایط قبول کرده شود باشما ملاقات کرده خواهم توانست وبااین عرض حسیات احترامکارانهٔ خودم راتقدیم میکنم » .

وقتیکه این مکتوب به تول غند روس رسیدهماندم این جوابنامه نوشته شد .

«مکتوب شما که مبشر برقبول شدن آرزوی من ازطرف ذات عالیٔ شماوقوماندان محترم شمابود مراشرف بزرگی عطانمود . همهٔ شرایطی را که بیان کرده اید قبول کردم . باخود دونفرمیآرم . یکی ازین دونفریك بیرقی

که نصفش زرد ونصفش سرخ باشد حامل خواهد بود . محافظه کردن شما راازهرگونه تهلکه درعهده میگیرم . مع هذادران اثناحرکات عسکریهٔ تول غند مادوچارتعطیل نمیشود . دروقت رفتن وآمدن شما بموعد ملاقات ، و درا ثنـای مصاحبه نه بخود شماونه بعسکرهائیکه باشماست هیچگونه تعرض کرده نمیشود . بمحل ملاقات ازراه (تایشا نغتون) می آیم وتابوقتیکه بیرق شمارا به بینم انتظارمیکشم .

« وقتیکه شما را به بینم امید میکنم که اسم عالی شمارابیاموزم ، و بمقابل آن اسم خودرانیزبشمامیدانانم . »

روز (۳۱) م دسمبر درآسمان یك پارچه ابرهم نبود . آفتاب باهمه قوهٔ فیاضانهٔ خودشعشعه نثاری میکرد . گویا که صانع قدرت این لطافت رابشرف ملاقات این دوافسربرای همین روزتخصیص کرده بود !

افسرژاپانی بریك اسپی سوارشد ، وعسکرها نیزاوراپیروی کردند . ده دقیقه بعد سواریهای طرفین بهم روبرو آمدند ، وهماندم ازاسپهـا فرو آمدند ، و بمکالمه ومصاحبه آغازکردند . درحالی که نیمساعت برای ملاقات قرارداده بودند بیکساعت طول کشید . نهایت زمان مفارقت در رسید . این دونفرافسرکه درا ثنای جنگ بخون هم دیگر تشنه جنگ میکردند ، درینوقت مانند دویارجانی ازهمدیگرجداشدند .

اینست که ایندو افسر درمیدان هـا بهوی جنگ وجدال یك دورهٔ مسعودیت گذرانیدند .

(وفات صوبه دارنوژی)

خبروفات صوبه دار (نوژی) که درا ثنای هجوم برتبهٔ (۲۰۳)م در (پور

آرتور) کشته شده بود ، همهٔ ژاپانها را دلخون و محزون کرده بود .

جنرال (نوژی) فاتح (پورآرتور) را دو پسر بود که یکی (حوتهن) و دیگری (شوتهن) نام داشت . وهر دو بمنصب صوبه داری در تول غند (۳) م بر (پورآرتور) سوق شده بود . (شوتهن) در محاربهٔ (نانشان) کشته شد . (حوتهن) در هجوم ثیهٔ (۲۰۳) کشته شد .

(حوتهن) بیست و چار ساله یك افسر نوجوانی بود . بعد از انکه مقدمات تحصیل خود را اکمال نموده بمکتب اعدادئی عسکرئی (ناغویا) دوام کرده ، و بعد ازان بمکتب حربیهٔ (توکیو) داخل شده بود ، و ازانجا بمنصب صوبه داری برامده بود .

وقتیکه خبر زخمی شدن برادر خود (شوتهن) راشنیدهماندم به خسته خانه ئیکه هفت فرسخ دور بود دوید . یکدو دقیقه پیشتر از وفات برادر خود درانجا واصل شده بود . اگرچه (شوتهن) بیچاره به اضطراب مرگ از خود بیخبر بود باز هم چشمان خود را باز کرده بسوی برادر خود متبسمانه بیان تشکر کرده بود .

بعد ازان (حوتهن) به تولی خود برگشت و برای حاضر شدن در مراسم تدفینهٔ برادر خود از آمر خود در خصت استحصال نمود . به این افسر نوجوان از پدر خود اصالت ، و شجاعت و بسی مزایای عسکریه انتقال کرده بود . دایما در پیش روی تولی خود حرکت میکرد ، و درزمانهای شدتناکترین آتش نیز بعسکر معیت خود از وصیت بشجاعت و جسارت خالی نمیماند . همه آمرها و افسرهای بزرگی که او بمعیت شان بود افعال و حرکات این افسر نوجوان را تحسین و آفرین میکردند .

بنابر وفات (شوتهن) همه افسران تول غند باجنرال (نوژی) متأثر و محزون شده بودند . و برای اینکه پسر یگانهٔ دیگر او یعنی (حوتهن) هم ضایع نشود او

را به هیئت ارکان حربیه مامور کردند . این حال بجای اینکه جنرال (نوژی) و پسرش را ممنون کند خیلی موجب کدورت آن جنرال پیر باتدبیر گردید . لهذا هماندم برای هیئت ارکان حربیه یك کاغذ نوشته دران کاغذ خود را جا و استرحام نمود که اگر پسر مرا از سوق و ادارهٔ یك قطعهٔ عسکریه عاجز و غیر مقتدر نمی بینید در خط نخستین حرب تعیین بکنید . زیرا او بدرجهٔ ارکان حربیه نرسیده از مقرر کردن اورا بهیئت ارکان حربیه ندانستم که چه مقصد است! بعدازان این افسر نوجوان بجنرال (تومو باسو) معاون تعیین کرده شد .

در اثنای هجوم شدتناکی که برتپهٔ (۲۰۳) اجرا کرده شد، در حالتیکه در پیش روی همه عسکر بود ازین دار فنا وداع ابدی گفت وفات این پسر دوم جنرال نوژی سخن اورا که در وقت وداع در (توکیو) به زوجهٔ خود گفته بود بحقیقت مبدل نمود .

جنرال (نوژی) به زوجهٔ خود چنین گفته بود :

— « پدر با اولاد های خود برای محافظهٔ وطن، و مدافعهٔ حدود از شما جدا میشوند . برای اولادهای من بزرگترین شرف ، و برای خودم مقدس تر ین آرزو همین است که در راه این مقصد مقدس مراسم تدفینیهٔ هردو اولاد خود را در یك روز اجرا کنم ! »

(جونه نوژی) ، در وقتیکه اورا بهیئت ارکان حربیه تعیین کرده بودند بیکی از رفقای خود که مجروح افتاده بود یك مکتوب تسلیت آمیزانه و از حال خود شکایت انگیزانه یك مکتوبی نوشته بود که صورت آن از قرار ذیلست :

— « دوست محبت پرور من !

« مع التأسف مجروح شدن شما را شنیدم . چون فرصت ندارم بالذات به عیادت شما آمده نتوانستم ، تنها به این مکتوب خود شما را تسلی میدهم .

بعضی از رفقای خودرا کشته ، و بعضی را مجروح می‌بینم ..من بیچاره را برای تنظیم وتسویهٔ بعضی کارها درعقب مقرر کرده‌اند ، واز انسبب ازین شرف‌ها محروم مانده ام .

« وقتیکه درمکتب بودم نه‌این وظیفه های ئیکه دربنوقت مرا بران مقرر نموده اند آموخته بودم ، ونه درینجا برای اینکارها آمده‌بودم . امتدادیافتن این محاربه هنوز تابسیار وقتها احتمال دارد . برخودخوب دقت . برای خاطر مملکت محبوب تان کوشش ورزیدکه زود اعادهٔ صحت بکنید .)

انتحاریك افسر چرخچئی بحری

در اثنای تثبیث سومین سدنمودن مدخل (پورآرتور) این افسر ژاپانی که درکشتئی (اوتاروماروی) مأموربود بدست روسها اسیرافتاده بود ازتاثیر زخمی که برداشته‌بود ازخود بیخبربوده به کشتئی خسته خانهٔ (مونغولیا) نام رو سی نقل داده شده بود .

وقتیکه ازحال بیهوشی رهایی یافته چشمان خودرا باز کرد دیدکه یك افسر روسی فوطوغراف اورا میخواهد بگیرد . افسر ژاپانی ممانعت نمود . افسر روسی اصرارکرد . افسر ژاپانی بیان کرد که درهیچ یك مملکتی که تمدن کرده باشد این عادت نیست که تااجازهٔ خودانسان نباشد فوتوگراف اوگرفته شود ، و اینحرکت شماقطعیاً لایق افرادیك ملت مدنی نمیباشد . بنابرین افسر روسی از گرفتن فوتوگراف افسر ژاپانی صرفنظر نمود .

وقتیکه درمجلس بود ، تابزمانی که دستهٔ کشتی های جنگی روس در (پور آرتور) میبود احوال صحیهٔ افسرژاپانی خوب میبود . هرروزازپنجرهٔ که بسوی مدخل (پورآرتور) ناظربود دستهٔ کشتی های جنگی را سیرمیکرد ،

وچون از پنجره مفارقت میکرد، بجای خود یك نفر ژاپانی را که او هم اسیر بود برای نظارت کردن دستهٔ کشتیهای جنگی در پنجره می نشاند.

در روزهای اخر ماه جون یك صبحی بود که دستهٔ کشتی های جنگی روس خروج نمود. این حرکت پرفسر ژاپانی خیلی گران آمد. بعد ازین بغیر از آب وچای دگر چیزی نمینوشید. نان ودوائیکه از طرف دکترها باو داده میشد نمیخورد. واز ینسبب رفته رفته قوهٔ بدنیه اش تناقص میکرد. ووجودش روز بروز ضعیف میشد.

در (۸)م آگست هر قدر که ممانعت کرد اورا بخسته خانه خوابانیدند. درینجا چون مجبور بود که دوا وغذا را بخورد زبان خود را جویده وساعت خود را بهنهانی فرو برده باینصورت انتحار کردن خواست ولی موفق نیامد. بعد از یك ماه بازاورا بحبسخانه فرستادند وجودش آنقدر ضعیف شده بود که رفقایش نیز اورا نشناختند. علی الخصوص که بسبب جویدن زبان خود بدرستی سخن هم گفته نمیتوانست. یگانه مقصدش همین بود که یك آن اولتر خود را کشته ازاسارت دشمن وارهد.

آخر الامر خود را از طبقهٔ سوم حبسخانه بکله پایان انداخته تلف نفس نمود. وجودش پارچه پارچه شده بود. مراسم تدفینیه اش در پورآرتور از طرف روسها بکمال تأثر وتقدیر اجرا گردید.

نتایج عسکریهٔ محاربهٔ روس و ژاپان

ازین سفر حرب عظیم روس و ژاپان دربارهٔ (فن عسکری) فائده های بسیار مهم و بزرگی حاصل شده است و خلاصه و زبدهٔ همه این کتاب برای فنون حربیهٔ عسکریه عبارت از همین نتیجه های مهمه ایست که درین فصل ذکر و بیان میشود . نتیجه های مذکور بر صنوف مختلفهٔ عسکریه جدا شده یکان یکان در یجا نشانداده شده است . اما چون همهٔ این مسئله ها متعلق فنون حربیهٔ عسکریه میباشد بجز ارباب آن دیگر کسی از ان کمتر استفاده کرده میتواند .

(طوپچی)

صنف طوپچی نیز مانند صنفهای دیگر ازین سفر (مانچوری) خیلی از خیلی استفاده کرده است .

شرایط جدیده ئیکه بصورت استعمال طوپچی عائداست : —

طوپهای جدید یکه دور منزل ، وسرعت بزرگ انداخت را مالك باشند ، وازمواضع مستوره به اجرای تأثیر کردن قابلیت داشته باشند و برهدفهائیکه باخندکهای شکاری مستور باشد ضعیف بودن تاثیر آتش آن در محاربه های زمان ما شرایط استعمال طوپچی را تنظیم و تعیین میکنند .

اگرچه بصورت تصادفی هم باشد ، هرگاه در داخل ساحهٔ تاثیر شرابنل در میدان بازیك هدفی ظهور نماید در ظرف یکدو دقیقه بضایعات مدهش دوچار

میشود . زیاده کی منزل (از ۵۵۰۰ تا ۶۰۰۰) متر دایرهٔ تأثیرات طوپچی را در داخل نسبتهای عظیم توسیع کرده است .

استعمال شراپنلی که بخوردن باچیزی بکفد ، بسبب حاصلشدن تأثیر بسیار جزوئی ان ثابت شد که بمقابل هدفهای مادی و مقاوم هیچ یك خسارت مهمی بوقوع آورده نمیتواند .

امدیم برگله های طوپچیلی که ژاپانها استعمال کرده اند : بسبب مشکلاتی که درراه حاصل کردن صحت انداخت آن پیش آمده تأثیر آن نیز خیلی محدود مانده است . بناءً علیه وظیفهٔ اصلئی طوپچئی نوعبارت ازینست که متحرك وذیروح هدفهارا تخریب کند ، وشکل طبیعئی انداخت نیز همین است که بار (رافال) نام شراپنل وبسیار زود وچابك آتش کرده شود . آتش آهسته ، تنها رموا قعیکه قطعات احتیاط ، وقطار وقافله دران مأمول ، وازنظر محفوظ باشد اجرا کرده میتواند شد . هرگاه شراپنلها وقت بوقت درعین یك موقع اشتعال بکنند ، درچنان نقطه ها اقامت کردن بالطبع خیلی مشکل ومخاطره دار است که از انسبب دشمن به تبدیل دادن موقع مجبور میشود .

حالا پیش ازانکه ازنتایج طوپچیگرئی که درین حرب اقصای شرق استحصال شده عرض وتشریح کنیم دراول امر یکنظر سریعی بسوی تشکیلات طوپچئی هردوطرف عطف کردن لازمست .

طوپچئی صحرای روسها ، عبارت از طوپخانه های بود که هرطوپخانه از (۸) قطعه طوپ ، و (۱۲) عرابهٔ جبه خانه مرکب بود ، واز ینسبب تشکیلات آن خیلی سنگین بود . درزمان اعلان حرب هنوز تجهیز نشده بودند . همه طوپخانه هائیکه بدارالحرب فرستاده شده بود بقدر نصف آنها ملزمهٔ نوخود شان رایك کمی پیشتر از حاضرئی سفر حرب ، ودرأثنای حاضرئی سر حرب

حرب گرفته بودند . و تعلیمنامه ، وتعلیمنامهٔ انداخت نواین طوپ‌ها چار پنج ماه بعد بطوپ خانه‌ها فرستاده شده بود . افراد احتیاطیهٔ که صنف طوپچی را بموجود سفر پیش ابلاغ کنند قسماً از افراد پیاده وسواری مرکب بود که ازهر گونه تعلیم ابتدائی طوپچیگری محروم بودند .

طوپ های صحرای نوروسها اگرچه یك اسباب مخصوص پس لگدزدن راداشت ولی بمعنای حقیقی خودیك طوپ سریع آتش نبود . زیرا بعدازهر انداخت تنظیم وتوجیه کردن شان لازم می آمد . واینهم بسیار شایان دقت و حیرتست که نه در طوپ های زوس ونه در طوپ های ژاپان سپرهائیکه مخصوص برای محافظهٔ افراد طوپچی باشد وجود نبود .

جبه خانه روسها نیز بیك حالی که بمطلوب موافق باشد نبود . ودلیل آن اینست که بسیار بارها گله های شان درداخل میل طوپ می کفید و بسیار گله های شان بود که اشتعال نمیکرد ، ونقطه های اشتعال شان بسیار انحراف میکرد . یك قسمی ازکارتوس های شان که برای طوپ های مودل (۷۷) عائد بود بابارو تهای سیاه و کهنه مملو شده بود که محذورهای بسیار آنها نیز دیده شده بود . چونکه برمواقع مسکونه ، واستحکامهای صحرا که درهرهر سو تصادف میشد گله های بسیاری انداختن لازم می آمد ، و برای این بکارطوس بسیاری اشد احتیاج دیده میشد موجود نبودن هوانهای موافق صحرا نیز برای روسها این محذوررا زیاده تر کرده بود . سوق واداره آتش بسیار که میشد باجزو تام کندك اجرا کرده میشد . طوپ خانه های روس درابتدای حرب ، درزمین صاف بی پناه بصف میدرامد ، واکثردرمیان خط پیاده اخذ موقع مینمود . بعد ازتجربه های بسیار تلخی که ازینگونه حرکات حاصل کردند طوپ خانه های خودشان را در پس پشت تپه ها ، واکثر بصدها متر دورتر میگذاشتند و بعداز تنظیم انداختی که

ازمسافه های دور میکردند یك قطعهٔ (۶۰۰) متره یی را درزیر آتش شراپنل گرفته بهمینقدرا کتفامیکردند .

کرنیل (برونزار) المانی درراپورخودگفته است که :

« روسها ، دایما این اصول را ترجیح میکردند که همه اراضی را درزیر آتش تیت بگیرند . گاهی دریکجاوگاهی دردیگرجادودهای کوچك کوچك سفیدکفیدن شراپنلهای شان دیده میشد . ژاپانها درکم مدت این نوع آتش را دا نستندکه هیچ مخاطره ندارد .

« روسهابه این یك هیچ اهمیت نمیدادندکه صنف طوپچی رابرای استحصال نتیجهٔ قطعیه باصنوف دیکر درحرکات شریك سازند ، وازین بودکه باوجو دحرکت های فداکارانهٔ بعضی افسران آتش طوپچئی روس نتیجه های مهم حاصل نمیتوا نست کرد . همه ضایعات ژاپانها کهازطرف طوپچئی روس بوقوع می آمدازصد (۷ تا ۸) نمیگذشت .

« پس به این تأثیران قلیلهٔ طوپچی صحرای روس دیده درباب تاثیرات طوپچی صحرا یك حکم عمومی دادن ، یك خطای فاحش میشود .

« آمدیم بر ژاپانها : طوپخانه های اینهاشش طوپی بود . طوپها خفیف ولی ترتیبات تسمه و جوت و اسباب کشیدن طوپ شان بد بود . بنابرین قابلیت حرکت شان جزوی بود . در صورت عمومیه بطرز عادتی حرکت کرده است . طوپ صحرای ژاپانها سریع آتش هم نبود . ودرخواص (بالستیقیه) ازروسها دونتربود . امابمقابل این جبه خانهٔ ژاپانهاازروسها بهتر بود . باز هم شراپنلهای شان نسبت به شراپنلهای ما کمتر قابل استعمال بود ، چونکه از (۳۰۰۰) متر پیشتر جزوی بودن تاثیر آن عیان کردید .»

تاثیرهاوانهای صحرای ژاپان خیلی خوب بود .

سوق و ادارهٔ آتش از طرف ژاپانها باجزوهای تام بزرگ نیز اجرا کرده شده است . چنانچه درماههای فبروری ومارچ سنهٔ (۱۹۰۵)(۱۳۰) قطعه طوپ تون غند نخستین ژاپان که برپنج غروپ منقسم بود درزیر یك امر ویك قوماندا استعمال کرده شده است .

ژاپانها از اول محاربه به اخذ موقع کردن مستور قیمت واهمیت بزرگی عطف کرده اند ، وبازهم تاثیر خصوصی خود رانیز فراموش نکرده اند . یگانه مقصد طوپچی ژاپان همین بود که پیادهٔ خود را بوقت وزمان لازمی آن ستروحمایه نماید .

نتایج حربیه ئیکه بصنف طوپچی عائداست برسه قسم تقسیم میکنیم تا آنکه بصورت واضحانه نشانداده شود . اول (تعبیه) دوم (تشکیلات) سوم (مالزمه وجبه خانه) :

تعبیهٔ طوپچی — یعنی جنگ طوپچی

(شرائط حرکت طوپچی صحرابادیگر صنفهاعلی الخصوص باصنف پیاده)

اینمسئله نقطهٔ مهمترین مطالعات مارا تشکیل میکند : هرگاه طوپچی صحرا در هرمحاربه باصنف پیاده بصورت ارتباط دایمی ، وحرکت مشترکه ایفای وظیفه بکنند ، معلوم است که صنف طوپچی وظیفهٔ خودرا کامل ، ومقصد حرب را حاصل کرده است . حرکت وکارگذاری طوپچی ، مانند دیگر صنفها دایمابرهمین نقطه معطوف بایدباشدکه همهٔ تول غند نتیجهٔ موفقیت را اکتساب نماید . ایمقصد مهم نیزبا این حاصل میشودکه صنف پیاده گلوبگلو بادشمن دست وگریبان شده زدوخوردنماید ، وتاب آوری مقاومت آخرین دشمنرابشکناند ، وقوتهای دشمنراباصنفهای دیگریکجابایك تعقیب شدتناکی بمحوکردن احر ازموفقیت نماید . بناءً علیه صنف طوپچی تنهابرای اسانی

دادن این وظیفهٔ صنف پیاده اکتفا نکرده بلکه سعی وکوشش خودرا برین حصروصرف باید کنند که آن وظیفه راباپیاده یکجابجا بیارد . واین هدف و این مقصدبرای تنظیم فعالیت وحرکت صنف طوپچی یك معیار مکملی باید بود .

طرز اجرا کردن استکشاف ؛ عدد طوپهائیکه بخط آتش ادخال شود ؛ انتخاب موضع ؛ انتخاب هد فهاو آغاز کردن زمان آتش همه گی میباید که نظر بهمین مقصد وهمین هدف تعیین کرده شود . پس ازین استنتاج میشود که انحرکات منفرد بیك قاعدهٔ ثابته ربط و وضع کردن موافق نفس الامر نمیشود . چو نکه چنا نچه طرز استحصال نتیجهٔ قطعیه برا ی دیگر صنفها نسبت بوضعیت حربیه تبد یل وتغییر میباید ، همچنان برای طوپچئی صحرا نیز این وظیفه ها و اصول حرکتها درهرحال وهروضعیت مختلف است . بنا برین برصنف طوپچی لازم وواجب است که بروضعیت عمومیهٔ حربیه ، وافکار ومقا صدسرافسروعلی الخصوص برطرز استعمال شدن پیاده وقوف تام حا صلکرده حرکت خود را نظربه آن موافق وبرا برسازد .

بوا سطهٔ استکشا فات ، میباید که طوپچی باین یك دانسته شود که دشمن بچه صورت به پلا نهای قوماندان ما مخالفت خواهد کرد ، وبرای دشوار سا ختن بجا آوردن وظیفهٔ پیادهٔ ما بچه گونه تشبثات اقدام خوا هد ورزید ، وبعد ازان همه و سایط جدی ومؤثری که بمقابل تشبثات وافکاردشمن لازم آید پیدا باید کند ، وتطبیق نماید . واین وسایط مؤثر عبارت ازین است که هدفها ئیکه برای پیاده مهلکترباشد آنرا بشدت بکوبد . اما این یك بصورت یك قاعده بیان نمیشود که آیا این هدفهارا درقوت طوپچئی دشمن که درمسا فه های دورهستند جستجو کردن لازم است ، یا آنکه درقوت پیادهٔ دشمن که در مسافه نزدیکتر هستند ؟ نی بلکه این جستجو دایما نظر به احوال حر

بیه به یقین میرسد .

درین حرب (ماچوری) بسبب عدم رعایت به این قواعدیکه درباب اشتراک طوپچئی باپیاده بیان کردید سبب انهزامهای الیمی شده است ، ودر احوالهای بسیار مساعد و موافق نیز بسبب همین بی رعایتی استحصال شدن موفقیت قطعیه عدیم الامکان مانده است . روزها ، ساعت ها بومباردمان طوپچی بوقوع آمده ولی چون باحرکات پیاده ارتباط ومناسبت نداشته است به هیچ حسن نتیجهٔ منجر نگردیده .

مقدار طوپ هائیکه به اتش اشتراک کرده میشود نیز میباید که نظر بخصوصات وقواعدیکه قبل ازین بیان شد تعیین باید کرده شود . اگر محاربه با جنگ وغوغای طوپچی آغاز شده باشد ، میباید که یک قوت طوپچئی که در عدد بر طوپچئی دشمن فایق باشد به حال فعالیت وکارگذاری وضع کرده شود . از دیگر جهت اینرا هم فراموش نباید کرد که در جزوتامهای بزرگ یک قسمی از قوت جزوتام را جدا کرده یک احتیاط طوپچی تشکیل باید داد . ولی اینرا هم بگوئیم که این جدا کردن احتیاط را مثل یک قاعدهٔ ثابتهٔ قبول نباید کرد ، زیرا در بعضی جاها مخاطره را دارا است ، لهذا اجتناب کردن از آن لازمست . این ملاحظات ذیل درباب خوبی احتیاطهای طوپچی عطای حکم میکنند :

در محاربهٔ روس وژاپان یک دوئلوی حقیقئی طوپچی که بوقوع آمده هما نادر محاربهٔ (یالو) ست . در محاربه های دیگر محاربه های طوپچی نادراً بوقوع آمده است .

اگر دشمن بمقابل طوپخانهٔ شما انداخت خود را تنظیم کرده ، ومخاطره ضایعات مرتبات موجود باشد تدبیریکه لازم است این است که آتش خود را قطع باید کرد . دشمن بعد از انکه یکچند را فال بکند یا به اندیشهٔ اینکه اسراف

کردن جبه خانهٔ خود از آتش بیهوده صرف نظر میکنند ، یا آنکه شدت خود را تخفیف میدهد . در انوقت بازدور آتش کشادن بشما میرسد . پس اگر نقطهٔ اصابت گلوله های توپ بمطلوب موافق باشد دشمن شما اختیار سکوت کرده افراد نمبر طوپچئی خود را درمیان خندکها پنهان وپوشیده میکنند . بناءً علیه یك طوپ چئی را که درداخل این شرایط موضع گرفته باشد برای محو کردن آن کوشش کردن یك حرکت بیفایده شمرده میشود . چونکه اگر خند ك بسیار بی اهمیتی هم باشد که افراد نمبر طوپچی در ان موضع گرفته باشد ضرر رسانیدن به آنها غیرقابلست .

یك طوپ چئی ٥ خوب ومستور یك موضعی گرفته باشد ، وهم باسپر مجهز بود به آنچنان طوپچی خسارت رسانیدن یك کیفیت بسیار مشکلیست . محو وفناساختن این چنین یك طوپ چی اگرچه عدداً ضعیف هم باشد عدیم الامکانست .

در محاربهٔ (۱۲) اوکتوبر طوپچی ، طوپخانهٔ یکم روس که به غبرك غند (۱۵) منسوب بود ، بسیار بارها بقطع کردن آتش خود مجبور شده بود . چونکه ازدواستقامت مختلف طوپ چئی ژاپان برین بطاریه متصل آتش میریخت . اما باوجود آنکه از صبح تا بشام آتش خودشان را بر طوپخانه مذکور توجیه نمودند همه ضایعات طوپخانهٔ مذکور بر (۱) افسر ، و (٦) نفر منحصر ماند .

درین حال بعداز ین از محاربهٔ طوپچی مقصود اصلی باید همین باشد که طوپ چئی دشمن را دایما بهرا فال دوچار کنند ، واورا از آتش کردن بر پیاده وطوپ چی ورسالهٔ ماکه درحال حرکت باشند ، ودیگر هدف های متحرك مانع کنند ، وبمقابل آن وظیفهٔ پیادهٔ خودمارا آسانی دهد .

تجربه های حربیه این را هم بما نشانداده که کشف کردن موضعهای

طوپچی که خوب انتخاب شده باشد باعث مشکلات عظیم میشود. برچنین موضعها تابوقتیکه تأثیرات گله های دشمن حس شود بسیار وقت میگذرد. بنا برین یك قوماندان در ابتدای محاربهٔ طوپچی هرگاه مساوی بعدد قوت دشمن طوپ داخل نکند چیزی عیبی ندارد. زیرا اول میباید که وضعیت وموضع را تعیین کرده ویك قسم طوپچی خودرا آهسته، ولی بمقصد حرب موافق بموضع داخل کند، وچون وضعیت وموضع معین شد همهٔ طوپ هارا یکی یکبار بموضع ادخال کردن جائز میشود. درهنگامیکه درباب مسئلهٔ چقدر طوپ را دراول امر بموضع داخل کردن اندیشه وتأمل میشود، مقدار جبه خانه را نیزبنظر حساب وتدقیق گرفتن اقتضا میکند، زیرا بسبب کمبود ئی جبه خانه طوپخانه های خودرا بتأثیرات آتش طوپچئی دشمن معروض گذاشتن چندان کار معقولی شمرده نمیشود. علی الخصوص که دریك میدان محاربه یك زمینی که وسعت مطلوبه را حائز باشد پیدا کردن نیز خیلی مشکل یك مسئله ایست. حالآ نکه برای کمکردن تأثیر آتش دشمن، و آسان کردن ترصدات خود مابه فاصله های بزرگی نیز بسیار لزوم ومجبوریت حس میشود.

احتیاط های طوپچی برای یك قوماندان یك سلاح بسیار قیمت داری شمرده میشود. قوماندان این سلاح قیمتدار را برای تبدیل دادن مرکز ثقلت خود درهر نقطهٔ که ارزو کند، ویانظر به تحولات وضعیت وتدابیر دشمن در دیگر موقعیکه به آن احتیاج بهبند استعمال کرده میتواند.

برای آسانی خراب کردن طوپ خانه های دشمن که با سپر مجهز باشند بهترین ومساعد ترین موضعها همان موضعها ئیست که در بغل باشد ودر (انفیلا) گرفته شده باشد. اگراین چنین موضع پیدا شود طوپچئی احتیاط درانجا سوق کرده میشود. والحاصل درنتیجهٔ ملاحظات خودابنرا هم میگوئیم که

در محاربات استقبال وظیفهٔ تعیین کردن نتیجهٔ قطعیه بر احتیاط های طوپچی وپیاده صابت خواهد کرد .

مع هذا اینرا نیز بگوئیم که این ملاحظاتیکه بیان شد ، چنانچه در فقرهٔ (۴۹۲) م تعلیمنامهٔ پیادهٔ نوالمان نیز بحث و بیان شده که تفریق کردن احتیاط های طوپچی را در اجل جزؤ نامهای بزرگ جائز است ، ولی باز هم در هر حال خصوصی تفریق کردن احتیاط طوپچی که آیا تفریق بشود ، یا نشود ؟ و چقدر تفریق بشود ؟ اینمسئله ها را وضعیت حربیه تعیین کرده میتواند . در بخصوص چیزیکه اجرای تاثیر میکند حال و وضعیت محاربه است . بنابرین از قواعد پرستی اجتناب باید کرد ، و دائما حسابات و ایجابات وضعیت را نظر باید کرد . صورت حرکات قواعد پرستی روسها درینباب یک عبرتا للسایرین شده .

بر اینکه در بیان نامهٔ قورو پاتکین) از لزومیت و لزوم احتیاط ها بحث و بیان شده ، روسها اکثر اوقات یک قسم مهمی از طوپچی های خود شان را برای احتیاط تفریق میکردند ، و با وجودیکه به اشتراک کردن این قوت در محاربه اشد لزوم و احتیاج دیده میشد باز هم بخط آتش سوق نکرده بسیار مدتها بیهوده و بیفائده در عقب نگهداشته اند .

موضعهای طوپچی

« تابع تعبیه »

این مسئله آنقدر مهم است که از محاربه آسیای شرق درین خصوص استحصال شدن ، یا استحصال نشدن یک نتیجهٔ قطعیه مجهول مانده ، و از ان رو درین باب تدقیق کردن فوق العادهٔ موجب استفاده است .

طوپچی روس در اول محاربه بسببی که موضعهای بازبی پناگاه برای

خود انتخاب میکردند بضایعات بزرگی دوچار شده‌اند . و بسی طوپ خانه های شان ازین سبب از طرف ژاپانها ضبط کرده شده بود . اما بسببی که روسها سپرنداشته بودند ، ویك طوپچی سپردار که درجای بی پناه یانیم مستور باشد وبهمین حال دوچار شود این مسئله یك دلیلی برای این تشکیل نمیتواند . لکن طوپ های صحرای کهنه که بدست ژاپانها بود وبه‌ایندرجه اجرا کردند پس درزیر آتش طوپ‌های سریع آتش نودرجای بار بی پناه اخذموضع کردن — صرف نظر ازاحوال مجبره وضروریه — یك خطای بزرگی شمرده میشود . حمایهٔ سپر چون بعد از مسئلهٔ اخذ موضع آغاز میکنند ازان رودراثنای اخذ موضع در مابین بودن ونبودن سپر یك فرقی نیست .

در باب تفرعات اینمسئله ، آیاازین حرب اقصای شرق هنوز بسی اثبات های دیگر نیز بروی کار آورده است یانی ؟ آیا با آنکه مستوراً موضع گرفته شود و موضع هم مستوراً موجود شود اجرا کردن انداخت (آتش برکت) را نیز بصورت یك قاعدهٔ مخصوصه تعیین کرده است یانی ؟

مآل مطالعه وراپورهائیکه درینباب داده شده عین فکر و نتیجه‌را ناطق نیست . یکی از برگدهای روس دریك رسالهٔ عسکری ئیکه درالمانیا نشر میشد یك راپوری نشر کرده دران راپور خود اخذکردن (موضع های سراسر مستور) را توصیه مینمود . اما مطالعات این برگدرا قطعی الحکم تلقی کردن جائز نمیشود . زیرا درینمطالعات او مفرزه های طوپ چی ئیکه از (۲) طوپ خانه ، وگاهی از (۳) طوپ خانه مرکب بوده موضوع بحث شده است . حالآنکه اصل مشکلات اخذکردن (موضعهای سراسر مستور) درجزو نامهای بزرگ خود را نشان میدهد . بواقعیکه تحری کردن موضعهای موافق طوپ خانه ، ویافتن نقطه‌های ترصد خوب برای قوماندان های طوپ خانه ، وقوماندان

های کندك ، وغند ، وغبرك غند تفریق وتمیز کردن گله های طوپ خانه هارا
زیکدیگر بسیار مشکل میشود . دیگر اینکه اینهم دور نیست که برگدمذکور روس
بر تأثیرات طوپ خانه های خود بیك اعتماد کاذبه ذاهب نشده باشد .

مثالهای دیگری که در باب مواضع مستوره روسها بیان کرده اند نیز این
مسئلهٔ مشکل را حل وتنویر نمیکنند . چونکه اولا روسها بسببی که سپر نداشتند مجبور
بودند که ستره ها و موضعهای مستور جستجو کنند . ثانیا مشکلاتی که ذکر شد هیچ
وقت داخل حساب شان نشده بود . زیرا باجزو تامهائیکه از کندك بیشتر باشد آتش
مجتمع اجرا نشده بود . ثالثا روسها بسببی که گله رون هیچ نداشتند تنها شراپنل
انداخت میکردند . طوپ چئی ژاپان چون سپر نداشتند این مسئله برای شان یك
کامیابئی بود ، وشراپنل برای شان موافق ترین گله ها شمرده میشد . زیرا شراپنل
چون بمقابل سپرها بی تأثیر است از انرو بمقابل طوپ چئی سپردار باگله رون محاربه
کردن اولی ست . اجرای انداخت بارون به تنظیم انداخت صحیحتر عرض احتیاج
دارد . چونکه در انداخت شراپنل نسبتا باتشکیل پنجهٔ شکستر اکتفا میشود . پس درین
حال مشکلاتیکه در اجرای انداخت از موضع های مستور ظهور میکنند ، وهران
قدر که جزؤتامها بزرگ شود در باب تفریق گله ها از یکدیگر این مشکلات بیشتر
حس میشود . ایچزها در نزد روسها اصلا داخل حساب نشده بود . رابعا روسها از
افراط به تفریط افتاده اند . زیرا در اول سراسر از جای باز و بی پناه آتش می
کردند ، بعد ازان بصد هامتر در پس ستره ها و تپه ها رفته اند . جنرال (قورو
پاتکین) بصورت قطعیه امر کرده بود که طوپچی خواه در اثنای هجوم ، وخواه
در اثنای مدافعه دایما انداخت (اندیرکت) اجرا بکنند این احتیاط مفرط
پسان شان را باضایعات بزرگ اول شان یك عکس تأثیر میخانکی تلقی باید کرد .
باین یك را روسها اصلا تجربه نکرده بودند که خیر در اوسط است . خامسا تأثیرا

تیکه طوپ چئی روس تحصیل کرده بیکدرجهٔ که شایان رشك آوری باشد نیست که دلیل خوبئ موضع های مستور شود ، واینهم ادعانمیشود که عکس آن را اثبات بکنند .

درتولغند ژاپان اگرچه درین خصوص خیلی تجربه ها اجرا شده ولی اکثر آن خفی وپنهان گرفته شده است . مع ذالك بعضی معلوماتیکه به تصادف در بنباب بدست آمده بقرار ذیل نقل شده است :

از (ناغانا) نام برگد طوپ چئی ژاپان بمقابل سوالی که درباب اینکه چرا آتش اندیرکت اجرا کرده واقع شده بود این جواب را گفته است :

« اسباب این بسیار ساده و بسیط است . زیرا راست آتش کردن غیر ممکن شد . اگر دشمن موضع مارا کشف میکرد ، درپیش سرعت آتش طوپ های روس ، درکم مدت هیچ شبهه نبود که طوپ های ما بحال خارج از محاربه میدرامد . خلاصهٔ کلام یك طوپ خانه را نشان دادن عبارت از محو کردن آنست . »

درین نزدیکیها در رسایل عسکریهٔ المانیا درباب اینکه آیا مستور آیا آنکه بازو بی پناه ، یا آنکه نیم مستور ، یا آنکه درپشت تپه ها موضع گرفتن کدام یك موا فقتر است ؟ یك مناقشهٔ قلمیهٔ بسیار شدتناکی باز شده است درنتیجهٔ این مناقشات سالمترین محاکمه ها عبارت ازین است :

نظر به نتیجهٔ حرب اقصای شرق ، اولا درزیر آتش طوپ چئی دشمن درجای بازو بی پناه موضع گرفتن دراحوال ضروری ومستثنا جواز داده میشود ؛ ثانیاً در صورت عمومیه قیمت واهمیت تستر خیلی زیاده است ؛ ثالثاً در استقبال طوپ چئی سحرا مجبور میشود که ازین زیاده تر از موضعهای مستور آتش اجرا کنند ؛ رابعاً اصول انداخت اندیرکت درصورت عمومیه ازلوازمات شرایط حاضرهٔ حربیه میباشد .

لکن این را نشان نداده است که این حرب مشکلاتیرا که در جزو تامهای بزرگ انداخت اندیرکت پیش میاید چه صورت برطرف کرده است ؟

حالا از حرب اقصای شرق در باب اینکه از تسترهای خوب چه خوب نتیجه‌ها حاصل میشود یکدو مثال ذکر کردن میخواهیم :

در محاربهٔ (لیائویانغ) برگد (سلیوزاره نقو) که بر طوپخانهٔ که بقول تول غند (۱۰)م منسوب بود قوماندهٔ میکرد در یك اخبار روسی چنین نوشته است: «هر دو طوپخانهٔ مادر پشت یك تپهٔ سنگستانی چنان مستور و پنهان بود که گویی در پشت یك دیواری باشد تنها من بر سر تپه بودم، و از انجا بواسطهٔ بیرق اشارت امر میدادم . در پیش من بجز نفری هائیکه با بیرق اشارت او امر را تبلیغ میکردند دیگر کسی نبود . »

و نیز در محاربهٔ (لیائویانغ)) طوپخانه های هر دو طرف ، در عقب پشته های کوهها چنان مستور بودند که انداخت کردن اندیرکت غیر ممکن بود . طوپ های ژاپان در هموارى بصورت ازهم پراکنده و در جوارده ها و کشتزارها ئیکه سه متر ارتفاع داشت بحال مستوریت بود . اسپ های طوپکش در پشت خانه های ده محفوظ بودند . و در ختان جوارده وظیفهٔ ترصدگاههای بسیار مکمل را بجامی آورد . طوپ چئی روس تمام روز هر انقدر سعی که کردند موضعهای طوپچی ژاپان را کشف نتوانستند . از هر چیزیکه برای سر رشته دادن اطلاع دشمن در باب معلوم شدن شان باشد اجتناب کرده شده بود . برای اخذ موضع کردن طوپ خانه‌ها در جاهای مستور هر گونه حرکات تبدیل موقع در شب اجرا کرده شده بود . حتی در روز دوم محاربهٔ (وافانقو) در وقت صبح روسها بکمال تعجب دیدند که یکچند طوپخانهٔ ژاپان در شب بر یك تپهٔ که بر مواضع شان سراسر حاکم و ناظر بود آورده شده است . ژاپانها در باب آوردن

طوپ خانه های خودرا درانجا آنقدر احتیاط بکار برده بودند که برخاستن گرد وغبار را نیز رفع کرده بودند . حتی چرخهای عرابه ها وعرابه های جبه خانه را نیز نزدیك نکرده بودند . وجبه خانه را بصورت قدیمه بواسطهٔ سلسلهٔ افراد ازدست بدست تا به طوپخانه ها سوق میکردند .

دیگر مثال اینکه در محاربهٔ (دا شیچاعو) طوپ خانهٔ (۲)م لوی غند(۹)م شکاری روس بقدر(۱۵)ساعت متمادیاً به آتش(٦)طوپ خانهٔ ژاپان معروض مانده بود . اما بسبب مستور بودن موضع آن ، دشمن بکشف کردن آن کامیاب نیامد ، وبجز یکچند گلهٔ تصادفی که برانها اصابت نمود ویك ضایعات جزوئی رسانید دگر هیچ چیزی نتوانست . وسبب این بود که یك طوپخانهٔ روس در نزدیکئی بطاریهٔ مذکور در جای باز بصف حرب درامده بود که دشمن آن را مشاهده کرده بران آتش کشاده بود .

اینهم به تجربه رسیده که در پیش جاهائیکه در اراضی یك شکل ومنظرهٔ مخصوصی نشان بدهد که جالب نظر دقت باشد از اخذ موضع کردن دایما اجتناب باید کرد . زیرا طرف مدافع ، مسافاتی را که درمقابل اینگونه نقطه ها موجود است از اول بکمال اعتنا پیش کرده میباشد . لهذا یك طوپ خانهٔ که در پیش آن چنان یك نقطهٔ معلوم دار اراضی اخذ موضع کند به آتش شدید و وسریع دشمن معروض میشود . در(۲۸)م ماه برسر یك طوپ خانهٔ ژاپان که در کنار قریهٔ (لیوبایزا) اخذ موضع کرده بود همین حال آمده بود . طوپ خانهٔ ژاپان در زیر آتش شدید و صحیح دشمن به آتش کشادن هم کامیاب نشده بود .

در باب موضع های طوپچی اینرا نیز بگوئیم که هیچگاه به تاثیرات عادات وتجارب سابقه مربوط نباید ماند ، وتجارب جدیدهٔ یومیه را دایما بنظر اعتنا ودقت باید گرفت ، وبرای انداخت آندیرکت در وقت لزوم وایجاب خوب حاضر

بایدشد که برای حاضرشدن به این وظیفهٔ مشکل که اندیرکت است به این میسر میشود که در وقت حضر افراد را بخوبی درین خصوص تعلیم بدهند، و به تعلیم وتجربهٔ متمادی صنف طوپچی را با این وظیفهٔ مشکله بخوبی الفت بدهند. رسالهٔ (میلزو وخن بلات) درینمو ضوع بیك مقالهٔ خود با این عباره ختام داده است:

« تاریخ این را بمانشان میدهد ومیاموزاند که مربوط ماندن بك تولغند بمعلومات مکتسبهٔ خود شان اصلا دلیل سلامت نیست. توقف بر معلومات، عبارت از رجعت است. ومولد مغلوبیتهای آینده است. »

استکشافات

« تابع تعبیه »

غیر مرئی بودن هدفها که بادور بینهای بسیار خوب تر واعلا نیز به آسانی کشف نمیشوند، مسئلهٔ استکشافات هدفهارا اهمیت زیادی داده است. و ومشکلات را بهمان نسبت افزونی داده است وعلی الخصوص که دشمن از نمایش های پیش از وقت احتراز هم بکند! اگر کشف کردن، وضع های طوپچی دشمن ممکن نشود برای افشاساختن آن به بعضی حیله ها تشبث میشود. مثلا دشمن را برین تشویق میکنند که موضع خود را افشا کند. چنانچه در موضعهای بسیار دور بدرجهٔ که از آتش دشمن متضرر نشود بعضی طوپ خانه های منفرد باز وباطوپ خانه های مستور آتش میکشایند که این اصول در محاربه های اقصای شرق بکثرت استعمال شده است. ژاپانها این اصول را بسیار بارها بکمال موفقیت وکامیابی تطبیق کرده توانسته اند. ژاپانها برای کشف کردن مواضع طوپچی دشمن در ابتدای شروع جنگ یك قسم کوچك طوپچی خود را از یکدیگر بسیار دور، وازدشمن بمسافهٔ بسیار بعید بصورت غیر مستور در یك

موقعیکه به نظر دشمن برخورد بصف حرب داخل میکردند . وباینصورت انظار تجسس ودقت طوپچی دشمن را بخود جلب کرده به آتش باز کردن مجبور میساختند . تابوقتیکه این حرکت خدعه کارانه ژاپانها از طرف روسها فهمیده نشده بود ژاپانها دایما بکشف مواضع دشمن کامیاب آمده اند .

صورت تشکیل خطهای طوپچی، وسوق واداره آتش آن

« تابع تعبیه »

ژاپانها ، درین محاربه از این یك اجتناب کرده بودند که بنابر حسن مقصد سوق واداره آتش طوپچی خود ، وآسانی جمع وتوحید آن در نقطه که بخواهند ، قوت های شان را بریك جبهه تنگی جمع کرده وبه اینصورت متصل ومتما دی یك خط طوپچی تشکیل بدهند . ژاپانها بالعکس همیشه این ترتیب را تر جیح کرده بودند که قسم کلی قوت های طوپچی خود شان را تاکه ممکن باشد بریك جبهه فراخی توزیع کرده بحال غروب، وقدمه دارند .

طوپ هائیکه درداخل هر طوپخانه بود ، دائما بریك خط منتظم ترتیب نشده درین باب همیشه حال وتاثیر اراضی بنظر اعتبار گرفته شده بود . برای بازی دادن دشمن اینهم نادر نبود که طوپ هارا درپیش روی موضع ، ویا یك بغل بدارند .

دایره انتشار شراپنل های روس به (۱۶) متر بالغ میشد . لهذا ژاپانها این قضیه را درمد نظر گرفته برای کم کردن تاثیرات شراپنل های روسها درما بین هر طوپ بقدر (۲۴) متر یك جاخالی ترك میکردند ، ودرمابین غروپها، وقدمه های خودشان فاصله های بزرگی میگذاشتند . این اصول تعبیه محسنات بسیاری دارد . چونکه به این اصول هم ضایعات کم میشود، وهم درداخل هر

غروب ترصد ، وسوق واداره آتش کسب سهولت میکنند . ازدیکر جهت بسبب جا خالیها وفاصله های بزرك وسعت وامتداد خط طوپ چی زیاده شده ، امکان احاطه کردن موضع دشمن ، و درزیر آتش بغلکی کرفتن بیشتر میشود ، ونیز بسایهٔ امتداد موضع تامرتبهٔ ممکن بسیارطوپ خانه هارا به آتش اشتراك داده میتوانند ، و درعین زمان کشف کردن موضع را نیز ازطرف دشمن دشوار میسازد .

مشکلاتیکه خصوص مخابره ، وسوق واداره آتش واقع میشدآن را بسایهٔ استعمال تلفون برطرف میکردند . ژاپانها کتله های جسیم طوپچی خود شان را بسایهٔ همین اصول که هرطوپ خانه را به قوماندان جزؤ تامهای بزرکتر ربط میدادند ، ودرخصوص تبلیغ اوامر امنیت تامه بوجود میآوردند درزیر ادارهٔ دست واحد سوق واداره کرده آتش طوپ خانه های بسیار خودرا برنقطه هایی که نتیجهٔ قطعیه را تامین بکنند جمع وتحشید کرده توانسته اند . وباینصورت خواه در بحر ، وخواه در برموفقیات عظیمه تحصیل کرده اند .

پس معلوم شدکه اس الاساس قواعد ژاپانها درمحاربهٔ طوپچی عبارت ازین بود که قوت طوپچی خودشانرا بحال جزؤ تامهای بزرك استعمال کنند ، و براراضی بصورت ازهم تیت ، وامتداد دار توزیع کنند ، اماهمهٔ آنهارا متحداً سوق واداره نمایند .

آمدیم برطوپچی روس : اینها دایما قوت خودشانرا پراکنده میکردند اکرازروی عدد ازدشمن دونترهم باشند ، بازهم یك طوپچی احتیاط تفریق میکردند ، وازلازم بودن سوق واداره آتش متحد بیخبر بودند ، هرقوماندان هر طوپ خانه بحساب خود ، وبی آنکه وضعیت عمومیهٔ حربیه را اصلا بنظر اعتبار بکیرند کوشش میکردند ، وطوپ های خودشان را پراکنده

براستقامت دشمن انداخت میکردند که ازسوء نتایج این اصول حرکت، در محاربه های مدافعه، ودرزمانیکه احتیاج محاربه خیلی افزونی میداشت جبه خانهٔ شان تمام میشد، وطوپ خانه هابه تعطیل آتش مجبورمیشدند.

وظیفهٔ نخستین طوپ چئی هردوطرف بالطبع عبارت ازهمین کوشش است که طوپ چئی دشمن رابکوبد، وپیش ازانکه هجوم پیاده آغاز کند آن را محو وفناسازد. لکن غیرازمحاربه های اولی که آنها مستثناست دردیگر محاربه های اقصای شرق این نتیجه بسیارنادراستحصال توانسته شده بود. بعضاً در اثنای شب نیزمنقطع نشده روزهاروزها محاربهٔ دامنه دار طوپچی تمادی کرده، وصنف پیاده که به نتیجهٔ محاربهٔ طوپچی انتظارمیداشتند دراثنای این مدت تماماً اختیار عطالت کرده بود. درباب محاربهٔ (داشیجاعو) جنرال (زاخاروف) درراپورخود چنین گفته است:

« بر قطعات مرکز هیچ هجوم واقع نشده، تنها بومبارد مان کرده شده است.»

ومارشال (اویاما) درراپورخود نیز چنین گفته است:

« امروزتنها صنف طوپچی محاربه کرد.»

این آتشهای بیحاصل طوپ خیلی نادریك نتیجهٔ حاصل میکنند. وتنها طوپ خانه های دشمن را عقیم گذاشته آنها را دراثنای هجوم پیاده به اشغال کردن اکتفا کرده اند.

چیزیکه درمحاربهٔ طوپچی حائزاهمیت بزرگ است همین است که، هجوم پیادهٔ خودرا تابقرب وجوار موضع دشمن باآتش طوپ چئی خود حمایه و استنادبکند، این حمایه واستنادبااجرای انداختی که ازسر پیادهٔ خودبکمال عزم وجسارت اجرا کنیم ممکن الاجراست.

چنانچه در اکثر اپورها نوشته شده است که عساکر پیادهٔ روس وژاپان ازمنقطع شدن آتش طوپ چی خودشان اجرا کردن آتش طوپ خانه های خودشان را که از سرشان بگذردوا گرچه باآن بضایعات هم دوچارشوندتر جیح و آرزو کرده بودند . اینهم طبیعیست که برای اینکار طوپ هائیکه مقوس انداخت اجرا بکنند نظر بطوپ های صحرا موافقتراست . اوبوسهای ژاپان، تابوقتیکه عساکر ژاپان بقدر (۵۰) متر بموضع دشمن نزدیك میشدند آتش خودرا قطع میکردند . ولی طوپ خانه های صحرا ازمسافهٔ (۵۰۰) متر آتش خودشان را قطع نمیکردند . زیرا کمتر ازین مسافه پیاده های خودشان را دو چار مخاطره میکردند . پس اگر در وظیفهٔ حمایه واستناد هجوم پیاده اهمال کرده شود عدم موفقیت محقق است . چونکه در انوقت همه طوپ خانه های دشمن آتش خودرا بر پیادهٔ مهاجمین توجیه و توحید کرده هجوم را بی نتیجه میگذارد .

برای مثال اینمسئله تفصیلات یك مخبر حرب که محاربهٔ (۱۹) م جولایی سنهٔ (۱۹۰٤) را در جوار (موکیاتو) برای العین تماشا کرده شایان نظراست ،

« طوپ خانه های ژاپان بخیال اینکه برای هجوم پیاده بدرجهٔ کافی حاضرئی خودرا اکامل کرده اند ، بعد از طوپ اندازئی شدید بسیار اختیار سکوت کرده بودند بنابرین پیادهٔ ژاپان باخطهای کثیف شکاری بهجوم برخاستند . خطهای شکاری درزیر حمایهٔ اراضی پیش میشدند ، قطعات احتیاط به نظام قطار آنها را تعقیب میکردند . طوپ خانه های روس که از بومباردمان طوپ خانه های ژاپان فارغ بودند بیکبارگی برین پیاده های ژاپان سریع و شدید آتش کشادند ، و آن هارا توقیف کردند ، و بضایعات جسیمه دوچار ساختند . ما ازدور تماشا میکردیم که صفهای ژاپان درزیر آتش متصل طوپ چئی روس چسبان بر زمین میغلطیدند . ژاپانها به این ضایعات مدهشه تحمل نکرده رجعت

کردند . »

اینست که اینچنین هجومهای ناهنگام ، یعنی بدون حمایه و استناد طوپچی این گونه هزیمتها را موجب میشود .

بعضی طوپخانه ها تا بخط پیشترین محاربه با پیاده رفاقت باید کرد . چون که درچنان زمان صنف طوپچی نیز بادیگر صنوفیکه تول غند را تشکیل داده برای پیشر فتن بایك آرزوی شدید پرشوق و هیجانی متحسس میباشد ، و بمانند صنف پیاده او نیز بفدای موجودیت خود حاضر و آماده میشود .

یك چارنعلهٔ سریع ، تا بوقتیکه بخط پیشترین — یعنی منتهای هدف برسد ثنیه هایی را که مرور میکنند تنقیص مینماید . یك وزن و قرار سریع پیدا کردن ، از اراضی بصورت ماهرانه استفاده کردن ، درمابین طوپ ها فاصله های بزرگ گذاشتن ، بابلوکهای منفرد طوپ ها را حرکت دادن ، چنانچه تول غند (اوقو) درپیشگاه (لیائویانغ) بکمال مهارت اجرا کرده بود — طوپ ها را با لذات از طرف افراد به پیش سوق کردن ، چیزهائیست که تاثیرات دشمن را بحد اصغر تنزیل میکنند .

درخصوص حمایه و استناد پیاده خدمت های برگزیده و درخشان تفنگ های ماشین دار را دیده گمان نشود که این وظیفه از دست صنف طوپچی نزع شده باشد . نی نی ایچنین شبهه و گمان سراسر خطاست . چونکه نه از جهت تاثیر معنوی ، ونه از جهت تحزیبات مادی ئیکه از انداخت حاصل میشود ، تفنگهای ماشیندار هیچ گاه با طوپ های سریع آتش صحرا مقایسه کرده نمیشود .

کذالك ازین تجارب حربیه یك نتیجهٔ مهمهٔ حقیقتدار دیگر نیز ظاهر میشود که آنهم اینست که مبادلهٔ طوپچئی صحرا ، با هیچ صنف سنگینتر از و ممکن نمیشود ، ودرهیچ وقت طوپ چئی صحرا طبیعت وماهیت مخربی ، جوالی ،

طیارئی خودرا ضایع نمیکنند .

درزیر آتش دشمن تبدیل موضع کردن برای طوپچی در بعضی احوال استثنائیه نادرا موافق میشود . وگرنه به تجارب حربیه این یك ثابت شده است که درزیر آتش دشمن تبدیل دادن موضع غیر از انکه موجب انقطاع آتش بشود سبب آنقدر ضایعات مدهشی میگردد که فوائد موضع نو وخوبتری که برای این تبدیل بوقوع میآید بقیمت خیلی گرانبهایی تمام میشود . امابرای طوپ خانه هائیکه موضعشان مستور است تبدیل موضع کردن آسانتر است . کذالك استعمال طوپ هارا منفرداً یابلوك بلوك درصورت عمومیه تنهابرای رفاقت کردن هجوم پیاده بیك حال بسیار مستثنا جواز داده میشود . ژاپانها کار تبدیل موضع خودشان را بایك بصیرت تامه ، و ازاراضی بکمال اعتنا استفاده کرده اجرا میکردند ، طوپهارا پی همدیگر میکشیدند ، وازاراضیئیکه به انظار دشمن معروض باشد سراسر اجتناب میکردند ، و برای تبدیل موضع دایما ظلمت لیل را انتظار میکشیدند .

اینهم بتجربه رسید که درهنگام رجعت کردن دشمن تا که ممکن باشد به سرعت یکچند طوپ خانه درعقب آن سوق شود . زیرا این یك عنصر مهم موفقیت است . اگرچه دربنباب بعضی مخاطره ملحوظ همباشد بازهم ازین کار صرف نظر نبایدشد .

یك افسر روسی دربنباب میگوید :

« دروقت شام روز (۱۲) م اوکتوبر قطعات ما رجعت کردند اما ژاپانها بر پیش راندن طوپ خانه های خودرا برما جسارت نتوانستند که بسبب این احتیاطپرورئی شان ماازیك پل کوچك سنگین بارسه لوی غندرا ازنهر (شاحو) به بسیار آرامی وآسانی گذرانیدیم . ودراستیشن (شاحو) همه مالزمهٔ متحر

که رابا (۵۰۰) زخمی به نقل دادن موفق شدیم . اما اگر طوپ خانه های ژاپان زحمت درزیر طوپ گرفتن طریق زحمت مارا برخود اختیار میکردند دوچارشدن مابیك هزیمت کلیه محقق بود . »

تعلیمنامهٔ طوپ چئی ژاپان برای تنظیم انداخت دراول (۴۰۰ویا ۲۰۰) متره پی یك پنجه را تشکیل دادن، وبعدهٔ نظر بمساعدهٔ احوال آنرا تابه (۵۰) متر فروآورد امر میکنند .

طاقم (۲) م نظر بمسافه ئیکه تخمین کرده شده نشانگاه را تنظیم میکنند . طاقم های (۱) م و(۳)م (۲۰۰)متر کوچکتر، و (۲۰۰)متر بزرگتر بیك مسافهٔ نشان میگیرند . طاقم (۲) م به آتش آغاز میکنند ، ونظر به ترصدات دومی، طاقم (۱)م ویا (۳)م آتش میکنند .

خواه دروقتیکه یك منطقهٔ اراضی عمقاً درزیر آتش گرفته شده باشد در تنقیص وتزئید مسافه ها ، وخواه درزمان فاصله های آتش رعایت کردن به انتظام بسیار بداست . چونکه دشمن به بسیار آسانی آن اصول را آموخته واز صحت وانتظام اصابت طوپ های تو استفاده کرده حرکات خود را به آن توفیق ، وبه اینصورت خودرا از خسار مصون کرده میتواند .

درانثنای محاربه های (شاحو) بنابر امر سرقوماندان یك غند پیاده مجبور شده بودند که دریك نقطه درزیر آتش دشمن بمانند . قوماندان غند بسایهٔ انتظام انداخت دشمن خودرا بحمایه کردن موفق شده بود . بلوکها بدفعات دراراضی مذکور موقعهای خود شان را تبدیل کرده بودند . بیکصورتی که گله ها درمیان جا خالیهای که درمابین کندکها بود اشتعمال کرده است وبسبب کمئی ساحهٔ تأثیر شان باعث ضایعات جزوئی شده اند . تمام غند (۳) نفر مقتول، و(٤) افسر خفیف مجروح داده ودرخط حرب باقی مانده اند .

ونیز در یك محاربه ؛ طوپ چینی ژاپان بعد از انکه یك طوپخانهٔ دشمنرا بسکوت مجبور کرداید ، برای آنکه جبه‌خانه وحیوانات آنرا وامیدامداد آنرا نیز محو کند اراضئی عقب آن را نیز به کوبیدن دوام نموده بود .

در آتشی که روسها بر قصبه ها ، واسنحکامها اجرا میکردند انداخت شراپنلهای مصادمه را باشراپنلهای احتراق ، وشراپنلهای طوپ های صحرا ، وانداخت دانه های طورپیل هاون مزج میکردند ، وژاپانها در عین احوال باطوپ های صحرا طورپیل وشراپنل استعمال کرده اند . دانستن مقصد این امتزاج اسانست . زیرا گله های که بمصادمه می گفتند بمجردیکه بستره ها بخورد ازهم میگفتند از انرو در پس ستره البته یك حرکت غیر اختیاری حاصل میکنند . در عقب آن شراپنل احتراق رسیده افرادی را که بیرون برامده اند بضایعات دو چار میسازد .

برای یك تنظیم انداخت مکمل ، اول چیزیکه لازم است همانا وقت وزمان فراخست . آن فکر واعتقادیکه (هر کس نخستین گله را انداخت فتح وظفر به طرف اوست) درینوقت زایل شده است . چونکه مظفریت به گلهٔ نخستین نی ، بلکه بگلهٔ مؤثر نخستین است . لهذا برای طوپ چینی صحرا که موضع خودراو موضع دشمنرا بکمال اعتنا بخوبی کشف کند وقت وزمان ترك باید کرد . لکن تنها زمان هم لازم نیست بلکه برای استکشاف اسپ های بسیار خوب وتیزدو کامل الاوصاف نیز لازم است .

کار استکشاف تنها به احوال دشمن انحصار ندارد بلکه باقطعات ما نیز علی الخصوص باخط پیادهٔ پیشترین محافظهٔ ارتباط کردن شان لازم است . ژاپانها در اثنای محاربهٔ پیاده ، درین خصوص بسیار اهمیت میدادند که خط پیش روی ترین تابکجا واصل شده است . المانها در نقرهٔ (۷۴۴)م تعلیمنامهٔ نو پیادهٔ خود

در بنباب میگویند : (از طرف صنف طوپچی ؛ به پیش رو افسرها فرستاده میشود ، واینها به اشارت بعقب خبرها میفرستند . این افسرها از همه چیز پیشتر درباب اینکه خطهای شکارئی مابد شمن تاچه قدر نزدیکشده بصنف طوپ چئی خود متمادیاً بمعلومات دادن حصر دقت میکنند . تاکه باینصورت طوپچی تاکه ممکن باشد بسیار مدت به اجرا کردن آتش دوام کرده بتواند . »

اینهم حاجت ندارد که بگوئیم که اجرای این وظیفه به وجود افسرها ، وافراد ، واسپ ها عرض احتیاج دارد .

حالا اینرا هم آرزو داریم که تفصیلات بدهیم که ژاپانها ، پیش از انکه به آتش آغاز کنند بچه مشغول میشدند ؟ :

ژاپانها بعد از انکه از طرف دشمن دیده نشده به آمدن موضع موفق میشدند به آتش کشادن استعجال نکرده از همه اول تر برای طوپ ها ستره می کندند وبرای افراد خندکهای ستر ترتیب میکردند ، وبعد ازان بواسطهٔ آلت های تخمین مسافه ، مسافات را تخمین میکردند ، وبعد از انکه همهٔ اینگونه استحضارات را اکمال میکردند به آتش شروع مینمودند . مع هذا اگر وقت وزمان برای اینقدر استحضارات مساعد نمیبود بمجرد موضع گرفتن نیز آتش میکشادند .

اما افسران روس در اول امر به استعجال تمام به آتس کشادن مسارعت میکردند ، ودرباب تعیین مسافات اهمال میورزیدند . درباب تعیین کردن مسافه تعلیم وتربیهٔ طوپ چئی روس بسیار ضعیف ونافص بود .

ژاپانها وروسها از عملیات حفریه مبذولاً استفاده کرده اند عرابه های جبه خانه ، واسپ های طوپ کش نیز دفن شده ، ویر سر طوپ ها که از گله و پارچه های شرابنل محفوظ بماند سقفها نیز ساخته بودند . ولی اینرا هم بنظر

دقت باید کرفت که حرب اقصای شرق را(مواضع حرب)موجود بود،وبرای ساختن این کار هاوقت وزمان مساعد بود. معمافیه باوجودیکه طوپ‌ها سپر دارهم باشد این عملیات حفریه‌را دانستن واکرامکان باشد تطبیق کردن خیلی لازمی یك کاریست. چونکه سپرها تنها همان افرادی‌را حمایه میکنند که درعقب آنست. حتی آنهارا نیزکاملاً محافظه نمیتواند.

درموضع های مستور طوپ چی نیزبرای افراد خندك‌های تنك وعمیق حتی‌اکثرسر پوشیده تأسیس کرده شده است. در زمانهای که آتش دشمن بسیار مؤثروشدید میبود، افرادبه این خندکها التجا کرده تاوقتیکه بسبب کمبودئی جبه خانه‌آتش دشمن سست میشد درانجاانتظار میکشیدند.

در زمانهائیکه باوجود هرنوع ضایعات برآتش دوام کردن بنابربعضی اسباب قطعیاً مقتضی نباشد، این اصول حرکت بسیارباصواب، وخیلی شایان توصیه است. وازین اصول حرکت نفرت کردن هیچکاه معقول نیست.

اکروقت مساعد باشدبرای سوق ونقل جبه خانه، وموقعهای ترصد قوماندانهای طوپ خانه هانیزتأسیس کردن راههای اتصال فائده مندست.

زمینهای(مانچوری) بسببی که لخت بودازتوبره های ریگ استفاده های بزرگی شاه بود. بنابرین طوپ چی باخوددایما جوالهای خالی برمیداشتند ودروقتیکه برای طوپچی بکارنمیبود بعسکرپیاده میدادند.

در اثنای مدافعهٔ موضعهای مستحضر، درپیش خندك های شکاری حاضرکردن ستره های طوپ شایان توصیه است که دروقت برخواستن دشمن بهجوم در درون آنها یکچند طوپ گذاشته شود. صورت حاضرکردن همهٔ این ستره هارا طوپ چئی صحرا در وقت حضر باید بیاموزد وباآن کسب الفت کرده باشد.

برای کشف نشدن موضع های طوپچی در وقت حرب بواسطهٔ نقابها وچیز های ساخته نما اشکال بایدکرده شود . علی الخصوص درینباب ژاپانها اقدامات تعب ناپذیری اجرا کرده اند . برای پیش راندن طوپ خانه‌های خود شان را از بعضی نقطه هائیکه معروض انظار دشمن بود نقابها ساخته‌اند . حتی برای بازی دادن دشمن از چوب تقلید طوپ ساخته در درون سپر های صنعی وضع نموده اند . اما خود شان نیز بعضی بارها از طرف روسها بازی خورده اند . ازین قبیل در محاربهٔ (داشیچیاو) در حالتیکه طوپ خانه های روس بصد متر دورتر در عقب بود ، طوپ خانه های ژاپان ساختها (۱۲) موضع خالئی طوپ چئی روس را بزیر آتش طوپ گرفته اند . در عقب این نقابها یعنی این موضعهای ساخته گی دو طوپ خانهٔ روس ، چنانچه بود در اصلی پیش رالاز (۲۲۰) متر میکوبید . برین دو طوپ خانه در اول (۳۰) طوپ خانهٔ ژاپان آتش کشادند . و روسها بآن جواب دادند . بعد از نیمساعت غرو پ نا منقطع ژاپان که از (۲۲۱) طوپ ، ویا (۳۰) غدلك مرکب بود ناگهان دفعه یکبارگی بر موضع روس آتش های خودشان باز نمودند . آتش این طوپ خانه عام موضع پیادهٔ روس را که در یك بغلهٔ بود خیلی از خیلی دوچار خسارت نمود . ژاپانها برین یك قانع شده بودند که طوپ چئی روس درهمان (۱۲) موضع سالف الذکر هستند . بنابران بر موضع های ساخته گئی مذکور یك آتش شدتناکی اجرا کردند . اما چون دیدند که به این بومبارد مان مؤثر آتش طوپ های روس راساکت نتوانستند دانستند که بازی خورده اند . باز همه پشته هائیکه احتمال طوپ خانه های روس دران بود بکوبیدن آغاز نهادند اما باز هیچ تأثیر حاصل نتوانستند . وموضع اصلئی طوپ خانه های روس را نیافتند .

پس ازین معلوم شد که فوائد اینگونه تطبیقات و حاضری ها بسیار است

و ازینسبب کار کشف را نیز بمشکلات عظیمه دوچار میسازد . واین مشکلات علی الخصوص درمقابل موضع های مستحضر زیاده تر احساس میشود . قطار های کشف اگرچه بنقطه های ترصد بخزیدن موفق هم بشوند بازهم درباب استحکامهای حقیقی ونقاب های ساخته کی راصدهای بسیار تجربه کار نیز به مشکلات برمیخورند . اگر افسران استکشاف درباب شرایط انشای اینگونه استحکامها یك وقوف جدی حاصل نکرده باشند منظره ئیکه درپیش نظرشان انکشاف میکند بسببی که معنای حقیقئی آن رانمیدانند راپورهائیکه درانباب بفرستند ازقیمت محروم است . اگر استکشافات موضعهای مستحکم بعدم موفقیت منجر بشود ، امید منجر شدن هجوم بموفقیت نیز خیلی کم میشود .

محافظ طوپچی

اینهم درین محاربه بتحقیق پیوست که برای صنف طوپچی ترفیق وتعیین کردن یك محافظ خصوصی از احتیاجات ضروریهٔ قطعیهٔ حربیه است . درموضع ، برای دوطوپخانه یك تولی پیاده ودرانثنای رفتار ، برای هریك غندك طوپ یك تولی ترفیق کردن کفایت میکنند . معما فیه درین خصوص یك قاعدهٔ ثابته وضع کرده نمیشود .

وظیفهٔ این محافظ هااین است که طوپچی راازهرگونه تعرضات محافظه کنند ، ودرنقطه های مشکل بآن معاونت کنند . طرز جریان این محاربه های نو آنقدر پیچیده ومغلق است که یك قطعهٔ پیاده اگرچه در پهلوی طوپچی باشد ، وهرقدر بحسن نیت آرزوهم بکند به امداد ومعاونت طوپچی شتابان شده نمیتواند . اگر محافظ خصوصی برای طوپچی تعیین شود بالطبع در باب بجاآوردن وظیفهٔ خود مسارعت میتواند .

در محاربهٔ جوار (شیلیحو) که در (۱۲) م اوکتوبر سنهٔ (۱۹۰٤) بوقوع آمده بودیك طوپ خانهٔ ژاپان که به غند (۳۵) م منسوب بوددرمیان یك دره به آتش پیادهٔ دشمن دوچار آمده بودکه اگر معاونت تولی پیاده که بمحافظهٔ آن مأمور بودنمیبود محوشدنش محقق بود. کذالك درشب (۱۰) م مارچ یك تولی افراد پیادهٔ روس که درائنای شکست خوردن روسها بر پراندن طوپ خانهٔ خودمأموربودند. طوپ خانه رابرهوا نکرده بسبب تلف شدن همه حیوانات طوپ خانهٔ مذکورطوپ خانه را برشانه های خودشان تابه (موکدن) که (۵) کیلومترمسافه بودرسانده درانجابه غندیکه منسوب بودتسلیم کرده اند.

صندوقهای جبه خانه وقدمهٔ نخستین

صندوق های جبه خانه بعد ازانکه جبه خانه را درپیش طوپ هابکذارند باز برای جبه خانه گرفتن پس رفته درپهلویاعقب طوپ خانه باستره هاستر وحمایه بایدشده. قدمهٔ نخستین ، لااقل ازطوپ خانه بقدر (۵۰۰) متردورتر ودر پشت ستره ها بایند بود. جبه خانه رابواسطهٔ افرادبایدنقل بدهند. چونکه حرکت اسپهایك طوپ خانهٔ را که تابه آندم ازطرف دشمن کشف نشده باشند بخوبی معلوم وپدیدار میسازد. کدا مهای کارتوس هرگاه درمیان خندك های کوچك نزدیك طوپ خانه هاباشند هیچیك مضرتی ندارد. شراپنلهااگر کلهٔ تفنگ بر یطانی آن اصابت نکنند اشتعال نمیکنند.

کله های طوربیل ژاپان بعضاً از نتیجهٔ اشتعال یك کلهٔ که درجوارشان بوقوع آمده اشتعال کرده اند. درمحاربهٔ (شاحو) صندوقهای جبه خانهٔ ژاپانها برهوا شده یك ابری ازدودسیاه تشکیل داده بود.

ترصد

پیش ازین گفته بودیم که بهترین چاره ها برای احتراز کردن از ضایعات عبارت ازین است که بهر گونه وسایط ممکنه در باب ستر کردن قطعات را از انظار دشمن مراجعت کنند ، بناءً علیه ترتیب کردن خدمت ترصد دشمن را بکمال اعتنا از طرف طوپچی شرط الزم است .

راصدها که افسران و افراد باشند بر تمام امتداد خط محاربه توزیع کرده شده بالذات اجرا ترصد باید کنند ، و از ترصدات قطعات مجاور نیز استفاده باید کنند . بواسطه تلفون تبلیغ ترصدات بلا تأخیر به قوماندان های طوپ خانه ها و توپ چی ها ممکن میشود . [illegible] هر طوپ خانه ششهزار مترسیم ، و سه چهار استیشن تلفون یکی است با بیرقهای اشارت [illegible] یکی واسطه ها مخابره کردن آنقدر فائده مند نیست چونکه دشمن آنها را مشاهده کرده برای محو کردن را صدها فرصت فوت نخواهند کرد . در ماه فبروری سنهٔ (۱۹۰۵) در (والیان طون) راصدهای روس با اینگونه واسطه ها اخبار معلومات میکردند از طرف ژاپانها سراسر محو و تلف شدند .

در یک منطقهٔ حرب ، ارکان حرب افسر بزرگ ، و همه قوماندانهای صنف پیاده و سواری هر معلوماتیکه درباب دشمن بیابند هماندم باید بموضع طوپ چی تبلیغ کنند .

ژاپانها از ترصدات حیرت افزایی که چینیان اجرا میکردند نیز بسی استفاده ها کرده بودند ، چونکه بسیار بارها در محاربهٔ چین دیده بودند که چینیها با آئینه ، و بیرق و آتش در دادن ، و دست جنبانیدن ، حتی بدر دادن خانه های خودشان از احوال خود خبر میدادند .

ژاپانها درباب ترصد و استکشاف اقسامیکه در داخل تأثیر ساحهٔ طوپ خانه

های میدان محاربه میبود به آندر جه اعتنا کارانه عطف نظر دقت کرده بودند که درهیچ وقت هیچ یك هدف معین از ترصدشان رهایی نیافته است .

اراضئی که درپیش روی یك طوپ خانه ئیکه تماماً مستور باشد بسببی که راه براه دیده نمیشود البته که ترصد آن زیاده ترکسب اهمیت میکنند . علی الخصوص که قطعات عسکریهٔ پیش رو باقطعات عسکریه وطوپ خانه ستر وحمایه نشده باشد وبرای یك شیخون درزیر امنیت گرفته نشده باشد درانوقت این اهمیت زیاده تر میشود .

وازسبب اهمال کردن این تدبیراست که در(۳۰) آگست یك طوپ خانهٔ روس که به لوی غند (٦) مسبیریامنسوب بود بهجوم پیادهٔ ژاپان گرفتار آمده وسراسر محو کرده شده است . طوپ خانه مذکور دریك کشت زار گندم دریك جای چقوری مستور بود . افراد درپهلوی طوپ نشسته بودند پیادهٔ ژاپان از میان کشت زار پیش رفته آتش کشادند . قوماندان طوپ خانه دراول فیروقات یافت ، ودیگر همه افسرها زخمی شدند ، وافراد جملهٔ زده وزخمی شدند ، و طوپها بدست ژاپانها درامد .

محاربه های شب : — حرکت پیش رفتاری درمیدان باز ودرزیر آتش دشمن خواه برای پیاده وخواه برای طوپ چی ، موجب ضایعات جسیمه میگردد . وازینسبب است که برای ضبط کردن موضع پیش اکثر حرکات دروقت شب اجراشده است . وازاز محاربه های شبانه بوقوع آمده است . درانثنای هجوم های شب صف هدفهائیکه ازروز بران انداخت کرده میبودند آنرا بکمال موفقیت کوبیده توانسته اند . دیگرانیکه ازتاریکئی شب درینباب نیزاستفاده کرده اند که بربعضی موضعهای مستحکمی که درروز بران هجوم برده اند ، چون شب شده طوپ خانه هارا به آن نزدیك کرده وبمجردیکه سپیدهٔ صبح دمیده ماندیم یك اتش

بسیار شدیدی بران باز کرده اند .

هجوم های سواری : — بر یك طوپچی که موضع اخذ کرده باشد، درین حرب اقصای شرق هیچ واقع نشده که سواری یعنی دسته هجوم برده توانسته باشد . بنابرین در حرب های آینده نیز — صرف نظر از بعضی احوال استثنائیه هجوم سواری را بر مقابل جبههٔ خط طوپچی بجز انتحاری یعنی خودکشی بر دیگر چیزی حمل نباید کرد .

(تشکیلات طوپچی)

۲

طوپخانه های چارطوپی ، یاشش طوپی : — اینحرب اخیر اینمسئله را حل نتوانسته است که طوپخانه هارا از چارطوپ ، یاشش طوپ تشکیل باید داد ؟ طوپخانه های روس از هشت هشت طوپ مرکب بود . واز ژاپانها اگرچه شش طوپی بود و لی از طوپهای سریع آتش جدید نبود . و از طوپهای سریع آتش نوتشکیل طوپخانه های چار چارطوپی ممکن میشود نه زیاده . از طوپهای نوسریع آتش خودژاپانها طوپخانه های چارچارطوپی تشکیل داده بودند ، وبه اینصورت قوهٔ حربیهٔ هرطوپ تزاید کرده وظیفهٔ خودرا بخوبی ایفا میکردند . وازستره هانیز خوبتر استفاده میکردند .

طوپخانه های اوبوس : — دراکثر تول غند ها که طوپخانهای اوبوس را افزونی داده اند ازینست که استحکامهای صحرای دشمن را به آن بکوبند . تأثیرات فایقهٔ اوبوسهای کروپ (۱۲) سانتیمتره ئی ژاپانها در محاربه های (یالو ، وپورآرتور ، ولیائوپانغ ، وشاحو ، وموکده ن) دیده شده است .

یك مخابر فرانسوی ئیکه بیطرفانه محاربهٔ (یالو) را تماشا کرده است چنین میگوید :

« او بوسهای گروپ جنرال (قوروکی) برخندکهای شکاری روسها توجیه کرده شد . عسکر روس درزیرباران گله های متمادی که ازروی سما برسرشان باریدن گرفت بضایعات فوق العاده عظیمهٔ آن تاب آور مقاومت نشده شکست خوردند »

بسببی که خندکهای روس که در (یالو) بود در ظرف کم مدت به گله های اوبوس ژاپانها خراب کرده شد ، حرکات هجوم پیاده راباضایعات بسیار جزوئی منتج موفقیت نموده . آتش اوبوسها هجوم عسکر پیاده رانابوقتیکه (۵۰) متربکنار خندکها نزدیك میشدند استنادوحمایه کرده بود . حالآنکه باطوپ های لیسنده بر آتش به اینقدردوام کردن ممکن نمیشد . زیرا عسکر خودرابهمه حال دوچار مخاطره میکرد .

باتجارب حربیه تائید وتصدیق شده که برای هرلوی غندپیاده غیرازدیگر طوپخانه هالك کندك اوبوس نیزباید باشد .

طوپچئی کوهی : — تشکیلات طوپچئی کوهئی ژاپانها نسبت بروسها مکملتربود . وژاپانهاطوپهای کوهئی خودشان رانتنها به استعمال کردن درکوهها وبیراهه ها اکتفانمیکردند بلکه بهجوم پیاده نیزترفیق مینمودند . ودرصفحه های نخستین محاربه ، در وقتیکه هنوزموضع طوپچئی دشمن معلوم نمیبود برای مجبورساختن آنهارابرآتش کشادن نیزاستعمال میکرده اند .

هاوانهای صحرا : — بسببیکه طوپ های سریع آتش دورمنزل شرایط محاربه را تبدیل داده ازان روومعلوم گردید که منزلهای هاوانهای صحراوصحت انداخت شان غیرکافیست . انداخت هاوانها ، که باانداخت شرابنل طوپها یکجاباشدهمانا منحصربرانداخت گله عبارت میماند .

هرگاه یك هاوون صحرایی که نزدیك بمنزل طوپ های صحرایك مسافه شدید

التأثیر دانه های طوپیل انداخته بتواند، وبقدر طوپهای صحرا قابلیت حرکت را مالك باشد موجود شود فوق العاده شایان آرزو یك چیزیست. برای هاوانهای صحرا به مرمئی شرابنل آنقدر احتیاج دیده نمیشود.

افواه ناریهٔ سنگین: — یعنی طوپ های بزرگ سنگین، درین حرب در هر دو طرف موجود بود، اما از هر طرف بجداگانه مقصدها استعمال شده است. در جهت روسها بسببی که در طوپ های صحرای شان دانه های تحزیب موجود بود به استعمال این طوپ ها مجبور شده بودند. وژاپانها در محاربهٔ (موکدن) بنا برین چند سبب استعمال کرده اند.

۱) بر مرکز خط حرب روس اجرا کردن نمایش، وآن را تمادیاً درزیر تهدید یك هجوم گرفتن.

۲) برای تقویه کردن طوپ های صحرای خود که به اعتبار منزل از طوپهای روس یکقدری کمتر بودند.

۳) مجادله ومقابله کردن با طوپ های محاصرهٔ روس.

٤) برای اینکه طوپ چئی صحرائی خود را که در مرکز بود، بجناح چپ که به تشبثهای قطعی مأمور بودند سوق بتوانند.

آتشی که از طرف این افواه ثقیله بی آنکه با شرابنل مرافقت نمایند اجرا شده بود، تنها یك تأثیر معنوئی اجرا کرده است، وضایعات مادی ئیکه بحصول آورده چندان شایان تذکار نیست.

آمدیم بر افواه ناریهٔ ثقیلهٔ روسها: روسها طوپ های بسیار بزرگ سنگین چاپ خود را درزیر امر قوماندان منطقه توذیع نکرده به استیدان سرافسر کل تول غند آتش کردن انها را مجبور و موقوف نموده بودند که ازینسبب تنها در بعضی احوال منفرده استعمال شده، انداز ان جمله یك نتیجهٔ درخشانیکه این طوپ های

روس استحصال کرده اندها نا پرده های مستحکمی که در منطقهٔ قول تول غند (۲) مربود اجرا شده است. چونکه بمجردیکه بومباردمان اغاز نمود ژاپانها بخالی کردن ده‌های مذکور مجبور شده‌اند.

والحاصل گفته میشود که اگر امکان تزئید وتقویهٔ طوپ های صحرا را با افواه نارنجهٔ بزرگ چاپ ممکن باشد ازین واسطه صرف نظر کردن بالطبع معقول شمرده نمیشود. اما چنانچه پیش ازینهم بود حالا هم همچنین است که استعمال افواه نارنجهٔ سنگین از لوازمات ضروریه وشرایط اصلیهٔ محاربات صحرا شمرده نمیشود. موجود بودن طوپ های سنگین چاپ در محاربه های میدان وقت حاضر از احوال استثنائیه شمرده باید شد. ژاپانها این طوپ هارا در محاربهٔ موکدن بیشتر استعمال کرده اند. درین محاربه هائیکه بقدر (۱۰) روز دوام ورزیده هیچیك کار قطعئی اجرا نکرده اند. قطعه های روس که اطراف مواضع متینهٔ مستحکمهٔ اطراف (شاحو) را ترك کرده اند، از تاثیر آتش طوپ های بزرگ محاصرهٔ ژاپانها نبود بلکه بتاثیر حرکات احاطه ئیکه لوی غندهای ژاپان اجرا کردند ترك وخالی نمودند.

مع هذا در المانیا در وقت حاضر به مالزمهٔ طوپ چئی سنگین یك اهمیت بزرگی عطف نموده اند. حتی یك تعلیمنامهٔ مخصوص نوی نیز درینباب نشر کرده اند. در المانیا تاثیرات این افواه نارنجهٔ بزرگ را در میدان محاربه باتاثیرات دیگر صنوف به آن درجه مربوط شمرده میشود که مالزمهٔ طوپچئی سنگین را بنام صنف رابع یادوم تسمیه نموده اند.

(طوپچئی سنگین صحرا) که گفته شود، طوپ چئی قلعه ومحاصره خیال نباید شود بلکه عبارت از مالزمهٔ یك صحراست که اساس وطیفهٔ آن عبارت از تعرض است افواه نارنجهٔ که این صنف را تشکیل کرده از (۳) چاپ متشکل است که آن هم

عبارت از ینست :

۱۵ سانتیمتره یی اوبوس سنگین صحرا ،

۲۱ سانتیمتره یی هاوان فولادی ،

۱۰ سانتیمتره یی طوپ های سپردار .

اما این چاپ آخری از سبب بسیار سنگینی بحرکات محاصره مناسبتر است لهذا آنرا اخراج کردن لازمست .

اوبوس (۱۵) سانتیمتره یی بعضی اسیلهایی را مالك است که پس لگدزدن راحو و بعد از انداخت ، میل طوپ را پس بحال خودش رجوع میدهد که باین سبب یك نوعی از طوپ های سریع آتش شمرده میشود . درهر دقیقه از (۳ تا ٤) مرمی انداخت میتواند ، و بادانهٔ مرمیهای بزرگ (٤۲) درجه یی ، یك کلهٔ (٤۰) کیلویی را که (۷) کیلو بادهٔ ناریه را احتوا میکند رمی میکند .

این اوبوس سنگین باعث اسپ کش میشود ، و در هر نوع اراضی با پیاده بیك سرعت مساوی حرکت کرده میتواند . این طوپ خانه های اوبوس از قرار تعلیمنامه بحرکت عادتی در دقیقهٔ (۱۰۰) خطوه ، بحرکت سریع در دقیقهٔ (۲۰۰) خطوه قطع میکنند . در قدمه های مختلف جبه خانه . موجودئی جبه خانه پر هر طوپ (٤۳) انداخت اصابت میکنند .

آمدیم بر هاوانهای فولادئی (۲۱) سانتیمتره یی : این افواه ناریهٔ ثقیله در زاویهٔ بزرگتر از ان یك دانهٔ (۱۲۰) کیلویی را انداخت میکنند . براههای بسیار هموار نیز بصورت عادتی حرکت میتوانند . برای سوق و نقل کردن آن در وقت لزوم برای هر طوپ خانهٔ هاون دو دو تولی بایك کندك تخصیص میشود . این ها ونها بر نشست گاههای مخصوصی انداخت میشود ، و بعد از انکه بموضع برسد چار ساعت بعد به آتش کردن مهیا میشود . طوپ خانه ها از چار چار طوپ مرکب

است . برهر طوپ چهل چهل مرمی اصابت میکند

مع مافیه برای این هاونهای (۲۱) سانتیمتره یی درحربهای صحرا یك محل تطبیق یافتن خیلی مشکلست . زیرا حرب اقصای شرق این مطالعات ما را تائید کرده است .

تعلیمنامهٔ المان درینباب میگوید: «برای محو کردن استحکامهای موقت ، واستحکامهای دایمی ، به جبه خانهٔ بسیار قیمت بهای این طوپهای سنگین صحرا احتیاج هست . این طوپخانه ها برای یك مقصد معین وصریح به تول غند صحرا رفاقت میکنند . »

اصل وظیفهٔ طوپچی سنگین را در میدان محاربه . تعلیمنامه بااین چند کلمهٔ مختصر بیان میکند :

« اصل وظیفهٔ طوپچی سنگین عبارت ازین است که در خصوص کوبیدن ومیده کردن نقطه ئیکه سر افسر اصل هجوم پیاده را بران نقطه سوق کردن میخواهد باطوپچی صحرا توحید حرکت بکنند . اما برای بوجود آوردن موفقیت این صنف بر طوپچی دشمن استحصال کردن تفوق آتش امر ضروریست . بنابرین وظیفهٔ نخستین طوپچی سنگین همین است که باطوپچی صحرا که ظهیر واستنادگاه اوست تفوق آتش خود شان را تامین کنند . »

منزلهای این طوپهای سنگین چون در از تر است از از واخذ موضع کردن ، ومنتشر شدن طوپچی صحرا نیز حمایه کرده میتواند . طوپچی سنگین قاعدةً یکیك کندك استعمال کرده میشود . تعلیمنامه درباب صورت ادارهٔ آتش طوپهای سنگین چنین میگوید :

« بمجردیکه محاربه کردن لازم آمد ، هماندم طوپچی سنگین از ابتدا برای استحصال کردن یك تأثیر عظیم باهمه طوپ های خود در عین زمان آتش

باید کشاد .

« مع هذا اینرا هم هیچوقت از نظر دقت دور نباید گرفت که بسبب کمبودن جبه خانهٔ طوپ چئی سنگین ، وظیفه هائیکه باین صنف تخصیص کرده میشود ، باید که نسبت بصرفیاتیکه واقع میشود برابری کند ، و بمصرف آن اثبات لیاقت بتواند .

آمدیم برمسئلهٔ هدف یعنی آماج : طوپ خانه‌های سنگین اوبوس بمقابل هدف های ثابت تأثیر بزرگی اجرا میکنند . بامادهٔ اشعالیه ، واصابت پارچه ها ، وتأثیرات گله های خوددر خصوص خراب کردن وکوبیدن طوپهای سپردار ، واستحکامات قوت ناك محرا ، وخندکها ، وموانعیکه باجنگلها محفوظ باشد خیلی مؤثراست .

متراليوزها : — یعنی تفنگهای ماشیندار درین حرب اقصای شرق اهمیت فوق العادهٔ کماهی کرده اند . نظر به کفتهٔ یك میر آلای روس عسکرهای روس ازطوپها کرده بر تفنگهای ماشین دار زیاده تر اهمیت واعتماد عطف کرده اند . مومی الیه درهر لوی غند پیاده بشرطیکه بغندها مربوط نباشد ومستقل جزؤتامها تشکیل کند از (۱۲ تا به ۱۶) متراليوز موجود داشتن را لزوم نشان میدهد . در اثنای تعرض برای تأمین محافظ کردن نقطه هائیکه ضبط کرده شده از تفنگهای ماشیندار بهتر سلاح تصور نمیشود .

ما لزمه

۳

فائدهٔ طوپ هائیکه برقونداق خود به پس بجهد به استعمال کردن روسها تحقق وتظاهر کرده است . واین یك مسئله ایست که بصورت قطعیه حل شده است .

وژاپانها نیز اینمسله را تصدیق کرده اند ، وبه این سبب ادخال وقبول این نوع طوپ هارا تسریع میکنند .

فایدهٔ سپرها نیز درباب استعمال کردن شان از بعضی مثل هائیکه موجود است مستبان شده است . درباب استعمال وسایط صناعیهٔ معاونه این حرب اخیره بسیار نتیجه های شایان استفاده احضار کرده است .

جبه خانه : — صرفیات جبه خانهٔ روسها نسبت به ژاپانها خیلی افزونی داشت . در (شاهو) یك طوپ درظرف یکروز (۳۶۱) انداخت صرف کرده است . در (داشیچاعو) این مقدار به (۵۲۲) بالغ شده است . اما ژاپانها در خصوص صرف جبه خانه بحسن اداره وصرفه جویی رعایت کرده اند . در (موکدن) طوپ های ژاپان در روزی (۲۲۰) مرمی انداخت کرده اند .

معهذا به این صرفیات روسها دیده اینرا استخراج کردن معقول نیست که اینقدر جبه خانه موجود باید داشت . چونکه در بدایت حرب طوپچی روس بسیار کم تربیه ، وناقص تعلیم بودند ، وبعد ازان هر اراضئی را که هیچ هدف دران نمیبود نیز بیهوده بران آتش میکردند . وبه اینصورت بجا های بیلزوم بسیار جبخانه اسراف کرده اند . باز هم اینرا هم تسلیم باید کرد که نظر بشرایط جدیدهٔ حرب درین اوقات صرفیات جبه خانه بیشتر لازم میآید . چونکه طوپ خانه ها اولا سریع آتشست . ثانیاً طرف دشمن از ستره ها استفاده میکنند ، ودر وقت لزوم ستره های صنعی ترتیب کرده میشود . ثالثاً دشمن نقابها ، واستحکامهای ساخته گی بوجود آورده سبب صرف شدن جبه خانهٔ بیهوده میگردد . رابعاً طوپ خانه ها اکثر با سپرها مجهز میباشند .

آمدیم بر مسئلهٔ مرمی : این حرب اقصای شرق به اثبات رسانیده که نه تنها شرا پنل نی بلکه دیگر نوع مرمیها نیز استعمال باید شود . موجود بودن فیوزهای

مصادمه که بخوردن ازهم میکفند از لوازمات ضروریهٔ حربهای حاضر شمرده میشود .

فیوزهای مصادمهٔ روسها ضعیفترین بناهارا نیزخراب کرده نتوانسته است . بلکه یك سوراخی به برابری حجم خودکشاده توانسته است . حتی یك دیوار خشتی را نیزخراب نکرده ، و برسپرهای شکاری نیزهیچ گونه خسارتی نرسانیده .

حالآنکه دانه های طورپیلی که ژاپانها استعمال کرده اند همهٔ این وظیفه ها را بکمال سهولت ایفا کرده اند . درمحاربهٔ روز اول دسمبرسنهٔ ۱۹۰۴ یك مفرزهٔ ژاپان که دریك خانهٔ منفردی ترصد داشتندیك غندك روس بران آتش کشاده درظرف یکچند دقیقه بایکچند دانهٔ طورپیل خانهٔ مذکوررا از بیخ وبن برانداخته اند . برسپرهای خندکهانیز بسبب صعوبت اصابت تاثیر آن کمتربوقوع آمده ؛ ولی هردانهٔ که اصابت کرده است تاثیر آن بخوبی محسوس شده .

حالاپیش ازانکه بهاین بحث طوپچی گری راختام بدهیم این را نیزعرض کنیم که سبب یگانهٔ غلبهٔ طوپچی ژاپانها برروسها باوجودیکه طوپخانه های ژاپانها ازطوپهای کهنه مجهزبود ، وطوپخانه های روس باطوپهای سریع آتش توجهزبود ازچه پیش آمد ؟

این است که سبب یگانهٔ این را عرض میکنیم . محقق باید دانست که موفقیت وکامیابی یگانهٔ ژاپانها محضا ازهمین بود که تول غند ژاپان با طوپچی آن ازجنرال شان گرفته تابسایر سپاهی ، درخصوص قوهٔ معنویه و اخلاقیه بیکدرجهٔ فوق العادهٔ حیرت آورانهٔ بود . وگرنه دراسباب و آلات حربیه هیچ برتری نداشت .

صنف رساله

بسببی که یك قسم بزرگ دار الحرب کوهستان و عارضه ناك بود ، خدمت سواری بصورت عمومیه دوچار مشکلات شده است . دیگر اینکه بسببی که سواری یعنی رسالهٔ ژاپان عدداً ضعیف بودند ، و وظیفهٔ استکشافیه را باجاسوسها یکجا ایفا میکردند ، بارساله دشمن بمصادمه لزوم ندیده اند رسالهٔ روس ، با وجود فایقیت عددی شان بسببی که از اوصاف و خصایل تعبویه بتمامها محروم بودند . و رسالهٔ دشمن شان نیز بسببی که دایما ارتباط خودشان را باپیاده محافظه میکردند بامصادمه یك احراز موفقیت نکرده اند از صنف سواری روس در خصوص استکشافات نیز که یگانه وظیفه و مقصد شان همانست بخوبی استفاده نشده است . چونکه درزمانهای بسیار مشکل و بحران انگیزی نیز این خدمت که از انها انتظار میشد سر قوماندان را از معلومات بسیار قیمتدار محروم گذاشته اند . حالا ما درینجا متعاقباً رول سوق الجیش ، و صورت استعمال آن را در دائرهٔ تعبیه موضوع بحث میکنیم :

وظیفهٔ سوق الجیشیهٔ سواری

استکشافات در مقیاس بزرگ ؛ درعقب دشمن جولان

در بدایت حرب یك غبرك غند سواری درزیر ادارهٔ جنرال (میچنقو) برای ترصد حرکات پیش رفتاری (قوروکی) تا به (۱۵۰) کیلومتر به آنطرف (یالو) رفته بود.

دیگر یك حرکت سوارئی روس اینبود که درظرف ماههای اپریل و می از طرف قایمقام (مادرینوف) با (۵۰۰) سوار در داخل (قوره) یك جولان بزرگ اجرا شده است ، وازین جولان دراخبارها بسیار بحث وبیان نشده بود .

این قایمقام که از (موکدن) رهسپار شده بود ، در اثنای جولان خود از منصب نهر (یالو) (۱۵۰) کیلومتره به آنطرف گذشته ، وگدامهائیکه درراه یافته بود خراب کرده تابه (ژه نسان) رفته بود، وجمعاً بقدر (۱۲۰۰) کیلومتریك مسافهٔ را قطع نموده بود .

جولان سوم در جنوری سنهٔ (۱۹۰۵) بازازطرف جنرال (میچه نقو) اجرا کرده شده بود که ازین جولان نتیجهٔ فائده مندیکه ازان انتظار میشد حاصل نشده است . چونکه درحرکات شان بسیار سستی ووقت ضایع کردن پیش آمده ودرباب ترتیباتیکه برای هجوم (اینقو) گرفته شده بود غلطی نموده بود .

ازین حرکات استکشافیه که یك ثمرهٔ فائده مندی از نقطهٔ نظر سوق الجیش حاصل نشده ازینست که باحرکات تولغند هیچ تعلق وارتباطی نداشته لا علی التعیین اجرا کرده شده است . واینهم دلیل واضح است برینکه برای یك مقصد معینی مشترکاً صرف سعی وکوشش نشده هرصنف جدا جدا تشبثات نموده اند .

در (۱۳)م ماه فبروری سنهٔ (۱۹۰۵) ژاپانها نیز برخطوط مواصلهٔ تول غندروس همچنین یك حرکتی اجرا کردند . یك مفرزهٔ ژاپان که از (۱۵۰) سواری مرکب بود، وباچته های (طونغوزها) پشتیبانی به آنها داده شده بوددر (قانچیاتون) که (۲۴۰) کیلومتر بجانب شمال (موکدن) بود برای محو و خراب کردن خط شمندوفر تشبث نمودند که نزدیك بود تشبث شان منتج موفقیت هم بشود . این قوت بجهت شمال غربی عقب کشیده بایك مفرزهٔ پیاده وسوارئی قوتناکتر خودشان التحاق کرده ویك خط محافظ مفرزهٔ روس را که درراه شان برابر آمد دوچار انهزام نموده بودند .

بعد ازمحاربهٔ (موکدن) سوارئی ژاپان بصورت بسیار جرئتکارانه در

جهت شمال باتول غندروس تمام خودرا محافظه کرده بودند .

حمایهٔ جناحهای تول غند ها : — سوارئ روس تابوقتیکه محاربهٔ (مو کدن) می چسپید امنیت سوق الجیشیهٔ جناحهای تول غند خودرا بشرایط موافق تأمین کرده است . درتمام موسم تابستان لوی غندهای جنرال (میچه نقو) و (ره ننقامف) اراضئی کوهستانیکه درجهت شرق خط شمندوفر بود خطوه بخطوه مدافعه کرده اند . وبحرکات پیش رفتارئی مفرزه های ژاپانرا بتأخیر کردن موفق شده اند . معهذا این وظیفه برای صنف سواری روس یك وظیفهٔ عادتئی لازمی بود که بسایهٔ موافقت اراضی تایکدرجه بصورت شر فنا کی اجرا کرده توانسته اند . درمحاربه (لیائویانغ) جناح راست تول غند روس دراول بالوی غند های سوارئی (میچه نقو) و (صامسونوف) مستور بود . اینها حرکات پیشرفتارئی قطار های تول غند جنرال (اوقو) را که از جناح چپ پیش می آمدند بوقت وزمان مناسب آن خبرداده وتأخیر کرده اند . وهم در جناح چپ جنرال (ره ننقامف) مرور (قوروکی) راازنهر (تایچه) هیچ نباشد بقدر (۲٤) ساعت تأخیر کرده بود . بعدازان جنرال مذکور ، درجوار معد نهای (یه نتای) بقدر (۲۷) طرب سوارئی خودرا جمع کرده باآن در (۳۱) م آ کست منتهای جناح یسار تول غندروس را ستر نموده . در (۱) م ، و (۲) م سپتمبر لوی غندمذکور درحوالئی (یه نتای) بالوی غند (اورلوف) یکجاحرکت کرده دوبار قطع شدن محاربه را حمایه نمود . ووقتیکه لوی غند (اورلوف) بحال خارج شدن از محاربه درامد سواری پیاده بجنگ آغاز کرده پشته های جنوبئی (یه نتای) را محافظه کرده . وبه اینصورت مقابله ومدافعهٔ قول تول غندهای (۱) م و (۳) سیبریارا که از (لیائویانغ) آورده شده بود بمقابل حرکت احاطهٔ جنرال (قوروکی) کامیاب آورده بود . در آخر ختام حرکات (لیائویانغ) لوی غند

جنرال (میچه نقو) نیز بحمایهٔ جناح روس مشارکت ورزیده است .

در محاربه های (شاحو) جنرال (رمنتقامف) بایك لوی غند سواری و یك لوی غند پیاده جناح خارجی چپ تول غند روس را ستر کرده بود. و برای خوب ایفا کردن این وظیفه یك لوی غند قازاق دیگر نیز بمعیت جنرال الحاق کرده شده بود .

آمدیم بر محاربهٔ (موکدن) : در ینمحاربه صنف سواری روس بر ایفای وظیفهٔ مهمهٔ خود موفق نشده اند و درباب جلوگیری تأخیر دادن حرکات پیشرفتارئی جنرال (نوژی) که تول غند روس را احاطه میکرد هیچ یك خدمت بزرگی نکرده اند . یك کپتان فرانسوی درباب اینعدم موفقیت میگوید :

« باعث اصلئی این عدم موفقیت را آیا در کجا جستجو باید کرد ؟ آیا این را بر زخمی شدن جنرال (میچه نقو) که درنهایت جنوری زخمی شده از قوماندانی بصرف نظر کردن مجبور شده بود حمل باید کرد ؟ یا آنکه بمقابل مهاجمات طو نفوزها که بر خط راه آهن شمال اجرا میکردند سوارئی بسیاری به آنطرف سوق شده بود حمل کرده شود ؟ یا آنکه بسبب تضیق یافتن تول غند دوم روس که از طرف جنرال (اوقو) درزیر فشار گرفته شده بود قطعات پیاده را از معاونت لوی غندهای سواری گرفته بودند حمل کرده شود ؟ اینست که در یخصوص هیچ یك فکر قطعی داده نمیشود . یك چیزیکه هست همین است که صنف سواری خدمت و وظیفهٔ خودرا که سلامت و امنیت تمام تول غند به او تودیع شده بود بجا آورده نتوانست والسلام ! »

در ین اثنا ئیکه سوارئی روس این چنین اختیار عطالت میکردند ، در طرف ژاپانها دیده میشد که نخستین بار یك سوارئی بسیار قومندی مستقلاً ایفای خدمت میکردند . چونکه یك لوی غند سواری که از (۶) غند مرکب بود در

زیر قوماندهٔ جنرال (آقاما) حرکت جنرال (نوزی) را اخفا وستر میکردند .
در نزد این لوی غند متعدد طوپ های کوهی ، و یك استناد قوت ناك پیاده ، و (۲٤) مترالیوز موجود بود .

خدمت کشف : — تا بمحاربهٔ (موکدن) خدمت استکشافیه ژاپانها به جاسوسهائیکه آنها را بیکصورت عجیب وحیرت آوری تنظیم وترتیب کرده بودند منحصر بود . درطرف اینمدت قطارهای کشف ژاپان تامسافه دور هیچ دیده نمیشود . از طرف روسها باوجودیکه مملکت خیلی عارضه ناك واهالی آن دشمن ، وخریطهٔ مکمل هم بدست نداشتند بیك جرأت حیرت آوری اجرای کشفیات نموده اند .

باین قطارهای کشف علی الاکثر از مردمان بومی یکدو رهبر ترفیق میکر دیداین استکشافات اکثر یکچندروز دوام مینمود . بعضی قطارهای کشف در میان قطارهای دشمن بدر امدن کامیاب وموفق شده اند . در نهایت ماه آگست یك قطار کشف که از داوطلبان (طاغستان) مرکب بودند تول غند جنرال (قوزوکی) را از یکسر تا بدیگر سر قطع کرده ، وجناح راست جنرال (نوزو) را نیزدور کرده وباقول تول غند (۱۰) م ارتباط پیدا توانسته است .

در سنهٔ (۱۹۰٤) دوطرب کشاف بمعیت خود سر قوماندان روس تشکیل نموده بود که این دوطرب از افراد افسران بسیار ماهریکه در فن کشافی بدطولا داشتند بودند . اینها هم برای تحقیق کردن حوادثهای مهمه ، وهم برای مستعجله استعمال شده اند . درانثنای محاربه باین کشافها بر جبههٔ صف حرب تیت شده درباب شکل وطرز جریان محاربه واسطهٔ معلومات سر قوماندان میگردیدند ، ودر زمانهای سکونت حرب در استکشافهای بعیدهٔ پهلو وعقب دشمن استعمال می شدند .

ازین معلوم میشود که این تدبیر سرقوماندان روس ازین پیش آمده بود که برصنف سوارئی خود امنیت کامله نداشت . اگر صنف سواری وظیفهٔ خودرا بخوبی ایفا میکردند به این مفرزه های خصوصی کشف احتیاج نمیماند .

(استعمال سواری ازروی تعبیه)

سواری روس ، چون اصول اجرا کردن مصادمه را باقطعات بزرگ سواری نمیدانستند از مصادمه زیاده تر پیاده جنگ کرده اند . سبب یگانهٔ دیگر این نیز این بود که سواری ژاپان چون عدداً کم بود از مصادمه اجتناب میکردند .

در تعلیمنامهٔ سواری روس صریحاً بیان شده است که « در بعضی احوال قطعات سواری پیاده باید جنگ کنند ، و بادشمن تعرضی یك محاربه اجرا کنند . » و از ینست که سوار یهای دراغون تفنگهای برچه دار دارند . و قازاقها چون برچه ندارند استعمال کردن شمشیر شان توصیه شده است . روسها در محاربهٔ آتش (طوپچی سواری) خودشانرا در مقیاس بسیار بزرگی استعمال میکنند . (طوپخانه های سواری) روسها بسبب سیاری بسیاری که دارد یك صنف خیلی گزیدهٔ شمرده میشود .

آمدیم برسواری ژاپان : چنانچه روسها هم تصدیق کرده اند که سواری ژاپان محاربهٔ آتش رابه بسیار مهارت اجرا میکنند، وعلی الخصوص در حرکت کردن باپیاده بصورت مشترك اظهار مهارت فوق العاده کرده اند .

در محاربهٔ (شاحو) سواری روس بسایهٔ پیاده جنگ کردن بمقابل پیادهٔ ژاپان شایان تذکار نتیجه هاتحصیل کرده اند .

آتش سواری ، ویا آتش طوپچی سواری گاهی نتیجه های قطعی بسیار غریبی اجرا میکنند که یك مثال آن درأثنای رجعت روسها در محاربهٔ (موکده ن) از طرف ژاپان هابعمل آمده است . در (۱۱) م مارچ درمیان قافله و

قطار رجعت کنندهٔ روسها بسبب صدای یکچند طوپ یك تلاش وهیجان حقیقی بسیار دهشتناکی پیدا شد . این آتش طوپ عبارت از یك چند گلهٔ بود که از طرف یك طوپخانهٔ سواری ژاپان که بایکدو طرب سواری بکمال و فقیت وجسارت خودرا در میان قافله ها و قطارهای شکست خوردهٔ روس انداخته بودند بظهور پیوسته بود . این چند گله آنقدر یك برهمی و درهمی و اضطراب و هیجان در تول غند روس در انداخت که اگر سواری ژاپان یکقدری قوتمندتر می بود در تول غند روس نتیجه های بسیار الم انگیزی حاصل میکرد .

مصادمه : — در (وافانغو) اجرا کردن یك هجوم سوارئی روس که بریك طوپ خانهٔ ژاپان اجرا کرده بود ، ودر (٦)م مارچ سوارئی ژاپان که در (او ته نشانپو) یك هجوم اجرا نمود مثالهای خوبی برای مصادمه نشان میدهد . این هجومها یك برهان روشنیست که محاربه های که بااسلحهٔ جارحهٔ سواری اجرا کرده میشود چقدر قیمت عظیمهٔ معنویه را مالك است .

مع هذا در اجرای هجوم مشکلات بسیاری رخ میدهد که به این سبب در باب انتخاب زمان هجوم از پیش کرده زیاده تر اعتنا کردن لازمست .

*
* *

ازین ایضاحات معلوم میشود که رول سواری در محاربات جدیده از اهمیت ساقط نشده است . دوام کردن دورودراز محاربه ها ، ودوچار شدن اعصاب بضعف از نتیجهٔ آن ، برای صنف حقیقتاً یك ساحهٔ بسیار واسع حرکت و فعالیت احضار و تأمین کرده است .

در (۱۰)م مارچ سنهٔ (۱۹۰۵) درنزدیکئی خط شمندوفر این ندا که (سوارئی ژاپان آمد) درمابین عسکرهای روس یك تأثیر بسیار بزرگی حاصل کرده بود . این است که تنها همچنین یك صدا در چنین زمان نتایج عظیمه

حاصل میکنند .

سواری بسببی که در روز (۶۰) کیلومتر یك مسافهٔ راقطع میتواند ازانرو هرگاه در پس شان قطار وقافله هم نباشد درعقب تول غند های جدیدبه بسی کارهای مهم تصادف میکنند . هرگاه سواری به اجرای این چنین حرکتها موفق شود صنف بیاده آن را توقیف کرده نمیتواند .

چیزیکه ازهمه بیشتر یاد آوری آن لازم است همانا اهمیت عظیمهٔ پیاده جنگ کردن صنف سواریست . حرب حاضر صریحاً اثبات نمود که چون سواری بر زمین فرو آید برای یك زمان موقت بایك پیادهٔ فایق نیز مقابله کرده میتواند . علی الخصوص که با اوطوپ خانه یامترالیوز هم باشد .

یك افسر روس میگوید :

« قطعه های کشف سوارئی ما اکثر اوقات از سرعت خود استفاده حرکت های احاطهٔ دشمن را به اینصورت توقیف میکردند که هرگاه حرکت های احاطهٔ دشمن تهلکه ناك میشد یکقطعه سوارئی کشف ما بریك تپهٔ پهلوی قطعهٔ دشمن میتاختند ، وازانجا بر قطعات احاطهٔ دشمن یك آتش بغلکی اجرا میکردند . و باینصورت به تجربه ثابت شد که ده نفر سوارئی باتفنگ جدید مسلح نیم طوپ ، وگاهی یك طوپ را توقیف کرده است . »

لهذا بسبب این قابلیت آتش سواری هیچ انکار نمیشود که این صنف یك عنصر مهم حرب شمرده میشود .

صنف پیاده

بنابر نتیجهٔ مهم و نخستین ترقیات اسلحهٔ جدیده در محاربات این عصر (۱۹) هم وظیفهٔ استفاده کردن از اراضی برای صنف پیاده خیلی ضرور و مهم شده است . بحقیقت که مسئلهٔ از اراضی استفاده کردن یك قاعدهٔ اساسئی تعبیه

جدیده را تشکیل میدهد. چونکه قوت خود را حسن تصرف و اداره کردن، واز تأثیرات آتش دشمن کمتر متأثر شدن، وحرکات خود را از دشمن ستر و اخفا کردن همه کی بسایهٔ استفاده از اراضی ممکن میشود. وبسبب لازم بودن اینمسئله استفادهٔ اراضی است که نظامهای صنف پیاده ثابت ومعین نیست، بلکه نظر به طبیعت اراضی هر آن متحول بودنش ایجاب میکنند. واین حال خاصهٔ فارقه وممتازهٔ تعبیهٔ جدیدهٔ صنف پیاده را تشکیل میدهد. بناءً علیه از همه چیز اولتر ازین مطالعه آغاز میکنیم که آیا از اراضی چسان استفاده کرده میشود:

استفاده از اراضی

ژاپانها در خصوص استفاده از اراضی خیلی زیاده عطف اعتبار میکردند. اما اینرا هم بگوئیم که استفاده از اراضی، شدت اجرا آت را اصلا منع نمیکند. در نزد ژاپانها تنها خطهای شکاری نی بلکه قطعات احاطه نیز از هر نوع ستره ها استفاده کرده به این کوشش میورزیدند که خودشان را بیك حال غیر مرئی درا رند. علی الخصوص شکاریها برای ستر کردن خودشا، ودر اثنای توقف باز جمع کردن خودشان هیچ یك ملجاء وهیچ یك ستره را اهمال نمیکردند. در اراضی صاف و بی سر پناه شکاریها دایما بر زمین میخوابیدند، ودر زیر آتش دشمن میبودند یا باما نفه ها یا باغروپ های کوچك پیش میرفتند. قطعات امدادیهٔ که برای ملاقی شدن خط شکاری فرستاده میشدند از یك برجهیدن تا بدیگر برجهیدن بصورتی که از هر نوع ستره ها بخوبی استفاده کنند به نظامهائیکه موافق اراضی باشد میدرامدند. این قطعات در صورت عمومیه با خطهای بسیار باریك، واز همکنده پیش شده در ستره ها شیکه شکاریها توقف کرده میبودند آنها را تقویه میکردند.

قطعات احتیاطیهٔ ژاپانها :دایمامسافه‌هایی را که درمابین خودشان ودشمن میبود ملاحظه ، وتابمدتیکه اراضی مساعده میکردنظامهای کثیف خودرا محافظه میکردند . این قطعات احتیاط در باب تستر به آخر درجه اعتنا بکار میبردند ، ونادراً دیده میشدند . اماباوجود این همه دقت واعتنابعضی اوقات میشدکه بعضی احتیاطهای ژاپان که بانظام قطار میبودندبه آتش طوپ چشی دشمن ویا ازمسافهٔ بسیار دوربتأثیر آتش پیاده دوچار می آمدندکه تاثیر این آتش آنهارا پریشان میکرد، وتابملجاء های نزدیك آنهارا بصورت ابتر برجعت مجبور میساخت .

آمدیم برروسها : بسببی که اینها لزوم استفاده کردنرا از اراضی نمیدانستند ، وبچگونگی استفادهٔ اراضی نیز واقفیت نداشتند — علی الخصوص در اوایل محاربه — ازانرو بضایعات عظیمه دوچار آمده‌اند . دراوایل محاربه که روسها ازاصول استفادهٔ اراضی بیخبر بودند، ازکم معلوم شدن دشمن خودخیلی حیرت میکردند . وازینسبب درنظامهای بسیارکثیف به آتش دشمن معروض میشدند . اما این خطاهای شان آهسته آهسته ولی بخون بهای بسیارانسانها تصحیح کرده شده است . ونظر بهادعای بعضی محررهای فرانسوی یکچند ماه بعدهردوطرف درین خصوص یکرنگ ملکه ومهارت را مالك شده‌اند .

باوجود اینهم، روسهابنابر اقتضای تمایلات قومیهٔ شان دایمابهم نزدیك وچسپیده حرکت میکردند . وخطهای شکارتی شان آنقدربهمدیگر درامده میبودند که برای انداخت یکدیگر خودشان را تیله وتنبه میکردند . این حال روسها هیچ عجیب دیده نبایدشده . زیرا ازخواص طبیعیهٔ روسهااینست که در زمان تهلکه بایکدیگر بسیار نزدیك میشوند ، وعلی الخصوص دراطراف آمر خودشان به بسیارفشارجمع میشوند . این حال روسهاتنهادرینسفر (مانچوری)

دیده نشده . بلکه در اثنای محاربهٔ هفت ساله در دوره امپراطوری نخستین ، و بعد از نیم عصر در سفر حرب (قریم) نیز این حال مشاهده شده بود .

این مسئلهٔ استفاده کردن از اراضی در ژاپانها آنقدر تعمیم و اهمیت داده شده بود که در وقتیکه در زیر آتش دشمن بخوابیدن مجبور میشدند بی آنکه برپا خیزند درهمانجا که افتاده بودند برای خودشان یك ملجاء و سرپناهی می کندند . اگر دو نفر عسکر میبودند یکی از ان دو نفر بر آتش دوام میکردند ، و آن دیگری درجائیکه افتاده بود مانند نباش بعملیات حفریه دوام میورزید .

و بمجردیکه در پیش روی خود یك بلندئی کوچك خاکی حاصل مینمودند به آتش آغاز میکردند و در پنهان رفیق دیگرش بزمین کنی آغاز مینهاد . اما اینهم گمان نشود که این عملیات تستریه و تحکیمیه برمیل تعرض و پیش رفتارئی ژاپانها یك سوء تأثیری اجرا کرده باشد ، یا آنها را همان خندکها ، و سرپناههای شان ربط و ثابت قدم کرده باشد . نی بلکه دمبدم از پیش رفتارئی پنهانئی خود وانه ایستاده اند .

برای صنف پیاده ، مسئلهٔ باروت بیدود نیز برای استفاده کردن شان از اراضی خیلی معاونت و مدد رسانی نموده . چونکه دانستن و تخمین کردن عدد نفری شانرا از طرف دشمن بمشکلات عظیمی برمیخورد ، و دشمنرا درانباب بغلطیهای بزرگی دوچار میکرد . حتی در محاربهٔ (شاحو) یك کندك خاصهٔ ژاپان همهٔ یك لوی غند پیادهٔ روس را بازی داده به انتشار دادن مجبور نموده بود .

آتشه میلیتر دولت ایتالیا که درمحاربهٔ (مانچوری) فرستاده شده بود درخصوص استفادهٔ ژاپانها از اراضی این سطرهارا درجریدهٔ (میلیتر ووخن بلات) نشر نموده است :

« برای دانستن استفاده کردن عساکر طرفین از اراضی، فوتوگرافهای محاربه را از نظر تدقیق گذرانیدن کفایت میکند. در تصویرهای محاربه دیده میشود که نفری های ژاپانها در میان موجهای اراضی، و پست و بلندیهای ریگ زار سراسر گم و ناپاب شده میباشند. و نفری های روس دایما معلوم دار و آشکارا بنظر میخورد.

« وقتیکه در چول پیره های پیش ژاپانها بودم میدیدم که نفرزه های روس بر سر تپه ها و راهها ظاهر و آشکار پدیدار بودند. و چون بطرف وضعیت افراد ژاپانها نظر میکردم. هیچ چیزی دیده نمیشد. حال آنکه در اثنا مینهائیکه شما آن را تنها و از انسان خالی گمان میکردید مقدار کلانی عساکر ژاپان که از رو سها بیشتر بودند موجود بود.

« در محاربه های (لیائویانغ) سوارهای قازاق روس را میدیدم که مانند (شوالیه) های زمان قدیم، درمیان دشتی که باکوهها و تپه ها محاط بود چار نعله میتاختند، و تفنگهای خود را بخمینی و بیهوده گی خالی میکردند. زیرا دیدن ژاپانها که از چار طرف بر انها آتش میکردند برای روسها غیر ممکن بود. در اثنای این حرکتی که از یك میدان اسپ دوانی هیچ فرق نداشت قازاقها خود شان را اسپ های خود شان را طعمهٔ آتش ژاپانها میکردند.»

* * *

مناسبت و مرابطهٔ که درمابین تستر و آتش موجود است چون خیلی شایان اهمیت میباشد از انرو در ینباب به بیان کردن بعضی مطالعات از وم دیده شده است:

موفقیتی که در اجرای محاربهٔ آتش بدست آید، تابع نسبتی است که درمابین تستر و آتش موجود است. چونکه هردوی این بریکدیگر خود قطعی ترین تأثیر هارا اجرا کرده میتواند.

این قاعدهٔ اساسیهٔ حربیه که : « تأثیر آتش به تستر مرجح است » اگرچه این قاعده در ظاهر حال خیلی ساده و بسیط مینماید : ولی مضامین ضمنی آن غوامض کثیرهٔ مندرج دارد . تعبیر (تأثیر آتش) که گفته شد مقصد از آن این است که فرق و اختلاف تأثیرات مارا باضایعات ما بنظر مطالعه دراورد . یعنی تأثیرات آتش مارا باضایعات نفر قی ما ، و تأثیرات و ضایعات دشمن مقایسه کرده نتیجه بهر طرف که توجه کند آنطرف را متفوق شمردن لازم می آید .

احتیاجی که تعبیهٔ این حرب های زمان آخر طلب میکند همین است که ناممکن باشد یك قطعهٔ عسکری را تا بسیار وقت از انظار دشمن محفوظ بدارد . لهذا از تأثیر حرکت) بر (تأثیر آتش) فایقست . چونکه یك دشمنی که از طرف دیگر دشمن مقابل خود دیده نشود تا بوقتیکه از طرف دشمن غیر مرئی بماند آزادی و استقلالیت حرکت خودرا محافظه میتواند کرد . و هر اقدر که مستوریت قطعات مذکوره کمتر بود آزادئی حرکات شان نیز بهمان نسبت کمتر میشود . چونکه حرکات و تدابیر ما ؛ بهر درجه ئیکه به انظار دشمن معروض بشود ، هیچ شبهه نیست که دشمن نیز بهمان نسبت تدابیر و حرکات با مامقابله خواهد کرد . دشمن تنها از تهلکهٔ که از ان خبردار نباشد خوف میکند . وگرنه از تشبثی که آن را به بیند و بران آگاه بشود هیچ نمیترسد . چونکه درجهٔ اهمیت آن را تقدیر و تخمین کرده از همان قرار تدابیر و حرکات او نیز کار میکنند .

بناءً علیه محاربین هر اقدر که از ستره های اراضی استفاده کنند احتمالات موفقیت بهمان نسبت کمتر میشود ، و تأثرات عسکر نیز کمتر میشود ، و احوال معنویهٔ شان ساکن و بی هیجان میماند . پس نظر به این ملاحظات به تحقیق میرسد که : « تستر برای بیشتر تحصیل کردن آتش واسطهٔ بسیار قوی و متین می باشد . » چونکه ضایعات خودما از ضایعات دشمن که بقدر ما تستر نکرده اند

کمتر بوده تأثیر آتش ما نیز همان نسبت افزونی میگیرد و از انسبب از تأثیریکه به آن دوچار میشویم زیاده تر تأثیر اجرا کرده میتوانیم .

اما شایان دقت این است که این تأثیر از افزونی تأثیر انداخت مانی بلکه از کم تأثیری آتش دشمن برما پیش می آید . والحاصل نتیجه اینست که : دو فقیت متقابل دو قطعهٔ محارب که درداخل شرایط متساویه آتش اجرا میکنند تابع اینست که ستره های شان نسبت بیکدیگر غیر مرئی باشد .

استحصال کردن تفوق بواسطهٔ آتش، وحرکت، ودوچار کردن دشمنرا بغفلت برای صنوف ثلاثهٔ عسکریه موقوف براستفاده کردن است از اراضی . یعنی استفاده از اراضی واسطهٔ بسیار قوی و متینی ست برای حاصلکردن نتیجهٔ موفقیت . واینرا هم بایددانست که برای استفاده کردن ازین واسطه واجب اینست که در وقت حضور ، در مابین این سه عنصر مهم یعنی (حرکت)، (آتش)، (ستر) مناسبت ویگانگی رابخوبی ودرستی تقدیر وتأمین بایدکرد .

قطعه های کوچك نسبت بقطعه های بزرگ آسانتر (ستره) پیدا میتوانند ازاز و یك (تفنگ ماشیندار) برهانقدر عدد تفنگی که با آن معادل باشد فایق می آید .

ازین ملاحظات که تابه اینجا بیان شددرباب مناسبات آتش ، وستر قواعد این چیزهای ذیل استخراج کرده میشود :

۱ — استحصال کردن یك تأثیر مکمل ، بایك ستر مکمل ، غایهٔ امل را تشکیل میکنند .

۲ — در حرب تأثیر هیچ وقت یکطرفه نی بلکه اکثر دوطرفه است . پس درانحال تاثیرکه گفته شود ، تنها تاثیر یکه یکطرف اجرا میکند دانسته نشود ؛ بلکه فرقی را که درمابین ضایعات ما ، وضایعات دشمن است بنظر

مطالعه باید کرفت .

۳ — یك ستر خوب : برای حاصلکردن تفوق آتش قوتناك ترین وا سطه هاست . ستره هر قدرکه غیرمرئی باشد تاثیر آن نیز بهمان نسبت زیاده میشود . واکر یك ستره ئیکه از طرف دشمن واضح دیده شود بجای آنکه فایده برساند بالعکس ضرر میرساند .

٤ — درجهٔ استفاده کردن ازستره تابع جنس وطبیعت سلاح میباشد . درصورت عمومیه تنها اسلحهٔ ثقیله کاملاً مستوره انداخت اجرا کرده می تواند . اما دراسلحهٔ خفیفه میل تفنگ ، واقسام علویهٔ افراد بدشمن معروض میماند که اینهم غیر قابل اجتنابست .

٥ — اسلحهٔ ثقیله در وقتیکه کاملاً مستور بوده آتش کند ، اگرچه ازین جهت تاثیرشان ناقص هم بماند ، بازهم بردشمن خودکه درمیدان باز آتش میکند فایق شمرده میشود . تابوقتیکه موضع مستور آهسته آهسته ازطرف دشمن کشف ومعین بشود . ودر تاثرات هردوطرف یك توازن حاصل بشود بازهم دران وقت فوائد خوبتر ترصدکردن ، وقابلیت حرکت را بخوبی محافظه کردن بهمانطرفیست که مستوراً آتش میکرد .

٦ — نظر بضایعاتیکه وقوع آن محتمل است ، هرکاه نتیجهٔ موفقیت و کامیابی زیاده تر باشد دراونوقت ازستره صرف نظر کردن شایان توصیه است .

محاربهٔ پیاده

درینمحاربه نه درطرف ژاپانها ، ونه درطرف روسها به اصول (بوئر)ها یك پراکندهٔ کی وتیت وپرکی دیده نشده است . درهمهٔ محاربه های اقصای شرق ، شکاریها خطهای بسیار باریك تشکیل می دادند ، وبه احوال دیده

باما نعه مانعه ، یاباغروپهای کوچك کوچك پیش میرفتند ... مع هذادرباب حر کتهای شان که با خطهای کثیف وغلو یعنی یکیك خطوه ازهم دور ، حتی آرنج بآرنج حرکت پیش رفتاری شان بسیارمثالهادیده شده است . درزیر کثیفترین آتش دشمن نیز حرکات پیشرفتاری شکاریها تظاهر کرده است . اماشرط اعظم این پیشرفتاری شکاریها اینست که با آتش شدید طوپ حمایه شوند ، وبرای پیشرفتاری بسیاراستعجال نکنند، ودم راست کرده پیش شوند .

حرکات جهیدن عسکرها ازیك نقطه بدیگرنقطه درزیر آتش دشمن اکثربا غروپهای (۱۵) نفری ، و (۲۰) نفری اجرا کرده میشد . افراد در اثنای دویدن بخواهش خود شان حرکت میکردند ، وباز باهم یکجا میشدند . جهیدنها تقریباً بدرازی ، (۵۰ تا ۶۰) خطوه بود . درصورت عمومیه افسران بایکچندنفر پیشتر ازهمه حرکت میکردند . بعدازان افسران کوچك افراد متباقی را به پیش رفته گیها نزدیك میکردند . این حرکات خیزان خیزان بسیار تعب آور بود که ازانرو درهر ملجاء وسرپناه توقف شان دراز میشد .

دراراضی باز ، در هر ستره خوابیده آتش کرده میشد . معهذا در میان راپورهای تفصیلات محاربه ها بیك راپور شایان دقت تصادف کرده شده است : افسرغبرك غندروس دریکی ازراپورهای خودکه درباب محاربهٔ یکی ازروز های جنگ (شاحو) بجنرال (دراغومیروف) فرستاده بودنوشته بود که : « بر فرمودهٔ شما حرکت کردم . و غبرك غندرا بی آنکه بر زمین بخوابانم بهجوم سوق نمودم ، ودشمن را گریختاندم . »

اما این یك حال خصوصی ومستثنائیست که برای اراضئی باز اینگونه حر کت قاعدهٔ عمومیه اتخاذ نمیشود . اینگونه حرکت تنها دروقت هجومهای نا

گهانئی شیخون استعمال شده میتواند . در (۱۱)م اوکتوبر سنهٔ (۱۹۰٤) یك مفرزهٔ پنج کندکی روس بی آنکه یك گله هم بیندازند دشمنرا به شبخون ناگهانی دوچار آورده یك غند ژاپان را باسر نیزه بضایعات عظیمه گرفتار آورده اند . این هجوم آنقدر ناگهانی اجرا شده بود که یك قسمی از ژاپانها بگرفتن تفنگهای خود شان که کوت بسته بودند نیز فرصت نیافته بودند .

مسافهٔ انداخت ، ونوع انداخت : — تفنگ های نو، بشرطیکه مقدار بسیاری جبخانه صرف شود از (۲۰۰۰) خطوه بدشمن ضررهای کلی میرساند . معهذا این آتش چنانچه در تعلیمنامه هامذکور است باید که برای کوبیدن یك ساحهٔ اراضئی معین ویاهدف های واسع ذیروح استعمال کرده شود . مانند قطارهای نقلیه ،وقطعات جسیمه .وقطارهای رفتار .

(از ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰) متر اجرا کردن اتش یکجا یکی که برقطعات نظام قطار اجرا کرده شود . معناً نتایج حسنه حاصل میکنند . طرفیکه این انداخت را اجرا کرده باوجودیکه دشمن غیرمرئی بوده تأثیرخود را نشانداده، وضایعات بوقوع اورده است .

از (۱۵۰۰) خطوه ، اتش شکاری اغاز میکرد . بسببی که هردوطرف در پنهان شدن ساعی بودند ، برای اجرا کردن اتش جمع ویکجایکی هدف پیدا نمیشد . ازینسبب هدف هارا تفریق کردن ،ونقطه هائی را که بران نشان گرفته شود نشان دادن غیرقابل شده است .

اتش شکاریکه ازین مسافه اغاز میکرد گاهی کثافت وشدت خود را تزئید ، وگاهی سراسر منقطع مینمود . ژاپانها اتش جمع ویکجایکی خود شان را بمقابل بسیار مسافه های دور، ویاازطرف قطعات احتیاط استعمال میکردند، و بعد از هجوم افرادرا بازدرزیردست خود جمع اوری کرده استهلاك جبخانه را

منع میکردند وهمین نوع آتش رادایما ترجیح میکردند .

تأثیر آتش از (۱۲۰۰) متر بسیار شدید میشود . اماتأثیر آتش هر قدر که مؤثر بشود باز هم شکارهایی را که خوب تستر کرده باشند — اگرچه در مسافه های بسیار نزدیك هم باشند — سراسر ساکت ساختن وموقع های شان را خالی کراندن قابل نشده است .

طرفین چون بیکدیگر نزدیکشوند هدفها طبعاً خوبتر دیده میشوند . اما عصبیت و هیجان نیز بهمان نسبت زیاده میشود . یکی از برگدهای روس در اثنائیکه آتش به اینقدر جه کسب کسافت میکرد : « بژس گله هارا به خت خت یك دیگ بسیار بزرگی که بحال جوش خوردن باشد » تشبیه داده است . درچنین اوقاتها در مسافهٔ (۴۰۰ و ۵۰۰) متر بدرستی نشان گرفتن خیلی مشکل مینمود ازانرو گله های شان سرگردان بر هدفهای بسیار دور عقب شان اصابت میکرد .

تجارب حربیه بخوبی نشان داده است که هروقتیکه مهاجمین بقدر (۱۵۰) خطوه ویا کمتر از ان بمدافعین نزدیك شده اند ، آتش مدافعین تماماً غیر مؤثر شده است . شجیعترین نفریها نیز بیك حال عصبیتی گرفتار آمده قوت خود شان را غایب کرده اند . حتی نفری هائیکه بسیار نشان اندازهای ماهر بوده اند وبچند ما هه تجربه های حربیه ملکه ومهارت زیادی پیدا کرده اند باز هم درچنین حالها از صحت انداخت تفنگ خود استفاده نکرده اتکلی وبرهدف موهومی گله انداختن گرفته اند .

این است که در چنین زمانها میترالیوزها یعنی تفنگهای ماشیندار یك اهمیت فوق العاده گرفته اند نفری های تفنگ های ماشیندار بسببی که باسپر مستور بودند مانند عسکرهای پیاده بهیجان عصبی گرفتار نمی آمدند وصف های مهاجمین را دروکرده اند .

درمیان غلیان عصبیت، وجوش وخروش محاربه ، ولوله وغلغلهٔ مطرد وآهنگدار تفنگهای ماشیندار که بکمال سکونت واعتدال گله میبارانیدند یك تأثیر بزرگی حاصل کرده بود. نظر بحکایتی که افسران روس میکردند چنان معلوم میشود که در هردوطرف — علی الخصوص در طرف روسها یك (آتش شکار ئی حقیقی) اجرا کرده نشده است . چونکه تربیه وتعلیم شکاریان روس در خصوص انداخت بسیار ناقص بود. دلیل واضح وبرهان روشن آن نیز اینست که نشانگاههای مسافات مختلفهٔ محاربه تبدیل داده دایما بریك نشانگاه انداخت اجرا کرده شده است . روسها در ابتدای امر از شدت آتش شکاری های ژاپان خیلی متأثر شده اند . اما آهسته آهسته باآن الفت حاصل کرده اند. بواقعیکه درمحاربه های آتش که از مسافه های نزدیك بوقوع میآمد تأثیر مادی آتش تناقص کرده قوهٔ معنویهٔ مدافعین تزاید کرده است .

بعضی زمانها یی شده است که بواسطهٔ ایشپلاق، وصفیر از آتش قطع کردن افرادی که اعتدال دم خودشان راضایع کرده بودند ممکن نشده است .

جبخانه — درین حرب اخیر صرفیات کارتوس بسیار عظیم شده است در اثنای محاربهٔ (شاحو) دیده شده است که دریك روز بعضی غند ها که عدد موجودئی نفرئی شان خیلی کم شده بود در یکروز (۲۰۰،۰۰۰) کارتوس سو ختانده اند . غند (۱۳۸) م از (۱۳ تا ۱۷) م اوکتوبر (۱،۹۲۰،۷۳۰) کارتوس خرج کرده اند .

غند شکارئی (٤) م سیبریا در (١٤) م اوکتوبر سه بار هجوم ژاپانها را بموفقیت دفع کرده بود. ژاپانها از خندکهای روس (۳۰۰) متر دورتر خودرا رسانیده بودند . لکن درین اثنا برای روسها چون کارتوس باقی نمانده بود آتش شان سستی پیدا کرده بود . مهاجمین باز بر هجوم برخاستند ، وخودرا بخندکها

رسانیده محاربهٔ شدید برچه بوقوع امددرین حرب اقصای شرق کیفیت بی جبخانه ماندن ، بسیار بارها بوقوع آمده، علی الخصوص درطرف روسها.

والحاصل صرفیات جبخانه درین حرب از مقدار نظا مئی آن که درنزد عسکر موجود بودن ان قاعده است خیلی تجاوز کرده است . در ابتدای حرب برسرهر نفری (از ۱۲۰ تا ۱۵۰) کارتوس تقسیم شده بود رفته رفته به (۲۰۰ تا ۲۵۰) بالا برامد .

در محاربهٔ (شاحو) در روزهای (۱۱ و ۱۲) م اوکتوبر نفری های غند (۹) م چارصد چارصد کارتوس صرف کرده بودند . درطرف ژاپانها نیز عیناً همین حال واقع شده بود . از نفریها بکس های شان گرفته شده بجای ان برسر ادم دوصدد وصد کارتوس داده بودند . برای رسانیدن کارتوس به خطهای شکاری بدرجهٔ اهتمام تمام احضار شده بود که یکنفر (۷۰۰) کارتوس برداشته میتوانستند . باوجود اینهم قطعات پیاده علی الخصوص بعد از آتش تعقیب بی جبخانه مانده اندوازاز و بسی فرصتهای کرانبها را غایب نموده اند .

اینحرب های وقت حاضر بسبب این غیر مرئیتها ئیکه دارند، واین سحت وسرعت های اندا ختی که تفنگهای شان دارد؛ بیك خدمت استخباریه بسیار محتاج میباشند که این خدمت استخباریه ازشرطهای الزم، اقدم شان شمرده می شود .

برای حاصل کردن این خدمت لابدولازم چنانست که درموضع محاربه هرگاه یکدر ختی، یایك خانهٔ، یایك تپهٔ یی وماشبه ذالك یك چیزمعلوم دارو معینی که دیده شود درانجامایك ادم بایك بینی که بایك دوربین بسیار تیزبینی مجهز باشد بنشانند که آن آدم دشمنرا یك لحظه از نظر غائب نکند، وکوچکترین خطا ها ئیکه ازطرف خود شان ویاازطرف دشمن بوقوع ایدازاز ودخبر بدهد

ودقیقه بدقیقه یك ترصد دایمی اجرا نماید .

هرگاه یك ساحهٔ انداختیکه بیش تر از (۱۵۰۰) متر باشد بران آتش جمع ویکجایگی شایان ترجیح است . ودر مسافات کوچك ووسطی بشرطیکه تربیه وضبط وربط مکمل باشد آتش شکاری مؤثر تر است .

حالا قواعد اساسیهٔ شرایط محاربه را اجمال کرده مینویسیم که این شرایط عبارت از پنچند فقرهٔ ذیل است :

۱) قطعه های اراضی ئیکه ازانظار ترصد دشمن تماماً مصون باشد، آن اراضی را از تأثیرات آتش دشمن محفوظ باید شمرد .

۲) برای کم کردن ضایعات بهترین چاره ها پنهان ماندنست . بعداز ان نظام هارا کمتر کشیف کردن .

۳) بکمال اعتنا با لذات دشمنرا ترصد باید کرد .

٤) برای اینکه دشمنرا یك آن از نظر دور ندارند، ونظر بمعلوماتیکه بگیرند حرکت بکنند ، وعلی الخصوص بصورتیکه ایجاب بکند ما توره بکنند بوا سطهٔ راصد ها ، بیك ترصد واستکشاف خصوصی اشدلزوم ، وجود است .

٥) درادارهٔ آتش به استقلالیت وآزادی وسیعه مالك باید بود .

٦) وافر صرف شدن جبخانه را درپیش نظر دقت باید گرفت .

طرز اجرای هجومها : — موافق براصول وقواعدیکه درتعلیمنامه های حرب روس وژاپان توصیه وسفارش شده به اثبات رسیده که همچنان هجومها وهجومهای مقابل نتیجه بخش موفقیت گردیده است . لهذا حالا بیان کنیم که این هجومها ایادرزیر چگونه شرایط اجرا شده است :

ژاپانها پیش ازانکه بهجوم اغاز میکردند ، دراول امر، دایما ازمسافهٔ (٦۰۰ تا ۸۰۰) متردرخصوص تفوق کردن اتش پیادهٔ خودشان بردشمن حصر دقت

واعتنا میکردند. روسها نیز در اکثر احوال بهمین صورت حرکت کرده‌اند. اینرا هم باید دانستکه طوپچی نیز در بخصوص بشدت اشتراك میورزید. در جاهائیکه اجرای هجوم حقیقی ملتزم نمیبود نیز به این حصول تفوق آتش سعی وغیرت ورزیده میشد. بیکصورتیکه بردرازی همهٔ جبهه بشدت تمام آتش تفنگ اجرا کرده میشد. این آتش گاهی بسیار دراز میشد، ومتمادیاً پنج شش ساعت وبلکه زیاده تر دوام میورزید.

بعد از انکه بر تفوق آتش قناعت حاصل میشد بهجوم ابتدا میشد. حرکت هجوم، گاهی با گروپهای کوچك پی هم دیگر، وگاهی بافطعه های بزرگتر از ان حتی گاهی باهمه تولی ها متعاقب همدیگر خیزان اجرا کرده میشد. قطعاتیکه در خط نخستین توقف میکردند (رافال؟) های بسیار شدتناك اجرا میکردند، وپیش از حرکات جهیدن نیز دایما (رافال؟) میکردند. وازسترهها هم به آخر درجه استفاده شده بود.

معهذا باوجودیکه در خصوص احضار هجوم، واستحصال تفوق آتش به اندرجه سعی وکوشش ورزیده میشد باز هم مهاجمین اکثر اوقات درباب قیمت ودرجهٔ حاضرئی هجوم بازی خورده اند. اینهم ازین پیش آمده که یا تمام در هما نوقت برای قوهٔ مدافعین قوهٔ امدادیه آمده، یا آنکه طوپچئی مدافعه بصورت مؤثر وفائده مند بصحنهٔ فعالیت داخل شده است.

درانحال اکثر اوقات هجوم مهاجمین دوچار انکسار شده در زیر آتش دشمن تابملجائیکه از انجا بهجوم آغاز کرده بودند برجعت کردن مجبور میشدند. ویا آنکه درهما بجا برزمین چسپیده میماندند. درچنین زمانها برای استحضارات نو، وباز هجوم کردن بورود احتیاطهای تازه احتیاج پیدا میشود. برای اینچنین هجومها ئیکه عقیم، وبیفائده مانده، ومهاجمین در زمین خوابیده وبعد ازان باز موفق

شده اند بسیار مثالها موجود است . اما اینرا هم باید دانست که یك هجوم یکه بخوبی حاضر شده باشد و بسیار مدت با آتش طوپچی حمایه شده باشد ، و بصورت جدی اجرا شود آتش مدافعین کسر کرده نمیتوانند .

در انحال اگر قوهٔ معنویهٔ مدافعین بدرجهٔ کافی برهم نخورده باشد ، گلوبگلو بامها جمین آمده زدوخورد سرنیزه بوقوع میامد . و بعد از انکه باینصورت یك محاربهٔ سرنیزه بوقوع می آمد ، و یا دریا و دیه انجام میرسید نتیجهٔ قطعیه معلوم میشد . اکثراوقات روسها وقتیکه میدیدند که آتش شان صولت مهاجمین را نمی شکست ، باسرنیزه بهجوم مقابل برخاسته ، و از سپرهای خود برامده بمقابل دشمن خود شان میبرامدند . این صفحهٔ هجوم الحق که خیلی شایان دقت است .

از یکطرف مهاجمین را میبینیم که بسی مشکلات را برخود گرفته ، و برخیلی موانع غلبه جسته ، و بسایهٔ تفوق آتش طوپ و تفنگ خود بردشمن هجوم نموده ، و بموضع نزدیك دشمن خود را رسانیده . و باینصورت منتظر امید های داخل شدن به استحکام های دشمن شده خواهشکر برچیدن ثمره های جانفشانیهای خود میشدند .

از دیگر طرف مدافعین را می بینیم که بر محاربهٔ تعرضکارانه موفق نیامده درزیر آتش مؤثر دشمن درمیان سپرهای خود به پنهان شدن مجبور شده ، و بمنع پیش آمدن پیاده های دشمن جراً تکار خود کامیاب نیامده به ناامیدی ترك موضع خود که از بسیار وقتها آن را بهزار خون جگر مدافعه کرده اند گرفتار آمده اند .

پس در چنین حال خطرناك بحران اشتمال ، برای طرف مدافعین یك کار باقی میماند که بکمال جرأت و جسارت این تفوق و حاکمیت دشمن را حقیر شمرده با

ضربه های سرنیزه ازسپرهای خودبیرون برامده دشمنرا استقبال کنند.

این حرکت جسورانهٔ مدافعین احتمال کلی داردکه دشمنرامغلوب ومنکسر نماید. زیرا مهاجمین که بمشکلات مدیدی خودرا تابه انجاهارسانیده اند البته ازتاب وتوان افتاده میبا شند. لاجرم در پیش اینگونه حرکت جسورانهٔ قهرما نانهٔ مدافعین منهزم وپریشان میشوند.

باز تکرار میکنیم که درچنین احوال هرنوع عناصر ومؤثرات مادی از حکم وتأثیر ساقط وعاطل مانده، احوال روحیه ومعنویه بدرجهٔ نخستین اجرای تأثیرمیکنند. اعصاب دو مخاصمیکه اینچنین بهم نزدیك رسیده باشند بآخردرجه متأثر وخلل ارشده تفنگیکه بدست دارند آنرانیز به امنیت و صحت تمام استعمال کرده نمیتوانند. بنا برین درچنان وقت ها کار بانداخت کامل، وتفوق آتش پیش نمیرود، بلکه بجرأت، وعزم، وعلوهمت بانجام میرسد. زیرا مهاجمین هرانقدر که برقوت خود اعتماد داشته باشند، وازیر طرف کردن اینهمه مشکلات وموانعات، ونزدیکشدن به اینقدرجه بمدافعین سرمست نشهٔ ظفربا شند بازهم درمقابل این حرکت جرأتکارانهٔ مدافعین که ازسپرهابرامده سرنیزه برانها بتازند معناً دوچار هیجان میشوند. چنانچه دربعضی اوقاتی که روسها همچنین حرکت کرده اند ژاپانیهابوجودیکه خود رابسیار به استحکامهای آنها نزدیك هم کرده بودند تاب آورمقاومت نشده رجعت کرده اند.

این تأثیرمعنوی نهلکه برچه راگاهی در هجوم مهاجمین نیزمی بینیم که دربنباب نیزبسی مثالها موجود است. ازین قبیل یك غند سیبریاکه دراثنای محاربهٔ (یالو) درجوار (توره نچون) ازطرف جناح راست ژاپانیها احاطه شده بودند، وخط رجعت شان بریده شده بود، بقوت هجوم سرنیزه صفهای

دشمنرا شکافته راه برای خود باز کرده اند . درین جادیده میشود که یك نمونهٔ قیمتدار ترین فن تعبیه بسایهٔ هجوم بر چه عقیم مانده است .

کذا لك بسی مثالها موجود است که هجومها ئیکه بعزم وشدت اجرا کرده شده است بموفقیت نتیجه پذیر گردیده است .

در (۱۳) م اوکتوبر ، ژاپانها باقوتهای عظیمی که هجوم بردند اقسام پیشروی قون تول غند (۱۰) م روس راکه ساحلهای (شاحو پو) را گرفته بودند دفع کردند . ودیگر بعضی هجوم های شان نیز مرکز تول غند روس رابسوی (شاحو) برجعت مجبورساختند روز دیگر بساعت (۱۰) جنرال (قوروپاتکین) فرستادن یك قسمی ازاحتیاط عمومی رابه امداد مرکز ضرو ری دیده (۲) طوپخانه . و (۲) طرب سواری و (۲) غند پیاده رارواله نمود . با این قوتهای کندکما (۲) غند دیگر نیزدراصل موضع محاربه موجود بود که همهٔ اینها بزیر ادارهٔ یك برکد داده شده بود .

این هجومها را یك کپتان روس در اخبار (روسکی انوالد) اینچنین تصویر نموده است :

« یکی ازغند های پیاده که (۲) کندك آن در خط پیش ، ویك کندك آن دراحتیاط بود . بر پشته ئیکه خدمت موضع انداخت را میدید جابجاشده . ازین جابعد اززوال تابساعت چاریك آتش شدید تفنگ اجرا کرده شد . درین اثنا طوپ خانه ها هم رسیده وظیفهٔ حاضرشدن هجوم رابرتپهٔ که ژاپانها آنرا گرفته بودند عهده نمود .

« این حاضری ها تابیکساعت دوام نموده بساعت پنج بعد ازیك باران شدید اشارت تعرض داده شد . این اشارت برتمام جبهه بسیار نشاط وسرور قبول شده غند های پیاده به آتش شدت ناك تفنگ دشمن اهمیت نداده بیك

حزم قوینی پیش شدند .

« عسکر عا بلا توقف پیش میرفتند . مهاجمها وقتیکه بموضع ژاپانها نز دیك شدند غیراز جناح چپ دیگر بر همه امتداد خط حرب آتش را منقطع کردند . اما آتش تفنگ جناح چپ رفته رفته تزئید شدت میکرد . ازاز وعسکرهای مابقوت سرنیزه ژاپانهارا ازجائیکه دران تحصن کرده بودند براوردند . ساعت شش وقت شام بود که شکاری های روس پشته های موضع ژاپانهارا ضبط نمودند . »

این محاربه شایان تدقیق است . درینجا می بینیم که هجوم بایك آتش شدید طوپچی که تابخط شکاری هجوم خودرا حمایه کرده ، هجوم رامنتج موفقیت کرده است . بعد ازانکه این حاضرئی طوپ چی به انجام رسیده قطعا تیکه بهجوم مأمور بودند بی آنکه یکدم توقف کنند پیش رفته موضع ژاپانهارا ضبط کرده اند . معهذا درینجا یکبار این دیده میشود که هجوم تاسینه بسینه رسیدن پیش رفته ، وتنها حاضرئی آتش کافی نیامده به استعمال برچه احتیاج پیداشده است .

حالا درباب ژاپانها نیزیك مثالی دیگر عرض میکنیم که این مثال ازیك رسالهٔ فرانسوی ترجمه شده است :

« در اثنای محاربهٔ (لیائویانغ) ازطرف لوی غندهای (۳و۵) م تول غند (اوقو) یك موضع روس را بهاینصورت ضبط کردند : روز (۳۱) آگست بوقت صبح طوپچیهای ژاپان برای تسهیل کردن هجوم ؛ خندكهای روس را بایك گرد بادطوفان گله ریزی ستر نمود . پیادهٔ ژاپان درخندکهای خودشان که بقدر (۱۰۰۰) متر دورتر از موضع روس بود منتظر امر هجوم نشسته بودند . درخط اول یك قوت (۳) کندکی موجود بود . افراد درمیان خندکها آرنج به آرنج نشسته بودند . مسافه ئیکه قطع کردن آن لازم بود صاف وباز بود وبجز یکدو کمبولتی دیگر هیچ سترهٔ موجود نبود . برای هجوم ، عساکر موجوده

را بر غروپ های (۲۰) نفره و (۱۲) نفره تقسیم کردند، وغروپ هارا درزیر قوماندانی یکیك افسر کوچك تودیع نمودند. وبهریك ازین غروپها نقطهٔ که واصل شدن شان به آن لازم بود واضحاً تعیین ونشریت کرده شده بود. قطعا تیکه بهجوم مأمور بودند، تعلیمات یگانهٔ که از قوماندان خود گرفته بودند عبارت از تعیین نمودن همین نقطه ها بود.

« تام ده دقیقه بعداز زوال، پیاده های ژاپان اشیای خود شان را که در پشت داشتند بر زمین گذاشته بهجوم عمومی آغاز نهادند. خط اول یك صو لت شیرانه از خندك های خود شان بر جهیدند. قوماندانهای غروپ ها به پیش تاخته بسرعتیکه ممکن بود تابه نزدیکترین موجهای اراضی خود در ارسانیده درا نجا بر زمین بخوابیدند. قطعه ها بی آنکه بهیچگونه نظام وانتظام رفتار رعایت بکنند، وهر نفر بجز اینکه تاممکن مرتبه به نقطهٔ که رسیدن شان امر شده خود را برسانند دیگر هیچ چیزی نیندیشیده آمرهای خودشان را تعقیب میکردند. بعضی از ین قطعه ها ازمیان کشت زار هامیگذشتند که به اینسبب رفتار آهسته تر مجبور میشدند. اما بمقابل این آهسته روی از پنهانی خود استفاده کرده بدون تهلکه خودرا تابه نقطهٔ معلومه برسانیدند. دیگر قسمهای شان باپاههای کوتاه خود تاممکن مرتبه بسرعت دویده منطقهٔ اراضی باز و بی سرپناه را مرور می نمودند.

« پیش رفتاری؛ به این جهیدنهای پی همدیگر، ودم راست کردنهای مدید دوام میورزید. افراد آمرهای خودشان را تعقیب، وآمرها نیز ستره های پیش روی را، وگذرگاههای رسیدن را به آنجا انتخاب میکردند. اکثر استقامت حرکت های خودشان را برای استفاده کردن از ستره های اراضی بچپ وراست میل میدادند وباز استقامت اولئی خودرا میگرفتند.

« در توقف نخستین انتظام اولئی که داشتند زایل شد. بعضی غروپ‌ها خوابیده وسینه مال، وبعضی عوارض زمین راسپر کرده، وبعضی بدویدن پیش میشدند. غروپ ها حذای همدیگر راتجاوز میکردند، ویکی دیگر خود شان راستر میکردند تا آنکه (۹۰۰) متر اراضی رابینصورت قطع کرده تا موانع فرعیهٔ موضعهای روس خودرا رسانیدند. ودرانجا باز کسب انتظام ورزیدند.

« در اثنای این نظام رفتار که درحقیقت هیچ نظام نبود، چیزیکه شایان دقت است همین است که مهاجمین سلاح خودشان راهیچ استعمال نکرده، یعنی هیچ تفنگ بیندا خته‌اند. غروپ‌های پیاده درپیش روی یکدیگر گذشته در مابین روسها ورفقای خودشان اخذ موقع میکردند. که دراهمال اگر آتش میکردند به رفقای خودضرر میرسانیدند. دیگر اینکه دشمن خودشان راکه درعقب سپرهای خودشان خزیده بودند نمیدیدند، ونشان گرفته نمیتوانستند از بنسبب ها همه حرکت هجوم بی‌استعمال سلاح بوقوع آمده یك دانه گله هم انداخته نشده بود.

« وقتیکه خط نخستین مهاجمین به نصف مسافهٔ هدف مقصود نزدیك شدند خط دوم از خندك هائی که دران بودند برامده، واز اراضی استفاده کرده، ومانند خط اول حرکت کرده برموضع دشمن هجوم نمودند ودر پئی آن خط سوم، خط دوم راوالی آخره تعقیب کردند آخر الامر همهٔ خطها در حالتی که شش کولمبوتئی گشتهٔ های پئی همدیگر را گذشتند، درمیدان پیش روی موضع روس که صدمتر مسافه بموضع دشمن مانده بود جمع آمدند.

« درین اثنا افراد داوطلب ژاپانها بریدن دامهای سیمئی که درزیر میل های تفنگ روس بود، مشغول شدند. وبه اینصورت خزیده خزیده ازمیان موانع فرعیه بکشادن راهها موفق شدند. لکن ازین دلاوران جان فشان بسیار کم

مردم باز پس برفقای خود التحاق توانسته بودند . وباقی همهٔ شان درراه فدای جان کردند .

« هنگامیکه همهٔ شان جمع شدند حکم (برچه یك) داده شد . لمعه پاشئی برچه‌ها که از غلاف کشیده شدند برهمه خط یك چراغانی بوجود آوردند . باز یکبار افسرها ملجاء خودشان را ترك کرده ، و (بانزای) گفته به پیش تاختند همهٔ مهاجمین بیکباره گی برخندك های دشمن خودرا بینداختند . تام درهمین وقت شکاری های سیبریاازخندکهای محفوظ خودشان بیکبارگی برخاسته بر تمام درازی خط یك آتش جمع یکجایکی اجرا کرده ، وبعدازان بقدمهای دو یدن از بغلهٔ عقب کوه فرو آمدند ، ودریکنقطه بازدشمن خودشان را منتظر شدند . ژاپانهانیز درعقب آنها بتاخت فرو آمده درانجا یك محاربهٔ شدید سر نیزه درمابین شان درگرفت . ولی چون روسها دانستند که خطرجعت شان بریده میشود برجعت قهقری به عقب کشیدن مجبور شدند . درین محاربه طوپ چئی روس تنها بیك چند فیریکجایکی برطوپ چئی ژاپان اکتفا کرده بودند

« آمدیم برآتش پیاده : عساکرژاپان که درجناح راست هجوم اخذموقع کرده بودند ، خطهای روس را درزیر آتش بغلکی گرفته بودند که همین آتش هجوم مذکوررا بموفقیت منتج نمود . این هجوم برلوی غندهای (۳و۵) مژان به (۳۰۰۰) نفر مقتول ومجروح تمام شد . »

یکی ازوقایع حربیه ئیکه درهجومها پیش میاید وخیلی شایان دقتست این است که دربعضی هجومهای قطعی بسبب مزاحم عظیمهٔ بدنیه ، ومساعئی فوق العادهٔ تعبیه وتأثرات روحیه گاهی میشود که مهاجمین سراسر ازقوت وطاقت ساقط میشود . درینباب بیك مثال عجمی که شایان تذکاراست تصادف شده

که آن را در اینجا حکایه میکنیم :

در اثنای محاربه هائیکه در (۳۱)م آگست در جنوب (لیائویانغ) بوقوع میامد یکی از غند های شکارئی سیبریا از نتیجهٔ یك هجوم شدتناکی که از طرف ژاپانها بوقوع آمده بود از خندکهای شکارئی شان براورده شده بودند . روسها بی آنکه مقاومه کنند بیك حال پریشانی و فلاکت موضع خودشان را تخلیه کرده در پشت خانه هائیکه یکقدری در عقب بود پنهان شدند . امادر انجا افسر آنها سعی وکوشش ورزیده آنها را به ایستادن ، و پس بحال انتظام رجعت دادن موفق گردیده باز بر ژاپانهاکه موضع شان را ضبط کرده بود به پیش سوق نمود . ژاپانها در میان آن خندکها به آندرجه بیتاب وتوان افتاده بودند که بمقابل این عودت تعرضیهٔ روسهانه بمدافعه کردن ، نه فرار کردن مجال حرکت نداشتند . در حالتی که باقوندق تفنگ ، وسرنیزه ، وتیغ وخنجر بیچاره ها را قتل میکردند ، و اسیر میگرفتند باز هم هیچ تاب وطاقت نداشته از همانجائیکه بودند بر نمیخواستند .

این مثال ، بصورت بسیار واضح بمانشان میدهد که هر گاه یك موضعی ضبط شود ، میباید که در عقب آن مفرزه ئیکه آن موضع را ضبط کرده اند برای دفع کردن عودت تعرضیهٔ محتملهٔ دشمن بسرعت ممکنه قطعات تازه دم احتیاط فرستاده شود .

از مدهشترین احوال محاربه های زمان مایکی اینست که بریك موضع چون هجوم برده شود ، و آن هجوم عقیم بماند ، ودر زیر آتش شدید دشمن بر جعت مجبوریت دست دهد خیلی مهلك میباشد . زیرا در چنان وقت قوهٔ معنویهٔ مدافعین فوق العاده بالا بی گرفته واعتدال دم خودشان را بخوبی محافظه کرده چنانچه در یك میدان نشان اندازئی باشند بشدت وکثافت آتش تعقیب را اجرا میکنند که از اثر ومهاجمین را بضایعات عظیمی گرفتار میارند .

نظر بمعلوماتیکه ازمنابع (المان) گرفته شده چنان معلوم میشود که ژاپانها ازچنین رجعت درزیر آتش خیلی احترازمیکردند . اگرهجوم خیلی مشکل ، وغیر قابل اجرادیده میشد درنیم راه توقف کرده بحفرکردن وتاسیس دادن سپر مشغول میشدند . و برای دوباره هجوم کردن ، ویاسراسر رجعت نمودن بحلول شب إنتظار میکردند .

در اپریل سنهٔ (۱۹۰۴) برگید (ماردینوف) روسی درهجوم (آنچو) نیز همچنین حرکت کرده بود . برگید (ماردینوف) قطعه های خودرا که بسبب بی تدبیری پیشدارتابه نزدیك شهربادشمن بمحاربه داخل شده بود ، ودرزیر آتش دشمن مجال حرکت برای شان نمانده بودبدرجهٔ که زخمیهای خود شانرا نیزبرداشته نمیتوانستند تقویه داده ، و جناحهای خود راحمایه کرده ، تابشب بر محاربه دوام نمود . وچون شب شد زخمی های خودراجمع کرده بکمال امنیت برجعت آغاز نهاد .

(محاربه های شبانه)

بعد ازمحاربه های اوکتوبرکه برنهر (شاحو) بوقوع آمده بودتوپخانه های هر دوطرف محاربه های شبانه راخیلی زیاده استعمال کرده اند واکثر اوقات قوتهای بزرگ مانند غبرك غند ، ولوی غند بمحاربه های شبانه اشتراك کرده اند . اینمحاربه های شبانه یابوقتیکه ظلمت شب بخوبی حلول میکرد ، یابوقت غروب بوقوع می آمد .

در اثنای محاربهٔ (شاحو) بسایهٔ یك هجوم شبانه ژاپانها در (۱۴) م/اوکتوبر یك کندك طوپچی روس راسراسر محوکرده بودند . صورت وقوع این هجوم دریك رسالهٔ فنی حرب روس باینصورت حکایه شده است :

« درطرف صبح یك دمهٔ پیدا شده بود . ستاره هایکان یکان خاموش میشد . درده پیش رو یك آتش تفنگ شنیده شد . درطوپخانه های روس یك بیداری وهوشیاری تمام حکمفرما بود . یکی یکبار ازمیان موجهای مه پیش آمدن یك خط پدیدار گردید . سایه های که این خط رانشکیل میداد بسرعت تمام برطوپخانه هایش می آمد . درعقب این خط دیگرخطهاپیش میشد ، و لحظه بلحظه صداهای تفنگ بیشتر شده میرفت .

« در اول امر روسها چنان پنداشتند که این آیندگان رفقای خودشانست که ازپیش دشمن گریخته میآیند . ازانسبب برای انکه رفقای خودشان اضرر دیده نسازند بایك زاویهٔ بزرگ رمی آتش میکردند . درین اثنا خطهای شکاری دشمن از تپه فرو آمده جناح چپ یکی از طوپخانه هارا احاطه کردند . رفته رفته مسافه کمتر شده میرفت . روسها هنوز درشبهه بودند . آخرالامر سایه هاچون بقدر (۱۵۰) خطوه نزدیك شدند به تحقیق پیوست که اینها ژاپون است .

« همانـدم فیوزهای شراپنلهارا بحد صفر تنظیم کرده بزودی تمام آتش کشادن امر کرده شد . زیرا کلهٔ رون مرجود نبود . لهذا شراپنل عمقاً اجرای تأثیر نکرده ژاپانها رانوقیف کرده نتوانست . قوماندان طوپچی برگد (سومه لنسکی) یکی از جملهٔ مقتولان بود مومی الیه وقتیکه میمرد (قاها) ونشانگاه های طوپ هارا به کشیدن وگریختاندن امر نمود .

« طوپ هاازآتش کردن در افتادند . چونکه محاربهٔ اسلحهٔ جارحه آغاز کرده بود . اسپ های طوپ هانیز همه تلف شده بودند . قوماندان طوپخانه چون تلف شدن اسپ هارا بدید ، بردن طوپ هارا بشانه ها امر نمود . به اینصورت دوطوپ را نایکچند خطوه بشانه کشیدند ، ولی همهٔ افرادیکه آن راحامل بو

دند مقتول ومجروح شدند .

« این است که باینصورت قسم اعظم افسران . وافراد ، واسپ ها تلف شده وطوپ ها هم ضبط گردید . تنها بعضی (قاهای) طوپ ها از طرف روسها گریخته شده بود . »

این مسئله باین محاربه واضح شد که هر گاه پیاده بقدر (۱۵ تا ۲۰۰) خطوه بیك طوپ خانه نزدیك شوند بهمه حال برمقصد خود نایل وکامیاب میآیند .

در شب (۱۶) م و (۱۷) م اوکتوبر ، برتپهٔ (پوتیلوف) ، ودیگر تپهٔ مجوار آن از طرف روس ها یك هجوم شبانه اجرا شده بود ؛ باین محاربه که هنوز از روز آغاز نهاده بود از هر دو طرف قوهٔ عظیمه اشتراك کرده بود . از طرف ژاپانها لوی غند (۱۰) م کاملاً ، واز طرف روسها ارلوی غند های مختلف نزدیك به (۷) غند یك قوت اشتراك ورزیده است .

این قطعات برسه مفرزه تقسیم شده بود . اما همهٔ آن در زیر ادارهٔ یك قومندان بود . حالا نکه درمابین این مفرزه اتحاد حرکت حاصل نشده بود .

در طرف راست غبرك غند (پوتیلوف) ، در مرکز قطعات جنرال (نوویقوف) که از (۳) غند و (۲) کند ك مرکب بود . در طرف چپ یك غند شکاری موجود بوده .

این محاربه که تفصیلات آن در جلد چارم کتاب ما مفصلاً مذکور ، وبنام محاربهٔ تپهٔ (پوتیلوف) مشهور است یکی از مثلهای درخشان حرب روس و ژاپان را تشکیل میدهد . این محاربه بخوبی نشان داده است که در شب باقطعات بزرك اجرا کردن هجومهای قطعی ممکن میباشد . در ینمحاربه بر چه اهمیت فوق العادهٔ خود را بمیدان براورده است .

والحاصل محاربه های شبانه برای ضبط واستیلا کردن نقطه هائیکه در روز نزدیك شدن بهانها ممکن نباشد چارهٔ یگانه امکان را تأمین وتشکیل میدهد .

استعمال سرنیزه

بنام دیگر (برچه)

درتجارب حربیه هرکس درهمین سعی است که همان دلایلی را پیدا کنند که اصابت نقطهٔ نظر خودش رانشان بدهد. وازین است که المانها حرب (مانجو ری) رادرصورت عمومیه برای مظفریت (تعبیناً تش) مانند یك برهان قاطعی نشان دادن میخواهند. بلی درین هیچ شبهه نیست که در محاربهٔ پیادهٔ اتش معناً ومادةً قیمت بسیار گرانبهایی رامالك است. چونکه هرگاه مهاجمین از مسافات وسطی به اتش پیاده احراز تفوق نکنند احتمال موفقیت درهجوم قطعی گاهی تصور نمیشود.

مع هذا این را هم تسلیم باید کرد که از محاربهٔ سنهٔ (۱۸۵۹) سفرحرب فرانس درایتالیا باینطرف استعمال برچه چنانچه درین حرب روس وژاپان دریکمقیاس بزرگی بوقوع آمده دردیگرهیچ حربی واقع نشده است.

بحقیقت خواه درپیش گاه (پور آرتور) درمحاربه های قلعه وخواه در (مانچوری) درمحاربات صحرا برچه بصورت بسیار واسعی استعمال شده است.

نظر به ایستاتستیقهائیکه اطبا داده اند درینمحاربهٔ اقصای شرق درمیان زخمیها در صدی (۸۰ تا به ۸۵) از گلهٔ پیاده درصدی (۸) از گلهٔ طوپچی، در صدی (۷) به سرنیزه زخمی موجود شده است که ازینهم معلوم میشود که برچه برابر صنف طوپچی تخریبات بعمل آورده است.

بناءً علیه چنانچه بعضی کسان اعتقاد کرده اند که برچه عبارت ازیك ثقلت بی لزومی شمرده میشود، چنین نیست زیراهنوززمان رفع کردن وبرداشتن آن نرسیده است، چونکه تجارب اخیره حل اینمسئله را بیك زمان

آیندهٔ مجهولی واگذاشته است . در روسیه به تعلیم برچه خیلی زیاده اهمیت داده میشود . حتی عسکر پیاده در حال رفتار نیز دایما تفنگ را بحال (برچه یك) میبر دارند . اگر چه این یك احتیاط مفرط است . معهذا در یك زمان بحران انگیزی این حرکت احتیاطکارانه باوقت ضایع کردن برچه انداختن تضمین میشود . در (۲۴) م جولایی در محاربهٔ (داشیچاعو) یك غند سیبریا بر قطعات ژاپانها یك هجوم مقابل اجرا کرده بودند . حال آنکه ژاپانها برای برچه انداختن وقت و فرصت نیافته بودند .

همه محاربه های این حرب اخیر به اثبات رسانیده که ، در وقت هجوم ، برچه یك واسطهٔ قطعی ایست که نتیجهٔ مظفریت را تعیین میکند . زیرا اکثر اوقات طرفین متخاصمین تا بمسافهٔ برچه بهمدیگر نزدیك شده اند ، و به اینصورت کلوبکلو محاربه کرده اند .

چنانچه پیش ازین هم گفته شده بود که هروقتیکه مهاجمین تا بصد خطوه نزدیك میشدند ، روسها با برچه هجوم مقابل اجرا میکردند . و این هجومها اکثر منتج موفقیت هم میشد که این هجومهای مقابل . قیمت معنویهٔ برچه را اظهار کرده است . در حقیقت که نظر شود این یك هیچ قابل انکار نیست که ژاپانها با وجودیکه در هجومهای خود شان در خصوص شدت و متانت ، و استحقار مدت جسارت و دلاوریهای فوق الحد نشان میدادند ، ولی باز هم در پیش این تهلکهٔ برچه کردن خم میکردند . درین هم هیچ شبهه نیست که سبب اینهم قسماً از تفوق جسمانی روسها پیش میآمد . یك برگدروسی در تالیف خود چنین نوشته است :

« برچه در دست عسکر های ما از قیمت خود هیچ چیزی ضایع نکرده است . من در اینجا چیزهائیکه برای العین مشاهده کرده ام مینویسم : یك قوت

عسکریهٔ ماکه ازیك غندو (۲) کندك مرکب بود در (۱۱) م اوکتوبر (اندونیولیو) نام یك قریه رابی آنکه یك گلوله بیندازند باهجوم سرنیزهٔ شبانه ضبط نموده اند . ودرینمحاربه ژاپانها را بیشتر به (۱۵۰۰) ضایعات دوچار کرده اند . برای مثال درینجا تنها حرکت یك صوبه داری را که به غند مذکور منسوب بود حکایه میکنیم :

« غند ما ، یکدهی را که درجبههٔ غرب ، وضع مستحکم (موکدهن) بود اشغال کرده بودند : در وقت صبح (۸) م مارچ ، ژاپانها هجوم کردند . ژاپانها بقدر (۵۰۰) متر بموضع مانزدیك شدند ، ولی درمقابل آتش بسیار شدید ماطا قت نتوانسته باضایعات عظیمه رجعت کردند . لکن یك قسمی از انها ، یکقدری درپیش روی این ده درمیان قبرستانهای کهنهٔ چین النجا کزین شده بود . بعد از نیمساعت ازین جهت یك آتش شدید تفنگ برما آغاز نهاد که این آتش موضع مارا در زیر آتش بغلکی میگرفت ، وسبب یك برهمی ودرهمی بزرگی میشد . چونکه هم سبب ضایعات مامیشدهم مواصلهٔ مارا باده قطع مینمود .

« لهذا اولا کرچه با آتش جمع یکجایکنی و بعدازان بامیترالیوزها برای کشیدن ژاپانهارا ازانجا کوشش ورزیده شد لکن ممکن نشد . زیرا اینمحل که از سه طرف باکوتهای خاك محاط بودبرای ژاپانها یك سترهٔ مکملی تشکیل مینمود . تنها جهت چارم شان بسوی غرب باز بود .

« ساعت (۱۱) بود که صوبه دار (سته فانقو) برای دفع کردن ژاپان هارا ازین جا ازقوماندان اجازه خواست . قوماندان غند بعدازانکه ترتیب حرکات صوبه دار را شنید اجازه داد .

« صوبه دار (سته فانقو) از مفرزهٔ خود (۶۰) نفرداوطلب جدا کرد . ازهمه پیشتر برجبههٔ (۱۰) نفرفرستاد . این ده نفر برسینه خزیده خزیده و

ازاراضی استفاده کرده تابه (۲۰۰) خطوه خودرا به ژاپانها نزدیک کردند. وازانجا یك آتش شدید تفنگ اجرا کردند. این حال غیر منتظر نظر ژاپانهارا به آنطرف جلب نمود. ژاپانها برین ده نفر که عدد قوت آنها به ایشان معلوم نبود همه آتش خود شان را توجیه نمودند. صوبه دار ازین دقیقه استفاده کرده با (۵۰) نفر عسکر معیت خود به طرف چپ قبرستان بکمال سرعت وچابکی دویدند. ودرانجا نقطه های مساعد وموافق را استیلا کردند. ویك آتش بسیار شدیدی بر ژاپانها باز کردند. درین اثناسه نفر کشاف به صوبه دار خبرداد که درعقب قبرستان یك جاخالیٔ خوبی موجود است که ژاپانها آنجارا نگرفته اند. هماندم صوبه دار (۲۰) نفررا درانجا فرستاد تعلیما تیکه صوبه دار به آنها داده بود این بود که دراول امر یك بولی آتش یکجایکی داده وبه اینصورت ژاپانهارا بازی بدهند که برزمین بخوابند، وچون خوابیدند هماندم بهجوم برچه برانها برخیزند.

«اینحساب صوبه دار درست برامد: ژاپانها به بولی (تولی) برزمین خوابیدند. درهمانساعت آن (۲۰) نفر بهجوم برخاستند. (۳۰) نفردیگر قبرستانرا درزیر آتش بغلکی گرفته بودند. ازین هجوم، ژاپانها بحیرت افتاده برنفریهای هجوم کننده روی خودرا گردانیدند که بقوت آتش آنهارا دفع کنند. درین اثنا صوبه دار (سته فانقو) با (۳۰) نفر همرا همان خود باربرچه بهجوم برخاست.

«ژاپانهارا یك پریشانی عظیم استیلا نموده فرارکردند. دیگر تولی ها ومترالیوز های روس که منتظر فرصت بودند باآتشهای شدید ژاپانهارا کوبیدن گرفتند. واز(۵۰۰) نفرژاپانهاتنها (۷۰) نفرشان رهایی یافته باقی مقتول ومجروح افتادند. این محاربه که ازوقت پیشین آغاز نهاده بود بساعت

یك به انجام رسید ».

این مثال هم نشان میدهد که یك مقصدیکه بخوبی دران اندیشه شده باشد، وعزم قوی دران باشد محققست که بموفقیت وکامیابی نتیجه پذیر میشود.

(صلاحیت)

یعنی اختیار داری

مهمترین اسبابی که در محاربهٔ پیاده نیزروسها را عاجزوکم زورداشته بود همین بود که افسران کوچك شان هیچ قیمت عسکریه را مالك نبودند، و برخود شان هیچ اعتمادنداشتند، وچون ژاپانها که از خود صاحب رأی و قرار هستند آنهاازین اقتدارسراسر محروم میبا شند. وتعلیم وتربیهٔ شان بدرجهٔ کفایت نیست.

این چنان یك نقصان عظیمیستکه تول غند روس هیچگاه بر رفع وازاله کردن آن موفق وکامیاب نخواهد آمد. روسهادرزمانهای بحران انگیز محاربه در اطراف افسران خودگرد آمده هرچیزرا ازانها امید میکنند. اینحال در فطرت قوم روس موجوداست. برای عسکر روس بهمه حال یك سائق ورهبرلازمست که باسوق وتأثیر آن بیکجایی رفته بتوانندویك کاری کرده بتوانند. اهالی روس ازاهالی هر جازیاده ترجاهل میباشندکه ازان سبب انتخاب افسران کوچك از میان آنها یك مسئلهٔ بسیارمشکلیست.

در تول غند روس نظامهای بسیار کثیف استعمال کردن، و در زیر آتش دشمن درنظام بهم چسپیده قطعه هاراداشتن، وآتش جمع ویکجایکی رابسیار استعمال کردن، ودرخصوص آتش شکاری که درمسافات وسطیه و قریبه خیلی مؤثراست اهمال ورزیدن همه کی ازهمین سبب است. سبب یگانهٔ بسیاری ضایعات افسران شان نیزهمین است که افسران کوچك شان بی

اقتدار هستند .

آمدیم بر ژاپانها : صلاحیت، وذکاوت افرادشان بیشتر، وتعلیم وتربیهٔ افراد افسران کوچك شان مکملتراست . درأثنای محاربه ، افسران کوچك آتش ، و شکاریها را بخوبی اداره میکردند . لهذاافسران بزرگتر بوظیفه های مهمتری که اصل بخودشان عائدبود حصر دقت کرده خودشانرا به آنقدرتهلکه نمی انداختند . وباتفرعات کوچك زمان خودشانرا ضایع نمیکردند .

(افسران کوچك عبارت از حواله دار ، کوت حواله دار ، لنداك ونایك وامثال آنها که کریج بندنبستند میباشد ، وافسرازصوبه دار آغاز میکنند .)

نظر بشرایط جدیدهٔ محاربهٔ پیاده ، این صلاحیت واختیارداری افراد وافسران کوچك از شرطهای لازم وضروری دیده میشود . تنها قوماندانهای کندك نی ، بلکه قوماندانهای تولی ، وحتی بلوك نیز مسئولیت را بذمه گرفته، بکمال صلاحیت و اختیار قرارهاداده وآن قرارهارا باجراوتطبیق کردن مجبور میباشند . بناءً علیه برای اینها نیز یك فکرتعبیوی مکمل ورو شنی لازم است . اکثر اوقات میشود که نفری نیز خود بخود بحرکت کردن مجبور میشود . بناءً علیه فکر آمرخودرا بخوبی دانستن وآنرا بموقع تطبیق رسانیده توانستن لازم است .

شکل و منظرهٔ محاربهٔ جدیده

اول چیزیکه محاربه را بازمیکند ، وشکل وصورت محاربه را میبندد، همانا محاربهٔ (طوپچی) ست . اگرچه درمحاربه های قدیم هم وظیفهٔ آغازنهادن محاربه بطوپچی عائدبود ، ولی درینزمانهابسیار مدت بلکه اکثراوقات روزها دوام میکنند . گردباد های طوفان انتهای گله ها هوای نسیمیرا بشدت پاره

میکنند ، وغرش مانم انگیز آن یك ولولهٔ دوزخینی بوجود می آورد . سقوط واشتعال شرانپلها ، وطوربیلها باصفهای ابرپاره های کوچك کوچك دودهای آتشین معلوم میشود . طوپهائیکه این بارانهای بلای گله هارا میریزاند در عقب سترهها ئیکه بصورت بسیار ماهرانه ترتیب شده ، ویادرعقب ستره های زمین ، ویاتپه ها پنهان گردیده بیك حال غیرقابل رویئت مانده اند . اما باوجود آنهم گاه گاه شعلهٔ زردهیبت ناك ، یك دهن ناری ، وولقان مانند طوپهارا افشا میکنند اکثر اوقات انداخت اندیرکت استعمال کرده میشود . چونکه درخصوص تستر وتحفظ هر طوپخانه ئیکه اعمال کارانه حرکت بکنند به تحزیب بسیار سریعی محکوم میماند .

در اثنای این محاربهٔ طوپچی که ازمسافهٔ (٤ تا ٦) کیلومتربوقوع میآید ، پیاده ها در میان استحکامهاوسترهها ئیکه ازشب آنراساخته اندسا کنانه و وسا کنانه انتظار میکشند . اطراف این استحکامها بادامها وشبکه های سیمی وکرکدامها ، ونقبهامدافعه کرده شده میباشد . درحالتیکه یك چند صدهزار آدم در مقابل همدیگر میباشندیك کندك شان هم دیده نمیشود . بصورتیکه هرگاه بطرف میدان محاربه نظرکرده شود چنان گمان میشود که یك میدان خالی وتنها ئیست . گاه گاه یك (بالون) ثابتی درمیان طبقات هوابالامیشود که آنهم بایك سیم تلفون بزمین مربوط میباشد . در میان سبد این بالون یکدونفرافسری دیده میشود که آنهاهم بهمین سعی وکوشش هستندکه مواقع طوپخانه های دشمنرا کشف کرده ترصدات خود شانرابواسطهٔ تلفون به قوماندا نهائیکه برزمین هستند تبلیغ کنند .

بریك تپهٔ مرتفع دیگریك جنرالی دیده میشود که بایك دوربین بسیار تیزبینی طرزجریان محاربه را تعقیب میکنند . این جنرال بواسطهٔ تلگراف

صحرا ، ویا تلفون ویابواسطهٔ چاووشهای او امررسان بقطعات مختلفه احکام واوامر تبلیغ میکنند .

درائنای محاربه صنف سواری یعنی رساله را می بینیم که ازاسپها فرو آمده ، ودرعقب جناحها پنهان شده برای رفتن بیك نقطهٔ تهلکه ناك بفرصت انتظار میکشد . هروقتیکه یکی ازطرفین مخاصمین دیدکه طرف مقابلش بدرجهٔ کافی باآتش طوپچی میده وکوبیده شده بلرزه درامد ، هماندم پیادهٔ خودرا بهجوم سوق میکنند . امامانند محاربه های پیش ، درین محاربه های عصر حاضر آنچنان نظامهای کثیف بهم چسپیدهٔ نزدیك دیده نمیشود . بلکه دیده میشودکه غروپهای (۱۵) نفری ، و (۲۰) نفری بافاصله های ازهم دور ، و هرغروپ بحساب خود ازهمهٔ عوارض زمین استفاده کرده ازیك ستره بدیگرستره باقدم دویدن پیش میروند . واگرزمین کوهستان ، وچقری وچقوری بسیاری داشته باشد دیده میشود که گروپهای مذکور ازشیله ها ، وچقوریها ، ودره ها خود را الخشانیده بهآنصورت به پیش رفتن کوشش میورزد . همهٔ این گروپهای کوچك بی آنکه انداخت تفنگ اجرا کنند یکسر بسوی هدف مقصود یك تشبث متقارب اجرا میکنند وچون بیك مسافهٔ کوتاهی آمدند با هجوم سرنیزه نتیجه را بدست آوردن میخواهند .

اینستکه این دور ، بحران انگیز ترین آوان محاربه است . طرف مدافع درینوقت همهٔ تفنگها ومترالیوزهای خودرا بشدت تمام بفعالیت میدارد ، وبر مهاجمین مانند باران وجاله آتش میریزاند . درچنینوقت هیچ شبهه نیستکه هرطرفیکه قوهٔ معنویهٔ مکملتررا مالك باشند نتیجهٔ ظفریت راحاصل میکنند . دراکثر اوقات سینه بسینه گلو بگلو محاربه بوقوع میآید . سرنیزه درینوقت به اجرای وظیفهٔ خود آغاز میکنند . اکثر همچنین هجومها بشب بوقوع میاید ،

مهاجم بسوی پیش پی هم موجهای نفری سوق میکنند ، پیشترین موجه ها محو میشوند ، ودر پیش دامها وشبکه های سیمی دوچار توقف میشوند ، ودر کرک دامها سراسر زایل وپریشان میگردند . اما بجای آنها دیگر موجه ها میرسند ، وبرگشته ها قدم نهاده میگذرند ، وآخر الامر موضع دشمنرا ضبط میکنند .

اینستکه به اینصورت در روز تنها آتش طوپچی وگاه گاهی بصورت مستثنا هجوم پیاده واقع میشود . وچون شب شد طوپچی التزام سکوت کرده هجوم سرنیزهٔ پیاده آغاز میکنند . یعنی پیاده درصورت عمومیه در روز ها میان سپرهای خودشان استراحت گزین عافیت میبودند ، ووظیفهٔ اصلیهٔ خودشانرا درشب ایفا میکردند . وطوپچی بعکس آن کار میکردند .

اینستکه درصد (۸) محاربه هائیکه در اقصای شرق بوقوع آمده همین شکل ومنظره رانشان داده است .

معهذا این طرز جریان محاربه بطرز ثابت و قطعی قبول نمیشود که در استقبال هم درمحاربه ها همین حال ، وهمین شکل ، ومنظره بوقوع آید . اگر چه روسها و ژاپانها بواسطهٔ آتش پیاده در خصوص حاضر کردن هجوم بصورت مکمله اهمیت نداده اند امابرای تامین موفقیت وکامیابی باینهم اشد لزوم میباشد . ذاتاً ژاپانها بسبیکه به اینمسئله عطف اعتبار نکرده بودند جزای آنرا بضایعات عظیمهٔ خودشان کشیده اند . چونکه درهمه هجومهای خودشان بضایعات عظیمه دوچار شده اند .

معهذا چنانچه پیش ازینهم گفته شده بود که بشرطیکه از اراضی بصورت مهارتکارانه استفاده شود و وقتیکه بمسافهٔ بسیار کوتاه نزدیکشدند بهجوم سر نیزه برخاستن برای استحصال غلبه وظفر ازوسایط یگانهٔ فتح وظفر شمرده

میشود که اینمسئله را نیز بصورت جدی بنظر مطالعه گرفتن لازمست .

تأثیر امر و قوماندهٔ آمر و قوماندان در وقت هجوم بر خط شکاری رفته رفته کمتر میشود . افسر تنها بسر خود بلوك خود را در زیر آتش اداره نمیتواند، کپتان نیز تولی خود را سوق و اداره نمیکند . تأثیر افسر در چنان وقت تنها برهمان قطعه ئیکه باخود اوست ویك کمی که در جوار اوست منحصر میماند . معهذا این افسر ما لغهٔ خود را بصورت (مانعهٔ استقامت) استعمال کرده نمونهٔ امتثال دیگر قطعه ها کرده میتواند . درجهٔ صلاحیت و اختیارداری افسران کوچك بیکدرجهٔ واصل شده که به افسر کلان در چنان اوقات در حرکات هیچ احتیاجی باقی نمانده است . این حسن صلاحیت ، در وقت حضر تنها به افسران کوچك نی ، بلکه به شکاریهای منفرد نیز بخوبی دانستانده و آموختانده میشود . تبلیغ اوامر در چنان هنگام باصدا اجرا کردن ممکن نمیشود . و از ینسبب قطعه های متفرقهٔ دیگر ؛ قطعهٔ استقامت افسر را مدنظر و استاد گرفته به اشارتهائیکه بدست ، یا بشمشیر میدهد بحرکت کردن عادت گرفته میباشند .

سوق و اداره کردن احتیاطها از اول خیلی مشکلتر شده است . در بخصوص از همه عوارض زمین استفاده کردن از واجبات شمرده میشود . این است افکار و قواعد عمومیه ئیکه الیوم در تول غند های اوروپا در باب محاربهٔ پیاده جاری و حکمفرما میباشد .

در ختام این بحث خود از اصول ماهرانهٔ هجوم یك قطعهٔ پیادهٔ تول غند جنرال (نوژی) که بر یك طوپخانه اجرا کرده ذکر و بیان مینمائیم: قطعاتیکه برهجوم مأمور بودند روهای شان بسوی هدف متوجه بود . و بر بعضی قطارها تقسیم ، و هریك ازین قطارها پنج پنج نفر شده یکی در عقب دیگر در کشیده شده بودند . این قطارها برای استفاده کردن از اراضی خزیده خزیده پیش میرفتند

که روسها آنرا (قطارهای مار پیچ) نام نهاده بودند . بحقیقت که همچنین هم بود زیراچنانچه مار حلقه های خودرا پی همدیگر نشان میدهد این قطارهای به همدر کشیده گیهای پنج نفری خودرا همچنان پی همدیگر بدشمن نمودار میکردند

بمجردیکه اشارت داده میشد در کشیده گی پنج نفری اول بقدمهای دویدن بقدر (۳۰) خطوه به پیش تاخته درانجا برزمین میخوابید ، وبهمین صورت هردر کشیده گی پی همدیگر همین مانوررا اجرا میکردند . وبعد ازانکه درکشیدگی آخری به آنها ملاقی میشد قطارها باز بهمین صورت بسوی پیش یك حرکت مار آسای نوی اجرا میکردند . وتا بوقتیکه بهمین صورت بیك مسافهٔ کوتاهی میرسیدند به تضییق احتیاطهاکه ازعقب میرسیدند بهجوم آغاز مینهادند . بزرگترین فائدهٔ این هجوم که روسها آنرا به (طرز هجوم نوژی آسا) توصیف کرده اند این استکه به آتش دشمن یکهدف بزرگی تشکیل نمیدادند . چونکه تنها پنج پنج نفر به آتش دشمن معروض میشدندکه طوپخانهٔ دشمن برچنین افرادیکه عمق آن کم وکوچك بود بیك صورت مؤثر آتش کرده نمیتوانستند .

ازین ملاحظات این چند فواید ذیل استخراج وتظاهر میکنند :

۱) یك موضعیکه خوب مدافعه شده باشد برای ضبط کردن آن تنها آتش کافی نیست . بلکه یك تعرضیکه بکمال عزم وشدت تابه صفحهٔ آخرینی که استعمال سرنیزه را ایجاب میکند اجرا کردن لازم است که این تعرض قوهٔ تدافعیهٔ دشمنرا کلیتاً ابطال کرده میتواند .

۲) خطهای شکاری که متصل ، ومنتظم ، وکثیف باشد درداخل منزل مؤثر انداخت طوپچی ، یعنی از (۳۵۰۰) متر بضایعات بسیار مدهشی گر رفتاری آیند .

۳) در نظام بهم نزدیك ، قطعات درداخل اینمسافه بشرطیکه محفوظ باشند ، محافظهٔ موجودیت کرده میتوانند .

٤) با جزؤتامهای قوتناك با (بلوکها) حرکات جهیدن غیر ممکن است .

٥) هرگاه خطهای شکاری کمتر کثیف استعمال شود ، وازاراضی بخوبی استفاده کرده شود مهاجمین دایما بموضع دشمن بحرکت کردن ، وبرای هجوم بردن دریك مسافهٔ کوتاه بجمع کردن قوای کافیه موفق میشود .

٦) در مسافه های کوچك ، برای حرکت کردن به پیش حاصل کردن تفوق آتش رابیشتر شرط الزم است .

۷) بعد ازانکه این تفوق آتش حاصل شد ازهمه موضعهائیکه برای انداخت مساعد وموافق باشد یك آتش شدتناکی اجرا کرده شود که به اینصورت محافظهٔ تفوق آتش ممکن شود ، و اینهم بصرف کردن جبخانهٔ بسیاری موقوفست .

۸) در مسافات بسیار نزدیك شکاریها بسببی که بیك حال فوق العادهٔ عصبئی گرفتار می آیند ازانرو برغم قواعد نظریه صحت انداخت درینمسافه هازایل وضایعات بسیارکم میشود .

۹) درمقابل این اسلحهٔ جدیدهٔ مکمله اجراشدن یك هجومیکه بموفقیت نتیجه پذیر گردد اگرچه سبب ضایعات عظیمه میشود ، ولی ازقدیم الایام به اینطرف ممکن الاجراست درهر صحیفهٔ تاریخ حرب تعبیهٔ تعرض دایما قیمت وشرف شعشعه بارخودرامحافظه کرده آمده است .

۱۰) یك جزؤتامی که یك جبههٔ واسع رافرا گیرد ، هم ضایعاترا کم میکند وهم قوهٔ معنویه رامحافظه میکند .

(یگانگی در کوششها وحکمها)

صنوف مختلفهٔ عسکریه در خصوص اشتراك حرکت ، ویگانگیشی سعی غیرت بیکدیگر خود بدرجهٔ فوق اماده محتاج میباشند . اما این احتیاج علی الخصوص برای صنفهای پیاده ، و طوپچی اشد لازم غیر فارق ، و ضامن فتح وظفراست .

لازم بودن حرکت وفاق و اتحاد در مابین پیاده وطوپچی در هیچوقت انکار نشده بود ، اما امروزه روز بدرجهٔ ثبوت وصراحت قطعی رسید ، واز هرگونه ابهام و اغلاق آزاد شد .

چونکه طوپچی برای پیاده بمحاربه آغاز میکنند . واز کلهٔ نخستینیکه می اندازد تابه کلهٔ آخرین خرد درهر آن وهرزمان تنها مظهزیت پیاده رامی اندیشدوسوق کردن آنرا بمنزل مقصودش تفکر میکنند .

درمحاربات گذشته نیز پیاده وطوپچی از اول تابه آخر کوشش شان کم وبیش برای یك کار ویك مقصد بود . امابازهم به ایندرجه نبود . چونکه تابحال طرز محاربهٔ طوپچی وپیاده را ازیکدیگر شان تایکدرجه جدا وفرق دار تصویر و تحریر میکردند ، ودر تعلیمنامه ها چنین مینوشتند که : طوپچی ازهمه اولتر باطوپچی دشمن بمجادله میدراید ، ودرین مجادله به استحصال تفوق وحاکمیت سعی وغیرت میورزد ، وبعدازان آزادانه به پیادهٔ خود بمعاونت کوشش میکند . این است که تابحال این فکر وتصور بنای مطالعات کتابهای تعبیه ، وتعلیمنامه هارا تشکیل مینمود .

حالا آنکه بعد ازین محاربهٔ ژاپان این صورت تفریق اهمیت واعتبار خودرا غایب کرده وظیفهٔ یگانهٔ طوپچی عبارت ازمعاونت کردن ، واستنادشدن پیاده

مانده است . و بجز همین وظیفه دیگر وظیفهٔ به اوداده نشده است .

فتح وظفر اساساً به پیاده ، وبحرکات وموفقیات آن وابسته میباشد . صنف پیاده در حرب چنان یك صنف مهیبیستکه بزرگترین تأثیرهارا او بحصول میاورد . و به بزرگترین تلفات او معروض میشود ، و در هرگونه کارهای تعرض ومدافعه او مأمور است . ودرشب وروز درهرگونه اراضی پوشیده وباز بیك چستی وچالاکی بزرگی به اجرای حرکت او مستعد ومقتدر است . چنانچه قبل ازینهم گفته شده بود که درصدی (۸۰) تا (۸۵) تلفات وضایعات از کلهٔ پیاده ، ودرصدی (۷) از سرنیزهٔ او بعمل می آید . بناءً علیه ازینهم معلوم میشود که تلفات عمومیه درصدی (۹۰) از طرف صنف پیاده بروی کار می آید . پس گفته میشود که ژاپانها مظفریت خودشانرا محض بسایهٔ پیاده های متین وفعال جوانان خودشان بدست آورده اند .

لهذا در یکنظر دانسته میشود که نظر به این زیدهٔ اومه فیکه در حق صنف پیاده عرض کردیم سرمایهٔ افتخار صنف طوپچی همین است که به این صنف بزرگ پیاده که از جهت آتش نظر به پیاده اقتدار بزرگتر را مالك است معاونت جدیه و حقیقیه برساند .

در محاربات گذشته سوء نتایجیکه از استعمال تأثیرات منفرد ومتفرق پیاده وطوپچی بعمل آمده است بسیار دیده شده است . در محاربهٔ (پلوته) روسها به این خطا بسیار جانها فدا کرده اند . روسها چهار روز بلا فاصله موضعهای عثمانی را با آتش شدیدناك طوپچی خودکوبیدند . بعداز ان پیادهٔ خودرا بحرکت پیشرفتاری سوق کردند . درانثنای آتش طوپچی که تنها بسر خود اجرای تأثیر میکرد عساکر عثمانی از خندکهای موضع خودشان خودشانرا کشیده هیچ متأثر نشده اند ، و بعداز انکه طوپچی سکوت نموده پیادهٔ

روس پیش آمده است هماندم بازعساکر عثمانی بموضع های اصلی خودشان درا مده به آتش بسیار شدتناکی عساکر روس را بحال پریشانی برجعت مجبور کرده اند ، و به اینصورت همه هجومهای شانرا عقیم گذاشته اند .

در اثنای حرب (انگلیز و بوئر) که انگلیز بعدم کامیابیهای مختلف و بسیاری دوچار شده اندهمه ازهمین بی آهنگئی که درمابین یگانگی کوشش طوپ چی و پیادهٔ شان بودبوقوع آمده است . انگلیز هاچنان خیال میکردندکه باطوپ های بزرگ چاپ بسیار خوداز دور آتش بسیار شدیدی اجرا کرده بوئرهارا بیك حالی درارند که در موضعهای خود ایستاده پایی نتوانند . وبعدازان بکمال آسوده گی پیاده های شان دستهای خودشان را جنبانیده ، وموزیکه نواخته به موضع های شان درایند . چنانچه در محاربه های میدان (قوله نزو) و (ماکرس فونتاین) پیش از تعرض پیاده انگلیز ها از طرف طوپ های بزرگ چاپ کشتئی خود دوروز متمادیاً بومبارد مان اجرا کردند . اماقسم اعظم این طوپ هابرموضعهای خالی وتنهانیکه یگدانه (بوئر) دران نبود گله انداختندکه بالطبع ازین بومباردمان مدهش هیچ یك نتیجهٔ حاصل نشده بود .

لهذا یگانه مقصداز آتش طوپ چی همین است که دراثنای بومباردمان پیادهٔ خودرا نیزمتصل به پیش براند وموضع دشمنرا بقوت پیاده ضبط کند ، وطوپچئی دشمنرابه هویدا کردن مجبور گرداند .

پیاده وقتی که به پیشرفتاری آغاز کندازطوپچئی خودبه معاونت دیدن و استناد یافتن مجبور است . این استنادومعاونت علی الخصوص درتعرضهائیکه بر موضعهای مستحکم صحرا اجرا کرده میشود خیلی لازم وقیمتدار است در چنین جاها گله های تخریب خیلی ضروروالزم است درطوپ چئی صحرای روس فقدان ونایابئی این مالزمهٔ حربیه خیلی تلخکامیهابه آنها چشانیده است .

جنرال (اوقو) درباب یگانگی سعی وکوشش صنوف مختلف عسکریه خود، پیش از محاربهٔ میدان (موکدن) به تولستوی خود در اوامر یومیهٔ خفیه از قرار ذیل شرح وبیان نموده است :

« آتش طوپ چی برای حاضر ساختن هجوم بالطبع بهترین واسطه هاست ؛ اما اگرچه طوپهای بزرگ چاپ هم استعمال بشود تا پیاده به پیشرفتاری آغاز نکند بر موضعهای دشمن از گله باراندن هیچ نتیجه حاصل نمیشود . اگر هنوز زمان حرکت نرسیده باشد طوپ چی میباید که برای آغاز کردن به آتش بزمان حرکت پیاده انتظار بکشد . پیاده بهرصورتی که باشد باید به پیش برود ، وبااین پیش رفتار ئی پیاده آتش طوپ چی هم آهنگ باید شود . »

این سخنها الیوم از قواعد اساسیهٔ تعلیمنامه های آخرین فن تعبیه میباشد .

حاضر کردن حرکت پیش رفتاری ، وهجوم اکثر اوقات بسیار مدت دوام میورزد . برتمام بودن ، وکملیت حاضر شدن هیچ وقت امنیت کامله حاصل نمیشود . در باب درجهٔ تأثیر وموفقیتی که استحصال شده باشد بازی خوردن بسیار محتمل میباشد ، وهم در عین احتیاج دفعةً طرف مدافعین باقطعات پیاده ویا طوپچی تقویت یافتن شان نیز ممکن الوقوع است . بناءً علیه طوپ چی میباید که مشکلات ، ومقاومت طرف دشمن را که بوقوع آوردن آن محتمل است دایما در نظر دقت گرفته برای محافظه کردن حرکت رجعیهٔ پیادهٔ خود حاضر باید بود .

در بعضی هجومهائیکه بر (پور آرتور) اجرا کرده شده است ، طوپچی ژاپان تا بوقتیکه پیادهٔ شان بخندکهای استحکام دشمن میدر امدند بر آتش دوام ورزیده است . معهذا در صورت عمومیه قاعده همین است که درمابین دو پیاده تابوقتیکه (۳۰۰ یا ۴۰۰) متر حاصل بشود اجرا کردن آتش طوپچی ممکن میشود . بعد ازانوقت، طوپچی آتش خود را برعقب هاتمدید کرده قوای

جدیدهٔ را که برای مدافعین در آمدن باشد میده کنند، ویا آنکه اگر رجعت دشمن بوقوع آید بمشکلات وتلفات دوچار سازند .

اما اینرا هم باید دانست که این رقم (۳۰۰ یا ٤۰۰) متر که گفته شد عبارت از یك قواعد نظری میباشد ، حالا آنکه طوپچی را باید خوب تعلیم وتربیه کنند ، وبکمال اعتنا عادت بدهند که از سر پیادهٔ خود بکمال سکونت و اعتدال دم تا هر قدر مسافه ئیکه ممکن باشد اجرا کرده بتواند . محاربهٔ (سی هون هان) که در (۱۹) م جولائی بوقوع آمده بود برای اینگونه آتش یك مثال بسیار مقنعی تشکیل داده است :

پیادهٔ ژاپان بعد از آنکه یك حاضری بسیار جدی ودقتناکی اجرا کرده شد بیك متانت وشدت بسیار پر قوت و عزمی هجوم نمود ، وبسببی که در آوان هجوم طوپچی آتش خود را منقطع نمود باوجودیکه هجوم را چار بار تکرار کردند باز هم به ناکامیابی منجر گردید .

فائدهٔ اشتراك کوشش طوپچی با پیاده در حال مدافعه بیشتر عیاناً دیده میشود . محاصرهٔ پورآرتور درینخصوص مثالهای بیشماری مالامال است . و در محاربه های میدان (لیائو یانغ ، شاحو ، ... کده ن) این حقیقت به بسی وقایع مؤکده تائید شده است .

بالمقابله پیاده نیز وقایه و حمایهٔ فوق العادهٔ به پیاده میرساند . درینمحاربهٔ روس وژاپان ازینگونه مثالها نیز بسیار دیده شده است . از جمله در محاربهٔ (لیائو یانغ) طوپخانهٔ روس بسبب عدم معاونت و اشتراك پیاده به آتش و هجوم پیادهٔ ژاپان دوچار آمده محو شده است . در (۱٤) م اوکتوبر کندك طوپچی (سمولنسکی) که بر (شاحو) بود نیز بهمین سبب همهٔ موجود خود را غائب کرده است .

این محاربهٔ ژاپان تاثیرات اسلحهٔ موجودهٔ جدیده را که بچه درجه مد هش اند بخوبی تصویر و تجسیم نموده طرفین محاربین را بمصادمه های شبانه سوق نموده است قوتها ئیکه به این مصادمه ها اشتراك ورزیده اند ازمقداریکه تاالحال قبول شده بود ودیده شده بود افزونی گرفته است. به غبرك غندها، ولوی غند ها، حتی به قطعات بزرگتر ازان بالغ شده است. این کیفیت به سر نیزه سر از نو اهمیت فوق العادهٔ بخشیده روسها برای اجرای محاربات شب بدرجهٔ کافی حاضر نبودن خودرا اعتراف کرده اندودرطرف ژاپا نهامکملتر بودن این حاضریهای محاربات شبانه راتصدیق کرده اند.

صنف سواری دریخرب ازاسپ خود بخوبی استفاده نکرده اند. اگر چه در باب حمایهٔ جناحها، وارتباط اقسام متفرق وبعید تول غند رابایکدیگر دراوایل محاربه تایکدرجه خدمت شان سبقت ورزیده، ولی درماههای فبروری و مارچ و محاربهٔ (موکدن) درانخصوص نیزیك فائدهٔ مستحسنهٔ شان دیده نشده.

آمدیم برخدمت کشف که یگانه مقصد ازسواری همانست نیزبیکاره گی که ازسواری دیده شده شایان حیرت است. سواری از حادثات سوق الجیش بدرجهٔ بیخبری غفلت نشان داده است. مرور تول غند (قوروکی) ازشهر (تایچو)، رفتارتول غند (نوژی)، وایضاً حرکات احاطهٔ تول غند (نوژی) یك چیزهای بود که روسها ازان هیچ خبردارنشده اند.

امااین وقایع صنف سواری راازقیمت حقیقهٔ آن نینداخته است. بلکه قیمت سواریرا اعلا، وسواری بیکاره بی قیمت را بدرجهٔ سفلیت تنزیل و اسقاط کرده است. اسباب این بی قیمتی سواری روس رادر نقصان تربیه وتعلیم وقوف و عرفان قاراقها که موجوداصلی سواری راتشکیل داده بود

باید جستجو نمود .

صنف سواری ئیکه مانند برق جوال باشد ، و تربیه و عرفان عسکری آن مکمل بود ، و مانند صاعقه صفهای دشمنرا بدراند ، و بسرعت تلگراف ازاحوال دشمن خبر برساند خیلی یك صنف مدهش و خوف انگیزیست . علی الخصوص تأثیر معنوی که از هیبت و صولت خود در دلهامی اندازد جداً عظیم است .

در (۱۰) مارچ قافله های روس که در رفاقت یك طوپخانه رجعت میکردند بهجوم دو طرب سواری ژاپان دوچار آمده بودند . طوپخانه یك دو گلهٔ انداخته توانسته دران واحد سواری ژاپان قافلهٔ عسکر روس را باطوپخانه برهم ودرهم نمود . این حادثه نیز مثال بسیار در خشانیستکه سواری در وقت رجعت بردشمن چگونه تأثیرات مدهشی اجرا میکنند .

مارشال (اویاما) بسبیکه برای عقب گیری دشمن مقدار مکمل سوار یرا مالك نبود باوجود اعتدال دمیکه داشت بدفعات اظهار تأسفات بیشمار کرده است .

خلاصتهً بازتکرار کنیم که حرب اقصای شرق بخوبی اظهار و اثبات کرده است که سواری بی تعلیم و تربیه هیچ خدمت کرده نمیتواند . و وظایف سواری بسیار دقیق و مشکل یك کاریست . و بسایهٔ استعمال حرکت خود که اسپ سوار باشد ، و هم پیاده باشد وظایف سوق الجیشیه بسیار مهمرا بجامی آرد .

محاربهٔ روس و ژاپان بصراحت و قطعیت تمام اثبات کرده که درمابین صنف های مختلف ارتباط و اشتراك خیلی لابد و لازم است . خدمت ارتباط درنزد روسها بدرجهٔ لازمی و ضروری موجود نبود ، حتی نقلها و روایتهای افسران خودشان همچنین است .

بسیار بار ها شده که یك قطعهٔ سواری رایك قطعهٔ پیاده که درنزدیك

آن بوده بمعاونت خود طلب کرده وسواری در انجا موجود نبوده. گاهی شده که پیاده از طوپخانه ئیکه در جوار او بوده خبر نبوده، ورجعت کرده است، وطوپخانه را بدست دشمن ترك کرده بدر رفته است. اکثر خبرها و امرها درراه غائب شده وبجاهای لازمی آن نرسیده. ویاخیلی دیررسیده. والحاصل یکی از افسران ارکانهای حرب روس که مجروحاً بمملکت خود برگشته بود در (پترسبورغ) یك قونفرانسی داده بلسان بسیار پرتاثیری فریادزنان گفته است: «بسببی که از قطعات معیت ما خبر نمی آمد هیئت ارکان حربیه در اثنای محاربه از وضعیت حرب درمیان یك ظلمت بیخبری ومجهولیت مانده بودند.»

بحقیقت که این سخن افسر ارکان حرب خیلی شایان حیرت وتأسف است حقایق حرب نشان میدهد که هرگاه درباب مانوره هادر وقت حضر بصورت مخصوصه عطف نظر کرده نشود، درزمان حرب ناگواریها وتلخ کامیهای فراموش کاریهای ارتباط وغیره آن را میکشد.

همه مخابرینی که در تول غندژاپان بودند میگویند که کیفیت ارتباط واشتراك در تول غندژاپان به بسیار دقت واهمیت به آن اعتنا کرده میشد. درمابین صنف های مختلف، وقطعه های مجاور وفاق وارتباط درصورت عمومیه خیلی اساسدار بود. خواه در اثنای رفتار، وخواه در اثنای محاربه بکمال استعجال تلگراف وتلفون تأسیس کرده قرارگاههای قوماندانها بایکدیگر ربط کرده میشد. علی الخصوص بیرق های اشارت ودیگر گونه اسباب های اشارتها آنقدر بسیار استعمال میشد که حدونهایت نداشت.

این کیفیت ارتباط که نتایج آن بسیار اهم است هرگاه درهرکس فکر تعبیه موجود باشد، وهرکس احتیاج یکدیگر خود را داند در انوقت بیشتر فوائد و

محسنات میرساند .

در حرب حاضر بسی مثالهای هجوم موجوداست که حقیقتاً بشدت ، و فداکاری بسیار بزرگی تابه نهایت بران وام ورزیده شده . ولی درآن بحران بسببی که بادیگر قوت تقویه نشده به ناکامیابی منجر شده است . در (وافانقو) در بعضی نقاط پیاده های روس باوجودیکه بخندقهای شکارئی ژاپان بقدر (۳۰) خطوه نزدیکشده توانسته است امابسببی که بادیگر قوت تقویه نشده بوددر هجوم آخرئی خود موفق وکامیاب نیامده اند .

لزوم احتیاط — احتیاط برای نتیجهٔ موفقیت ها ازلوازمات ضروریهٔ حربیه دیده میشود . تعرضی که بریك جناح دشمن اجرا کرده شود بقوت احتیاط دفعه کرده میشود . در (۲۶) م آگست درمحاربهٔ (لیاویانغ) حرکت غند (زارایسق) روس درینباب یك مثال بسیار رعنایی تشکیل میدهد . برگد (ماریتنوف) حرکت موفقیت کارانهٔ غند خودرا به اینصورت بیان وحکایه میکند :

« در (۲۵) م آگست ، ازقوماندان بزرگ امر مانع شدن حرکت احاطهٔ ژاپان هارا که بر جناح راست مفرزهٔ شرق توجیه واجرا شده بود گرفتم . مفرزهٔ من عبارت ازیك غندپیاده ویك طوپ خانه طوپ چی ویك طرب سواری بود .

« درنیمشب وقتیکه فجرطلوع میکرد از (چوفانتون) حرکت کردم . واز درهٔ که درمابین (چوفانتون) و (آیداغو) بودبیك رفتار بسیار زحمت ناکی که حتی طوپ های خودرا نیزباپیاده میکشیدیم گذشته بطلوع صبح بوادی ئیکه به (قوفینتسه) فرومی آمدرسیدیم . درین آوان از استقامت جنوب غربی صدا های طوپ شنیده میشد .

« در وسط راه (سیانسانتدی) و (چاندا اوپو) به قزاقهای (غره قوف) بر آمدم . از یك افسر این قزاقها این خبر را گرفتم که ژاپانها بکمال جدیت بر جناح راست مفرزهٔ شرق ما بر حرکات احاطه دوام میورزند ، واگرچه بعضی قطعات پیاده بمقابل آنها فرستاده شده ولی هیچ فایده نکرده است .

« براستی که از انطرف یك ولولهٔ شدید آتش تفنگ هم شنیده میشد . وقتی که این خبر را گرفتم برین قرار دادم که در پهلوی حرکت احاطهٔ دشمن خودرا بیندازم . وبنابرین مقصد استقامت (پاوشوغو) را گرفتم .

« در حالتی که از هر طرف خود با کشاف ها محاط بودیم از یك چقورئی واسع سیل برده گی راه میزدیم . غند پیاده وطرب سواری به اینصورت به جهت شرقئی ده واصل شد . تپهٔ که در عقب آن بودیم از طرف قطعات مفرزهٔ (غره قوف) اشغال شده بود . طوپخانهٔ ما از چقورئی سیل برده گی گذشته نتوانست . منهم آن را در زیر حمایهٔ نیم طرب به پس فرستادن مجبور شدم .

« خودم بر تپه بالا برامده و ضعیت محاربه را دیدم . ژاپانها بحال یك خط درازی جناح راست مفرزهٔ شرق ما را تیر شده بودند . درمقابل آنها بجز یکچند قطعه پیادهٔ بی اهمیتی دگر کسی نمانده بود . درینوقت هردو طرف یعنی روسها وژاپانها در وادئی شرق (پاوشوغو) بودند . یعنی جبههٔ قطعات ژاپان بر جبههٔ مفرزهٔ شرق ما عمود افتاده بود .

« فکر کردم که بناگهان پیدا شدن ما ازین جهت البته ژاپانها را بیك تلاش و اضطراب میاندازد . لهذا ازین فکر خود استفاده کردن خواستم . وهم برین قرار دادم که تنها بمقاومت کردن ومانع شدن حرکت احاطهٔ ژاپانها کفایت نکرده بیك تعرض شدتناکی قیام نمایم .

« سه کندك خودرا بر خط نخستین تعیین کرده یك کندك را در احتیاط گذا

شتم . مفرزهٔ کشف خودرا بجهت غرب وادئی (پاوشوغو) فرستادم . طرب سواری را برستر کردن عقب خود امر نمودم . بعد ازانکه این کار ها تمام شد ، تقریباً بساعت (۱۱) به پیش وفتاری آغاز نهادم ، و خط بالای تپهٔ را که ما راستر کرده بود درگذشتم ، وبکمال سرعت بر جناح دشمن بیك تعرض شدیدی حمله بردم .

« ژاپانها ازین ظهور ناگهانی غیر منتظر ما متحیر مانده بسرعت تمام منتهاهای جناح چپ خودرا پس کشیدند ، وبرپایهٔ نخستین خودشان استناد داده به تشکیل دادن (قولنوق) تشبث کردند . اماتعرض بلافاصلهٔ شدت ناك کندك های ما ژاپانها را ازان پایه بلکه دوسه پایهٔ دیگر نیز به برکندن وپس انداختن موفق میشد .

« درین وقت ، مفرزهٔ کشف غند (زارایسیق) و مفرزهٔ کشف غند نشان انداز (۱۲)م از بغلهٔ غرب وادی بالا برامده ژاپانهارا بزیر آتش جناح چپ گرفتند . وازیکطرف دیگر طرب های مختلف غند(۱۲)م نیز بر تپه های شرق برامده از جناح راست نیز بر ژاپانها به آتش آغاز نهادند .

« ژاپانهاکه بااین آتش شدید ما از جناحهای خود متأثر شدند، واز جبههٔ خود نیز با آتش غند (زارایسیق) درزیر تضییق درامدند تاب آور مقاومت نشده بعد از کمی تیت و برك شده بفرار رو نهادند . ما هم متصل به آتش بسیار شدید آنها را تعقیب میکردیم .

« نشه و نشاط عسکر ما بدرجهٔ فوق العاده بود . درین اثنا دیدم که کندك احتیاط من به این حرکت عمومی گرویده شده بخط پیش نخستین التحاق نمود . ازین مسئله به اندیشه افتاده ماندم پنج طربی که جناح راست مفرزهٔ مرا تشکیل داده بود جمع کرده سراز نویك احتیاطی تشکیل دادم زیرا ترسیدم که

قطعات تازه دم دشمن از جبههٔ غربی ظهور نکنند، ویکی یکباریك عکس عمل بظهور نرسد .

« به اینصورت همه جناحهای ژاپانیها که به احاطه مامور بودند بقوت غند ما وغند (زارایسیق) بعقب رانده شدند . غند مادیگر قطارهای دشمن را که در دیگر طرف راه (طاشیغو) دیده بودند در زیر آتش شدت ناکی به میده کردن دوام نموده تابو قتیکه تاریکئی شب جهان را فرامیگرفت در (تاشیغو) بماندند . وقتیکه شب سراسر حلول نمود همه غندرا گرفته به (پاوشوغو) بردم ، ودرانجا برای بجا آوردن وظیفهٔ خود که عبارت، ازمنع نمودن حرکت احاطهٔ دشمن و جناح راست ،فرزهٔ شرق خودمان راستر و تامین کردن بود، منتظر شدم .

« در نمحار به غند ما (۳)افسر ، و(۱۳۵) نفر تلفات داده بود ، ژاپان ها در میدان محاربه بسیار تلفات داده بودند . حتی در بعضی چقوریها کشته های شان برروی همدیگر خرمن شده افتاده بودند .

« سبب یگانهٔ این کم تلفاتی ما ، وبیش تلفاتی ژاپانها ازین بود که تعرض ما غیر منتظر وناگهانی بوقوع آمد . وبر جناح دشمن موافق یك استقامت تعرض انتخاب کردیم ، وسبب کلی این بود که درعقب جناح ژاپان احتیاط کافی موجود نبود .

« برای دانستن درجهٔ قوت آتش خود ما همین کافیست که درهمین روز محاربه وروز دیگر آن تنها غند (زارایسیق) (۱۵۸۲۰۰) کارتوس سوخته نده بودند . »

این حکایهٔ برگد (مارتینوف) سراسر از استفاده هاملوست . بزرگترین خطا هائیکه درطرف ژاپانها دیده میشود این است که درعقب جناح خط اول خود احتیاط نگذاشته اند . این خطا در پیش یك حادثهٔ غیر منتظر نتیجهٔ

حرکت نتوانستن راتولید نمود . و دیگراینکه درجناحهای نهلکه ناك خود سواری نیز نکذا شته بودندکه آنهم موجب حاضر کردن این نتیجه شایان دقت کردید .

ازحرکات روسها میبینم که یکقطعهٔ تازه دمیکه دریك جناح بازوبی حمایهٔ دشمن بناگهانی ظهورکند، وازاراضی بصورت ماهرانه استفاده کند بر استحصال چسان نتیجهٔ قطعی بقتدرمیشود .

برکد (مارتینوف) درباب احتیاط نیزخیلی عاقلانه اندیشیده چونکه اول احتیاج قطعی خودرابه احتیاط بخوبی اندیشیده برای مبادااحتیاط جدا کرده، وچون آن احتیاط ازدستش برامده ماندم درائنای حرب یك احتیاط دیگرتشکیل داده است .

اینهم ظاهر میشودکه درعین اراضی جزؤنامهای مختلفی که حرکت میکنند هرکاه در مابین شان وفاق و ارتباط باشد ، و یکی بدیکرمعاونت و اشتراك سعی وغیرت برساند چقدراهمیت حربیه را بالامیکند .

موجود نبودن احتیاط برای ژاپانها درنمحاربه موجب فلاکت کردید . زیرا بعدازین مشکلات عظیمه نیکه درباب حرکت احاطه اجرا کردندومعناً ومادةً مانده وخسته شده افتادند بمقابل یك تعرض مقابل بجزاحتیاط تازه دم دکرچیزی نبودکه ایشانرادرموضعهابی که بجان کنی هابدست آورده بودند ثابت ومحکم بتواند . اکردرعقب یك احتیاط مکمل موجود میبودبه تقویهٔ آن احتیاط بازعساکررجعت کنندهٔ خودرابه یك موجهٔ اراضی محکم کرده بهجوم سوق وشوق پیدا میتوانستند .

(قطع محاربه)

کیفیت قطع محاربه که درصورت عمومیه خیلی نازك یك کیفیتی شمرده

میشود ، اما هرگاه درمیان قطعات انتظام غائب نشده باشد ، وبسیارمتأثر وماندہ هم نشده باشنددرچنان زمانهامی بینیم که این کیفیت به آسانی اجراشده میتواند . چنانچه درمحاربه های (سی هوهان) و (په ن سیهو) ، و (شا حو) مثالهای بسیاری درباب این کیفیت درحرکات رجعیه موجوداست .

برای بریده توانستن محاربه رابه آسانی دراول امر بحمایهٔ یك طوپچی احتیاج دارد که از اول درعقب بیك موضع حمایه جابجا کرده شود . وهم بحمایه کردن قدمه های مختلف که مشترکاً یکدیگرخود شانرا محافظه کنند نیز عین نتیجه حاصل میشود .

دربدایت حرب روسهابریدن محاربه رایعنی باختیارخودمحاربه رابریده کار رجعت کردنرانمیدانستند ، ونمیتوانستند ایحال بسیاربار هاسبب تلفات عظیم شان گردیده بود . در (یالو) و (وا فانقو) تلفات عظیمهٔ شان مثالهای واضح این است . این خطاها قسماً ازین پیش آمده که امررجعت بر طبع شان گوارانمی آمدکه اینهم یك حس غیرمعقولست .

جنرال (شتاکلبرغ) در باب محاربهٔ (وافانقو) راپوری که نوشته دران راپور خود صراحةً بیان شکایت کرده است که بعضی غند ها امررجعت را اجرا نکرده اند . اما روسها که ازین رجعت معقوله امتناع کرده اند نتیجهٔ آن برای شان بسیاروخیم گردیده است زیراباتلفات عظیمه ومدهشه شکست فاحش خورده اند .

(اهمیت وحدت درافسری)

هنگامیکه احتیاطها بمحاربه داخل شوند وعلی الخصوص که بصدمه روزها روزها دوام بکندارتباط تعبیوی درمیان جزؤنامهابرهم میخورد .

وقطعاتیکه برای یك حرکت اشتراك میورزند عبارت از قطعات جزؤ تامهای مختلف میباشد .

پس درچنین حالات اگرچه ازطرف قوماندان یك سررشتهٔ تنظیم هم نشده باشد لازم چنانست که هرکس بسعی ذاتی خود کوشش ورزند که بیك قوماندانی تابع شوند . قوماندانهای معیت درچنین اوقات خود بخود درزیر قوماندانئی یك افسر بزرگ که نزدیکتر باشد داخل شدنرا بایك سوق طبیعی حس میکنند . این حال دربسیار جاها . علی الخصوص برای قطعات پیاده که درنزدیکئی جنرال (ره ننقامف) وجنرال (میچه نقو) بمحاربه درامده بودند بکثرت واقعشده است .

وغیرازین برگد (سیوتیسکی) که بریکی ازغندهای لوی غند (۲۲) م مأمور بود در (۱٤) اوکتوبر بر همه قطعاتیکه به تعرض قطعی مأمور بود به قوماندانی مأمور شده بود که مفردات قطعات مذکور از قرار ذیل است :

غند (۸٦) م وملما نستراند . غند (۸۸) م پتروسکی . (۲) طوپخانه . (۲) طرب ازقاراقهای اورال . طابورهای مختلف که درعین اراضی پیش ازین بمحاربه چسپیده بودند .

در (۱٦) م اوکتوبر که برتپهٔ (یکه درخت) تعرض میشد قطعه های مختلف درزیر قوماندانی جنرال (پوتیلوف) داده شده بود .

والحاصل اهمیت وحدت قوماندانی نیزدرمحاربه بسیاراست که مثالهای آن درین حرب روس وژاپان بسیار دیده شد .

طرز محاربهٔ جزؤ تامهای بزرگ واستعمال احتیاطها

تابه ماه مارچ سنهٔ (۱۹۰۵) که سرافسرئی کل تول غندژاپان درعهدهٔ

جنرال (قوروپاتکین) بود دایما قطعات بسیار جسیمی برای احتیاط جدا میکرد واگر آن احتیاط ازدست میبرامد درحال دیگر احتیاط بجای آن جمع میکرد.

در محاربهٔ میدان (لیااویانغ) قول تول غندهای (۲)م و (۵)م سیبریا در ابتدای حرب برای احتیاط عمومی تفریق شده بودند. این احتیاطها هنوز در اثنای محاربات جبهه برخط آتش سوق شده ازدست برا نده بود. جنرال (قوروپاتکین) ازمواضع جنوبی حالاً هماندم قول تول غندهای (۱)م و (۳)م سیبریارا جمع کرده بطرف شرق شهر فرستاده بود. وبرای مقابلهٔ حرکت احاطهٔ جنرال (قوروکی) آن رادرزیردست داشته بود.

در (شاحو) جنرال (قوروپاتکین) دراول امر قول تول غند نخستین اوروپا را باقول تول غند (۸)م که نووارد شده بود برای احتیاط عمومی نگهداشته بود. برای تعرضهای شدت ناك (اوقو) و (نوجو) همین احتیاطها سوق وصرف شده است که بجای آنها (قوروپاتکین) بزودی تمام از تول غند شرق قول تول غند ها (۱)م و (۲)سیبریارا خواسته سراز نویك احتیاط عمومی تشکیل داده، ودر (شاحو) سعی وشدت آخرین ژاپانهارا باتعرضهای مقابل همین احتیاطها جلو گیری توانسته است.

در اثنای محاربهٔ (موکدن) احتیاط عمومی روسها از قرار ذیل بود:

در عقب مرکز تول غند (۲)م که تول غند جناح راست بود قول تول غند (۱) م سیبریا، ودرنهر (هونهو) که جنوبی (موکدن) است (۳) غبرك غند قول تول غند (۱۶)م موجود بودند. بسبب تعرضهای شدید جنرال (قوروکی) وجنرال (کاوامورا) قول تول غند نخستین سیبریا به بسیار زودی به تول غند (۱)م فرستاده شده بود. وچون بعد از کمی حرکت احاطهٔ جنرال (نوزی) ظاهر شد اقسام قول تول غند (۱۴)م نیز کاملاً برای تأمین جناح راست صرف شده بود.

جنرال (قوروپاتکین) درمقابل این وضعیت برای تشکیل دادن احتیاطهای نوهر چیزیکه کردنی بود کرد . وبجای آن قول تول غند (۱) م سیبر یارا که نو واردشده بود باز جلب نمود . جنرال (بیلدرلنغ) که مأمور این احتیاط بود دیگر قطعاتی که در تول غند مرکز بیکار بودند نیز درزیر قوماندهٔ خود گرفته این حرکت احاطهٔ جنرال (نوژی) راتوقیف واجرای رجعت تول غند روس را ممکن نمود .

در طرف ژاپان نهادرانثنای محاربه فکر وتصور احتیاطهای جسیم به بعضی تبدلات دوچارشده است .

در بدایت حرب بسببیکه عدداً زیاده فایق بودند احتیاطهای قوتناکی جدا کرده درعقب جناحهای خود جابجامیکردند، وبواسطهٔ آن دشمن خود رااز دوجناح به احاطه کردن میکوشیدند .

سر از ماه جولائی بسببی که نسبت عددیه درمابین هردوطرف برابر آمد طرز حرکت خود را که تاباآنوقت پیش گرفته بودند به تبدیل دادن مجبور شدند . وهمه قوتهای خود را بکارسوق ، وازجبههٔ بسیار بزرگی پیش قتا ری گرفتند . هر تول غند یك جبههٔ تعرض داشتند ، و این جبهه بسیار بزرگ بود . به اینصورت هر لوی غند ها را هدفهای خصوصی بود که برهمان هدفهای خود مستقلاً حرکت میکردند . حتی گاهی تول غند هانیز بمقابل هدفهای خود مستقلاً حرکت میکردند . هر قول برای خود یك احتیاط مخصوصی داشتندکه این احتیاط دروقت لزوم به مددرسانیدن قطعات همجوار خود مکلف بودند . تول غند ژاپان بمعاونت ومددرسانیدن قطعات مختلفه به یکدیگرشان ازسرتابپایك اهمیت عظمایی میدادند . اماباوجوداینهم درزیرقوماندهٔ مارشال (اویاما) جداکردن یك احتیاط عمومی بزرگ

خیلی شایان اهمیت دیده میشد. در اثنای جریان وقایع تول غندها بایکدیگر استناد میشد، و مستقلاً یکدیگر خود را تقویه میکردند. در ماه اوکتوبر در اثنای محاربانی که بر (شاحو) بوقوع میامد. یك قسم تول غند جنرال (قو وکی) به امداد تول غند جنرال (نوجو) آمد. در اثنای محاربات (موکدمن) (۳) لوی غند تول غند جنرال (اوقو) به تول غند جنرال (نوژی) برای معاونت داخل شد.

خلاصه طرز محاربهٔ ژاپان، به اساسهای مانوره های آخرئی المان مشابهت میرساند که این اساسها عبارت ازین بود که برنفس خود یك اعتماد قوی کردن، از هر وضعیت استفاده کرده دشمن را به آرزو و حرکات خود رام کردن، از همه جبهه یك تعرض شدتناکی نشان دادن، هر فرد همه قوت وقدرت خود را صرف واستعمال کرده وبمجاورهای خود امنیت عظیمه پرورانیدن.

اعتماد نفس و امنیت عظیمه برمجاورها بدرجهٔ که برگرفتن جبهه های بسیار فراخ جسارت بدهد زیاده بود. در هر جبههٔ تول غند بسیار فاصله ها گذاشته میشد واین فاصله بامفرزه های کوچك گرفته میشد، وبا این گونه اقتصادها وسرفه جوئیها با وجودیکه تفوق عددی هیچ نمیبود براحاطه کردن دو جناح دشمن موفقیت وکامیابی حاصل میشد.

این کارها به این ممکن میشد که هرقوماندانی که بهررتبهٔ بود چنانچه بر تصورات و اجراآت خود امنیت داشت برمادونهای خود نیز اعتماد فوق العادهٔ میپرورانید. این اعتماد متقابل در ژاپانها بدرجهٔ اتم موجود بود. به این اعتماد البته که قوت احتیاط کم میشد. زیرا درمابین اعتماد برقطعات، وقوت احتیاط یك نسبت موجود است، هرانقدر که برمعیت خود کمتر امنیت کرده

شود احتمال معروض شدن به احوال ناگهانی نیز بهمان قدر زیاده میشود . لهذا احتیاطی که برای ظهور آن احوال ناگهانی جدا میشود بهماندرجه بیشتر و برقوت شدنش لازم می آید .

ژاپانها از تعرضهای شدت ناك جبهه هیچ ترس واندیشه نمیکردند . این حال در (کینچو) ، و(پورآرتور) ، و(لیائویانغ) ، و(شاحو) درمحاربات میدانی که بوقوع آمده عیاناً تظاهرنمود .

ژاپانها دایما احاطه میپالیدند . واگردرین خصوص وسعت جبهه ازحد لزومئی آن بیشتر هم میشد ازانهم روگردان نمیشدند . ژاپانهاتااز (یالو) و (وافانقو) بهاین مانوره آغازکردند . در(لیائویانغ) قطارهای جناحهای چپ تول غند جنرال (اوقو) به احاطه کردن جناح راست تول غند روس کو شش میورزید . ودر عین زمان جنرال (قوروکی) به احاطه کردن جناح چپ تول غند روس سرگرم میبود . در(شاحو) جنرال (اوقو) بازبه تکرارکردن همین حرکات جهد وکوشش نمود . والحاصل محاربهٔ میدان (موکدن) نیز بر همین اساس و پلان بنا یافته بودکه هردوجناح روس رااحاطه کنند .

آمدیم برجبهه : جبههٔ ژاپانها درروزهای اول مارچ اینقدر واسع بود که از یك جناح تا بدیگرجناح (۱۴۰) کیلومترباز بود . امااینراهم بگوئیم که این افراطی که دردرازی جبهه رواداشته بودند ، وکافی نبودن احتیاط عمومی سبب یگانهٔ افتران نکردن نتیجهٔ قطعیهٔ محاربات (لیائویانغ) و(شاحو) گردید . ونزدیك بودکه بهمین سبب محاربهٔ میدان (موکدن) نیز به نتیجهٔ قطعیه منجر نشود .

محاربهٔ میدان (موکدن) یك مثال بسیارروشن ومبرهنیست که روسها به مانورهٔ ژاپانها چسان به یك تسلیمیت تمامی رام شده است ، چونکه یحکند

روز پیشتر از حرکات قطعیهٔ محاربه تعرضهائیکه برجناح چپ روسها اجرا کردند ، روسهارابه آن بازی داده نظردقت شانرا به آنطرف جلب کردند ، ومقصدیکانهٔ خودشانرا که حرکت احاطهٔ جنرال (نوژی) ازجناح راست بودبسررسانیدند .

به بینیدکه درینباب چگونه پلان ومانوره بکاربرده اند : چنانچه گفته شدکه ازطرف جناح چپ روسهارابه تعرضات شدیدهٔ خودمشغول ساخته بودند ، درمرکزنیزازطرف تول غند جنرال (نوجو) بمددکاری طوپهای سنگین چاپ بزرگ که از (پورآرتور) آورده شده بود بومباردمانهای شدیداجرا ، وبحمایهٔ آن هجومهای شدتناك جبهه راپیش میبردند . اگرچه این هجومهای جبهه همه گی ازطرف روسهادفع گردید ؛ ولی هرانقدرعسکری که درمرکزتول غند روس موجودبود همه گی درجای خود میخ شده ماندند که اصل مقصدژاپانهاهم همین بود . درعین زمان جنرال (اوقو) نیزازهر دوساحل نهر (هونهو) بشدت پیش شده روسهارادرموقع خودشان ثابت قدم نمود . وبرجعت کردن مجبورشان میساخت .

درین اثنابرای اصل مقصدکه عبارت ازحرکت تول غند احاطهٔ جنرال (نوژی) از طرف جناح راست بود کوشش تمام ورزیده میشد . در اول برای ستراین تول غند صنف سواری که باطوپخانه هاومترالیوزهاویکمقدار پیاده تقویه شده بود بجانب غرب (موکدن) فرستاده شده بود . برای مقابله ودفع این احاطه دراول امربدست جنرال (قوروپاتکین) یك قوتی موجودنبود . زیراقوتهای اورااز هرطرف ژاپانها بکار گرفتارکرده بودند . امابمشکلات بسیارعظیم بعدازچند روزیك قوتی که احاطه راتوقیف بتواند جمع نمود . جنرال (قوروپاتکین) درین اثنامیخواست که تول غند مانده و

بیتاب جنرال (نوزی) رابیك عودت تعرضیهٔ بسیار شدید محو نماید ، وهمه حاضری آنرا هم کامل نموده بود . اما چون دید که از طرف دیگر درهٔ (قوزیان) بدست یکی از پیشدار های تول غند جنرال (قوروکی) درامد ، و (قوروکی) ازان دره بشدت خود را درافگنده خط رجعت مرکز روس را تهدید نمود از همه چیز درگذشته در شب (۹)م ماه خالی کردن (موکدهن) ورجعت کردن را بر (تیه لینغ) امر نمود .

شایان حیرت اینست که در (موکدهن) ژاپانها عدداً بر روسها هیچ افزونئی نداشتند . اما درخط آتش حرب روسها قطعات عسکریهٔ ژاپانرا بیك کثرت وتفوقی دیده بودند که هیچ امید آن را نداشتند . ژاپانها برای بردن بازنی شطرنج جنگ همه قوت های خودشان را صرف کرده بودند؛ وهمه چیز خود را فدا ساخته بودند ، آخرترین طوپ ها وتفنگ های خود شان را بخط آتش دراورده بودند ، عقب های خط محاربه را سراسر خالی کرده بودند اساس اینگونه پلانهای جرأتکارانهٔ ژاپانها از عطالت و سستئی روسها پیش آمده بود .

این حرب از سرتا به آخر بتأثیرات معنویهٔ تعرض تعبیه وی وسوق الجیشی بدست آمده است . این حرب درباب نتایج درخشان مسلك تعرضی برای تاریخ حرب مقنع و مسکت یك نمونهٔ بیمانندیست . درحرکت پیش رفتاری اگر یك ناکامیابی هم پیش شود بهمه حال بایك کامیابی دیگر تلافی میشود . امادرمدافعهٔ مطلقه هرگاه یکبار یك رخنهٔ پیدا شود همهٔ خط سقوط میکند که اینحرب سنهٔ (۱۹۰۵) اینمسئله را بکمال صراحت اثبات کرده است .

پیش ازانکه اثر خودرا اکمال نمائیم درباب تول غندهای طرفین معلومات خودرا اکمال کردن میخواهیم :

قیمت دار ترین درس این حرب ژاپان وروس همین است که اساس یگانهٔ فتح و ظفر تنها عبارت از تکملات اسلحه ، وتجهیزات ، وصنایع جدیده نیست ؛ بلکه مهمترین ونخستین ترین عنصر حرب (انسان) است . زیرا در هر حال و هر وضعیت در هر صفحهٔ محاربه مهمترین تأثیری که اجرا کرده است همانا عناصر ومؤثرات معنویهٔ انسان است .

دلاوری وفداکاری از خصایل لازمهٔ حربست : امادر افسوس که اینها کافی نیست . هرگاه از این یك هر کس مطمئن باشد که تربیهٔ عسکریهٔ همهٔ اقسام تول غند بدرجهٔ کفایه است درانحال این قوهٔ معنویه واعتماد که شرط الزم موفقیت است حاصل میشود .

هر قوماندان که به اوا طاعت کرده میشود از همین است که عسکر بر و اعتماد تام دارند . وچون قوماندان از این ایمن شد که عسکرش بر و همین اعتماد را دارد فدا کردن حیات هزار ها انسان را طلب کرده میتواند . عسکرها نیز چون دانستند که برای استحصال مقصد حرب به این ضایعات لزوم واحتیاج است بوظیفه های خودشان چابکی میورزند . در تول غند ژاپان این اعتماد وقوهٔ معنویه بدرجهٔ مطلوب ، ودر روسها مفقود بود .

افراد وافسران روس ، چون از اقتدار قوماندانهای خودشان امین نبودند در خصوص بجا آوردن وظیفهٔ خودشان یك سرعت وچابکی بر هیجا نی نشان نمیدادند . چونکه فداکاری که برایشان امر میشد آنرا بی فائده و بی لزوم میشمردند . در یك کتابی که بعد از فن حرب ، در روسیه نشر شده احوال فکریه و روحیهٔ افسران و افراد روس دران تصویر شده است . درین اثر مذکور مینویسد :

« که درمیدان محاربه در یك سپر شکاری ئیکه در یك نقطهٔ تنها ومتروکی

واقعشده یك مقدار عسکر روس بایك افسر برای محافظه گذاشته شده بود .
پرین سپرشکاری از طرف ژاپانها متصل یك باران گله همیبارید . کسانیکه
ادنا سر خود را از سپر بالا میکردند هماندم کشته میشدند . افسریکه در سپرشکا
ری بود در بودن خود و قطعهٔ عسکریهٔ خود درین سپرتك وتنها هیچ فائده
ومقصدی نمیدید این افسر به هراسان خود میگفت : « هرگاه جنرال (سقو
یله ف) زنده میبود و بمن میگفت که : (کپتان ! تولی خودرا بصف نظام
حرب دراورده در زیر این آتش دشمن به خطوهٔ موزونه پیش ببر . » من
این امررا هماندم بجامی آوردم ، چونکه میدانستم که برای استحصال یك مقصد
به این فداکاری ما لزوم دیده . حالا آنکه دریغجا ازین ضایعات ما هیچ یك مقصد
وفایدهٔ تصور نمیکنم . ما در نجا بیهوده کشته میشویم ، وقوماندانهای مادرا
نطرف ، یعنی بیرون از دایرهٔ تأثیر دشمن بکمال استراحت وخاطرجمعی به راپور
نویسی مشغول میباشند . اینست که ما برای پرشدن راپور آنها کشته میشویم . »

پس در یك تول غندکه اینچنین افکار وحسیات ظهور نماید ، قوهٔ معنویهٔ
آن تول غند تمامها خلل پذیرشده میباشد که عاقبتهای الماانگیزی که ازان حاصل
میشود این احوال فجیعهٔ روس نمونهٔ مثال خوبی تشکیل داده است .

یك افسر دیگر روسی نیز درحق هیئت قوماندای روس در اخبار (میلتر
ووخن بلات) این تفصیلات شایان حیرت رادرج کرده است :

« در سر اداره وکار تول غند روس ، قوماندانهائیکه اقتدار حقیقی عسکری
را مالك باشند موجود نبود ، بلکه کاتبها یعنی میرزاها موجود بود . این قوما
ندان ها بسببی که به اقتدار دادن یك امر قطعی مالك نبودند از بهر آنکه از بازخوا
ست رهایی یابند از حد زیاده اوامر و تعلیمات عمومی میدادند تا معلوم کنند که آنچه
از دست شان آمده دران قصور نکرده اند . هرکاررا به زیردستان خود میکر

دند ، وازانها کار های غیر قابل اجرا طلب میکردند . در اثنای محاربه نیز معا ملات قلمیه وکارهای نویسنده گی بدرجهٔ بسیار بود که افسران کوچك برای خلاص شدن ازین کارهای بی انتهای نویسنده گی محاربه کردن را از برگله های دشمن ترجیح میکردند . چونکه بمجردیکه محاربه به انجام میرسید افسران خودرا درپیش یك (بومباردمان اوراق) مییافتند . درنظر آنها (بومباردمان گله) ازین کارهای بیپایان اوراق نویسی زیاده ترقابل تحمل مینمود . »

(حس اعتمادمشترك) یعنی که یك بردیگر اعتماد خود را بدانند . ازلوازمات کلی فتح وظفر شمرده میشود که آنهم به این حاصل میشود که هرعسکر اول بر خود وقوت خود اعتماد تام داشته باشد ، و براقتدار عسکری وفکر تعیینی قطعات هم جوار خود نیز مطمئن باشد که دروقت تهلکه برای محافظ وحمایهٔ اوبرگونه فداکاری حاضر و آماده میباشند . ازین نقطهٔ نظر میباید که درابتدای محاربه احتیاطهائیکه هنوز شناخته نشده باشند وعلی الخصوص افسران کوچك ، و افسران که نوبه تول غند داخل میشوند به این حس آن هارا بزودی عادت بدهند یکی از استاد های صنعت حرب زمان مارشال (بوژو) ی فرانسوی گفته است :

« تابوقتیکه افراد از یك دیگ مدت مدیدی نان نخورند ، یك قطعهٔ عسکریه مکمل شمرده نمیشود »

کپتان (قامپه ریو) که بصفت اتاشه میلتری حکومت ایتالیا در تول غند روس بود دریك اثر خود عسکر روس وژاپان را بایکدیگر مقایسه کرده باینصورت بیان مطالعات نموده است :

« در تول غند روس یك خصلتی که موجب شرف وافتخار یگانه میباشد این است که به مقابل تهلکه مرگ بی قید میباشند . نفر ئی روس برای اثبات کر دن نه ترسیدن خود از مرگ بمردن میرود . روسها حقیقتاً درین محاربه دایما

اثبات کرده اند که از مرگ نترسیده اند ومرده اند .

« آمدیم بر ژاپانها : اینها همهٔ سعی وکوشش شان تنها برای حاصل کردن یك هدف مقصود معطوفست : که آنهم عبارت از محو کردن دشمن و خط رجعت شان را بریدنست .

« برای استحصال کردن این مقصد هر ژاپانی از همه وسایط واز همه معلومات استفاده کرده بمغلوب کردن ومحو نمودن دشمن کوشش میورزد . این است که در مابین این هردو تول غند فرقهای اساسی عبارت از همین است که گفته شد .

« جسارت ودلاوریکه ژاپانها بکار برده اند مانند روسها عبارت از یك جسارت بی فائده وبی نتیجهٔ غیر معقول نبوده ؛ بلکه بریك احتیاط ودور بینی مفرط بنا یا فته خیلی عاقلانه وفداکارانه یك جسارتی بود . ژاپانها تاکه ممکن میشد از مصادمهٔ اسلحهٔ جارحه احتراز میکردند ، جنرال های شان در موقع های محفوظ میبودند . افسران خود شان را کم اظهار میکردند . اما این محفوظی وکم اظهاری شان برفکر تمرضی فوق العادهٔ وبدرجهٔ شایان حیرت حقیر شمردن موت شان هیچ یك تأثیر بدی اجرا نمی کرده است . »

اخبار (روسکی انوالید) از تعلیمنامهٔ جنرال (اوقو) این معلومات ذیل را نقل کرده است :

« نکتهٔ (ظفر) عبارت از همین است که برای واصل شدن بیك هدف مقصود یکه تصور شده باشد جسارت ، مقاومت ، ثبات نشان داده شود . آمرها به مادون های خود باید بدانانند که ادنا پس ماندن ، ادنا تردد وبی عزمی ضایعات را افزونی میدهد ، و وصول به هدف را پس میاندازد . وعزم وثبات و متانت وغیرت ضایعات را تنقیص وسعیهارا تسهیل میکنند . بنابرین بهیچ مشکلاتی مغلوب نشده تابوقتیکه هدف مقصود استحصال شود عنودانه ثبات

کارانه پیش رفته باید شود . »

این عبارهٔ جنرال (بونال) فرانسوی نیز این فکر را تأئید و اثبات میکند:

« در اثنای هجوم (زدان) خونست . »

نتیجه

ازین مطالعات یك نتیجهٔ ابدی الحکم استنتاج میشود که آنهم عبارت ازین است : (برای مظفر شدن صاحب عزم قوی مظفریت شدن لازم است .) اساس یگانه و شرط و نتیجهٔ اعظم این (عزم مظفر شدن) عبارت از (تعرض) است . وفایدهٔ مهم اینتعرض همین است که دشمن را به تضییق و فشار عزم و ارادهٔ قوی خود که بران متوجه نموده تابع بسازد ، و برای خود آزادی ، واستقلالیت حرکت حاصل بکنند . تعرضهای خون آلود جنرال (توجو) ، وجنرال (اوقو) که از جبههٔ جناح راست در محاربهٔ (لیائویانغ) اجرا کرده اند ، وتعرضهای مقابل پرتلفاتیکه در محاربه های (شاحو) و (سانده پو) بر تمام جبهه از طرف ژاپانها اجرا کرده شده . وهمه وقایع حربیه که محاربهٔ (مو کدن) ، و (پور آرتور) را تشکیل داده دلایل و براهین این (عزم قوئی مظفر یت) را نشان میدهد . اما اینهم از واجبات است که هیئت قوماندا به تأثیرات بعضی حسیات تابع نشود ، واز ضایعات و تلفات هر قدر که بسیار هم باشد احتراز نکنند ، وهیچ چیزی را دریغ نکرده هر گاه لازم شود آخر ترین نفرئی خود را نیز به آتش اشتراك بدهد و برین کارها بکمال جدیت و اهمیت عازم و ثابت باشد .

بخوبی باید دانست که شاهد دل آرای (مظفریت) دایما به معندها . و بصاحبان عزم قوی ، و بکسانیکه بر تعرض اقدام نموده یك هدف حقیقی را تعقیب کنند ، والحاصل بهمان کسانیکه حقیقتاً مظفریت را آرزو داشته باشند توجه میکند . تول غند مغلوب همان تول غندیست که مغلوب شدن خود را گمان کند والسلام .

تمت باالخیر

عرض شکران واعتذار مترجم

بحضرت ذات اقدس متعهم کائنات جل شانه هزار هزار حمد وثنا میکنم که این عبد اعجز احقر را بر تمام نمودن ترجمهٔ این اثر گرانبهای بزرگ موفق و کامیاب نمود .

مدت سه سال کامل است که در راه ترجمهٔ این کتاب فوائد انتساب بجان کو شش ورزیده ام تا آنکه بیاری باری آن را بانجام رسانیدم . اما در اثنای ترجمهٔ این کتاب یعنی در ظرف این سه سالی که بترجمهٔ این پنج جلد کتاب (تاریخ حرب روس وژاپان) مشغول بوده ام سه چهار کتاب دیگر را نیز ترجمه و تالیف نموده ام که آنها هم عبارت از اینهاست :

۱) سیاحت بر دور ادور زمین بهشتاد روز ،

۲) سیاحت در جو هوا ،

۳) مختصر جغرافیای عمومی

٤) مکمل و مفصل جغرافیای عمومی

حال آنکه اصل ترکیبی این کتاب را سه چار نفر از افسران و متفنان نامدار عثمانی در ظرف سه سال از زبانهای المانی ، وفرانسوی ، وانگلیزی ، وروسی برای استفاده واستفاضهٔ تول ملت دولت خود ترجمه کرده اند . فوائد بی انتهائیکه از مطالعهٔ این (تاریخ حرب) برای عالم عسکری حاصل میشود قابل انکار نیست ولی چون این عبد عاجز اولا از صنف جلیل عسکری نیستم وثانیاً در دولت

مقدسهٔ متبوعهٔ ما چون هنوز در باب تعبیرات و اصطلاحات فنون حربیه یك سررشته و انتظام منتظمی وضع نشده از اثر و بمقابل لغات و تعبیرات عسکریه و فنیهٔ تحریریه یك تعبیری نیافته همان تعبیرات و لغاتیکه در اصل کتاب بوده عیناً نوشته شده که از بینسبب طرز ترجمهٔ ما یکقدری مغلق و پیچیده بنظر میخورد.

مثلا تعبیر (تعبیه) یا (سوق الجیش) و امثال آنها چنان چیزهای نیست که مقابل آنرا در زبان عسکری ملك خود ما پیدا بتوانیم. زیرا (تعبیه) یك فن معتنای مستقل عسکریست که کتابهای مدون سیصد و چارصد صفحه‌یی دران باب نوشته شده ترجمهٔ آن بیکدو کلمه ادا کرده نمیشود. (سوق الجیش) نیز همچنین.

حال آنکه در زبان فارسی یا افغانی ما هنوز در بن باب هانه یك کتابی موجود است و نه یك تعبیری!. دیگر اینکه زبان فارسی نسبت بعربی خیلی تنگ و کم وسعت یك زبانیست. پس هرگاه در طرز تحریر؛ کلمات عربی استعمال نشود افادهٔ مرام بلغات فارسی محض ادا نمیشود. مگر که انسان رایك ملکه و اقتداری مانند (فردوسی) باشد!!...

لهذا بکمال عجز و انکسار عرض اعتذار مینمایم که اگر در بنباب حسب البشریه نقصان و قصوری پیش شده باشد نظر خطاپوش ارباب عرفان آن را ستر و عفو فرمایند. (مطبعهٔ عنایت) که تأسیس یافتهٔ عرفان دوستی ذات عالی شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت (سردار عنایت الله خان معین السلطنه) افخم است، به طبع و نشر اینگونه آثار نافعه الحق که یك حق امتنان و تشکر عظیمی را سزاوار است. از بارگاه خالق کائنات این مؤسسهٔ نافعه را با مؤسس معرفت شعارش پایدار میخواهیم.

انتها

(المترجم)

محمود طرزی افغانی